



# سلوک محمدی

راهکارهای عملی برای تربیت مهدوی

■ مهدی شناسی ■ مهدی محبتی ■ مهدی باوری ■ مهدی یآوری ■ مهدی ولایی



محمدباقر حیدری کاشانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# سلوک مهدوی

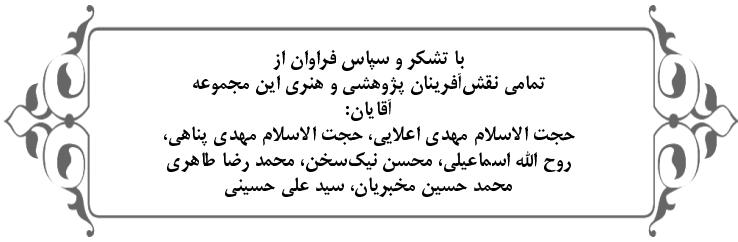
## راهکارهای عملی برای تربیت مهدوی

محمدباقر حیدری کاشانی



قم - بلوار ۱۵ خرداد - کوچه ۹ - پلاک ۱۱  
تلفن و نمابر: ۰۲۵۱ - ۷۷۸۷۷۶۲  
[www.hamahd.ir](http://www.hamahd.ir)

پدیدآورنده	: حیدری، محمد باقر، ۱۳۵۴ -
عنوان	: سلوک مهدوی: راه کارهای عملی برای تربیت مهدوی
تکرار نام پدیدآورنده	: محمد باقر حیدری کاشانی
مشخصات نشر	: قم: سبط النبی ﷺ، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری	: ۲۸۰ ص.
شابک	: ISBN 978-600-8519-69-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیا.
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۲۷۵]، ۲۸۰؛ همچنین به صورت زیرنویس
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -
موضوع	: مهدویت.
موضوع	: مهدویت - انتظار
شناسه افزوده	: کانون طلوعه ظهور
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۶، خ ۹ س ۲۳۴/۸ BP
رده بندی دیوبندی	: ۲۹۷/۴۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۱-۵۸۹۱



**سلوک مهدوی**  
راه کارهای عملی برای تربیت مهدوی

- ناشر:
- مؤلف:
- چاپ:
- شمارگان:
- شابک:
- قیمت:
- سبط النبی ﷺ
- محمد باقر حیدری کاشانی
- سوم / ۱۳۹۰
- ۵۰۰۰
- ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۱۹-۶۹-۱۳
- ۳۵۰۰ تومان

مرکز پخش: قم، خیابان صفائیه، کوچه ممتاز، کوی فتحی، پلاک ۱۹  
تلفن: ۴-۷۷۴۵۰۷۳ \* فاکس: ۷۷۴۵۰۷۵ \* همراه: ۰۹۱۲۵۵۳۳۴۱۱  
صندوق پستی: ۱۱۳۳-۳۷۱۵۳

## فهرست مطالب

۱۵	..... طلیعه
۱۵	..... مهربان امیر مهر
<b>درس یکم: پیوند سلوک مهدوی با مهدی‌شناسی/ ۱۹</b>	
۲۰	..... مظلوم من!
۲۱	..... ضرورت سلوک مهدوی
۲۲	..... سلوک مهدوی، تنها راه سلوک الهی
۲۳	..... گام‌ها و مقام‌های سلوک مهدوی
۲۳	..... مهدی‌شناسی، نخستین گام سلوک مهدوی
۲۴	..... عرصه‌های مهدی‌شناسی
۲۷	..... ضرورت مهدی‌شناسی
۳۰	..... فضیلت مهدی‌شناسی
۳۱	..... اهمیت مهدی‌شناسی
۳۲	..... مهدی‌شناسی، تنها راه خداشناسی
۳۳	..... مهدی‌شناسی، روح خداپرستی
۳۴	..... مهدی‌شناسی، تنها راه دینداری
۳۶	..... مراتب مهدی‌شناسی
۳۶	..... معرفت عقلی و حصولی

## ۶ □ سلوک مهدوی

معرفت قلبی و حضوری ..... ۳۷

### درس دوم: مهدی‌شناسی در مقام معرفت (۱) / ۳۹

- ۴۰ ..... ای همیشه حاضر
- ۴۱ ..... مهدی علیه السلام، وجه خداوند
- ۴۲ ..... مهدی علیه السلام، حاضر و ناظر در همه جا
- ۴۳ ..... مهدی علیه السلام، نعمت باطنی خداوند
- ۴۳ ..... مهدی علیه السلام، چشم بینای خداوند
- ۴۵ ..... مهدی علیه السلام، عصا تمام موجودات
- ۴۵ ..... مهدی علیه السلام، خلاصه انبیا و عصا اوصیا
- ۴۷ ..... مهدی علیه السلام، وارث معجزات انبیا
- ۴۷ ..... مهدی علیه السلام، شبیه‌ترین به رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۴۸ ..... مهدی علیه السلام، آینه‌دار چهره و سیره محمدی
- ۴۹ ..... مهدی علیه السلام، هم‌سیره محمد و علی علیه السلام
- ۵۰ ..... مهدی علیه السلام، ودیعه دار حقیقت قرآن
- ۵۲ ..... حقیقت قرآن

### درس سوم: مهدی‌شناسی در مقام معرفت (۲) / ۵۳

- ۵۴ ..... بهار در پاییز
- ۵۵ ..... مهدی علیه السلام، رحمت فراگیر الهی
- ۵۶ ..... مهدی علیه السلام، امام مهر و محبت
- ۵۶ ..... مهدی علیه السلام، پدری مهربان
- ۵۷ ..... مهدی علیه السلام، مهربان‌تر از تمام پدران و مادران
- ۵۸ ..... روح مهر
- ۵۹ ..... مهدی علیه السلام، مهربان‌ترین نسبت به مردمان
- ۶۰ ..... مهدی علیه السلام، امام هدایت و تربیت
- ۶۱ ..... مهدی علیه السلام، محافظ و دعاگوی اهل ایمان
- ۶۲ ..... مهدی علیه السلام، استغفارکننده برای شیعیان
- ۶۳ ..... مهدی علیه السلام، رمز معرفت، برکت و حکمت
- ۶۴ ..... مهدی علیه السلام، توجه‌گاه اولیا
- ۶۵ ..... آزمون معرفت
- ۶۵ ..... داستان تشرف جناب شیخ علی حلاوی در شهر حله

## فهرست مطالب □ ۷

۶۵	در عتاب با امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۶۶	فراخوان چهل مرد برگزیده.....
۶۷	شب امتحان.....
۶۸	فرار یا قرار.....
۶۸	مقام امام زمان <small>علیه السلام</small> در حله.....
۶۹	امیر میخانه.....

### درس چهارم: مهدی محبی در مقام محبت / ۷۱

۷۲	در پشت این دریای بی ساحل.....
۷۳	مهدی محبی در قرآن.....
۷۵	مهدی محبی، نشانه پاکزادی.....
۷۶	خداوند، دوستدار مهدی محبان.....
۷۷	محبت مهدوی، محور تربیت ولایی.....
۷۸	پرتوافکنی در جهان با شراره عشق مهدوی.....
۷۹	عشق مهدی، نشان عشق خدا.....
۸۰	محبتی در اوج معرفت.....

### درس پنجم: مهدی باوری در مقام بصیرت / ۸۱

۸۲	دیده بصیرت.....
۸۳	مهدی باوری از منظر قرآنی.....
۸۴	فضیلت مهدی باوران.....
۸۵	جایگاه رفیع مهدی باوران.....
۸۶	عظمت ایمان مهدی باوران.....
۸۷	مهدی باوری، رمز سعادت و موفقیت.....
۸۸	مهدی باوری در متن زندگی.....
۸۹	مهدی باوری، از منظر عرفانی.....
۹۰	مهدی باوری از منظر اهل سنت.....
۹۲	مهدویت از منظر بزرگان اهل سنت.....
۹۴	منجی باوری در ادیان.....
۹۴	منجی باوری در زبور داوود.....
۹۵	منجی باوری در انجیل.....
۹۶	منجی باوری در تورات.....



## ۸ □ سلوک مهدوی

- ۹۷.....منجی باوری در کتاب اشعیاى نبی  
۹۸.....منجی باوری در آیین هندو

### درس ششم: مهدی باوری در مقام بصیرت (۱) / ۹۹

- ۱۰۰.....آهنین اراده و قوی دل  
۱۰۰.....نسل سلمان  
۱۰۱.....مهدی باوری، توصیه الهی  
۱۰۲.....مهدی باوری، آرزوی امامان علیهم السلام  
۱۰۳.....عزم به یاری سواری  
۱۰۴.....شعار مهدی باوران  
۱۰۵.....مهدی باوران، خداشناس و خدامحور  
۱۰۶.....مهدی باوران، امام سالار و ولایت مدار  
۱۰۷.....مهدی باوران، انیس و مونس قرآن  
۱۰۸.....مهدی باوران، در اوج اخلاق و پارسایی  
۱۰۹.....مهدی باوران، در نهایت صلابت و سختکوشی  
۱۱۰.....مهدی باوران، اسوه صبر و استقامت

### درس هفتم: مهدی باوری در مقام بصیرت (۲) / ۱۱۱

- ۱۱۲.....شوق شهادت  
۱۱۳.....مهدی باوران، جوان و جوان گرا  
۱۱۴.....مهدی باوران، عاشق شهادت در راه خدا  
۱۱۵.....آرزوی شهادت  
۱۱۵.....مهدی باوران، پارسایان شب و شیران روز  
۱۱۶.....مهدی باوران، پیروز در امتحانات الهی  
۱۱۷.....مهدی باوران، قاطع و استوار در برابر مشکلات  
۱۱۸.....مهدی باوران، آماده برای هرگونه مجاهدت  
۱۱۹.....مهدی باوران، در اوج نیروی روحی و بدنی  
۱۲۰.....مهدی باوران، قانع و ساده زیست  
۱۲۱.....مهدی باوران، آبادگر و عدالت گستر  
۱۲۲.....کران تا کران سبز

### درس هشتم: مهدی ولایی در مقام ولایت / ۱۲۳

- ۱۲۴.....دروازه نور

## فهرست مطالب □ ۹

۱۲۴.....	پیمان ولایت.....
۱۲۵.....	مهدی ولایی در قرآن.....
۱۲۷.....	ولایت مهدوی، ولایت الهی.....
۱۲۸.....	مهدی ولایی، تنها راه سلوک.....
۱۳۰.....	مهدی ولایی، راه لقاء الله.....
۱۳۱.....	مهدی <small>علیه السلام</small> ، ختم‌کننده ولایت محمدی.....
۱۳۲.....	ختم الاولیاء.....
۱۳۲.....	مهدی <small>علیه السلام</small> ، ختم‌کننده اسرار ولایت علوی.....
۱۳۳.....	مهدی <small>علیه السلام</small> ، عهده‌دار مقام تربیت.....
۱۳۷.....	تندیس آستان ولایت.....

### درس نهم: مهدی‌لقایی در مقام ولایت/ ۱۳۹

۱۴۰.....	دیدار یار.....
۱۴۰.....	رمز مهجوری.....
۱۴۱.....	بهشت، مشتاق دیدار مهدی <small>علیه السلام</small> .....
۱۴۲.....	مهدی <small>علیه السلام</small> ، شیفته دیدار اهل ایمان.....
۱۴۳.....	مهدی‌لقایی، امکان و معیار آن.....
۱۴۴.....	آرزوی دیدار.....
۱۴۵.....	مهدی‌لقایی، امکان و انواع آن.....
۱۴۶.....	مهدی‌لقایی بدون شناخت.....
۱۴۸.....	مهدی‌لقایی همراه با شناخت.....
۱۴۹.....	مهدی‌لقایی در لحظه مرگ.....
۱۵۱.....	برتر از ملاقات.....
۱۵۲.....	به تمنای آن طلعت آفتابی.....

### درس دهم: راه‌کارهای علمی سلوک مهدوی (۱)/ ۱۵۳

۱۵۴.....	تا بارانی نشوید.....
۱۵۴.....	انتظار موعود.....
۱۵۵.....	تقوا و پرهیزگاری.....
۱۵۶.....	دوری از هرچه که مایه نارضایتی اوست.....
۱۵۷.....	ای صد دله، دل یکدله کن!.....
۱۵۸.....	رها باید شد.....

## ۱۰ □ سلوک مهدوی

عمل براساس پارسایی و ارزش‌های اخلاقی.....	۱۵۸
تحصیل رضایت پروردگار.....	۱۵۹
تحصیل رضایت امام زمان <small>علیه السلام</small> .....	۱۶۰
وفای به عهد و پیمان امام زمان <small>علیه السلام</small> .....	۱۶۲
انتظار فرج در همه حال.....	۱۶۳
انتظار پویا، تعهدآور و سازنده.....	۱۶۴
تقلید از فقیه جامع شرایط.....	۱۶۵
گوش به فرمان ولی فقیه.....	۱۶۶
مرزبانی از دین و ایمان با جهاد علمی و فرهنگی.....	۱۶۸
دعوت مردم به سوی امام زمان <small>علیه السلام</small> .....	۱۶۹

### درس یازدهم: راه‌کارهای علمی سلوک مهدوی (۲)/۱۷۱

گل سوره یوسف.....	۱۷۲
انس و اتصال با قرآن.....	۱۷۳
تلاوت سوره اسراء در شب‌های جمعه.....	۱۷۵
تلاوت سوره‌های مسبّحات پیش از خواب.....	۱۷۶
دعا برای تعجیل فرج.....	۱۷۷
دعای فرج، رمز نجات در دوران غیبت.....	۱۷۸
ذکر صلوات پس از نمازهای واجب.....	۱۷۹
مداومت بر سحرخیزی و نماز شب.....	۱۸۱
مداومت بر دعای عهد (دعای نور).....	۱۸۲
مداومت بر دعای زمان غیبت (دعای طلب معرفت).....	۱۸۳
مداومت بر زیارت آل یاسین.....	۱۸۴
مداومت بر زیارت امین‌الله.....	۱۸۵
سلوک حسینی (دعای فرج پس از ذکر مصیبت).....	۱۸۶
مداومت بر زیارت عاشورا، نافله و زیارت جامعه.....	۱۸۶
مداومت بر زیارت ناحیه مقدسه.....	۱۸۸

### درس دوازدهم: سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان /۱۹۱

به خدا منتظر ماست!.....	۱۹۲
۱. علی‌بن‌مهزیار اهوازی.....	۱۹۳
۲. شیخ مفید.....	۱۹۸

## فهرست مطالب □ ۱۱

۲۰۰	زعامت شیعیان در سایه سار ولایت .....
۲۰۱	شیخ مفید و دریافت سی نامه از ناحیه امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۲۰۳	شیخ مفید و حفاظت ویژه مهدوی .....
۲۰۴	۳. علامه سید مهدی بحر العلوم .....
۲۰۴	دریای بی کران دانش .....
۲۰۵	در آغوش امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۲۰۶	دیدار در مکه معظمه .....
۲۰۸	۴. شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی .....
۲۰۸	ولادت در پرتو ولایت .....
۲۰۹	جامعیت علمی و عملی .....
۲۰۹	سیره سلوکی و تربیتی .....
۲۱۱	دریافت سرمایه حلال از دست امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۲۱۳	آرزوی خدمت به امام زمان <small>علیه السلام</small> در پایان عمر .....
۲۱۳	توصیه شیخ برای توفیق در سلوک مهدوی .....
۲۱۴	۵. علامه سید علی آقا قاضی طباطبایی .....
۲۱۴	مقام تشرف و حضور .....
۲۱۵	ز تو ما را گله ای نیست! .....
۲۱۶	راز وصال .....
۲۱۶	... برد به خورشید مرا .....
۲۱۷	با تندی اخلاق، تشرف هیئات! .....
۲۱۹	توصیه های ویژه آیت الله قاضی برای توفیق در سلوک مهدوی .....
۲۱۹	۱. انس شبانه روزی با قرآن .....
۲۱۹	۲. توسل به ساحت حضرت اباعبدالله <small>علیه السلام</small> .....
۲۲۰	۳. توسل به حضرت ابوالفضل العباس <small>علیه السلام</small> .....
۲۲۰	۴. نماز اول وقت .....
۲۲۱	۵. نماز شب .....
۲۲۱	۶. مراقبت و مداومت بر یاد خدا .....
۲۲۲	۶. علامه سید محمدحسین طباطبایی .....
۲۲۲	افتخار سربازی امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۲۲۳	مقام ادب و حضور .....
۲۲۴	رمز و راز وصال علامه طباطبایی .....

## ۱۲ □ سلوک مهدوی

۱. بر کران قرآن ..... ۲۲۴
۲. عشق و ارادت به ساحت ولایت ..... ۲۲۵
۳. توسل به ساحت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) ..... ۲۲۶
۴. مداومت بر زیارت عاشورا و زیارت جامعه کبیره ..... ۲۲۷
۵. زیارت امام رضا (ع) و توسل به ساحت رضوی ..... ۲۲۷
۶. اقامه عزاء در ایام فاطمیه ..... ۲۲۸
۷. آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی ..... ۲۲۸
- ز جام باده گلگون ..... ۲۲۸
- میرزا جواد آقا و اقتدا به امام زمان (ع) ..... ۲۲۹
- توصیه‌های میرزا جواد آقا برای توفیق در سلوک مهدوی ..... ۲۳۰
۸. میرزا مهدی اصفهانی ..... ۲۳۲
- بنیان‌گذار انقلاب و تحول عظیم علمی ..... ۲۳۲
- بارقه تشریف ..... ۲۳۲
- جامعیت کم‌نظیر ..... ۲۳۳
- تشریف عظیم در مسجد سهله ..... ۲۳۵
- تدارک تشریفی شفا بخش در حرم رضوی ..... ۲۳۶
- توصیه علامه میرزا مهدی اصفهانی درباره سلوک مهدوی ..... ۲۳۸
۹. شیخ مجتبی قزوینی ..... ۲۳۹
- دارای مقام تشریف ..... ۲۳۹
- سیره علمی و تربیتی ..... ۲۴۰
- تشریف در حرم رضوی ..... ۲۴۲
- توصیه‌های توفیق بخش در سلوک مهدوی ..... ۲۴۳
۱۰. آیت الله العظمی مرعشی نجفی ..... ۲۴۳
- در سهله و جمکران تو را می‌جویم! ..... ۲۴۵
- در حسرت آن طلعت آفتابی ..... ۲۵۲
۱۱. شیخ رجبعلی خیاط (نکوگویان) ..... ۲۵۲
- سراسر انتظار ..... ۲۵۳
- عنایت امام زمان (ع) به منتظران حقیقی ..... ۲۵۳
- توصیه‌های جناب شیخ برای توفیق در سلوک مهدوی ..... ۲۵۴
۱. اختصاص قلب به خدا ..... ۲۵۴
۲. دعا برای تعجیل فرج و کار برای امام زمان (ع) ..... ۲۵۵

### فهرست مطالب □ ۱۳

۲۵۵	۳. انس با قرآن.....
۲۵۶	شوق وصال در آخرین لحظه.....
۲۵۶	۱۲. شیخ مرتضی زاهد.....
۲۵۸	سیر و سلوک حسینی.....
۲۵۹	مقام تشرف و ارتباط با امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۲۵۹	منزل شیخ مرتضی، قدمگاه امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۲۶۰	در سایه سار سرپرستی امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۲۶۰	عنایت ویژه امام زمان <small>علیه السلام</small> به شیخ مرتضی زاهد.....
۲۶۲	۱۳. سید کریم پاره دوز.....
۲۶۲	راز تشرفات سید کریم.....
۲۶۳	رحلت سید کریم.....
۲۶۴	جلوه‌ای از تشرفات سید کریم.....
۲۶۴	دریافت حواله منزل به عنایت امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۲۶۶	دریافت حلوی بهشتی از دست امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۲۶۸	سید کریم و تشرف در صحن عبدالعظیم.....
۲۶۹	۱۴. شیخ عبدالزهره کعبی.....
۲۶۹	غلام حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> .....
۲۶۹	سلوک حسینی، رمز و راز وصال.....
۲۷۷	تشرف در صحن و سرای حسینی.....
۲۷۸	عنایت ویژه امام زمان <small>علیه السلام</small> به قصیده ابن‌عرندس.....
۲۸۰	ای بهار! کی ظهور می‌کنی؟.....
۲۸۲	فهرست منابع (کتابنامه).....



### طلیعه

ما از شراب یادت هر صبح و شام مستیم  
ما با تو در غزل‌ها پیمان عشق بستیم  
یک عمر بت‌پرستی کردیم آخر اما  
بت‌های نفس خود را با عشق تو شکستیم<sup>۱</sup>

### مهربان امیر مهر

وضویی زلال می‌گزارم تا نماز راز برپا کنم. قلبم را بر قلمی پاک می‌سپارم و  
برای او می‌نگارم: به نام پروردگار بهار، خداوندگار کوهسار، کردگار آبشار،  
نگارگر شکوفه‌ریزان، و بیدارگر درختان از برگ‌ریزان، به عنایت رحمان به عون  
رحیم، اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ...<sup>۲</sup>  
اینک از نور خدایی‌اش مدد می‌جویم. قلم را به ادب می‌گشایم و بر او و اسرار  
او سلام و درود می‌فرستم:

---

۱. محمدرضا اسدی.

۲. سعید مقدس.



## ۱۶ □ سلوک مهدوی

سلام بر مهدی! آن رحمت فراگیر؛<sup>۱</sup> همو که سرچشمه رحمت بی کران الهی است و تربیت شده جذبه‌های رحمانی.

سلام بر مهدی! آن بی کران امیر مهر؛ همو که در وسعت سینۀ مطهرش افق‌ها به چشم نمی‌آیند. کران تا به کران محبت است و رأفت، سواحل در سواحل عطوفت است و رحمت.

سلام بر مهدی! آن پدر مهربان! آن برادر همزاد! آن همدل همراه و آن پناه مردمان در حوادث هولناک.<sup>۲</sup>

ای حضورت حریم مهر!

ای ظهورت نسیم مهر!

مهربان امیر مهر!

بر تو تا بی کران سلام!

دریغا که در گوش ما همواره از قهر و انتقام تو گفته‌اند و ما را از شمشیر و جوی خون تو ترسانده‌اند و از مهر و عشق سرشار تو به انسان‌ها کمتر سروده‌اند؛ حال آن که قهر الهی تو، جلوه‌ای از مهر نامتناهی توست. هدف نهایی از ظهور تو، رساندن انسان به نهایت درجه عبودیت و معرفت الهی و فراگیرسازی مهر و محبت رحمانی است. شمشیر قهر و انتقام تو، برای از میان برداشتن معاندان و مستکبرانی است که بویی از مهر و محبت نبرده‌اند و فراگیر شدن رأفت و رحمت در جهان و رسیدن انسان به سعادت را بر نمی‌تابند. همانان که موانع مهرگستری در جهانند و باید با شمشیر قهر مهدوی که تجلی قهر الهی است، از میان بروند.

---

۱. فرازی از زیارت آل یاسین: «السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا... الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ» طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۲؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱، ح ۵.

۲. فرازی از حدیث امام رضا علیه السلام؛ کلینی، اصول کافی، ج ۱، باب نوادر، ص ۱۹۸، ح ۱؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰، ح ۴.

## طلیعه □ ۱۷

خواهرم، برادرم! بیا تا در سیر و سلوک مهدوی معرفت و شناخت خویش را نسبت به آن یگانه دوران و آن امیر مهربان ارتقا بخشیم و از خداوند متعال توفیق جرعه‌نوشی از جام محبت، معرفت، ولایت، رأفت و دعای خیر حضرتش را طلب نماییم.

... و دوست در چنین مرحله‌ای، نگاه نوازشگرش را آغاز می‌کند و آن‌جاست که وجودت را مست حضور می‌کند و با جلوه‌ای رحمانی از بند اسارت جلوه‌های رنگارنگ شیطانی رهایت می‌نماید.

آری، به ناگاه با یک جذبۀ و نگاه آغازت می‌کند؛ همان نگاه که تا و رای آسمان پروازت می‌دهد و تو را به جست و جوی نیمه دیگر وجودت، نه به جست و جوی تمام وجودت، وامی‌دارد؛ همان نگاه که سبک و رهایت می‌کند، دلیر و جسور می‌کند، شوق زندگی در رگ‌هایت می‌دمد و عطر خوش وصال را به مشام جانت می‌رساند.

پس از آن نگاه ناب، تمام رنگ‌های خیالی و تمام جلوه‌های دجالی، به یکباره در برابر جذبۀ هدایتگر او رنگ می‌بازد و از جلوه می‌افتد.

از آن لحظه به بعد، بی‌تاب رفتن می‌شوی؛ مثل باد بی‌نشان در همه‌جا، مثل ابر پیوسته در حال باریدن، مثل آب روان در حرکت مدام، مثل خاک در حال بارور شدن، مثل دانه در حال جوانه زدن، مثل گیاه در حال روئیدن، مثل گل در حال شکوفا شدن، و مثل پروانه شیدای زیبایی‌ها شدن!

... و سر آن جام در حیرت آغاز و آن جام آن نگاه می‌مانی! و باز هم نمی‌دانی آن راه طولانی چگونه با یک نگاه رحمانی، این همه کوتاه گشت!!

... چگونه زردها سبز شدند، نیلوفرها شکوفا شدند... و بهاری‌ترین فصل عمرت با نوید وصال در آن جام سلوک مهدوی آغاز گشت!!  
مراحل سلوک مهدوی، در پنج گام و مقام قابل پی‌گیری است:

## ۱۸ □ سلوک مهدوی

گام مهدی‌شناسی یا مقام معرفت مهدوی؛  
گام مهدی‌محبی یا مقام محبت مهدوی؛  
گام مهدی‌باوری یا مقام بصیرت مهدوی؛  
گام مهدی‌یاوری یا مقام نصرت مهدوی؛  
گام مهدی‌ولایی یا مقام ولایت مهدوی.

... و اینک این نوشتار رهیافتی است به مقام معرفت، محبت، بصیرت، نصرت و ولایت آن یگانه دوران که به همت کانون طلوع ظهور قم برای نخستین بار در قالب دوازده درس و در پنج گام مهدی‌شناسی، مهدی‌محبی، مهدی‌باوری، مهدی‌یاوری و مهدی‌ولایی، به محضر تمام دوستداران و دلدادگان حضرتش تقدیم می‌گردد. ... تا در محضر قدسی‌اش چه قبول افتد و چه در نظر آید.

محمدباقر حیدری کاشانی

سال همت و کار مضاعف

۱۳۸۹/۱۰/۹

روز بصیرت و میثاق با ولایت

---

درس یکم:

## پیوند سلوک مهدوی با مهدی شناسی

---

ضرورت سلوک مهدوی

سلوک مهدوی، تنها راه سلوک الهی

مهدی شناسی، نخستین گام سلوک مهدوی

عرصه های مهدی شناسی

ضرورت مهدی شناسی

فضیلت مهدی شناسی

اهمیت مهدی شناسی

مراتب مهدی شناسی

مظلوم من!

زیباترین!

چه قدر غریبی میان ما!

آخر چرا؟

انگار خفته ایم!

انگار مرده ایم! انگار رفته ای به بیابان بی کسی!

گویبی نشان نمانده از آن خیمه گاه نور!

شاید گسسته ای!

...نه! نه! ما تو را ز شهر تبعید کرده ایم!

ما دلبریده مردم از عشق ناامید!

آه ای فرید!

دل بسته ای چرا به شفق؟ مهربان رفیق!

...اشکم به پای تو

از جان دردمند بگویم برای تو

خورشید سبزپوش!

دلگیر و خسته ای؟!

مظلوم من!

نام تو زنده است!

اما تنهایی تو را این روزها

غروب هم از یاد برده است...<sup>۱</sup>

---

۱. مقدس، سعید، میثاق و سپیده (دریافتی از دعای شریف عهد).

### ضرورت سلوک مهدوی

امام رضا<sup>علیه السلام</sup>: «اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِنَا عَلِيَّ يَدِيهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى...»<sup>۱</sup> پروردگارا، ما را به دست او در راه هدایت، سلوک ده!

میانبرترین، کارآمدترین و مطمئن‌ترین شیوه‌های سلوکی - تربیتی را می‌بایست از ساحت مقدس انسان کامل جوید و با تمام توان به ساحت نورانی اش ره پوید؛ چراکه تمام عالم امکان، حول محور ولایت و تربیت او در گردش است. وجود نورانی و تکامل یافته او، سرچشمه جوشان زندگانی و ورودگاه ما به بارگاه هدایت و تربیت ویژه الهی است.

تنها راه مطمئن و کارآمد در سیر و سلوک الی الله و مسیر هدایت و تربیت الهی، منحصر در راه پذیرش ولایت و امامت امام زمان<sup>علیه السلام</sup> و سرسپردگی عملی به مقام هدایت و تربیت مهدوی است.

---

۱. شیخ طوسی، مصباح‌المتجهّد، ص ۴۰۹؛ سیدبن طاووس، جمال‌الاسبوع، ص ۵۰۶؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۳۳۲؛ فرازی از دعای مورد تأکید امام رضا<sup>علیه السلام</sup> برای امام زمان روحی فداه که جناب شیخ عباس قمی آن را در کتاب مفاتیح‌الجنان بلافاصله پس از دعای عهد ذکر فرموده است.

## ۲۲ □ سلوک مهدوی

بدین سان تنها راه هدایت و سعادت و تنها مسیر معنویت و نورانیت، قرار گرفتن در شعاع ولایت و هدایت مهدوی است که از این حقیقت با عنوان «سلوک مهدوی» یاد می‌کنیم.

### سلوک مهدوی، تنها راه سلوک الهی

فرازی از زیارت حضرت صاحب‌الامر علیه السلام: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَن سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ؛<sup>۱</sup> سلام بر تو ای راه خدا که هر کس به غیر از آن راه رود، هلاک می‌شود!

بایسته‌ترین و آراسته‌ترین شیوه عبودیت و بندگی، حرکت در مسیر ولایت امام زمان علیه السلام است. بدون ولایت او، تمام راه‌ها محکوم به شکست و هلاکت است. تنها راه هدایت و سعادت و تنها راه معنویت و نورانیت، قرار گرفتن تحت سرپرستی و ولایت امام زمان علیه السلام است؛ چنانچه در زیارت آن حضرت در سرداب مقدس چنین آمده است:

سلام بر تو ای درگاه خدا که هیچ کسی جز از آن به خدا نرسد، سلام بر تو ای راه خدا که هر کس در غیر آن راه پوید هلاک گردد... شهادت می‌دهم که تنها به ولایت تو تمام اعمال، پذیرفته و تمام افعال، پاک و رشد یافته می‌شوند. به ولایت توست که نیکی‌ها فزونی می‌یابد و بدی‌ها محو و نابود می‌گردد. پس هر که در روز واپسین به همراه ولایت تو و با اعتراف به امامت تو محشور گردد، اعمالش قبول و گفتارش تصدیق و نیکی‌هایش مضاعف و بدی‌هایش محو و نابود می‌گردد. و هر که از قلمرو ولایت تو بیرون رود و نسبت به تو جاهل باشد و غیر تو را برگزیند، خداوند او را به رو

---

۱. کفعمی، المصباح، ص ۴۹۵؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۹۸؛ محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، فرازی از زیارت حضرت صاحب‌الامر علیه السلام.

## پیوند سلوک مهدوی با مهدی‌شناسی □ ۲۳

به آتش بیفکند و از او هیچ عملی را نپذیرد و در روز قیامت بر او هیچ ارزش و مقداری نباشد.<sup>۱</sup>

بدین‌سان، سلوک مهدوی به معنای سرسپردگی عملی به آستان ولایت، هدایت و تربیت مهدوی، نه یک راه، نه مطمئن‌ترین راه، نه میانبرترین راه، بلکه «تنها راه» در مسیر سیر و سلوک الهی است؛ تا جایی که فرجام سلوک در هر راه و مسلکی به غیر از راه ولایت، هدایت و تربیت مهدوی، هلاک و شقاوت دنیوی و اخروی است.

### گام‌ها و مقام‌های سلوک مهدوی

برای تحقق عملی «سلوک مهدوی»، پیمودن پنج گام و مقام ضروری است:

۱. گام مهدی‌شناسی یا مقام معرفت مهدوی؛
  ۲. گام مهدی‌محبی یا مقام محبت مهدوی؛
  ۳. گام مهدی‌باوری یا مقام بصیرت مهدوی؛
  ۴. گام مهدی‌یاوری یا مقام نصرت مهدوی؛
  ۵. گام مهدی‌ولایی یا مقام ولایت مهدوی.
- بر این سامان، نخستین گام در سلوک مهدوی، گام تحصیل معرفت و باریابی به مقام مهدی‌شناسی است.

### مهدی‌شناسی، نخستین گام سلوک مهدوی

رسول الله ﷺ: «یا علیُّ، ... إِنَّكَ وَ الْأَوْصِيَاءُ عُرَفَاءُ لَا يُعْرِفُ اللهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِكُمْ؛<sup>۲</sup> ای علی، ... همانا تو و دیگر اوصیا (امامان معصوم علیهم‌السلام)، عرفایی هستید که خداوند جز از راه معرفت شما شناخته نمی‌شود».

۱. کفعمی، المصباح، ص ۴۹۵؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۹۸؛ محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، فرازی از زیارت حضرت صاحب‌الامر علیه‌السلام.

۲. صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۴۹۷؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۹۹.



## ۲۴ □ سلوک مهدوی

در سیر و سلوک الی الله، نخستین گام سلوکی، باریابی به سر منزل معرفت الله است که از آن به مقام «معرفت» یاد می‌کنیم.

از سوی دیگر، باریابی به مقام معرفت الهی جز از راه معرفت جلوه‌های جمال و جلال الهی میسر نیست. وجود نورانی امامان معصوم علیهم‌السلام، کامل‌ترین تجلیات جمال و جلال الهی هستند که معرفت کامل به مقام ربوبی جز از راه معرفت به مقام ایشان میسر نیست.

به دیگر سخن، پروردگار هستی از راه تجلیات و جلوه‌گری‌های جمالی و جلالی خویش، خودش را به آفریدگانش می‌شناساند و این در حالی است که کامل‌ترین و متعالی‌ترین جلوه‌های جمال و جلال الهی در حقیقت وجودی محمد و آل محمد علیهم‌السلام تجلی یافته است.

پس برای باریابی به مقام عرفان و معرفت الهی، راهی جز عرفان و معرفت به مقام عارفان حقیقی که همان پیامبر و امامان معصوم از آل پیامبرند، نداریم.

از آن‌جا که امام هر عصر و زمان، میراث‌دار کامل‌ترین جلوه‌های جمال و جلال الهی است، شناخت امام معصوم زمان، بهترین و میانبرترین راه خداشناسی خواهد بود.

از این روست که مهدی‌شناسی را گام بنیادین آغازین در مسیر سلوک الهی و مهدوی می‌دانیم.

### عرصه‌های مهدی‌شناسی

فرازی از درخواست پایانی زیارت جامعه کبیره: «أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ»<sup>۱</sup> پروردگارا، مرا در شمار عارفان به مقام و حق ایشان (اهل بیت علیهم‌السلام) قرار بده!

---

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۰۱؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۳۳.

زیارت جامعه کبیره را بحق می‌توان دانشگاه بزرگ امام‌شناسی نامید.

«زیارت جامعه کبیره» که در واقع «بزرگ‌ترین دانشگاه امام‌شناسی» است، میراث و یادگار مولایمان امام هادی علیه السلام است. بدین‌سان آن امام غریب را می‌توان بزرگ‌ترین مدرس و معلم امام‌شناسی برشمرد که گسترده‌ترین مدرس امام‌شناسی را در بستر تاریخ برپا کرده است. زیارت جامعه کبیره که از معتبرترین و ارزشمندترین گنجینه‌های زیارتی شیعه است، فراوان مورد تأیید و تأکید امام عصر ارواحنفا داده قرار گرفته است؛ چنانچه آن حضرت برای دقایقی در مقابل دیدگان مجلسی اول (علامه محمدتقی مجلسی) که در کنار مرقد مطهر امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام در سامرا زیارت جامعه کبیره را می‌خوانده است، ظاهر می‌شوند و در تأیید این زیارت و تأکید بر قرائت آن می‌فرمایند: «نعمت الزیارة؛ چه زیارت خوبی!» و همچنین آن حضرت خطاب به سید رشتی که در بیابانی ظلمانی راه را گم کرده و تنها مانده بود، فرمودند: «چرا زیارت جامعه نمی‌خوانی؟! زیارت جامعه بخوان تا راه را پیدا کنی!!» بدین‌سان از منظر مهدوی، رمز‌رهایی از گمگشتگی و گمراهی و راز‌راهیابی به صراط مستقیم الهی، آشنایی و انس با زیارت جامعه کبیره‌ای است که معلم و مدرس آن، جد بزرگوارشان حضرت امام هادی علیه السلام، است. سلام و درود بی‌پایان الهی بر او! آن هنگام که متولد گشت و آن هنگام که به یاری مهدی موعود باز خواهد گشت!

در این زیارت نورانی، مهم‌ترین درخواست پایانی از پروردگار، تقاضای معرفت و شناخت اهل بیت علیهم السلام است.

در این میان، شناخت کامل و راستین از شؤونات و مقامات وجودی امام زمان علیه السلام دارای جایگاهی ویژه است که در هشت عرصه و شاخه اصلی قابل واکاوی و پژوهش است:

## ۲۶ □ سلوک مهدوی

۱. تبارشناسی: شناسایی سلسله پدران و مادران مهدی موعود علیه السلام تا حضرت آدم و حوا علیهم السلام؛
  ۲. چهره‌شناسی: شناسایی ویژگی‌های ظاهری و جسمانی مهدی موعود علیه السلام؛
  ۳. تاریخ‌شناسی: شناسایی تاریخ ولادت، تاریخ غیبت صغرا و تاریخ غیبت کبرای مهدی موعود علیه السلام؛
  ۴. مقام‌شناسی: شناسایی شئون و مقامات مهدی موعود علیه السلام و جایگاه حقیقی او در نظام هستی؛
  ۵. اخلاق‌شناسی: شناسایی سیره اخلاقی امام مهدی علیه السلام در عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی؛
  ۶. دولت‌شناسی: شناسایی ارکان سیاست و حکومت در دولت کریمه مهدوی؛
  ۷. حجت‌شناسی: شناسایی حجت‌های امام مهدی علیه السلام در عصر غیبت و پیروی همه‌جانبه از ایشان برای رسیدن به ارتباط ولایی با آن حضرت؛
  ۸. دشمن‌شناسی: شناسایی دشمنان اصلی مهدی موعود علیه السلام و شناخت فتنه‌ها و فسادانگیزی‌های ایشان.
- یک دوره معارف لازم در سرشاخه تبارشناسی، چهره‌شناسی و تاریخ‌شناسی را در کتاب - نرم‌افزار «مقتدای مسیح» سامان بخشیده‌ایم؛
- شاخه مقام‌شناسی را در کتاب - نرم‌افزار «نبض پنهان هستی» عرصه پژوهشی گسترده قرار داده‌ایم؛
- در شاخه اخلاق‌شناسی، گرایش مدیریت، به مقتضای نیاز جامعه مهدوی، کتاب - نرم‌افزار «مدیریت مهدوی زمان» را ارائه کرده‌ایم؛
- شاخه حکومت‌شناسی را در کتاب - نرم‌افزار «دولت کریمه مهدوی» پی گرفته‌ایم؛
- در شاخه حجت‌شناسی، نگرش و نگارشی نوین از مهندسی نظام ولایت فقیه

را در کتاب - نرم‌افزار «وصی امام عشق» فراروی مهدی‌باوران گشوده‌ایم؛  
و در شاخه دشمن‌شناسی، به گرایش دجال‌شناسی در قالب کتاب - نرم‌افزار  
«دجال، سردمدار جنگ نرم جهانی در ستیز با منجی باوران» پرداخته‌ایم.<sup>۱</sup>

### ضرورت مهدی‌شناسی

پیامبر اعظم ﷺ: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»<sup>۲</sup> هر کس بمیرد  
و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.  
امام صادق علیه السلام در تفسیر این حدیث نبوی فرمود: «جَاهِلِيَّةٌ كُفْرٌ وَنِفَاقٌ وَضَلَالٌ»<sup>۳</sup>  
منظور، جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی است.

بر اساس این حدیث شریف که متواتر بین شیعه و سنی است،<sup>۴</sup> شناخت امام  
معصوم زمان، شرط خروج از جاهلیت و رمز ورود به دایره اسلام است و اگر  
کسی امام زمان خود را نشناسد، در واقع از بت‌پرستی و گمراهی زمان جاهلیت  
خارج نشده و از دین و آیین اسلام بهره‌ای نبرده است. مرگ جاهلی، به معنای  
مرگ بت‌پرستانه است و کسی که بدون معرفت امام زمان خویش بمیرد، گویا که  
به مرگ بت‌پرستانه مرده است؛ گویا بویی از اسلام (توحید، نبوت و دیگر  
معارف اسلامی) به مشامش نرسیده است.

---

۱. کتاب - نرم‌افزار نامبردار از آثار هنری - پژوهشی کانون طلیعه ظهور قم است که برای تهیه آن می‌توانید  
از طریق سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۴۳۱۳ یا فروشگاه اینترنتی [www.zohoorshop.com](http://www.zohoorshop.com) یا شماره همراه  
۰۹۱۹۴۵۳۹۳۵۵ تماس حاصل فرمایید.

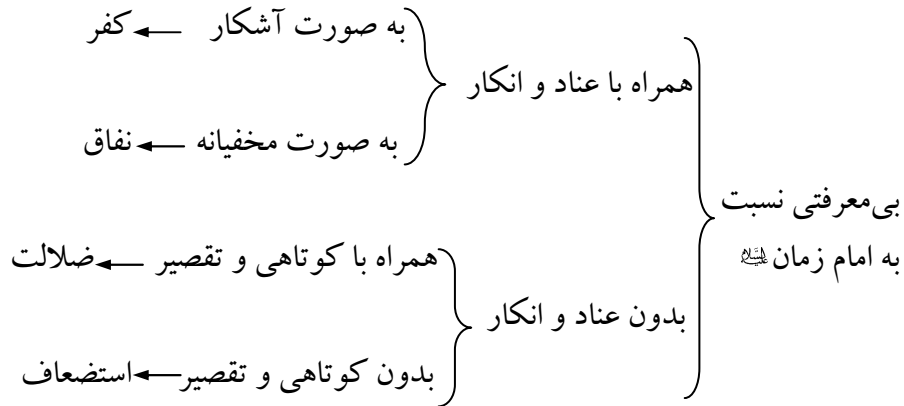
۲. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۳؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۱؛ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۳؛ شیخ  
صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۰۹؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۷.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۳؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۶۲، ح ۳۹.

۴. ر.ک: العمیدی، در انتظار ققنوس، ترجمه علیزاده، ص ۱۲۱؛ مهدی‌پور، علی‌اکبر، او خواهد آمد،  
ص ۹۴-۱۱۷.

انسان مسلمان، باید افق شناخت و اندیشه‌اش را رو به آفاق بلند بگشاید و رو به حقایق شگفت هستی بپیماید تا به قله‌های رفیع انسانی راه یابد. در این میان، ضروری‌ترین ساحت معرفتی، شناخت راستین از مقام امام زمان علیه السلام است که خود رمز راهیابی به دیگر معارف اسلامی و اوج مقامات انسانی است.

ثمره بی معرفتی نسبت به امام زمان علیه السلام یکی از چهار حالت زیر است:



بی معرفتی نسبت به امام زمان علیه السلام یا همراه با عناد و انکار آشکار است که نتیجه آن «کفر» است و یا همراه با عناد و انکار مخفیانه است که نتیجه آن «نفاق» است. در شاخه دیگر، بی معرفتی نسبت به امام زمان علیه السلام می‌تواند بدون عناد و انکار اما همراه با کوتاهی و تقصیر باشد که نتیجه آن «ضلالت» و گمراهی است و یا بدون کوتاهی و تقصیر باشد که نتیجه آن «استضعاف» است که خود شعبه‌ای از «ضلالت» و گمراهی است.

نکته‌ها:

۱. منظور از معرفت امام زمان علیه السلام در حدیث نامبردار، نه فقط شناخت شناسنامه‌ای و معرفت به حسب و نسب (تبارشناسی) آن حضرت است، بلکه منظور حقیقی،

شناخت تمام ابعاد، شؤونات و مقامات و بهره‌گیری عملی از وجود نورانی آن حضرت در پرتو ارتباط معرفتی است.

بدین‌سان آنان که به معرفت سطحی و شناختی رویین و ظاهری نسبت به امام زمانشان دل‌خوش کرده‌اند، در شمار گروه سوم و دارای مراتبی از جاهلیت، بت‌پرستی و گمراهی‌اند.

۲. بی‌معرفتی نسبت به امام زمان علیه السلام امری نسبی، تشکیکی و دارای مراتب گوناگون است و به تبع آن، جاهلیت در هر سه نوع خود (کفر و نفاق و ضلالت) نیز امری نسبی و دارای مراتب گوناگون خواهد بود.

به هر میزان که بی‌معرفتی نسبت به امام زمان علیه السلام قوی‌تر و عمیق‌تر باشد، درجه جاهلیت در هر سه نوع خود (کفر و نفاق و ضلالت) بیش‌تر و عمیق‌تر خواهد بود.

۳. بی‌معرفتان نسبت به امام زمان علیه السلام در یکی از چهار دسته ذیل قرار می‌گیرند:  
الف) منکران مقصر و معاند که معرفی امام زمان علیه السلام از سوی خدا و رسول او و جانشینانش به ایشان رسیده، ولی در پذیرفتن آن کوتاهی ورزیده و عناد و عدم تسلیم خود را به صراحت ابراز داشته‌اند؛

ب) منکران مقصر و منافق که معرفی الهی امام زمان علیه السلام برایشان صورت پذیرفته، ولی در پذیرفتن آن و تکاپو برای معرفت بیشتر تقصیر و کوتاهی ورزیده و این عدم پذیرش را مخفی و پنهان نگاه داشته‌اند؛

ج) جاهلان مقصر که معرفی امام زمان علیه السلام از جانب خداوند و رسول او و جانشینانش به ایشان رسیده و آنان هرچند انکار و عنادی نسبت به آن حضرت نداشته‌اند، اما در تلاش برای شناخت حقیقی و معرفت بیشتر آن حضرت تقصیر و کوتاهی ورزیده‌اند؛

د) جاهلان قاصر که معرفی الهی امام زمان علیه السلام به ایشان نرسیده و آنان در راه کسب معرفت امام زمان علیه السلام کوتاهی و تقصیری نداشته‌اند.

### ۳۰ □ سلوک مهدوی

گروه اول، کافراند؛ گروه دوم، منافقانند؛ گروه سوم، ضالین و گمراهانند؛ و گروه چهارم، مستضعفانند.

#### فضیلت مهدی شناسی

امام محمد باقر علیه السلام: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَهُ، وَمَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ؛<sup>۱</sup> هر کس با معرفت و شناخت امامش بمیرد، پیش یا پس افتادن این امر [امر ظهور] به او هیچ ضرری نرساند. کسی که با معرفت امامش بمیرد، مانند کسی است که با حضرت قائم علیه السلام در خیمه‌اش بوده باشد».

مهم‌ترین پیام این حدیث نورانی این است که اصلی‌ترین فاصله و حجاب بین ما و انسان کامل عصر ما، فاصله معرفتی و شناختی است؛ به گونه‌ای که اگر حجاب‌های معرفتی را درنورده‌ایم و به معرفتی حقیقی و همه‌جانبه از مقامات امام معصوم زمانمان دست یابیم، گویا در محضرش شرف حضور یافته‌ایم و از فیض وجودش بهره‌مند گشته‌ایم.

بر این اساس، حجاب‌ها و فاصله‌های ما با آن وجود یگانه فاصله جغرافیایی و مکانی نیست؛ بلکه فاصله‌های معرفتی و شناختی است که تنها راه طی کردن این فاصله‌ها باریابی به مقام «مهدی شناسی» است.

این حدیث بشارت‌انگیز، مهدی‌باوران را به اهمیت و فضیلت «مهدی شناسی» و معتقد می‌سازد و به مجاهده و تکاپوی عقلی و قلبی همه‌جانبه در این عرصه فرامی‌خواند.

باری، هر که به مقام «مهدی شناسی» بار یابد، حتی اگر در ظاهر به دلیل تأخیر ظهور، از درک محضر مولایش محروم بماند، چیزی از مقام مؤمنان زمان ظهور

---

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۵؛ نعمانی، الغیبه، باب ۲۵، ص ۳۳۰؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۲، ح ۵۶.

### پیوند سلوک مهدوی با مهدی‌شناسی □ ۳۱

کم نخواهد داشت؛ چرا که قلب او از رهگذر معرفت، همواره در محضر امام عصر خویش حاضر بوده و در واقع، لحظه‌ای از درک حضور آن حضرت محروم و مهجور نمانده است. از این رو، تحقق یا عدم تحقق حکومت و دولت ظاهری ائمه علیهم‌السلام موجب ضرر و زیانی برای «مهدی‌شناسان» نخواهد بود؛ چرا که آنان مقیمان دایمی در گاه و خیمه گاه امام خویش گشته‌اند؛ مقیم در گاه محبت او و حاضر در خیمه گاه معرفت او.

### اهمیت مهدی‌شناسی

امام صادق علیه‌السلام: «لَا يَسَعُ النَّاسَ إِلَّا مَعْرِفَتُنَا وَلَا يُعَدَّرُ النَّاسُ بِجَهَالَتِنَا، مَنْ عَرَفَنَا كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ أَنْكَرَنَا كَانَ كَافِرًا وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْنَا وَلَمْ يُنْكِرْنَا كَانَ ضَالًّا...»<sup>۱</sup> مردم، راهی جز معرفت ما ندارند و به خاطر نشناختن ما عذری از ایشان پذیرفته نیست. هر کس معرفت ما را داشته باشد، مؤمن و هر که ما (و مقامات ما) را انکار نماید، کافر است و کسی که معرفت ما را نه اقرار نماید و نه انکار، گمراه است...».

اهمیت وجودی انسان، به میزان عبودیت و بندگی اوست. درجه عبودیت و بندگی انسان، وابسته به میزان معرفت او به شناخت معبود خویش است. شناخت حقیقی معبود، تنها از راه شناخت و مشاهده تجلیات جمالی و جلالی حق در وجود کامل‌ترین انسان که همان حجت معصوم زمان است، تحقق می‌یابد. نتیجه آن که اهمیت وجودی انسان، وابسته به میزان شناخت حجت معصوم زمان است.

بر این اساس، اهمیت مهدی‌شناسی برای ما و در روزگار ما از آن روست که مهدی‌شناسی، تنها راه خداشناسی است و خداشناسی، تنها راه یگانه پرستی و رهایی از جلوه‌های فریبنده و نوین بت‌پرستی در روزگار ما است.

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۱۱؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۳۲۵، ح ۳۰۲؛ شیخ حر

عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۳۲۵، ح ۳۴۹۴۶.



مهدی‌شناسی، تنها راه خداشناسی

امام حسین علیه السلام: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ... [مَعْرِفَةُ اللَّهِ] مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛<sup>۱</sup> هان ای مردم! همانا خداوند که بزرگ باد یاد او، بندگان را نیافرید مگر برای این که او را بشناسند... [و شناخت خدا] این است که اهل هر زمانی، امام خویش را که باید از او فرمان برند، بشناسند».

فلسفه آفرینش انسان، رسیدن به مقام معرفت خداست، اما این معرفت حاصل نمی‌شود مگر به معرفت امام و حجت معصوم زمان؛ چراکه امام آینه تمام نمای حق و واسطه شناخت خداست.

پروردگار هستی، خودش را از راه تجلیات جمالی و جلالی خویش به بندگان می‌شناساند و این در حالی است که کامل‌ترین و متعالی‌ترین جلوه‌های جمال و جلال الهی در عصر و زمان در وجود کامل‌ترین انسان زمان که همان امام زمان است، تجلی یافته است.

بدین سان، شناخت حقیقی خداوند در هر عصر و روزگاری وابسته به شناخت امام آن روزگار و مشاهده جلوه‌های جمالی و جلالی حق در وجود شکوفاشده اوست.

در روایت نامبردار مردی از امام حسین علیه السلام می‌پرسد: «پدر و مادرم فدایت! معرفت خدا چیست؟» حضرت در پاسخ، معرفت خدا را، همان معرفت امام عصر و زمان معرفی فرمودند.<sup>۲</sup>

بدین سان از منظر حسینی، «تنها راه خداشناسی» در عصر و زمان ما «مهدی‌شناسی» است؛ چراکه او جلوه تام و تمام حق و آینه‌دار کامل صفات

۱. شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ب ۹، ص ۹، ح ۱؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۸۳ ح ۲۲.

۲. شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، باب ۹، ص ۹، ح ۱؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۸۳ ح ۲۲؛

فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۶۰۴.

### پیوند سلوک مهدوی با مهدی‌شناسی □ ۳۳

جمال و جلال الهی در روزگار ما است. پس هر آن‌که اراده «خداشناسی» دارد چاره‌ای جز «مهدی‌شناسی» ندارد.

آری، خدا را فقط از منظر جلوه‌های جمالی و جلالی حق در وجود امام معصوم می‌توان شناخت.

#### مهدی‌شناسی، روح خداپرستی

امام باقر علیه السلام: «بِنَا عِبْدَ اللَّهِ، وَبِنَا عُرْفَ اللَّهِ، وَبِنَا وَحِدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛<sup>۱</sup> به سبب ما خداوند عبادت می‌شود، به سبب ما خداوند شناخته می‌شود و به سبب ما خداوند به یگانگی پرستش می‌شود».

روح معرفت و عبودیت خدا، معرفت و شناخت اهل بیت علیهم السلام است؛ چنانچه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هیچ عملی از لحاظ ارزش پس از معرفت، با نماز برابری نمی‌کند و پس از معرفت و نماز، هیچ چیز با زکات و پس از آن هیچ چیز با روزه و پس از آن، هیچ چیز با حج برابری نمی‌کند. و آغاز و پایان همه این عبادات، معرفت ماست».<sup>۲</sup>

بدین سان تمام عبادت‌ها، اگر همراه با معرفت و شناخت عارفان و عابدان حقیقی و آموزگاران عبادت که همان محمد و آل محمدند، همراه نباشد، کالبدی بدون روح را می‌ماند که توان تحرک، پویایی، و تأثیرگذاری و فعالیت را ندارد. بدین سان «مهدی‌شناسی» که لازمه و عصاره «امام‌شناسی» است، روح و حقیقت تمام پرستش‌ها و عبادت‌ها خواهد بود و بدون معرفت امام زمان علیه السلام، هیچ پرستش و عبادتی قدر و منزلتی نخواهد داشت.

۱. کلینی، اصول کافی، کتاب التوحید، باب النوادر، ص ۱۴۵، ح ۱۰؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۰۲، ح ۸

۲. شیخ طوسی، امالی، ص ۶۹۴؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۷، ح ۳۴؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۰۲، ح ۷۱.

## مهدی‌شناسی، تنها راه دینداری

فرازی از زیارت حضرت صاحب‌الامر علیه السلام در زمان غیبت: «...اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛<sup>۱</sup> پروردگارا، خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی، رسولت را نخواهم شناخت. خدایا، رسولت را به من بشناسان که اگر رسولت را به من نشناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت. پروردگارا، خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی، رسولت را نخواهم شناخت. خدایا، رسولت را به من بشناسان که اگر رسولت را به من نشناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت. پروردگارا! حجت خویش را به من بشناسان که اگر حجتت را به من نشناسانی، از دینم گمراه خواهم شد».

براساس این زیارت نورانی که خواندن آن در دوران غیبت فراوان مورد تأکید واقع شده است، معرفت خداوند، معرفت رسول او و معرفت حجت او، هر سه مراتبی از یک حقیقت واحد و به هم پیوسته‌اند.

شناخت حقیقی خداوند، ما را به شناخت رسول او و شناخت حقیقی رسول او ما را به شناخت حجت او فرامی‌خواند. به دیگر سخن، آن معرفت و شناختی از حضرت حق نجات‌بخش سعادت‌آفرین خواهد بود که به شناخت رسول حق منتهی شود و آن شناختی از رسول حق فایده‌بخش و هدایت‌آفرین خواهد بود که به شناخت حجت حق منتهی شود.

بر این اساس، حقیقت معرفت پروردگار نمی‌تواند از معرفت رسول او جدا باشد و حقیقت معرفت رسول او نمی‌تواند از معرفت حجت او جدا باشد. به

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۵؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶، ح ۴۰؛ قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح‌الجنان، دعای صاحب‌الزمان علیه السلام در عصر غیبت.

### پیوند سلوک مهدوی با مهدی‌شناسی □ ۳۵

عبارت دیگر، معرفت حقیقی پروردگار به طور تکوینی با معرفت رسول او عجین گشته است و معرفت حقیقی رسول او به طور طبیعی و تکوینی با معرفت حجت او همراه و عجین گشته است.

بدین سان اگر معرفت خدا و رسول او به معرفت حجت حق که همان امام معصوم زمان است، منتهی نشود، فایده‌ای برای انسان نخواهد داشت و او را از ضلالت و گمراهی نجات نخواهد بخشید.

در واقع معرفت ظاهری به ساحت خدا و رسول که به معرفت امام زمان علیه السلام را با خود به همراه نداشته باشد، معرفتی بی‌اصل و ریشه، ناقص و بی‌فایده و به دور از حقیقت اسلام خواهد بود.

ای پاکان هستی! اگر خدای را به وصف توحید بخواهیم و بدانیم، باید از راه شما پذیرای آن باشیم، نه از غیر شما؛ چرا که دیگران به بیراهه و انحراف خواهندمان برد. اگر از کوی یار خبر گیریم و نشان او خواهیم و آهنگ قرب او داشته باشیم، باید رو به سوی شما کرده و به آستان ولایت و معرفت شما چنگ زنیم. این گونه است که «خداخواهی و توحید» و آهنگ قرب ما به سوی نور هستی، در باغ دستان پاک شما شکوفا می‌شود.

معبود! هر کس که تو را شناخت، به وسیله آنان تو را شناخت؛ چرا که تو را فقط می‌توان از نگاه معصوم شناخت. در غیر این صورت، از نگاه نادرست دیگران، دچار تشبیه و تجسیم و شرک و کفر خواهیم گشت و چراگاه و جولان‌گاه شیطان خواهیم شد.

...خدایا! ای نور هستی! اکنون اگر معرفت حجت و «تنها راه» خودت را به من شناسانی، دینم را گم خواهم کرد و از دست خواهم رفت.<sup>۱</sup>

---

۱. ر.ک: فصلنامه تخصصی انتظار موعود، ج ۶، دکتر صادق سهرابی، مقاله تنها راه (مروری بر زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام)، ص ۴۲۰-۴۲۱.

### مراتب مهدی‌شناسی

امام علی علیه السلام: «مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ وَهُوَ الدِّينُ الْخَالِصُ؛<sup>۱</sup> معرفت خداوند عزتمند و شکوهمند، معرفت من با نورانیت (معرفت قلبی، شهودی و حضوری) است و این معرفت نورانی، همان دین خالص الهی است». در عرصه‌ی خداشناسی و امام‌شناسی، اصالت با معرفت قلبی، حضوری و شهودی است که در فرهنگ روایی شیعیان از آن با عنوان «معرفت نورانی» یاد می‌کنند.

هدف نهایی در عرصه‌ی مهدی‌شناسی نیز دستیابی به معرفتی حقیقی از مقامات و شؤونات وجودی حضرت مهدی روحی‌فداه است که همان معرفت نورانی یا معرفت قلبی و حضوری است.

البته تحصیل معرفت عقلی در میدان امام‌شناسی، مقدمه‌ای لازم برای دستیابی به معرفت قلبی است.

### معرفت عقلی و حصولی

امام‌شناسی، از اصول بنیادین آیین اسلام است که ابتدا با مجاهده علمی و اندیشه‌ورزی معرفتی باید بدان رسید. اساساً در اسلام، آنچه از اصول دین است، باید با تفکر و تعقل بدان راه یافت. همان‌گونه که توحید و نبوت را با استدلال می‌پذیریم، امامت را نیز با استدلال عقلی پذیرا می‌شویم و همان‌گونه که بر خداشناسی برهان می‌آوریم، بر امام‌شناسی نیز برهان اقامه می‌کنیم.

بر این سامان، در عرصه‌ی مهدی‌شناسی هرچند دستیابی به معرفت حضوری هدف نهایی است، اما راهیابی به معرفت عقلی و حصولی که خود مجاهدت همه‌جانبه علمی و عملی را می‌طلبد، مقدمه و شرط لازم آن است.

---

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲، ح ۱.

## پیوند سلوک مهدوی با مهدی‌شناسی □ ۳۷

به دیگر سخن، تلاش برای راهیابی به معرفت عقلی و حصولی در عرصه مهدی‌شناسی مقدمه‌ای برای دستیابی به معرفت قلبی و حضوری است.

### معرفت قلبی و حضوری

معرفت قلبی و حضوری، همان معرفت حقیقی و نهایی در عرصه امام‌شناسی است؛ در یگانه و حقیقت ارزشمندی که طلایه‌داران عرفان و معرفت در قلعه رفیعی به نام «معرفت نورانی» آرزومند آنند.

مقام معنوی و روحانی امام، مقامی فراتر از مافوق تمام امور دنیوی و جسمانی است که حتی پیش از پیدایش جهان مادی و آفرینش نسل آدمی وجود داشته است.<sup>۱</sup>

امام، حقیقتی فرامادی در نظام هستی است. امام، واسطه بین خدا و تمام جهان هستی است؛ واسطه فیض‌رسانی و مجرای هستی‌بخش از سرچشمه زلال هستی است. برای ارتباط اصیل معرفتی با آن مقام نورانی و فرامادی، می‌بایست توجه انسان از دنیا و تعلقات دنیوی قطع شود و به عالم نورانی غیب نظر نماید. اگر بخواهی بعدی از ابعاد مقام عصمت و نورانیت محض را دریابی، باید در بعدی از ابعاد، هماهنگی و هم‌سنخی ریشه‌داری با مقام عصمت و نورانیت آن انسان کامل در خود ایجاد نمایی.

اگر قلب خود را که عرش خداوند رحمان است، از هر گونه ناقابلی و آلودگی

---

۱. این که پیامبر می‌فرماید: «من پیامبر بودم و حال آن که آدم بین آب و گل بود»<sup>۱</sup> و یا این که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «من وصی پیامبر بودم، در حالی که آدم بین آب و گل بود»<sup>۲</sup> به مقام معنوی و فرازمانی پیامبر و امام اشاره دارد که آن مقام رفیع حتی پیش از آفرینش آدم و نسل آدمی نیز وجود داشته است. ر.ک: طاهرزاده، اصغر، مبانی معرفتی مهدویت، ص ۲۱.

<sup>۱</sup> ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۱، ص ۲۱۴؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۴۰۲، ح ۱.

<sup>۲</sup> ابن ابی‌جمهور، عوالی اللاکلی، ج ۴، ص ۱۲۴، ح ۲۰۸.

### ۳۸ □ سلوک مهدوی

پاک ساختی و مقام انسانیات را از حد دنیا و جسم و خشم و شهوت بالا و بالاتر آوردی، روح و جانت همواره زلال و زلال تر می گردد تا آن که به مقام شهود و حضور و نظاره بر مقامات شگفت انگیز انسان کامل که تجلی اعظم جلوه های جمال و جلال الهی است، نایل می گردی.

تازه از این جاست که جهش و تحول انسانی تو در سیر و سلوک الهیات با رنگ و بوی مهدوی آغاز می شود؛ چرا که هدف نهایی را با تمام وجود خویش دریافته ای و نخستین گام را در مسیر شگفتی ها و شیفتگی ها برداشته ای:

طیران مرغ دیدی تو ز پای بند شهوت  
به در آی تا ببینی طیران آدمیت

---

## درس دوم:

### مهدی شناسی در مقام معرفت (۱)

---

مهدی علیه السلام، وجه خداوند

مهدی علیه السلام، حاضر و ناظر در همه جا

مهدی علیه السلام، نعمت باطنی خداوند

مهدی علیه السلام، چشم بینای خداوند

مهدی علیه السلام، عصاره تمام موجودات

مهدی علیه السلام، خلاصه انبیا و عصاره اوصیا

مهدی علیه السلام، وارث معجزات انبیا

مهدی علیه السلام، شبیه ترین به رسول خدا صلی الله علیه و آله

مهدی علیه السلام، آینه دار چهره و سیره محمدی

مهدی علیه السلام، هم سیره محمد و علی علیه السلام

مهدی علیه السلام، ودیعه دار حقیقت قرآن



ای همیشه حاضر

ای وجه خدا

ای حاضر در همه جا

در زمستان غیبت

بر محمل بهار دیدمت

که نماز می‌گزاری!

...و چشیدم حلاوت دعایت را

و شنیدم قنوت گریه‌هایت را

و محو گشتم زیبایی رکوع و سجودت را!

...ای همیشه ناظر

تو حاضری در لحظه لحظه زیستن ما

نفس کشیدن ما

نشستن ما

برخاستن ما

در هر پگاه و نگاه ما

و در ژرفنای نماز و نیاز ما!<sup>۱</sup>

---

۱. محمدباقر حیدری کاشانی.

### مهدی علیه السلام ، وجه خداوند

«فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ؛<sup>۱</sup> پس به هر طرف که رو کنید، آن جا روی خداست». فرازی از دعای ندبه: «أَيْنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْاَوْلِيَاءُ؛<sup>۲</sup> کجاست آن وجه خدایی که دوستان و اولیای خدا به سوی او توجه می کنند!»

امام زمان علیه السلام، وجه خداست؛ روی خداست؛ آینه تمام نمای جمال و جلال خداست که در همه جا حاضر و ناظر است. حضور همه جانبه او در جهان هستی، از جنس حضور قیومی و همه جانبه الهی است. امام علی علیه السلام در وصف امام هر عصر و زمان علیه السلام می فرماید:

امامان علیهم السلام، تجلی خدا می باشند که در شأنتشان فرموده است: «پس به هر سو رو کنید، وجه خدا آن جاست». آنها ذخیره و یادگار خداوند هستند؛ و آخرین ایشان، حضرت مهدی علیه السلام در پایان این مدت می آید و زمین را از عدل و داد پر می کند، آن چنان که از ظلم و ستم پر شده است.<sup>۳</sup>

---

۱. بقره (۲)، ۱۱۵.

۲. سیدبن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۲۹۷؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶؛ محدث قمی، مفاتیح الجنان، فرازی از دعای ندبه.

۳. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۵۲؛ بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۱۸.

مهدی علیه السلام ، حاضر و ناظر در همه جا

امام زمان علیه السلام: «فَإِنَّا يُحِيطُ عَلَمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ. وَ مَعْرِفَتِنَا بِالزَّلَّلِ الَّذِي أَصَابَكُمْ مُدْجَحٍ كَثِيرٍ مِنْكُمْ إِلَى مَا كَانَ السَّلْفُ الصَّالِحُ عَنْهُ...»<sup>۱</sup> همانا ما به اخبار و احوال شما علم و آگاهی داریم و هیچ خبری از شما از ما پوشیده نمی ماند و نیز آگاهی داریم به لغزش هایی که گروه بسیاری از شما مرتکب شده اند؛ لغزش هایی که گذشتگان صالح شما از آن دوری می کردند. هم اکنون اگر در جای جای نظام هستی را بنگرید، امام زمان علیه السلام را حاضر و ناظر می بینید؛ چرا که او وجه تام و تمام خداست و خداوند متعال در همه جا حاضر است. حضرت بقیت الله علیه السلام، کامل ترین انسان روی زمین است و انسان کامل در هر جا که خدا حضور دارد، حاضر است.

امام زمان علیه السلام ، در تمام نظام هستی، تنها یک آدرس دارد و آن این است: ﴿فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾<sup>۲</sup> در جایگاه صدق و صداقت نزد پروردگار ملیک مقتدر. هر جا که خدا هست، امام زمان علیه السلام نیز حاضر است.<sup>۳</sup> بدین سان، امام زمان علیه السلام در لحظه لحظه زندگی ما حضور دارند و هیچ یک از پندار و رفتار و گفتار ما، از نظر شامخ ولایت و امامت او پنهان و مخفی نیست. توجه به این حقیقت، قوی ترین و مؤثرترین عامل برای موفقیت در تزکیه نفس و دوری از گناهان است.

۱. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۵؛ قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۰۲؛ علامه مجلسی،

بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، ح ۷.

۲. قمر (۵۴)، ۵۵.

۳. برگرفته از رهنمودهای آیت الله حسن زاده آملی.

### مهدی علیه السلام ، نعمت باطنی خداوند

﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾<sup>۱</sup> خداوند نعمت‌های ظاهر و باطن خود را

برای شما تمام و کامل نمود.

امام موسای کاظم علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمود: «النَّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الامامُ الظَّاهِرُ وَ البَاطِنَةُ الامامُ الغَائِبُ... يَغِيبُ عَنِ ابْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَلَا يَغِيبُ عَنِ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَّا»<sup>۲</sup> نعمت ظاهری، امام ظاهر و نعمت باطنی، امام غایب است... شخص او از چشم‌های مردم غایب می‌شود، ولی یاد او از دل‌های اهل ایمان غایب نمی‌شود و او دوازدهمین امام از ما ائمه است.

میلیاردها شیخ طوسی و شیخ انصاری، ارزش یک نفس امام زمان علیه السلام را ندارند؛ چون اگر بنا باشد امام زمان علیه السلام یک لحظه بیشتر بماند، به ضرورت عقل و نقل، همه باید فدا شوند. تمام عالم، پروانه است و شمع، فقط اوست. خواب ما، بیداری ما، نطق و سکوت ما، همه و همه تحت اشراف اوست. پس غیبتی برای او نیست. نزدیک‌تر از ما به ما، اوست. قیوم ما، ذات قدوس حق است، اما آن یداللهی که خداوند قیوم، به وسیله او افاضه فیض می‌کند، صاحب‌الزمان است: «يُمْنُهُ رِزْقُ الْوَرَى وَبُجُودِهِ تَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ»<sup>۳</sup> به یمن و برکت او موجودات روزی داده می‌شوند و به وجود او زمین و آسمان ثبات می‌یابد»<sup>۴</sup>.

### مهدی علیه السلام ، چشم بینای خداوند

فرازی از زیارت حضرت حجت علیه السلام در روز جمعه: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي

۱. لقمان (۳۱)، ۲۰.

۲. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۶۸؛ خزّاز قمی، کفایة الاثر، ص ۲۷۰؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰.

۳. ر.ک: محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، دعای عدیله.

۴. فرازی از رهنمودهای حضرت آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی در مرکز تخصصی مهدویت، تابستان ۱۳۸۱.

خَلْقِهِ؛<sup>۱</sup> سلام بر تو ای دیده خدا در میان آفریدگان».

امام زمان روحی فداه، چشم بینای آفریدگار در میان آفریدگان است. او بر تمام پندار و رفتار و گفتار ما شهودی الهی دارد. وجود لطیف و غیبی حضرتش بر لحظه لحظه زندگی ما نظارتی کامل و مراقبتی همه جانبه دارند و شاهد تمام خطورات و حالات ما هستند و هیچ یک از نگرش‌ها، گرایش‌ها و منش‌های ما از چشمان نافذ باطنی اش پوشیده نیست.

او پیروان خود را رها نکرده، به دست هواها نسپرده و مراقب آنهاست؛ اگر به آنها ناراحتی برسد، قلب مبارکش به درد می‌آید، اگر خونریزی ناحقی در جایی صورت بگیرد، حضرت ناراحت می‌شود. آن بزرگوار مراقب است و با تمام وجود می‌کوشد تا تحول نفسی را در این امت و این مردم به وجود بیاورد. اگر جوانان ما در اعتقادشان به خود بقبولانند امام زمان در میان آنها زندگی می‌کند و شاهد اعمالشان است، رفتار و زندگی و فداکاری و مرگ و حیات آنان تغییر کیفی پیدا می‌کند و چه بسا جهش بزرگی در حرکت تکاملی جوانان ما به سوی مدینه فاضله ایجاد شود. جوانان ما شاید برای لحظاتی یا روزهایی درباره وجود مبارکش فکر کنند، اما بعد او را به فراموشی می‌سپارند. آنها امام زمان علیه السلام را به صورت اسطوره‌ای در تاریخ به شمار می‌آورند. این اشتباه محض است. امام زمان علیه السلام، در میان ما حضور دارد و هر عملی را که ما آن‌جام می‌دهیم، می‌بیند و می‌شنود. روزی که مردم ما به این اعتقاد برسند و آن را لمس کنند، بزرگ‌ترین جهش‌ها در راه تکامل زندگی‌شان به وجود می‌آید و این قدم اصلی برای تسریع در ظهور حضرت است.<sup>۲</sup>

۱. سیدبن طاووس، جمال‌الاسبوع، ص ۳۷؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۱۵؛ محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت حضرت حجت در روز جمعه.

۲. فرازی از سخنان شهید دکتر مصطفی چمران. نرم‌افزار قرار دل، متون ادبی، عنوان آرزوی ظهور.

## مهدی‌شناسی در مقام معرفت (۱) □ ۴۵

توجه به اشراف همه‌جانبه امام بر تمام ابعاد زندگانی مادی و معنوی ما، در فرآیند سلوک مهدوی ما، شور و نشاط و پویایی ویژه‌ای را می‌دمد و تمام سالکان راه را به مراتب بالایی از هوشیاری و مراقبت بر نیت‌ها، اندیشه‌ها، گفتارها، رفتارها و حتی خطورات قلبی فرامی‌خواند.

### مهدی علیه السلام ، عصاره تمام موجودات

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾<sup>۱</sup> قسم به عصر، که همه انسان‌ها همه در خسارت و زیان هستند. مگر آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند. و به درستی و راستی و پایداری در دین یکدیگر را سفارش کردند.

﴿وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾. عصر، انسان کامل است، امام زمان علیه السلام است؛ یعنی عصاره همه موجودات. قسم به عصاره همه موجودات؛ یعنی قسم به انسان کامل.<sup>۲</sup> عصر، محتمل است که در این زمان حضرت مهدی علیه السلام باشد، یا انسان کامل باشد که مصداق بزرگش رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام و در عصر ما حضرت مهدی علیه السلام است. قسم به عصاره و فشرده موجودات. آن که فشرده همه عوالم است، یک نسخه است؛ نسخه تمام عالم. همه عالم در این موجود، در این انسان کامل عصاره شده است و خدا به این عصاره قسم می‌خورد.<sup>۳</sup>

### مهدی علیه السلام ، خلاصه انبیا و عصاره اوصیا

امام صادق علیه السلام: «وَسَيِّدُنَا الْقَائِمُ مُسْنَدٌ ظَهَرَ إِلَى الكَعْبَةِ وَيَقُولُ: "يَا مَعْشَرَ الخَلَائِقِ، أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ وَ شَيْثٍ فَهَا أَنَا ذَا آدَمَ وَ شَيْثٍ... أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ

۱. عصر (۱۰۳)، ۱-۴.

۲. فرازی از سخنان حضرت امام در تفسیر سوره عصر، صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۲۵.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۱۷۰.

إِلَى مُحَمَّدٍ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَهَذَا أَنَا ذَا مُحَمَّدٍ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا... أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ فَهَذَا أَنَا ذَا الْأَيْمَةِ؛<sup>۱</sup> سرور ما قائم بر دیوار کعبه تکیه می‌زند و می‌فرماید: ای گروه مردمان! هر که می‌خواهد آدم و شیث را بنگرد، من همان آدم و شیثم... هر که می‌خواهد محمد و امیرالمؤمنین علیه السلام را بنگرد، من همان محمد و امیرالمؤمنینم... هر که می‌خواهد امامان معصوم از نسل حسین علیه السلام را بنگرد، من همانانم.

امام زمان ارواحنواده، پس از ظهور از کنار خانه خدا، بر دیوار کعبه تکیه می‌زند و می‌فرماید:

ای گروه مردمان! هر که بخواهد، آدم و شیث را بنگرد، پس من همان آدم و شیثم. هر کس بخواهد نوح و فرزندش سام را ببیند، من همان نوح و سام هستم. ای مردم! هر که بخواهد ابراهیم و اسماعیل را نظاره کند، من همان ابراهیم و اسماعیلیم. هر که خواهان ملاقات موسی و یوشع است، من همان موسی و یوشعم. هر که در تکاپوی دیدار عیسی و شمعون است، عیسی و شمعون منم. هر که می‌خواهد محمد و امیرالمؤمنین را ببیند، من همان محمد و امیرالمؤمنینم که درود خداوند بر آنها باد! هر کس طالب دیدار حسن و حسین است، من حسن و حسینم. هر که بخواهد امامان معصوم از فرزندان حسین را ملاقات نماید، من همان پیشوایان از فرزندان حسینم. [وجود همه پیامبران و امامان علیهم السلام در وجود من خلاصه شده است] پس دعوت مرا اجابت کنید تا از آنچه پیامبران و امامان به شما فرموده و از آنچه فرموده‌اند، شما را آگاه نمایم.<sup>۲</sup>

بدین سان تمام فضایل و مکارم پیامبران و امامان در وجود مطهر امام زمان علیه السلام تجلی یافته و آن حضرت میراث‌دار تمام انبیا و اوصیا گشته است.

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹، باب ۲۸.

۲. همان.

### مهدی علیه السلام ، وارث معجزات انبیا

امام صادق علیه السلام: «ما مِنْ مُعْجِزَةٍ مِنْ مُعْجِزَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ إِلَّا وَيَظْهَرُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِثْلَهَا فِي يَدِ قَائِمِنَا، لِاتِمَامِ الْحُجَّةِ عَلَى الْأَعْدَاءِ؛<sup>۱</sup> هیچ معجزه‌ای از معجزات انبیای الهی و اوصیای ایشان نمی‌باشد مگر این که خداوند متعال برای اتمام حجت بر دشمنان، مثل آن را به دست قائم ما، ظاهر می‌سازد.»

هیچ معجزه‌ای از معجزات پیامبران و اوصیای ایشان نمی‌ماند، مگر آن که به دستان توانای امام زمان علیه السلام جاری می‌گردد تا هیچ عذر و بهانه‌ای برای اهل کتاب و دیگر امت‌ها باقی نماند و حجت الهی بر ایشان تمام گردد:

مهدی موعود ظهور می‌کند به همراه تمامی مواریث انبیا: با پرچم، شمشیر، زره و پیراهن و عمامه پیامبر رحمت؛ با عصا و سنگ موسی و دم جانفزای عیسی؛ به همراه انگشتری سلیمان و پیراهن یوسف، ...

مهدی موعود ظهور می‌کند به همراه تمام معجزات: زنده کردن مردگان، شفای بیماران، قدرت فهم زبان پرندگان و چرندگان، شق القمر، راه رفتن روی آب، سرد شدن آتش، ازدها شدن عصا، نرم کردن آهن، شهادت دادن شیر به حقانیت امام، ...<sup>۲</sup>

### مهدی علیه السلام ، شبیه‌ترین به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: «...أَشْبَهَ النَّاسَ بِي فِي شِمَائِلِهِ وَأَقْوَالِهِ وَأَفْعَالِهِ؛<sup>۳</sup> او (مهدی

موعود علیه السلام) در شکل و قیافه و گفتار و رفتار شبیه‌ترین مردم به من است.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، مظهر تام و تمام نور الهی است. این نور کامل الهی که حقیقت

۱. شیخ حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۰۰، ح ۱۳۷.

۲. ر.ک: محقق اردبیلی، حدیقة الشیعه؛ شیخ الرئیس کرمانی، موعود امم.

۳. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۵۷؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۸۲.



محمدی نامیده می‌شود، پس از پیامبر اکرم ﷺ به امیرالمؤمنین ﷺ و آن‌گاه سلسله‌وار به یکایک امامان معصوم ﷺ انتقال یافته و همینک در وجود مقدس خاتم‌الاولیاء، وارث تمام انبیا و اولیا، حضرت صاحب‌الزمان ﷺ، مستقر گشته است. جلوه‌نمایی نور محمدی در وجود امام مهدی ﷺ به نهایت درجه ممکن می‌رسد تا جایی که رسول خدا ﷺ درباره آن حضرت می‌فرماید: «او در شکل و قیافه و رفتار و گفتار، شبیه‌ترین مردم به من است».

### مهدی ﷺ، آینه‌دار چهره و سیره محمدی

امام علی ﷺ: «...و سَيُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلًا بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ، يُشَبِّهُهُ فِي الْخَلْقِ وَالْخُلُقِ؛<sup>۱</sup> خداوند از نسل او (امام حسین ﷺ) مردی را همانم پیامبرتان برخواهد انگیخت که در آفرینش و اخلاق او نیز شبیه آن حضرت می‌باشد».

به گواهی احادیث شیعه و سنی، سید و مولای ما، هم در آفرینش و شمایل ظاهری خویش، شبیه‌ترین مردم به رسول خداست و هم در اخلاق و رفتار و گفتار. از این رو بررسی چهره و سیره پیامبر ﷺ، می‌تواند ما را به سیمایی کامل از چهره و سیره مهدی موعود ارواحنفاذ برساند.

اینک نگاهی گذرا داریم بر چهره و سیره پیامبر رحمت تا آینه تمام‌نمایی باشد در مقابل چهره و سیره امام زمانمان:

۱. در نهایت حسن خلق و در اوج فضیلت‌های اخلاقی: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾<sup>۲</sup>

۲. رحمتی بی‌کران برای تمام جهانیان: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾<sup>۳</sup>

۱. سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۵۸؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۴؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۹،

ح ۲۰.

۲. قلم (۶۸)، ۴.

۳. انبیاء (۲۱)، ۱۰۷.

۳. در اوج رأفت و مهربانی و رحمت نسبت به اهل ایمان: ﴿...بِالْمُؤْمِنِينَ رَوْفٌ رَحِيمٌ﴾<sup>۱</sup>؛

۴. در نهایت اشتیاق نسبت به هدایت مردمان: ﴿...حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ﴾<sup>۲</sup>؛

۵. ناراحتی از ناراحتی مردم: ﴿...عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ﴾<sup>۳</sup>؛

۶. در اوج فروتنی و تواضع نسبت به مؤمنان واقعی: ﴿...وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۴</sup>؛

۷. در نهایت شدت و سخت‌گیری نسبت به کافران: ﴿...أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ﴾<sup>۵</sup>؛

۸. بشارت‌دهنده به رحمت و ترساننده از قهر الهی: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾<sup>۶</sup>.

#### مهدی علیه السلام ، هم‌سیره محمد و علی علیهما السلام

امام صادق علیه السلام: «أَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله؛<sup>۷</sup> [مهدی موعود علیه السلام] به سیره رسول خدا صلى الله عليه وآله عمل می‌کند».

امام صادق علیه السلام: «...إِذَا قَامَ لِبَاسِ عَلِيٍّ وَصَارَ بِسِيرَتِهِ»<sup>۸</sup> آن‌هنگام که قیام نماید، چونان علی علیه السلام، لباس می‌پوشد و به سیره او عمل می‌نماید».

مهدویت، استمرار حرکت پیامبران و امامان و اهداف آن، همان اهداف انبیا و

۱. توبه (۹)، ۱۲۸.

۲. توبه (۹)، ۱۲۸.

۳. توبه (۹)، ۱۲۸.

۴. شعراء (۲۶)، ۲۱۵.

۵. فتح (۴۸)، ۲۹.

۶. سبأ (۳۴)، ۲۸.

۷. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۲؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۸.

۸. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۴۴.

## ۵۰ □ سلوک مهدوی

اولیای الهی است. مهدی علیه السلام، ادامه محمد صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن، حسین علیهم السلام، ... و مهدویت استمرار نبوت و امامت است. مهدی موعود، علی زمان و حجت دوران است. در روایت است که سیره مهدی علیه السلام، همان سیره محمد و علی علیهم السلام است: «در میان آنها از سیره رسول خدا پیروی می کند و به راه و روش او عمل می کند تا اینکه اسلام را آشکار می کند»؛<sup>۱</sup> «قائم ما اهل بیت هنگامی که قیام کند، همچون علی علیه السلام لباس خواهد پوشید و به سیره او عمل خواهد کرد».<sup>۲</sup>

### مهدی علیه السلام، ودیعه دار حقیقت قرآن

﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ...﴾؛<sup>۳</sup> بلکه قرآن آیه هایی است روشن، در سینه کسانی که به آنها علم داده اند ﴿امام صادق علیه السلام در تفسیر «أوتوا العلم» کسانی که به آنها علم عطا شده است»، فرمود: «هُمُ الْاِئِمَّةُ خَاصَّةً؛ آنها تنها ائمه هستند». امام زمان ما، شریک قرآن و بلکه روح قرآن است. روح و حقیقت قرآن را در سینه امام زمان علیه السلام به ودیعت نهاده اند. امام زمان علیه السلام، قرآن مجسم است. اخلاق و رفتار او، چونان جد مطهرش رسول خدا صلی الله علیه و آله، تجسم یافته قرآن است: «خُلِقَهُ الْقُرْآنُ؛<sup>۴</sup> اخلاق او، قرآن است». امام زمان علیه السلام، مفسر و مبین قرآن است. او، قرآن ناطق است: بهترین و شریف ترین آیات قرآن، در وصف او و آباء طاهرين

۱. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۴۴..

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۴۴؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۷، ح ۵۷۷۲.

۳. عنکبوت (۲۹)، ۴۹.

۴. صفار، بصائر الدرجات، ص ۲۰۷؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۸۰، ح ۳۳۵۴۳.

۵. کاتب الواقدی، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۶۴؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۴۰؛

ورّام بن ابی فراس، مجموعه ورّام، ج ۱، ص ۸۹.

## مهدی‌شناسی در مقام معرفت (۱) □ ۵۱

اوست: «وَلَنَا كَرَامَةُ الْقُرْآنِ»<sup>۱</sup> بهترین و پرکرامت‌ترین آیات قرآن، از آن ما است». برترین مثل‌های قرآن در وصف او و پدران معصوم اوست: «سَمُّوهُمْ بِأَحْسَنِ أَمْثَالِ الْقُرْآنِ»<sup>۲</sup> ایشان را به بهترین مثل‌های قرآن بنامید!»

آری، پیوند بین قرآن و امام زمان علیه السلام، پیوندی وجودی، تکوینی و ناگسستنی است و شرط سعادت ما، تمسک توأمان به ساحت قرآن و امام زمان علیه السلام است. بسیاری از اهل سنت، به ظاهر قرآن دل خوش کرده‌اند و از تمسک به حقیقت قرآن که اخلاق عینی و عملی امامان معصوم علیهم السلام (عترت) باشد، غفلت کرده‌اند. از سوی دیگر بسیاری از محبّان اهل بیت علیهم السلام به تمسکی ظاهری در آستان عترت دل خوش کرده‌اند و از تمسک حقیقی به ایشان که همان تمسک به قرآن و اخلاق قرآن است، غفلت نموده‌اند.

هر دو گروه می‌بایست در حقیقت ایمان خویش بازنگری نمایند و بنابر توصیه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله تمسکی حقیقی و همه‌جانبه به آستان قرآن و عترت، به‌طور توأمان، داشته باشند؛ چراکه پیشوای امت اسلام، قرآن و عترت را دو امانت گرانبهای خویش در میان امت نامید و فرمود:

تا آن زمان که به این دو (قرآن و عترت) تمسک نمایید، هرگز گمراه نخواهید شد.<sup>۳</sup>

---

۱. عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۹؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۷۶، ح ۱.

۲. عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۱۳؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۱۵، ح ۱۰.

۳. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله: «... ما إن أخذتم بهما كن تَصْلُوا» کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۹۳.

### حقیقت قرآن

ای شب قدر نهان فاطمه  
 انبیا پروانه‌ای و شمع، تو  
 ای که عترت از تو می‌گردد تمام  
 ای قدم‌هایت صراط المستقیم  
 خوی تو، «خلق عظیم» مصطفی است  
 نور، خود بر تو تفکر می‌کند  
 آیه‌الکرسی ز تو زینت گرفت  
 سوره انعام شد یک نعمتت  
 سوره توبه ز هجرت توبه کرد  
 سوره اسراء، ز تو شد تاج عشق  
 سوره کهف آمده با سوز و آه  
 السلام ای سوره نور نخست  
 سوره سجده به پایت سجده کرد  
 سوره یوسف بُود شرح فراق  
 سوره مریم به وصف مادرت  
 سوره والعصر نامی از شماست  
 شد نمازت سوره المؤمنون  
 سوره صف، صف‌نشین کوی تو  
 ای بهار زندگی میلاد تو

مهدی صاحب‌زمان فاطمه  
 چهارده معصوم را یک جمع تو  
 ای که هستی بهترین حسن ختام  
 خاک‌بوست بوده جبریل از قدیم  
 خون تو از چشمه خون خداست  
 سوره حمدت تشکر می‌کند  
 آل عمران هم ز تو قیمت گرفت  
 مائده یک لقمه پربرکتت  
 تا که خود را باب شهر توبه کرد  
 دیدن رخسار تو، معراج عشق  
 تا مگر او را دهی بر خود پناه  
 سوره یاسین سلام حق به توست  
 آمدی خلقت به پایت سجده کرد  
 آیه‌هایش بر تو دارد اشتیاق  
 سوره طاهها حدیث دیگرت  
 نام زیبای تو سوگند خداست  
 خط مشیت سوره الکافرون  
 سوره حشر آمده هم خوی تو  
 عشق‌بازی می‌کنم با ییاد تو<sup>۱</sup>

۱. مجتبی خازنی.

---

درس سوم:

## مهدی‌شناسی در مقام معرفت (۲)

---

مهدی علیه السلام، رحمت فراگیر الهی

مهدی علیه السلام، امام مهر و محبت

مهدی علیه السلام، پدری مهربان

مهدی علیه السلام، مهربان‌تر از تمام پدران و مادران

مهدی علیه السلام، مهربان‌ترین نسبت به مردمان

مهدی علیه السلام، امام هدایت و تربیت

مهدی علیه السلام، محافظ و دعاگوی اهل ایمان

مهدی علیه السلام، استغفارکننده برای شیعیان

مهدی علیه السلام، رمز حکمت، برکت و معرفت

مهدی علیه السلام، توجه‌گاه اولیا

آزمون معرفت

### بهار در پاییز

بیا که بی تو شد آینه، سنگ، گوهر سنگ  
نهال اندیشه، سنگ، بال هر کیوتر سنگ  
سراب می چکد از کویر یکسر سنگ  
چرا شده ایم از تو گریزان هزارها فرسنگ  
خدا کند نشود روح ما تهی از عشق  
که سنگ تر شود این روح صد برابر سنگ  
چه داستان غریبی، چه قدر غم بار است  
کنار خانه دریا و زیستن در سنگ  
بیا که با تو بروید بهار در پاییز  
و با نگاه حتی شود معطر، سنگ<sup>۱</sup>

---

۱. نعمت الله شمس‌پور.

### مهدی علیه السلام، رحمت فراگیر الهی

فرازی از زیارت آل یاسین: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعَدَاً غَيْرَ مَكْذُوبٍ!»<sup>۱</sup> سلام ما بر تو ای پرچم افراشته عدل خدا و ای علم و حکمت موهوب حق و ای پناه خلق و ای رحمت واسعه الهی بر تمام عالمیان که ابداً خلاف نخواهد گشت».

هرگاه که از او سخن به میان می آید، بیشتر از قهر و انتقام و شمشیر الهی او گفته می شود تا رأفت و رحمت و مهربانی او. در حالی که او تجلی رحمت واسعه الهی است که تمام ارکان عالم را دربر گرفته است. اگر او شمشیر قهر و انتقام الهی را بر کافران و منافقانی که هیچ امیدی به هدایتشان نیست، می گشاید، برای به تجلی رساندن رحمت و رأفت الهی در سرتاسر جهان است. آری، قهر و انتقام او، ریشه در رأفت و رحمت فراگیر او دارد.

بدین سان، امام و مولای ما، آینه تمام‌نمای رحمت و رأفت بی‌پایان الهی است

---

۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۲؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱، ح ۵؛ محدث قمی، مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر (معروف به زیارت آل یاسین).



که یکی از برکات وجود و ظهور مقدسش، فراگیر شدن انس و الفت و مهربانی و برادری در میان تمام مردم جهان است.

### مهدی علیه السلام ، امام مهر و محبت

امام زمان علیه السلام: «إِنَّ رَحْمَةَ رَبِّكُمْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَأَنَا تِلْكَ الرَّحْمَةُ؛<sup>۱</sup> همانا رحمت پروردگارتان همه چیز را فرا گرفته است و من آن رحمت فراگیر الهی ام».

سلام بر مهدی! آن رحمت فراگیر؛ همو که سرچشمه رحمت بی کران الهی است و تربیت شده نفع‌های رحمانی. سلام بر مهدی! آن پدر مهربان! آن برادر همزاد! آن هم‌دل همراه و آن پناه مردمان در حوادث هولناک.<sup>۲</sup>

دریغا که در گوش ما همواره از قهر او گفته‌اند و ما را از شمشیر و جوی خون او ترسانده‌اند و از مهر و عشق سرشار او به انسان‌ها کمتر سروده‌اند؛ در حالی که قهر الهی او، جلوه‌ای از مهر نامتناهی اوست.

هدف نهایی او، رساندن انسان به نهایت درجه عبودیت و معرفت الهی و فراگیرسازی مهر و محبت رحمانی است. شمشیر قهر و انتقام او، برای از میان برداشتن معاندان و مستکبرانی است که بویی از مهر و محبت نبرده‌اند و فراگیر شدن رأفت و رحمت در جهان و رسیدن انسان به سعادت را بر نمی‌تابند. آری، آنان که موانع مهرگستری در جهانند، باید با تجلی قهر الهی از میان بروند.

### مهدی علیه السلام ، پدری مهربان

امام رضا علیه السلام: «الإمام، الأمين الرفیقُ وَالوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالِاخُ الشَّقِيقُ، كَالأُمِّ البِرَّةِ

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲. حرانی، تحف العقول، ص ۳۲۴؛ فرازی از حدیث امام رضا علیه السلام؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸؛ علامه

مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰، ح ۴.

## مهدی‌شناسی در مقام معرفت (۲) □ ۵۷

بِالْوَالِدِ الصَّغِيرِ وَ مَفْرَعِ الْعِبَادِ؛<sup>۱</sup> امام، امینی رفیق، پدری مهربان و برادری همزاد است؛ او همانند مادری نیکوکار و مهربان نسبت به فرزند خردسال و پناه‌بندگان خداست».

محبت و مهربانی امام نسبت به ما، خالص‌ترین و شیرین‌ترین محبت‌هاست؛ زیرا هیچ نوع طمع و وابستگی در آن وجود ندارد. محبت او، مظهر محبت خدا به بندگانش است. محبت او، در همه ابعاد وجودی ما و به بلندای وجودمان است. ... او ما را به بلندای ابدیت می‌بیند؛ با نفخه‌ای الهی، با گوهری انسانی و با ارزشی بی‌نهایت. آری، ما برای همراهی، همسایگی و پیوند با امام زمان علیه السلام، برای ابدیت و لقای خداوند آفریده شده‌ایم. او اصل و ریشه ما است و ما فرزندان او که با او نهایت اتصال و پیوستگی را آن هم در ابعاد بی‌نهایت و ابدی داریم. ... و اینک سخن در مظلومیت چنین امام و پدر مهربانی است که قدرش ناشناخته و مهرورزی‌های پدرانه‌اش بی‌پاسخ مانده است.<sup>۲</sup>

### مهدی علیه السلام، مهربان‌تر از تمام پدران و مادران

امام باقر علیه السلام: «الْمَهْدِيُّ أَوْسَعُكُمْ كَهْفًا وَ أَكْثَرُكُمْ عِلْمًا وَ أَوْصَلُكُمْ رَحِمًا»<sup>۳</sup> پناه‌دهی مهدی علیه السلام نسبت به مردم از همه شما بیشتر، علمش از همه شما افزون‌تر و از همه نسبت به شما مهربان‌تر است».

امام رضا علیه السلام: «وَ أَشْفَقُ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أُمَّهَاتِهِمْ»<sup>۴</sup> امام، برای مردم از پدران و مادرانشان نیز مهربان‌تر و رؤوف‌تر است».

۱. حرانی، تحف العقول، ص ۴۳۹؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰، ح ۴.

۲. شجاعی، محمد، آشتی با امام زمان علیه السلام، ص ۶۴-۶۵.

۳. نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۲؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵، ح ۱۴.

۴. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۸؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹۰؛ علامه مجلسی،

بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۶، ح ۱.

مهدی موعود علیه السلام، تجلی تام و تمام رحمت، محبت و رأفت بی انتهای الهی است. اگر محبت تمام پدران و مادران عالم به فرزندانشان را یکجا جمع کنند و آن گاه محبت امام زمان علیه السلام را نسبت فرد امتش در نظر آورند، مقیاس این دو محبت، بسان قطره‌ای نسبت به دریا خواهد بود: «مهربان تر از تمام پدران و مادرانشان».

آری، او خواهد آمد تا آیین مهرورزی را در سرتاسر گیتی بپراکند و رحمت و رأفت بی پایان الهی را در حق بندگان به اتمام و اندیشه و ایمان و اخلاق ایشان را به نهایت درجه امکان برساند.

بدین سان او «امیر مهر» است، نه «امیر قهر»؛ اما از آن جا که مستکبران و زورگویان عالم رشد و تکامل و تعالی مردم را به هیچ وجه بر نمی‌تابند، در مقابل «امیر مهر» و رسالت مهرورزی او صف‌آرایی می‌کنند. از این رو مهدی موعود که مظهر «رحمت و مهر الهی» است، شمشیر «انتقام و قهر الهی» را از نیام برمی‌کشد تا تمام موانع را از سر راه بردارد و «آیین مهرورزی» را در سرتاسر جهان حاکم سازد. به زودی زود! إن شاء الله تعالی!

### روح مهر

ز عشق هر که سراید، تویی، تمام تویی!

تو روح مهری و معنای عشق تام، تویی!

تمام هستی عشقم، حضور دائم توست

مرو، مرو که مرا هستی و دوام تویی!

### مهدی علیه السلام ، مهربان‌ترین نسبت به مردمان

فرازی از حدیث قدسی: «... وَأَكْمَلُ ذَلِكَ بِإِنِّهِ مُحَمَّدٌ رَحْمَةٌ لِلْعَالَمِينَ»<sup>۱</sup> و تکمیل می‌کنم آن را به فرزندش (محمد) به عنوان رحمتی برای جهانیان». رسول خدا صلی الله علیه و آله: «وَهُوَ أَعْظَمُهُمْ حَسَبًا، وَأَكْرَمُهُمْ مَنْصَبًا، وَأَرْحَمُهُمْ بِالرَّعِيَّةِ»<sup>۲</sup> حسب او از همه بزرگ‌تر، مقامش از همه گرامی‌تر و نسبت به مردم از همه مهربان‌تر است».

مهدی موعود علیه السلام، تجلی رحمت واسعه الهی است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ... أَيُّهَا الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ»<sup>۳</sup>. او، وارث و میراث‌دار رحمة للعالمین است و به فرموده پیامبر رحمت: «نسبت به مردم از همه رئوف‌تر و مهربان‌تر است»<sup>۴</sup>.

مهدی موعود، ظهور می‌کند تا رحمت و رأفت بی‌پایان الهی را در جهان متجلی سازد و مردم را از مهربانی و مهرورزی سرشار گرداند. او به هنگام ظهور، دست ولایت و رحمت خویش را بر سر مردم می‌کشد و عقل و ایمان و اخلاق ایشان را، به اندازه ظرفیت و لیاقتشان، به نهایت درجه ممکن می‌رساند: «فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَّلَتْ بِهَا أَحْلَامَهُمْ»<sup>۵</sup>. او نسبت به ضعفا و مساکین در نهایت محبت و مهربانی است: «رَحِيمٌ بِالْمَسَاكِينِ».

بدین‌سان، مهدی موعود ما، قبل از آن‌که مظهر قهر و انتقام الهی باشد، مظهر لطف و رحمت بی‌پایان الهی است و قهر و انتقام او نیز ریشه در لطف و رحمتش

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲۷، ح ۳؛ شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۸.

۲. اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۸؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۷، ح ۱۴۶.

۳. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۲؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱، ح ۵؛ شیخ عباس قمی، مفاتیح‌الجنان، فرازی از زیارت آل‌یاسین.

۴. اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۸؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۷، ح ۱۴۶.

۵. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۵، ح ۲۱؛ شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۷۵؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸، ح ۴۸.

دارد و در حقیقت قهر و انتقام الهی او نیز جلوه‌ای از رحمت و رأفت خدایی اوست.

### مهدی علیه السلام ، امام هدایت و تربیت

فرازی از زیارت امام زمان علیه السلام در روز جمعه: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ»<sup>۱</sup> سلام بر تو ای نور خدا که هدایت یافتگان با آن نور هدایت یابند».

امام زمان علیه السلام: «نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَالْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعُنَا»<sup>۲</sup> ما ساخته شده و تربیت شده پروردگاریم و مردم، ساخته شده و تربیت یافتگان ما هستند».

امام زمان علیه السلام ، مربی تمام هستی و عهده‌دار هدایت و تربیت نفوس مستعد است. هر هدایت و تربیت حقیقی که در عالم صورت می‌بندد، از معدن نور ولایت مهدوی سرچشمه می‌گیرد.

مهدی موعود علیه السلام، امام مهر و محبت است، امام هدایت و تربیت است؛ نه امام قهر و خشونت.

قهر الهی او نیز که در ابتدای ظهور فرخنده‌اش نسبت به کافران و منافقان محض تجلی می‌نماید، فقط برای از میان برداشتن موانع هدایت و تربیت بشری است. به دیگر سخن، تجلی قهر الهی حضرتش، برای مانع‌زدایی تربیتی از سطح جهان است تا زمینه برای هدف اصلی خلقت که هدایت و تربیت فراگیر الهی در میان تمام آحاد بشری است، فراهم گردد.

سلسله‌جنبان زنجیره هدایت، تعلیم، تزکیه و تربیت در زمان ما، مهدی موعود است و بس! و اصلی‌ترین و گسترده‌ترین مانع‌زدایی تربیتی در عرصه جهانی نیز به دست توانمند حضرتش صورت خواهد پذیرفت و بس!

۱. سیدبن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۳۷؛ محدث قمی، کلیات مفاتیح‌الجنان، زیارت امام زمان علیه السلام در روز جمعه.

۲. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۶؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸، ح ۹.

## مهدی‌شناسی در مقام معرفت (۲) □ ۶۱

آن هنگام که سالک خالصانه در مسیر طهارت و نورانیت پای بگذارد و در پیروی از فرامین ولایت و امامت استقامت ورزد، به تدریج با یافتن ظرفیت و لیاقتی ویژه، مشمول عنایات خاص امام‌زمان علیه السلام می‌گردد تا در سایه‌سار نور ولایت، رهپوی صراط‌هدایت گردد و به قرب حق و سعادت هر دو جهان دست یابد.<sup>۱</sup>

آری، امام‌زمان علیه السلام در گوشه و کنار عالم، تربیت دوستان و یاوران حقیقی خویش را بر عهده می‌گیرد و آنان را با نور الهی ولایت خویش پرورش می‌دهد تا هم مشکل‌گشای شیعیانش باشند، هم زمینه‌سازان ظهور مقدسش و هم بازوانی توانمند به هنگام ظهورش.<sup>۲</sup>

### مهدی علیه السلام، محافظ و دعاگوی اهل ایمان

امام‌زمان علیه السلام در نامه‌ای به شیخ مفید: «لَأَنَا مِنَ وَرَاءِ حِفْظِهِم بِالِدُّعَاءِ الَّذِي لَا يُحِبُّ عَنْ مَلِكِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ فَلَتَطْمِئِنَّ بِذَلِكَ مِنْ أَوْلِيَانَا الْقُلُوبُ وَ لَيَنْقُوا بِالْكَفَايَةِ مِنْهُ وَإِنْ رَاعَتْهُمْ بِهِمُ الْخُطُوبُ؛<sup>۳</sup> ما پشت سر مؤمنان شایسته کردار، با نیایش و دعایی که از فرمانروای آسمان‌ها و زمین پوشیده نمی‌ماند، آنان را حفاظت و نگهداری می‌کنیم. بنابراین، قلب‌های دوستانمان با دعای ما به بارگاه الهی، آرامش و اطمینان یابد و با کفایت آن آسوده خاطر گردند، گرچه درگیری‌های هراس‌انگیز، آنان را به دلهره افکند».

بر جوشندگی دریای عطوفت و کرامت آن میر و مهر مهربان همین بس که دعای خالصانه و مستجاب‌حضرتش همواره و در هر شب و روز بدرقه راه امتش می‌باشد؛ هر چند امتش به یاد او و اضطراب او نباشند. آن حضرت، از عمق وجود

۱. ر.ک: آقا تهرانی، سودای روی دوست، ص ۱۵۲.

۲. پورسیدآقایی، میر مهر، ص ۱۵۹.

۳. طبرسی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶، ح ۸.

## ۶۲ □ سلوک مهدوی

ما را دوست می‌دارد و برای سعادت و بهروزی ما دعا می‌کند؛ دعایی در ژرفنای اخلاص و بدون هیچ شائبه خودخواهی و نیاز؛ دعایی فراگیر در حق همه: زنان و مردان، جوانان و پیران، فقیران و ثروتمندان، بیماران و تندرستان، گنهکاران و پرهیزکاران، و ... .

و اینک بنگرید جوشش دریای رحمتش را، درخشندگی خورشید رافتش را و فرازهایی چند از دعای پرکرامتش را

... و بر بیماران اسلام به شفا و آسایش و بر امواتشان به رافت و مهربانی ترحم فرما! و بر پیران ما به وقار و متانت، و بر جوانان به توبه و انابت و بر زنان به حیا و عفت، و بر ثروتمندان به تواضع و علو همت، و بر فقرا به صبر و قناعت، ... و بر فرمانداران به عدل و شفقت، و بر رعیت به انصاف و حسن سیرت تفضل فرما!

### مهدی علیه السلام ، استغفارکننده برای شیعیان

امام زمان علیه السلام: «اللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَبَقِيَّةِ طِينَتِنَا وَقَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا كَثِيرَةً إِتْكَالًا عَلَى حُبِّنَا وَوَلَايَتِنَا...»<sup>۱</sup> خدایا! شیعیان ما از شعاع نور ما و بقیه سرشت ما خلق شده‌اند؛ آنان گناهان بسیاری با اتکای بر محبت و ولایت ما آن‌جام داده‌اند...». سیدبن طاووس، از تشریف‌یافتگان به محضر امام زمان روحی فداه است. آن رادمرد الهی برخی از نمازها و مناجات‌های امام زمان ارواحنافداه را شاهد بوده و آنها را گزارش فرموده است.

آن بزرگوار نقل می‌کند: «سحرگاهی در سرداب مقدس بودم، ناگاه صدای مولایم را شنیدم که برای شیعیان خود چنین دعا می‌کردند:

۱. کفعمی، بلد الامین، ص ۳۴۹؛ مصباح کفعمی، ص ۲۸۰؛ شیخ عباس قمی، مفاتیح‌الجنان، دعای حضرت مهدی علیه السلام .

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲، حکایت ۵۵؛ محدث نوری، نجم‌الناقب، ص ۴۵۵.

## مهدی‌شناسی در مقام معرفت (۲) □ ۶۳

«خدایا! شیعیان ما را از شعاع نور ما و بقیه طینت ما خلق کرده‌ای؛ آنها گناهان بسیاری با اتکای بر محبت و ولایت ما آن‌جام داده‌اند؛ اگر گناهان آنها گناهی است که در ارتباط با توست، از آنها بگذر که ما راضی هستیم. و آنچه از گناهان آنها در ارتباط با خودشان هست، خودت بین آنها را اصلاح کن و از خمسی که حق ماست به آنها بده تا راضی شوند و آنها را از آتش جهنم نجات بده و آنها را با دشمنان ما در سخط خود جمع مفرما!»<sup>۱</sup>

### مهدی علیه السلام، رمز معرفت، برکت و حکمت

فرازی از زیارت جامعه کبیره: «السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَسَاكِينِ بَرَكَاتِهِ اللَّهِ، وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ؛<sup>۲</sup> سلام بر شما که قلوبتان جایگاه معرفت خدا و مسکن برکت حق و معدن حکمت الهی است».

هر آن‌که در تکاپوی معرفت است، به سوی او بشتابد و از معرفت او بیاغازد، هر آن‌که در جست‌وجوی رحمت و برکت است، سراغ او را بگیرد و از مهر و رحمت بی‌کران او نصیبی بجوید. هر آن‌که حیران و سرگشته علم و حکمت است، به سوی او ره پوید تا لحظه‌ای در محضر او نشیند. آیا نشیده‌ای داستان سید بحرالعلوم را که چگونه به یکباره به دریایی از علم و دانش بدل گشت. بیا و بشنو رمز و راز برکت‌یابی و حکمت‌فزایی او را آن‌گاه که میرزای قمی از او می‌پرسد: «برادرم! تو که همیشه در علم و دانشت و امدار من بودی، چگونه است که اینک وجودت را چنان دریای مواجی از علم و حکمت می‌نگرم که دیگر هیچ رقیبی در این عرصه برایت نمی‌یابم؟!» و پاسخ می‌شنود: «چگونه این‌گونه نباشم، در

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲، حکایت ۵۵؛ محدث نوری، نجم‌الناقب، ص ۴۵۵.

۲. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۹، ح ۳۲۱۳؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷۲، ح ۱؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۹۵، ح ۱؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۲۷، ح ۴؛ قمی، کلیات مفاتیح‌الجنان، زیارت جامعه کبیره.



## ۶۴ □ سلوک مهدوی

حالی که مولایم مهدی علیه السلام سحر گاهی در مسجد کوفه مرا در آغوش گرفت و سینه‌ام را به سینه مطهرش فشرد؟!<sup>۱</sup>  
آری، چگونه این گونه نباشد، در حالی که قطره وجود او به اقیانوس بی کرانه معرفت، برکت و رحمت الهی، یعنی به سینه مطهر مهدی علیه السلام، متصل گشته است؟! و همین است رمز و راز برکت وجودی و... .

### مهدی علیه السلام ، توجه گاه اولیا

فرازی از دعای ندبه: «أَيْنَ وَجْهِ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْاَوْلِيَاءُ؟<sup>۲</sup> کجاست آن وجه خدا که اولیا فقط به سوی او توجه و توسل می جویند؟!»  
امام زمان روحی فداه، وجه الهی هستند؛ بدین معنا که نمایش کامل صفات جمال و جلال الهی اند.

مهدی موعود علیه السلام، مظهر رحمت و قدرت حق و مظهر عدل الهی است و کسانی که بتوانند با این کانون رحمت و تفضلات الهی، ارتباط روحی و معنوی برقرار کنند، در تقرب به خداوند توفیق بیشتری می یابند؛ زیرا نفس توسل و توجه و ارتباط قلبی با آن حضرت، موجب عروج و رشد روحی و معنوی انسان می شود.<sup>۳</sup> اهل معنا و باطن در توسلات معنوی خود، آن بزرگوار را مورد توجه و نظر دایمی قرار می دهند و به آن حضرت توسل و توجه می جویند. نفس پیوند قلبی و تذکر و توجه روحی به آن مظهر رحمت، قدرت و عدل حق تعالی، انسان را عروج و رشد می دهد و وسیله پیشرفت روحی و معنوی انسان را فراهم می کند. این یک میدان وسیع است. هرکسی در باطن و قلب و دل و جان خود با آن

۱. ر.ک: شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۸، ص ۳۷۱.

۲. سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۲۹۷؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶؛ محدث قمی، کلیات مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۳. فرازی از رهنمودهای رهبری فرزانه انقلاب، روزنامه رسالت: ۷۴/۱۰/۱۶.

بزرگوار مرتبط باشد، بهره خودش را خواهد برد. البته توجه به کانون نور، باید توجه حقیقی باشد.<sup>۱</sup>

## آزمون معرفت

داستان تشریف جناب شیخ علی حلاوی در شهر حله رفیق من، نیک بنگر که امام عصر و زمانت را چگونه یافته‌ای؟ و آن مهربان امیر مهر را به چه وصفی شناخته‌ای؟ ... او را امام مهر یافته‌ای، یا امام قهر؟! او را مولای هدایت و تربیت دانسته‌ای، یا نماد خونریزی و خشونت؟! ... به خدایی که جانم در دست اوست، هنوز او را نیک نشناخته‌ایم و دل به جمال خدایی‌اش نباخته‌ایم:

... اینک خواهر و برادرم که داعیه‌دار محبت و معرفت اویی، در آینه این داستان به دقت بنگر و میزان معرفت خویش را به ساحت حضرتش بار دیگر باز نگر:

## در عتاب با امام زمان (عج)

شیخ علی حلاوی، پارسا مردی عابد و زاهد بوده که همواره در انتظار ظهور حضرت مهدی روحی فدا به سر می‌برده است. آن جناب در ضمن مناجات‌هایش مولایمان را چنین خطاب می‌کرده است:

«مولا جان، دیگر دوران غیبت تو به سر آمده و هنگامه ظهورت فرارسیده است... یاوران مخلص تو به تعداد برگ درختان و قطره‌های باران در گوشه و کنار جهان پراکنده‌اند... اینک بیا و بنگر که در همین شهر کوچک حله یاوران پا به رکاب تو بیش از هزار نفرند... آقا جان، پس چرا ظهور نمی‌کنی تا دنیا را لبریز از عدل و داد نمایی؟!»

---

۱. فرازی از رهنمودهای رهبری فرزانه انقلاب، روزنامه جمهوری اسلامی: ۷۷/۹/۱۵.

... شیخ علی حلاوی عاقبت روزی از رنج فراق سر به بیابان می گذارد و ناله کنان به ساحت امام زمان روحی فداه خطاب و عتاب می کند که «غیبت تو دیگر ضرورتی ندارد... همه آماده ظهورند... چرا نمی آیی؟!»  
در آن هنگام، ناگاه مردی به ظاهر بیابان گرد را نزد خود حاضر می بیند که از او می پرسد: «جناب شیخ، روی عتاب و خطابت با کیست؟» و او پاسخ می دهد: «روی سختم با امام زمان و حجت وقت است که با این همه یار و یاور که بیش از هزار نفر آنان در حله زندگی می کنند و با وجود این همه ظلم که عالم را فراگرفته است، چرا ظهور نمی کند!»

آن مرد عرب می فرماید: «ای شیخ، منم صاحب الزمان! با من این همه عتاب مکن! حقیقت چنین نیست که تو می پنداری. اگر در تمام جهان ۳۱۳ نفر از اصحاب و یاران مخلص من پا به عرصه گذارند، ظهور می کنم. ... و اما در شهر حله که می پنداری بیش از هزار نفر از یاوران من حاضرند، جز تو و فلان شخص قصاب، احدی در ادعای محبت و معرفت ما صادق نیست. اگر می خواهی حقیقت امر بر تو آشکار شود، به حله بازگرد و خالص ترین مردانی را که می شناسی به همراه همان مرد قصاب، در شب جمعه به منزلت دعوت کن و برای ایشان در حیاط خانه خویش مجلسی آماده کن!... پیش از ورود مهمانان، دو بزغاله به بالای بام خانهات ببر و آن گاه منتظر ورود من باش تا تو را به حقیقت امر رهنمون شوم!»

### فراخوان چهل مرد برگزیده

... شیخ علی حلاوی، با شادی و سرور فراوان، بلافاصله به شهر حله باز می گردد و یک راست به خانه آن مرد قصاب می رود و ماجرای تشریفش به محضر امام زمان علیه السلام را باز گو می کند.

این دو نفر، پس از بحث و بررسی فراوان، از میان بیش از هزار نفری که جملگی را از عاشقان و منتظران حقیقی مهدی موعود روحی فداه می دانستند،

چهل نفر از بهترین‌ها را انتخاب نموده و برای شب جمعه به منزل شیخ دعوت می‌نمایند تا به فیض دیدار مولایشان نایل شوند.

### شب امتحان

...چون شب موعود فرا رسید، آن چهل مرد برگزیده پس از وضو و غسل زیارت، در صحن خانه شیخ اجتماع نمودند و با توجه و حضور قلب تمام، و ذکر و صلوات و دعا برای تعجیل فرج مشغول شدند. چون شب از نیمه گذشت، به یکباره تمام حاضران نوری درخشان‌تر از ماه فروزان را مشاهده کردند که بر پشت بام شیخ فرود آمد.

...قدری نگذشت که صدایی از پشت بام بلند شد و مرد قصاب را به بالای بام فراخواند. مرد قصاب بلافاصله به پشت بام رفت و به دیدار مولای خویش نایل گشت. پس از دقایقی امام زمان علیه السلام به مرد قصاب دستور داد که یکی از آن دو بزغاله روی بام را در نزدیکی ناودان سر ببرد، به گونه‌ای که تمام خون آن در میان صحن خانه جاری شود.

وقتی آن چهل نفر خون جاری شده از ناودان را دیدند، گمان کردند که آن حضرت سر قصاب را از بدن جدا نموده و این خون بدن اوست که از ناودان جاری گشته است.

در همان هنگام، بار دیگر صدای حضرت از پشت بام شنیده شد که این بار جناب شیخ را به بالای بام فرا می‌خواند. جناب شیخ بلافاصله به سوی بام شتافت و ضمن دیدار مولایش، دریافت خونی که از ناودان سرازیر گشته، خون بزغاله بوده است، نه خون قصاب.

...امام زمان ارواحفاده بار دیگر به مرد قصاب امر فرمود تا بزغاله دوم را در

حضور شیخ ذبح نماید. قصاب نیز طبق دستور بزغاله دوم را نزدیک ناودان ذبح

نمود تا خون آن از ناودان سرازیر گردد.

### فرار یا قرار

...هنگامی که خون بزغالهٔ دوم از ناودان به داخل حیاط خانه سرازیر شد، تمام چهل نفری که در صحن حیاط حاضر بودند، یقین پیدا کردند که آن حضرت جناب شیخ علی را نیز گردن زده است و اینک چیزی نمانده که نوبت به یکایک آنها برسد. با این پندار، همهٔ آنها از خانهٔ شیخ بیرون آمدند و به سوی خانه‌هایشان شتافتند.

...در آن حال، امام زمان روحی فداه به شیخ علی حلاوی فرمودند: «اینک به صحن خانه برو و به این جماعت بگو تا به بالای بام بیایند و امام زمانشان را زیارت نمایند!»

جناب شیخ، غرق شادی و سرور، برای دعوت حاضران به محضر امام زمان علیه السلام به صحن خانه آمد، ولی احدی از آن چهل نفر را ندید. پس با ناامیدی و شرمندگی نزد امام بازگشت و فرار آن جماعت را به عرض آن حضرت رساند. امام زمان علیه السلام در آن هنگام فرمود: «جناب شیخ، این شهر حله بود که می‌پنداشتی بیش از هزار نفر از یاوران مخلص ما در آن هستند. چه شد که از میان برگزیدگان ایشان جز تو و این مرد قصاب باقی نمانده‌اید. پس شهرها و سرزمین‌های دیگر را نیز به همین سان قیاس کن و دیگر آن‌قدر با ما عتاب مکن!!» حضرتش این جمله را فرمود و از دیدگان شیخ و مرد قصاب ناپدید شد.<sup>۱</sup>

### مقام امام زمان علیه السلام در حله

... و اینک در همان مکان (خانهٔ جناب شیخ علی حلاوی) در شهر حله بقعه‌ای

۱. ر.ک: نه‌اوندی، شیخ علی‌اکبر، العبقری الحسان، ص ۷۷-۷۸.

## مهدی‌شناسی در مقام معرفت (۲) □ ۶۹

موسوم به «مقام صاحب‌الزمان علیه السلام» ساخته شده که بر سردر ورودی آن زیارت مختصری از امام زمان علیه السلام نگاشته شده است. مردمان آن سامان، از دور و نزدیک برای دعا و تضرع به بارگاه الهی به سوی این مکان می‌شتابند و حاجات خویش را با توسل به ساحت مهدوی از خداوند می‌طلبند. ... و چه کرامت‌ها که از این بقعه ظاهر نگشته است و چه بیماران که به برکت قدوم امام زمان علیه السلام در آن مکان شفا نیافته‌اند!!!<sup>۱</sup>

### امیر میخانه

امروز امیر در میخانه تویی تو!      فریادرس ناله مستانه تویی تو!  
مرغ دل ما را که به کس رام نگرود      آرام تویی، دام تویی، دانه تویی تو!<sup>۲</sup>

---

۱. ر.ک: همان، ص ۲۶۸.

۲. میرزا حبیب خراسانی.



---

## درس چهارم: مهدی محبی در مقام محبت

---

مهدی محبی در قرآن  
خداوند، دوستدار مهدی محبان  
مهدی محبی، نشانه پاکزادی  
عشق مهدی، نشان عشق خدا  
سیر و سلوک با محبت مهدوی  
محبت مهدوی، محور تربیت ولایی  
پرتوافکنی در جهان با شراره عشق مهدوی



### در پشت این دریای بی ساحل

در پشت این دریای بی ساحل، باید دیار دیگری باشد  
باید به جز چشمان ما آن جا، چشم انتظار دیگری باشد  
بر قلله‌های موج این دریا، هر بار تا نام تو را خواندیم  
فریادمان پژواک سبزی داشت باید بهار دیگری باشد  
آنان که خورشید حضورت را در آسمان دل نمی بینند  
در باور موهومشان شاید پروردگار دیگری باشد  
وقتی خضوع ابرها را هم در بارش باران نمی فهمیم  
وقتی دل سنگی، برای عشق سنگ مزار دیگری باشد<sup>۱</sup>

### مهدی محبی در قرآن

﴿قُلْ لَا اسئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ؛ ابگو (در قبال آن جام رسالتم) از شما اجری نمی طلبم، به غیر از محبت شدید نسبت به اهل بیتم﴾.

آن هنگام که در مسیر سلوک مهدوی و گام معرفت را به قوت برداریم، در آستانه گام محبت قرار می گیریم؛ چرا که همیشه محبت از معرفت سرچشمه می گیرد. چون آن یگانه دوران را بشناسیم، عشق و محبت فطری اش در قلب و جان ما شعله ور می شود و ما را از مقام «مهدی شناسی» به «مهدی محبی» می رساند. اصل محبت و مهدوی، امری فطری و قلبی است که در روح و جان پاکزادان به ودیعت نهاده شده است و آنچه از ما خواسته اند، پرورش و عمق بخشیدن به این محبت و رساندن آن به درجه «مودت» است.

مودت، محبتی است که سراسر وجود انسان را دربرگیرد و بر نیات و رفتار و گفتار محب تأثیر گذارد و این همان چیزی است که خداوند متعال به عنوان اجر رسالت از ما طلب کرده است:

﴿بگو: بر رسالت خویش از شما پاداشی جز مودّت اهل بیت نمی خواهم﴾.  
 عَنْ النَّبِيِّ ﷺ: «طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ، طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ، أَوْلِيكَ  
 الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَقَالَ: ﴿هُدًى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾<sup>۱</sup>؛ خوشا به  
 حال صبرکنندگان در غیبتش! خوشا به حال اقامتکنندگان در محبت ایشان  
 (امامان:) همانان که خداوند در کتابش چنین وصفشان فرموده است: ﴿هدایتی  
 برای پروايشگان؛ همانان که به غیب ایمان و باور دارند﴾.

رسول خدا ﷺ، «اقامتکنندگان در مقام محبت امامان» را می ستاید و ایشان را  
 مصداق اصلی «پروايشگان و غیب باورانی معرفی می فرماید که در خیمه گاه  
 محبت امام زمان ﷺ اقامت کرده و به مقام عشق و مودت او بار یافته اند.  
 تأکید پیامبر اعظم ﷺ بر واژه «مقیمین؛ اقامتکنندگان» بسی حایز اهمیت  
 است که خود می تواند بر اقامتی ماندگار در مقام عشق و محبت مهدوی دلالت  
 داشته باشد:

خوشا به حال اقامتکنندگان در مقام محبت امامان!  
 همین اقامت دایمی و ماندگار در مقام محبت است که مودّت را در پی خواهد  
 داشت. مودّت، همان محبت شکوفا شده و به تعالی رسیده است. مودّت، همان  
 محبت ریشه دار و ماندگار در عمق جان محبوب است.  
 اقامت در مقام محبت و باریابی به مقام مودّت، آثاری مبارک و فرخنده را  
 برای سالک سلوک مهدوی در پی می آورد که رنگ و بو گرفتن از محبوب  
 یکی از آن آثار است.

محبت ماندگار و ریشه دار به ساحت سرچشمه خوبی ها و زیبایی ها، جان  
 سالک را به مجاهدتی عظیم در ایجاد تناسب با اخلاق و مرام محبوب

۱. بقره (۲)، ۳ و ۲.

۲. حنفی قندوزی، منابع المودّة، ج ۲، ص ۳۸۸.

## مهدی محبی در مقام محبت □ ۷۵

فرامی خواند. از این رو می توان گفت: معرفت، محبت می آورد؛ محبت، مودت می آورد و مودت، تناسب و شباهت می آورد.

در سیر و سلوک مهدوی نیز چنین است: باریابی به مقام معرفت مهدوی، محبت مهدوی را در پی دارد؛ باریابی به مقام محبت مهدوی، مودت مهدوی را به دنبال می آورد. آن گاه مودت مهدوی، شباهت آفرینی به اخلاق و مرام مهدوی را عهده دار می گردد.

### مهدی محبی، نشانه پاکزادی

امام صادق علیه السلام: «مَنْ وَجَدَ بَرْدَ حُبِّنا عَلٰی قَلْبِهٖ، فَلْيَكْثِرِ الدُّعَاءَ لِأُمَّهٖ؛<sup>۱</sup> هر کس که نسیم دل افروز محبت ما را در قلبش دریابد، پس بر دامن پاک مادرش دعا کند». اول سرمایه قدم نهادن در هامون عشق مهدوی، اصلا ب شامخه و ارحام مطهره است. از دامن پاک و نورانی مادران است که سودای عشق مهدوی در سرای دل نوزادان به ودیعت گذارده می شود؛ و آن قدم سلم ایشان است که منتهی به قدم صدق فرزند می شود. و آن که فرموده اند: «بهشت زیر پای مادران است»<sup>۲</sup> شاید بدان معناست که پای عصمت این چشمه های صداقت و پاکی است، که بهشت محبت را برای فرزند به فرجام می آورد.<sup>۳</sup>

تنها ناپاکزادگانند که از محبت مهدوی به طور کامل بی بهره اند؛ چنانچه امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هر کس در قلب خویش، محبت ما اهل بیت علیهم السلام را یافت، خداوند را بر نخستین نعمت که نعمت پاکزادی است، شکر نماید».<sup>۴</sup>

۱. شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۱۶۱؛ شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۹۳، ح ۴۷۴۵؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۴۶، ح ۶.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰، ح ۱۷۹۳۳.

۳. هوشنگی، رند عالم سوز، ص ۲۷.

۴. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۴۳، ح ۲۳؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۴۷، ح ۱۲۶۸۴؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۴۶، ح ۴.

آری، جذبۀ عشق و محبت مهدوی، جذب کننده دل‌های پاکزادان و جمع کننده قلوب مؤمنان است. محبت ما، رشحه‌ای از محبت بی‌کران اوست. اول اوست که از ما یاد می‌کند و شرارۀ عشق مهدوی را در قلوبمان شعله‌ور می‌سازد. این ماییم که باید شرارۀ عشق و جذبۀ محبت او را لیبیک گوئیم؛ چراکه او همواره درانتظار لیبیک ما است.

### خداوند، دوستدار مهدی محبتان

خداوند متعال خطاب به پیامبر خویش در شب معراج: «يَا مُحَمَّدُ، أَحِبِّهُ، فَإِنِّي أَحِبُّهُ وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ»<sup>۱</sup> ای محمد! او را دوست بدار! همانا که من او و تمام محبتان او را دوست می‌دارم.

مولای من! تو را چه مقام و منزلتی است در نزد پروردگارت که در شب معراج، اشرف مخلوقات خویش را به عشق‌ورزی به ساحت پاک تو مأمور گرداند؟ و دوستداران تو را در نزد او چه مرتبه و عظمتی است که ذات بی‌نهایت خویش را دوستدار آنان معرفی فرماید؟ ... آری، آری، تو آن محبوب خدایی که در سایه‌سار عشق پاکت می‌توان از بهترین و کوتاه‌ترین راه‌ها به رنگ و بوی خدایی و به مقام حبیب‌اللهی رسید.

«اگر دوستی پیدا شد، پشت کوه قاف هم که باشد، شما را می‌کشاند و بالاخره به محبوب می‌رساند. حالا چطور برساند، قانون کلی که تحت ضابطه بیاید، ندارد. می‌رسی، یا در خواب و یا در بیداری، یا به خودش و یا به خواصش. باید محبت به امام زمان علیه السلام پیدا کنید، هیچ گنجی، هیچ ذکر و وردی، هیچ طلسم و اسمی بالاتر از این (محبت) نیست، اقرب الطرق برای رسیدن به درگاه خدا و پیشگاه قطب عالم امکان، محبت به آن بزرگوار است.

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۹۳، ح ۲۴؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۲۲، ح ۲۱.

## مهدی محبی در مقام محبت □ ۷۷

باید محبت در وجودت مستقر شود. باید به پایه‌ای برسد که در فراق او بسوزی، بنالی، اشک بریزی، در طلب حقیقی‌اش بر آیی و خسته و مانده نشوی. عصاره همه کلمات یک جمله است: «باید به امام زمان علیه السلام محبت عمیق پیدا کنی!» خود محبت، راه‌ها را باز می‌کند و تو را به او نزدیک می‌کند!<sup>۱</sup>

### محبت مهدوی، محور تربیت ولایی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ»<sup>۲</sup> فرزندانان را بر سه خصلت تربیت کنید: محبت پیامبرتان و محبت اهل بیتش و قرائت قرآن».

...اینکه ماییم و کودکان و نوجوانان ما و ضرورت تربیت ولایی و مهدوی آنان. در اینکه کودکان و نوجوانان را چگونه می‌توان «محب محمد و آل محمد» بار آورد، شیوه‌ها و راه‌های متعددی را می‌توان برشمرد که خلاصه‌وار عبارتند از:

۱. برداشتن کام نوزاد با آب فرات و تربت کربلا؛ چنانچه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «گمان نمی‌کنم کسی با آب فرات کام نوزادش را بردارد مگر آن که دوستدار ما گردد»<sup>۳</sup> فرزندان خود را با تربت حسین علیه السلام کام برگیرید، چرا که مایه ایمنی است»<sup>۴</sup>؛ ۲. شرکت دادن کودکان در محافل ذکر اهل بیت علیهم السلام از همان سنین کودکی؛ ۳. بروز دادن رفتارهای ولایی و مجبانه در منزل و در منظر کودکان؛ ۴.

۱. عبدالمهدی، راه وصال امام زمان علیه السلام، ص ۱۷۶-۱۷۷، فرازی از فرموده‌های حضرت آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی.

۲. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۶۲۳، ح ۴۵۴۰۹.

۳. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۴۷، ح ۲؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۲۸، ح ۶؛ ر.ک: محدثی، عشق برتر (راه‌های ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام در کودکان).

۴. شیخ مفید، کتاب المزار، ص ۱۴۴؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۷۴، ح ۱۲؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۳۶، ح ۷۹.

## ۷۸ □ سلوک مهدوی

استفاده از ابزارهای هنری همچون فیلم، داستان، تصویر، کتاب و... برای تثبیت محبت اهل بیت علیهم السلام در قلب کودکان؛ ۵. تعظیم و تکریم و تعریف اهل بیت علیهم السلام با بهترین بیان‌ها، شعرها، کلمه‌ها، کتاب‌ها، فیلم‌ها و...؛ ۶. تبلیغ عملی فرهنگ و معارف اهل بیت علیهم السلام؛ ۷. گره زدن خوشی‌های زندگی به ایام ولادت ائمه اطهار علیهم السلام؛ ۸. ایجاد فضای روحی و معنوی در منزل.

### پرتوافکنی در جهان با شراره عشق مهدوی

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ!»<sup>۱</sup> خوشا به حال اقامت‌کنندگان در محبت ایشان (امامان علیهم السلام)»  
...اینک ماییم و این توصیه الهی! ماییم و این بشارت نبوی! ...ماییم و میراث‌داری محبت مهدوی! بر دامان پاک و نورانی مادران و پدرانمان هزاران درود و سلام که سودای محبتش را در سرای دل‌هایمان به ودیعت نهادند؛ چراکه اول سرمایه قدم نهادن در هامون عشق مهدوی، اصلاّب شامخ پدران و ارواح مطهر مادران است: «پس هرکس نسیم دل‌افروز محبت مهدی را در قلبش یافت، به روح پاک مادرش تحیت و دعا فرستد!»  
...و اینک با اهدای درود و سلام بی‌پایان به ساحت ارواح مطهر پدران، مادران، عالمان، معلمان، شهیدان و امام شهیدان، و با مددگیری از انفاس قدسی مولایمان برآینیم تا با شعله‌ورسازی شراره «عشق مهدوی» شور و شوقی دیگر در جهان در افکنیم و جامعه جهانی را به ظهور مقدس و فرخنده‌اش نزدیک‌تر گردانیم.

---

۱. حنفی قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۲۵۹.

### عشق مهدی، نشان عشق خدا

فرازی از زیارت جامعه کبیره: «...مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ! هر که شما را دوست بدارد، خدا را دوست داشته است».

در حریم محبت، اصالت فقط برای یک نقطه است: ﴿قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ!﴾ بگو: خدا، پس بقیه را واگذار! همان نقطه‌ای که تمام پیامبران و امامان آمده‌اند تا ما را به سوی آن متوجه سازند. همان نقطه‌ای که حتی محبت به امام زمان علیه السلام نیز در آن اصالت خود را از دست می‌دهد. باری، عشق و محبت، فقط و فقط از آن خداست و امام زمان علیه السلام را نیز از آن جهت دوست می‌داریم که بنده صالح و محبوب خداست، و به او عشق می‌ورزیم، چون وجودش شعاعی از وجود خدا و عشق به او، نشانی از عشق خداست.

...اگر امام زمان علیه السلام را از آن جهت دوست می‌داریم که بیاید تا جهانمان را آباد کند و نعمت‌هایمان را فزونی بخشد، ما دوستدار آبادانی و نعمتیم، نه دوستدار ولایت و امامت. اگر به او عشق می‌ورزیم، از آن جهت که در پرتو ظهورش علم و حکمت و پیشرفت‌های معنوی را به راحتی دریابیم، ما راحت طلبیم، نه مهدی طلب.

آری، باید تمام آرایه‌ها و پیرایه‌ها را از دل‌هایمان بزدایم تا محبت ما پاک و خالص شود. چنین محبتی کیمیا و چنان دلی تجلی‌گاه عشق کبریاست؛ دلی که امام زمانش را فقط برای خدا دوست می‌دارد، نه برای خود.<sup>۳</sup>

---

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷۴؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۹۷؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۲۹؛ قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.  
۲. انعام (۶)، ۹۱.

۳. مصباح یزدی، محمدتقی، آفتاب ولایت، ص ۲۵-۲۴.



### محبتی در اوج معرفت

نوجوانی که به سن بلوغ نرسیده بود، بر پیامبر سلام کرد و از شادمانی به پیامبر لبخند زد. پیامبر ﷺ به وی فرمود: «أَتُحِبُّنِي يَا فَتَى؛ جوان! آیا مرا دوست داری؟» گفت: «بلی، به خدا سوگند، ای پیامبر خدا!». پیامبر ﷺ فرمود: «مِثْلَ عَيْنَيْكَ؛ مانند چشمانت؟» گفت: بیشتر. فرمود: «مِثْلَ أَبِيكَ؛ مانند پدرت؟» گفت: بیش تر. فرمود: «مِثْلَ أُمَّكَ؛ مانند مادرت؟» گفت: بیشتر. فرمود: «مِثْلَ نَفْسِكَ؛ به اندازه خودت؟» گفت: به خدا سوگند، بیش تر، ای پیامبر خدا!». فرمود: «مِثْلَ رَبِّكَ؛ مانند پروردگارت؟» عرضه داشت: «خدا، خدا، ای پیامبر! این دوستی از آن تو یا هیچ کس دیگری نیست. همانا تو را به خاطر دوستی خداوند، دوست می دارم.

پیامبر ﷺ به اطرافیانش رو کرد و فرمود:

هَكَذَا كُونُوا، أَحِبُّوا اللَّهَ لِإِحْسَانِهِ إِلَيْكُمْ وَإِنْعَامِهِ عَلَيْكُمْ، وَأَحِبُّونِي لِحُبِّ اللَّهِ؛<sup>۱</sup> این چنین باشید. خداوند را به خاطر احسان و نعمت هایش بر خودتان دوست بدارید و مرا به خاطر دوستی خداوند.

۱. محمدی ری شهری، محمد، حکمت نامه جوان، ص ۳۹۸-۳۹۹؛ به نقل از دیلمی، ارشاد القلوب، ص ۱۶۱.

---

## درس پنجم:

### مهدی باوری در مقام بصیرت

---

مهدی باوری از منظر قرآنی

فضیلت مهدی باوران

جایگاه رفیع مهدی باوران

عظمت ایمان مهدی باوران

مهدی باوری، رمز سعادت و موفقیت

مهدی باوری، در متن زندگی

مهدی باوری از منظر عرفانی

مهدی باوری از منظر اهل سنت

منجی باوری در زبور داوود علیه السلام

منجی باوری در انجیل

منجی باوری در تورات

منجی باوری در کتاب اشعیاى نبی

منجی باوری در آیین هندو

### دیده بصیرت

آماده‌ایم هستی خود را فدا کنیم  
آماده‌ایم بیرق ثاراللّهی به کف  
در خون ماست غیرت سردار علقمه  
در جان ماست شوق شهادت إلى الأبد  
«قالوا بلی» ولایت مولایمان علی‌ست  
چون کوه در مصافِ ستم ایستاده‌ایم  
دشمن به گور می‌برد این خواب شوم را

یعنی فدای مکتب خون خدا کنیم  
با یک اشاره معرفکه را کربلا کنیم  
هیئات اگر حسین زمان را رها کنیم  
وقتی به سیدالشهدا اقتدا کنیم  
باید به عهد روز نخستین وفا کنیم  
هیئات اگر کمر بر خصم تا کنیم  
امروز دیده‌های بصیرت که واکنیم<sup>۱</sup>

---

۱. یوسف رحیمی.

### مهدی باوری از منظر قرآنی

﴿الم﴾ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ۝ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...؛ الم (از رموز قرآن است). این کتاب بی هیچ شک راهنمای پرهیزکاران است. آن کسانی که به جهان غیب ایمان آرند و... ﴿﴾

امام صادق علیه السلام درباره این آیات فرمود: «الْمُتَّقُونَ، شِيعَةُ عَلِيٍّ، وَالْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ؛<sup>۱</sup> متقین، شیعیان علی علیه السلام هستند و غیب، حجت غایب است».

آمیژه معرفت و محبت در نهان جان آدمی، بصیرت و باوری راستین می آفریند. آن هنگام که سالک با قدم صدق و صداقت در مسیر سلوک مهدوی گام می نهد و در دو مقام معرفت و محبت اقامت می دواند و او را به اقامت در مقام بصیرت و استقامت فرامی خواند.

---

۱. بقره (۲)، ۱-۳.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۰، ح ۲۰؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴، ح ۱۰.

مقام بصیرت، همان تیزی خدایاورانه است که به سالک قدرت فهم و بینایی عمیقی عطا می کند تا بتواند در تمام عرصه ها به سرعت حق را از باطل تشخیص دهد و در پیروی از حق و ماندگاری در مسیر حق به شدت استقامت ورزد. «مهدی شناسی» و «مهدی محبی»، سالک را به مقام «مهدی باوری» می رساند و مقام والای «مهدی باوری»، سرحلقه اتصال سالک به مقام رفیع «خدایاوری» و «قرآن باوری» می گردد و این دو مقام، بصیرتی نافذ و استقامتی فاخر را برای سالک به ارمغان می آورد.

بدین سان، «مهدی باوری» با «قرآن باوری»، در پیوندی تکوینی و ناگسستی است؛ تا جایی که در آغازین آیات سوره بقره، بر این پیوند پر رمز و راز تأکید می گردد و هدایت پذیری از قرآن، ویژه پرهیزکارانی معرفی می شود که به غیب و حجت غایب ایمان دارند. و چرا این گونه نباشد، در حالی که حجت غایب ما، شریک و همتای قرآن، تجسم یافته قرآن، ودیعه دار حقایق و اسرار قرآن، زنده کننده قرآن و حاکمیت بخش و برپادارنده آن در سرتاسر جهان است. بدین سان، هدایت پذیری حقیقی از قرآن فقط برای مهدی باوران میسر است و تلاوت ظاهری قرآن برای منکران مهدی علیه السلام جز خسران و زیان چیز دیگری نخواهد داشت: ﴿وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾<sup>۱</sup>.

### فضیلت مهدی باوران

امام سجاد علیه السلام: «إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ... إِنْتَظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ»<sup>۲</sup>؛ اهل زمان غیبت او که معتقد به

۱. اسراء (۱۷)، ۸۲.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۲؛ طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

## مهدی باوری در مقام بصیرت □ ۸۵

امامتش و در انتظار ظهورش باشند، از اهل هر دوره و زمانی بافضیلت ترند... انتظار ظهور، از بزرگ‌ترین راه‌های رسیدن به ظهور است».

مهدی باورانی که در زمان غیبت امامشان، در قید و بند غفلت اسیر نشوند و در نهایت معرفت و بصیرت در انتظار ظهور او به سر برند، به فرموده امام سجاد علیه السلام، برترین مردم هر زمانند؛ چراکه آنان با عقل و فهم و معرفتی که خداوند به ایشان عطا فرموده است، نه تنها گرفتار عادت اجتماعی و همه گیر «غفلت از وجود امام زمان علیه السلام و آرمان‌های الهی او» نشده‌اند، بلکه در عمق جان خویش به چنان باور و بصیرتی نسبت به امام حق دست یافته‌اند که غیبت او برای ایشان همچون مقام مشاهده و حضور گشته است: «صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمُشَاهَدَةِ». به فرمایش امام سجاد علیه السلام: «ایشان به منزله مجاهدانی هستند که در حضور رسول خدا با شمشیر جنگیده‌اند. آنان به حقیقت در شمار مخلصان و شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان به سوی دین خدا در نهان و آشکارند»<sup>۱</sup>.

خداوند توفیقمان دهد که در راه آنان قدم بگذاریم و بصیرت و استقامت مهدوی را سرلوحه کار خویش قرار دهیم.

### جایگاه رفیع مهدی باوران

امام علی علیه السلام: «هاها، طُوبَى لَهُمْ عَلَى صَبْرِهِمْ عَلَى دِينِهِمْ... سَيَجْمَعُنَا اللَّهُ وَإِيَّاهُمْ فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ...»<sup>۲</sup> آری، آری، خوشا به حالشان به خاطر شکیبایی و صبرشان بر دینشان... خداوند ما و ایشان را در بهشت برین جمع خواهد کرد».

امام کاظم علیه السلام: «...فَطُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ وَهُمْ وَاللَّهِ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>۳</sup>

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۲؛ طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲..

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۳.

۳. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۶۱، ح ۵؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۴.

پس خوشا به حالشان، خوشا به حالشان، به خدا سوگند! ایشان در روز قیامت با ما در جایگاه و درجه ما هستند».

مهدی باوران و مهدی باوران، در اوج عظمت و فضیلتند. در عظمت وجودی شان همین بس که مولای عارفان و امیر مؤمنان صبر و استقامتشان را می ستاید و آنان را هم جواران اهل بیت علیهم السلام در جنات عدن می شمارد... و در فضیلت و معنویت شان همین بس که امام موسای کاظم علیه السلام مدال افتخار «معیت و همراهی با اهل بیت علیهم السلام در دنیا و آخرت» را زینت بخش سینه های نورانی و ستبرشان می گرداند.

چه مقام و منزلتی است مقام «مهدی باوری» و «مهدی باوری» که حتی تمنا و آرزوی آن، به وجود انسان عظمت و رفعت می بخشد تا آن جا که «آرزومندان مهدی باوری» مورد ستایش خدا، رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام و ملائکه الله و در شمار شهدا و صالحان قرار می گیرند؛ چنانچه پیشوای پنجمین می فرماید: «خدا رحمت کند بنده ای را که خود را برای خدمت به ما وقف نماید! خدا رحمت کند بنده ای را که نام و امر ما را زنده کند! اگر کسی از شما بگوید: «چنانچه قائم علیه السلام را ببینم، یاری اش خواهم کرد»، گویا چنین است که با شمشیرش همراه آن حضرت جهاد کرده باشد. و شهید رکاب آن حضرت، اجر دو شهادت خواهد داشت»<sup>۱</sup>.

### عظمت ایمان مهدی باوران

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «يَا عَلِيُّ، وَعَلِمَ أَنَّ أَعْجَبَ النَّاسِ إِيمَانًا وَ أَعْظَمَهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حَاجَبَتْهُمْ الْحُجَّةُ، فَأَمَّنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ»<sup>۲</sup>

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۴، ح ۲؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶، ح ۱۶.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، باب ۲۵، ص ۲۸۸، ح ۸؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵، ح ۱۲.

## مهدی باوری در مقام بصیرت □ ۸۷

ای علی! بدان که شگفت‌انگیزترین مردم در ایمان و بزرگ‌ترین آنها در یقین، گروهی هستند که پیامبر را ندیده‌اند و حجت از دیدگان‌شان پوشیده است. پس به واسطه سیاهی بر روی سپیدی ایمان آورده‌اند.

سیاهی بر روی سپیدی می‌تواند کنایه از نوشته‌های قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و کتاب‌های دینی و مذهبی باشد که ایمان آوردن در آخرالزمان و دوران غیبت امام زمان علیه‌السلام، با اتکا بر همین نوشته‌هاست.

هنر اهل ایمان در آخرالزمان، این است که بدون درک محضر پیامبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام و بدون مشاهده حجت خدا در عصر و زمانشان و بدون دیدن کرامات و نشانه‌های حقانیت او، و تنها با اتکا به خط نوشته‌هایی که از قرآن و روایات در کتاب‌ها به ایشان رسیده است، ایمان می‌آورند و بر ایمان خویش، در شرایط سخت غیبت، استوار و ثابت قدم می‌مانند.

ایمان مؤمنان آخرالزمان، به مراتب از ایمان حاضران در عصر معصومین علیهم‌السلام، ارزشمندتر و گرانباتر است؛ چراکه نادیده خریدار گشته‌اند و فقط به واسطه شنیده‌ها و نوشته‌ها به امام غایب خویش دل سپرده و ایمان آورده‌اند. ... همانانند مصادیق اصلی «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»<sup>۱</sup> ایمان‌آوردگان به غیبت؛ چراکه: «الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ»<sup>۲</sup> غیب، همان حجت غایب است».

### مهدی باوری، رمز سعادت و موفقیت

امام صادق علیه‌السلام: «مَنْ آمَنَ بِنَا وَصَدَّقَ حَدِيثَنَا وَانْتَظَرَ أَمْرَنَا كَانَ كَمَنْ قُتِلَ تَحْتَ رَايَةِ الْقَائِمِ»<sup>۳</sup> آنکه به ما ایمان آورد و سخن ما را تصدیق نماید و منتظر امر فرج ما باشد، همچون کسی است که زیر پرچم قائم به شهادت برسد».

۱. بقره (۲)، ۳.

۲. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ح ۲۰؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴، ح ۱۰.

۳. استرآبادی، تأویل الآیات، سوره‌الحدید، ص ۶۴۰؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۴۱-۱۴۲، ح ۸۶.



رمز سعادت و موفقیت انسان در آخرالزمان، ایمان و باور قلبی به حقانیت امام زمان علیه السلام و پابندی عملی به مرام و مسلک اهل بیت علیهم السلام است. روح انتظار، اگر با پیروی عملی از سیره مهدوی همراه شود، انسان را به مجاهدی شکست‌ناپذیر تبدیل خواهد ساخت که فضیلت شهادت و مجاهدت در رکاب امام زمان ارواحفاده برای او ثابت خواهد بود. آری، راز پیروزی شیعیان در سیر و سلویشان به سوی حق و رمز ایمنی‌شان از فتنه‌های آخرالزمان، در تمسک عملی به سیره اهل بیت و تقویت رابطه قلبی و روحی با آن بزرگواران نهفته است. توجه مداوم به وجود مقدس امام زمان علیه السلام و ایمان و باور قلبی به ظهور فرخنده او، ما را مشمول عنایت‌های ویژه و دعا‌های خالصانه حضرتش می‌گرداند و در حقیقت، قطره ناچیز وجود ما را به اقیانوسی بی‌کران از عظمت، نورانیت، قدرت و معنویت متصل می‌گرداند و همچون سپری پولادین جامعه ما را در مقابل تمام آلودگی‌های اخلاقی و فسادهای اجتماعی مصون و محفوظ می‌دارد.

### مهدی‌باوری در متن زندگی

امیرالمؤمنین علیه السلام: «صاحبُ هذا الأمرِ يترددُ بينهم و يمشي في أسواقهم و يطأُ فرشهم و لا يعرفونه حتى يأذن الله له أن يعرفهم نفسه؛<sup>۱</sup> صاحب این امر در میان ایشان رفت و آمد می‌کند، در بازارهایشان راه می‌رود، بر فرش‌هایشان گام می‌گذارد، در حالی که او را نمی‌شناسند و این تا زمانی است که خداوند به او اجازه دهد تا خودش را به ایشان بشناساند».

در مشرق و مغرب زمین به سیر و سیاحت می‌پردازد. در بازارهایشان گام می‌زند. بر فرش‌خانه‌هایشان قدم می‌گذارد. بر اجتماعات شیعیانش وارد می‌شود و بر آنان سلام می‌دهد. او همه را می‌شناسد، اما آنان امامشان را نمی‌شناسند:

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۳، ح ۴؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴، ح ۹.

دیده‌ای خواهیم که باشد شه‌شناس تا شناسد شاه را در هر لباس بدین سان، در جای جای زندگی ما حضوری همه جانبه دارد. بر تمام احوال و رفتار و گفتار ما نظارت دارد. برای موفقیت و سعادت ما دعا می‌کند. هر روز و هر هفته و هر ماه و هر سال پرونده اعمال ما را می‌نگرد. بر موفقیت‌های ما خدا را سپاس می‌نهد و بر غفلت‌ها و گناهان ما ناراحت و گریان می‌شود و آن‌گاه دست دعا به محضر پروردگار می‌گشاید و برای ما طلب رحمت و مغفرت می‌نماید: «پروردگارا! شیعیان ما از مایند. از اضافه خاک خلقت ما آفریده شده‌اند. وجودشان بر محبت و ولایت ما سرشته شده است. آنان گناهایی با اتکای به ما مرتکب شده‌اند. خدایا آنها را به ما ببخش و ما را با گناهان ایشان رسوا مکن!»<sup>۱</sup> بنگر نهایت مهربانی را! ما گناه کرده‌ایم و پدر مهربان ما در نزد خداوند شرمگین گشته است. او گناهان ما را، مایه رسوایی خود می‌داند. جان تمام عالمیان به فدای گردی از غبار پایش!

### مهدی باوری، از منظر عرفانی

عارف شهیر اسلامی، محی‌الدین بن عربی درباره مهدی موعود علیه السلام: «... وَأَمَّا خَتْمُ الْوَلَايَةِ الْمُحَمَّدِيَّةِ فَهِيَ لِلرَّجُلِ مِنَ الْعَرَبِ مِنْ أَكْرَمِهَا أَصْلًا وَ يَدًا وَ هُوَ فِي زَمَانِنَا الْيَوْمِ مَوْجُودٌ... فَعَيْسَى عليه السلام وَإِنْ كَانَ خَتْمًا فَهُوَ مَخْتُومٌ تَحْتَ خَتْمِ هَذَا الْخَاتِمِ الْمُحَمَّدِيِّ... وَ الْوَارِثُ الْمُحَمَّدِيُّ يَأْخُذُ الْعُلُومَ النَّبَوِيَّةَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ... وَ هُوَ خَاتَمُ الْوَلَايَةِ الْخَاصَّةِ الْمُحَمَّدِيَّةِ فِي الْمَقَامِ الْخَتْمِيِّ...»<sup>۲</sup>

«همانا ختم‌کننده ولایت محمدی، مردی از شریف‌ترین مردم عرب در اصل و

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲.

۲. ابن عربی، فتوحات مکیه، ج ۲، ص ۴۹.

۳. همان، ص ۵۱۴.

۴. ابن عربی، فصوص الحکم، شرح جندی، ص ۱۲۱.

## ۹۰ □ سلوک مهدوی

نسب است که در زمان ما موجود است... اگرچه ختم ظاهری ولایت [در اولیای غیر ختمی] از آن عیسی علیه السلام است، اما ولایت عیسی علیه السلام، مختوم به مهر ختم ولایت محمدی است... وارث محمدی، تمام علوم را از روح رسول الله دریافت می کند... او ختم کننده ولایت ویژه محمدی در مقام ختمی [در میان اولیای حضرت ختمی مرتبت] می باشد. پس وراثت او از نظر کمال، در گستردگی، جامعیت و احاطه به علوم رسول خدا و از نظر شباهت احوال و مقامات و اخلاق به آن حضرت، کامل ترین وراثت هاست». جناب محی الدین در شعری، بر نام مهدی به عنوان خاتم الاولیا چنین تأکید می کند:

أَلَا إِنَّ خَتَمَ الْأَوْلِيَاءِ شَهِيدٌ      وَ عَيْنُ إِمَامِ الْعَالَمِينَ فَقيدٌ

آگاه باشید همانا خاتمه بخش اولیا زنده و شاهد است

و او همان امام جهانیان است که از دیده ها نهان است

هُوَ السَّيِّدُ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ أَحْمَدَ      هُوَ الصَّارِمُ الْهِنْدِيُّ حِينَ يَبِيدُ

او سرور بزرگوار، مهدی آل احمد است

او شمشیر برآن هندی به هنگام ظهور و قیام است

هُوَ الشَّمْسُ يَجْلُو كُلَّ غَمٍّ وَ ظَلَمَةٍ      هُوَ الْوَابِلُ الْوَسْمِيُّ حِينَ يَجُودُ

او خورشید درخشنده ای است که هر غم و ظلمتی را می برد

و همان باران شدید نخستین، به هنگام جود و احسان است

## مهدی باوری از منظر اهل سنت

فرازی از فتوای پنج تن از علمای معروف و بنام حجاز: «...المَهْدِيُّ الْمَوْعُودُ

الْمُنْتَظَرُ... يَظْهَرُ عِنْدَ فَسَادِ الزَّمَانِ وَإِنْتِشَارِ الْكُفْرِ وَظُلْمِ النَّاسِ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا  
كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا... هُوَ آخِرُ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْإِثْنَى عَشَرَ الَّذِينَ أَخْبَرَ عَنْهُمْ  
النَّبِيُّ فِي الصَّحَاحِ وَ أَحَادِيثُ الْمَهْدِيِّ وَارِدَةٌ عَنِ الْكَثِيرِ مِنَ الصَّحَابَةِ يَرْفَعُونَهَا إِلَى  
رَسُولِ اللَّهِ...» ۲.

شخصی به نام ابومحمد از کنیا درباره ظهور مهدی منتظر به مرکز «رابطة العالم الاسلامی» که از پرنفوذترین مراکز مذهبی مکه و حجاز است، پرسشی ارسال داشته است. دبیر این مرکز در پاسخ به این نامه، ضمن تصریح بر این که ابن تیمیه، بنیان‌گذار مذهب وهابیت، نیز احادیث مربوط به ظهور مهدی را به طور قطع پذیرفته است، رساله‌ای را برای او ارسال داشته است که پنج تن از علمای بنام و معروف حجاز آن را نگاشته‌اند. در فرازهایی از این رساله که قسمتی از متن عربی آن در بالا ذکر شد، چنین آمده است:

«...زمان ظهور مهدی موعود منتظر، در آخر الزمان است و ظهور او از نشانه‌های قیامت کبراست... در سرزمین حجاز، در مکه، بین رکن و مقام و در حدفاصل حجر الاسود و در کعبه، با او بیعت می‌شود. ظهور او به هنگام انتشار کفر و ظلم در میان مردم می‌باشد. او زمین را از عدل و داد لبریز می‌سازد، همان‌گونه که از ظلم و بیداد پر شده است. ... عیسی علیه السلام پس از ظهور او نازل می‌شود و دجال را می‌کشد... او آخرین خلفای راشدین دوازده گانه است که پیامبر از آنها در کتاب صحاح خبر داده است و احادیث مهدی را عدة فراوانی از صحابه از لسان رسول الله نقل کرده‌اند و برخی از دانشمندان ما درباره مهدی علیه السلام کتاب‌های مستقلی تألیف کرده‌اند؛ مانند ابونعیم در أخبار المهدی و ابن حجر هیثمی در القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر و... ابوالعباس مغربی در الوهم المکنون فی

۱. ابن عربی، فتوحات مکیه، ج ۳، ص ۳۲۸.

۲. آیت الله مکارم شیرازی، حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، ص ۱۴۰-۱۴۱.

الرد علی ابن الخلدون.

...جمعی از دانشمندان و بزرگان اسلام از قدیم و جدید، تصریح کرده‌اند که احادیث مهدویت در حد تواتر است؛ از جمله ابن تیمیه در کتاب فتاوی، سیوطی در الحاوی، شوکانی در التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و... تنها ابن خلدون است که خواسته احادیث مربوط به مهدی را با حدیث بی‌اساس و مجعولی که می‌گوید: «لا مهدی إلا عیسی؛ مهدی، جز عیسی نیست!»، مورد ایراد قرار دهد؛ ولی بزرگان، پیشوایان و دانشمندان اسلام گفتار او را رد کرده‌اند؛ به خصوص «ابن عبدالمؤمن» که در رد گفتار ابن خلدون کتاب ویژه‌ای نوشته که از سی سال قبل در شرق و غرب انتشار یافته است. بزرگان و دانشمندان حدیث نیز تصریح کرده‌اند که احادیث مهدی مشتمل بر احادیث «صحیح» و «حسن» است و مجموع آن متواتر می‌باشد که به تواتر و صحت آن قطع و یقین وجود دارد. بنابراین، اعتقاد به ظهور مهدی (بر هر مسلمانی) واجب است و این جزء عقاید اهل سنت و جماعت محسوب می‌شود و جز افراد نادان و بی‌خبر یا بدعت‌گذار آن را انکار نمی‌کنند.<sup>۱</sup>

### مهدویت از منظر بزرگان اهل سنت

ابن تیمیه (م ۷۲۸ ه.ق)، بنیان‌گذار وهابیت، می‌نویسد: «تمام احادیثی که علامه حلی برای اثبات قیام مهدی به آنها استناد کرده است، احادیث صحیحی هستند».<sup>۲</sup>

حافظ حاکم نیشابوری، دانشمند بزرگ اهل سنت، می‌نویسد: «احادیث صحیح و صریحی از رسول خدا وارد شده است که بر قیام مردی از خاندان نبی اکرم و

۱. ر.ک: مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، ص ۱۳۵-۱۳۷.

۲. ابن تیمیه، منهاج السنه، ج ۴، ص ۲۱۱.

از فرزندان فاطمه به نام مهدی دلالت دارند»<sup>۱</sup>.

شیخ منصورعلی ناصف، دانشمند معروف مصری، در کتاب التاج، که مورد تأیید دانشمندان بزرگ الازهر مصر قرار گرفته است، می‌نویسد: «در میان همه دانشمندان امروز و گذشته، مشهور است که سرآن‌جام مردی از اهل بیت پیامبر ظاهر می‌شود که بر تمام کشورهای اسلامی مسلط می‌گردد، و مسلمانان از او پیروی می‌کنند؛ و در میان آنها عدالت را اجرا می‌نماید، و دین را تقویت می‌کند... احادیث مهدی را بسیاری از بزرگان صحابه و محدثین نقل کرده‌اند... و کسی که همچون ابن‌خلدون آنها را ضعیف شمرده، خطا کرده است... و آنچه گفته شد، برای کسانی که یک ذره ایمان و اندکی انصاف دارند، کافی به نظر می‌رسد»<sup>۲</sup>.

ابن حجر عسقلانی، از علمای بزرگ اهل سنت، در کتاب الصواعق المحرقة، می‌نویسد: «اخبار متواتر و فروانی از پیامبر نقل شده که سرآن‌جام مهدی ظهور می‌کند و او از اهل بیت پیامبر است... و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد»<sup>۳</sup>. شبلنجی، دانشمند مشهور مصری، در کتاب نورالابصار چنین می‌نگارد: «اخبار متواتری از پیامبر وارد شده که مهدی از خاندان اوست و او همه زمین را پر از عدل می‌کند»<sup>۴</sup>.

صدرالدین قونوی، از عرفا و اندیشمندان بزرگ عالم اسلام، در وصیتنامه خویش می‌نویسد: «...در شب اول مرگ من، هفتاد هزار بار کلمه توحید

---

۱. تفسیر القرطبی، ج ۸، ص ۱۲۱.

۲. ناصف، التاج، ص ۳۱۰-۳۲۷.

۳. عسقلانی، الصواعق المحرقة، ص ۹۹.

۴. شبلنجی، نور الأبصار، ص ۱۵۷.

(لا إله إلا الله) را بخوانید و آن گاه سلام مرا به مهدی علیه السلام برسانید!<sup>۱</sup>

### منجی باوری در ادیان

آموزه‌های ادیان آسمانی، جملگی بر محور منجی‌گرایی آرمان‌های منجی‌گرایانه در چرخش بوده است. تمام ادیان آسمانی، بی‌تردید بر ظهور و منجی تأکید ورزید، و شکوفایی نهایی آدمی در جهان هستی را در سایه‌سار دولت الهی منجی بشارت داده‌اند. بدین سان تمام ادیان الهی منجی‌باور و منجی‌گرا بوده‌اند.

### منجی باوری در زبور داوود

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۲</sup> ما علاوه بر ذکر (تورات)، در زبور نیز نوشتیم که در آینده بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.<sup>۳</sup>

فرازی از زبور داوود: «خداوند به او (موعود) متبسم است؛ چون که می‌بیند روز او خواهد آمد. ... [در آن روز] متبرکان خداوند، وارث زمین و ملعونان او، منقطع خواهند شد».<sup>۴</sup>

نویدهای زبور درباره موعود فراوان است. در زبور فعلی، بیش از ۳۵ بخش از فرامین ۱۵۰ گانه، نویدبخش ظهور موعود و منجی عالم است.<sup>۴</sup> قرآن کریم، از بشارت تورات و زبور داوود به «ظهور موعود» و «میراث رسیدن زمین به صالحان» خبر داده است که عین این نویدها و بشارت‌ها در زبور فعلی موجود است.

۱. حکیمی، خورشید مغرب، ص ۷۰.

۲. انبیاء (۲۱)، ۱۰۵.

۳. کتاب عهد عتیق و جدید، رموز ۳۷، بند ۱۴ و ۲۹.

۴. ر.ک: هاشمی شهیدی، ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، ص ۳۱۰.

... و اینک فرازهایی از متن زبور:

شریران منقطع می شوند و متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد. شریر، نیست می شود، اما متواضعان زمین را به ارث خواهند برد و از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد. خداوند به او (موعود) متبسم است؛ چون که می بیند روز او خواهد آمد. خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود. متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان خدا منقطع خواهند شد. صدیقان، وارث زمین و برای ابد در آن ساکن خواهند شد. به خداوند پناه بر! و راهش را نگهدار! که تو را به وارث زمین بلند خواهد کرد و در وقت منقطع شدن شریران، این را خواهی دید.<sup>۱</sup>

... و او قوم تو را به عدالت داوری خواهد نمود و مساکین تو را به انصاف دادرسی خواهد کرد. فرزندان فقیرت را نجات خواهد داد و ظالمان را زبون خواهد ساخت. ... در زمان او، صالحان خواهند شکفت و عافیت و سلامتی فراوان خواهد گشت. و او حکمرانی خواهد کرد از دریا تا دریا، و از نهر تا اقصای دنیا. جمیع سلاطین، عظمت او را گردن خواهند نهاد و جمیع امتهای او را بندگی خواهند نمود... بر مسکین و فقیر کرم خواهد فرمود و جانهای مساکین را نجات خواهد بخشید. نام او تا ابدالابد باقی خواهد ماند و اسم او در نزد آفتاب دوام خواهد یافت. آدمیان در او برای یکدیگر برکت خواهند خواست و جمیع امتهای زمین او را خوشحال خواهند خواند.<sup>۲</sup>

### منجی باوری در انجیل

فرازی از انجیل متی: «...آن گاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست. ... و به

۱. کتاب عهد عتیق و جدید، مرموز ۳۷، بندهای ۹-۳۸.

۲. فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۵، ص ۱۵۳، به نقل از فرامین ۷۲، بندهای ۲-۱۸.



اصحاب سمت راست خواهد گفت: «...بیایید و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید!»<sup>۱</sup>

در انجیل و ملحقات آن از عهد جدید، ۵۰ مورد از مصلح و نجات‌دهنده‌ای سخن می‌گوید که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد. آن موعود جهانی، پس از تشکیل حکومت، با اقتدار بر مسند داوری می‌نشیند و عدالت و سعادت عمومی را برای جهانیان به ارمغان می‌آورد؛ تا جایی که موجودات دیگر نیز از برکت عدالت گستری او بهره‌مند می‌گردند و درندگان وحشی نیز خوی وحشیانه خود را از دست می‌دهند و با دیگر حیوانات سازشی عادلانه می‌یابند:

«...آن‌گاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست. جمیع امت‌ها در حضور او گرد آیند و او آنها را از یکدیگر جدا خواهد کرد... گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید. گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید. طفل شیرخوار، بر سوراخ مار بازی کند و طفل از شیر گرفته شده، دست خود را بر خانه افعی برد. ...خداوند تمام چرندگان و خزندگان و درندگان را به همراه آدمیان فراخواند و با آنها عهد بندد؛ چنانکه می‌فرماید: «با پرندگان و چرندگان صحرا و خزندگان زمین عهد می‌بندم و کمان و شمشیر و جنگ را از زمین خواهم شکست و ایشان را به امنیت خواهم خوابانید»<sup>۲</sup>.

### منجی باوری در تورات

فرازی از تورات: «...و در تمامی کوه مقدس من، ضرری و فساد نخواهند کرد؛ چراکه جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود؛ مثل آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند. ...دیگر نه آه و ناله‌ای در جهان به گوش خواهد رسید و نه فریاد و

۱. کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متی، باب ۲۵، بند ۳۱-۳۴، ص ۴۴.

۲. ر.ک: انتظار موعود (فصلنامه تخصصی امام مهدی علیه السلام)، ش ۱۵، ص ۱۴۳.

فغانی؛ نه غم و اندوهی وجود خواهد داشت و نه حزن و ماتمی؛ بلکه همه خوشحال و شادمان خواهند بود».<sup>۱</sup>

### منجی باوری در کتاب اشعیای نبی

فرازی از کتاب اشعیای نبی (از پیامبران پیرو تورات): «کیست او که کسی را از مشرق برانگیزاند و عدالت را نزد پاهای وی فراخواند، امت‌ها را به او تسلیم نماید و پادشاهان جهان را به شمشیر وی مثل غبار گاه پراکنده سازد. ... نتیجه عدالت او، سلامتی، امنیت و اطمینان خاطر خواهد بود تا ابدالآباد».<sup>۲</sup>

«نهالی از تنه یسی (پدر داوود) بیرون خواهد آمد و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت. مسکینان را به عدالت و مظلومان زمین را به راستی حکم خواهد نمود. جهان را به دهان عصای خویش زده، شیران را به نفخه لب‌های خود خواهد کشت. کمر بند کمرش، عدالت و کمر بند میانش، امانت خواهد بود. کیست او که کسی را از مشرق برانگیزاند و عدالت را نزد پاهای وی فراخواند، امت‌ها را به وی تسلیم کند و او را بر پادشاهان مسلط گرداند و ایشان را مثل غبار گاه به شمشیر وی پراکنده سازد.

... آن‌گاه انصاف در بیابان ساکن خواهد شد و عدالت در بوستان مقیم. نتیجه عدالت او، سلامتی، آرامی و اطمینان خاطر خواهد بود تا ابدالآباد. جمیع امت‌ها به سوی او روان خواهند شد... او امت‌ها را داوری خواهد نمود و ملت‌های بسیاری

را تنبیه خواهد کرد... از آن پس امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر

۱. دکتر راب، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، به نقل از اشعیا ۳۵-۶.

۲. کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب اشعیای نبی، باب ۴۱، بند ۲-۴.

### منجی باوری در آیین هندو

فرازی از بشارت آیین هندو به ظهور موعود: «...در پایان دوران سیاهی، آخرین تجلی، سوار بر اسبی سفید، ظهور خواهد کرد. وی سراسر جهان را با شمشیری آخته و رخشان درمی‌نوردد تا بدی و فساد را نابود کند. آن‌گاه شرایط برای آفرینشی نو مهیا می‌شود تا دیگر بار عدالت و فضیلت ارزش یابند»<sup>۲</sup>. «مردمان آن دوره، گناهکار و ستیزه‌جویند و چون گدایان بد اقبال، سزاوار هیچ اقبالی نیستند. چیزهای بی‌ارزش را ارج می‌نهند، آزمندانه می‌خورند و در شهرهایی زندگی می‌کنند که پر از دزدان است. ...در پایان چنین دوران سیاهی، آخرین تجلی، سوار بر اسبی سفید و به هیأت انسان ظهور خواهد کرد. وی سراسر جهان را سواره و با شمشیری آخته و رخشان درمی‌نوردد تا بدی و فساد را نابود کند. با نابود کردن جهان، شرایط برای آفرینشی نو مهیا می‌شود تا دیگر بار عدالت و فضیلت ارزش یابند»<sup>۳</sup>.

---

۱. ر.ک: فصلنامه تخصصی انتظار موعود، ش ۱۵، ص ۱۴۰-۱۴۱. به نقل از کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب اشعای نبی، باب ۲، بند ۶-۱۱، بند ۶-۱۱ و باب ۳۲، بند ۱۶-۱۸ و باب ۴۱، بند ۲-۴.  
 ۲. ورونیکا ایونس، اساطیر هند، ترجمه باجلان فرخی، ص ۱۲۵-۱۲۶.  
 ۳. فصلنامه تخصصی در انتظار موعود، ش ۱۵، ص ۱۵۶. به نقل از اساطیر هند، ص ۴۱ و ۱۲۵.

---

درس ششم:

## مهدی یآوری در مقام بصیرت (۱)

---

مهدی یآوری، توصیه الهی

مهدی یآوری، آرزوی امامان

شعار مهدی یاوران

مهدی یاوران، خداشناس و خدامحور

مهدی یاوران، امام سالار و ولایت مدار

مهدی یاوران، انیس و مونس قرآن

مهدی یاوران، در اوج اخلاق و پارسایی

مهدی یاوران، در نهایت صلابت و سختکوشی

مهدی یاوران، اسوه صبر و استقامت

## آهنین اراده و قوی دل

یاران او نیز که در رکابش سر و جان می‌بازند و مطیع فرمان اویند، ویژگی‌های خود او را دارند: مهربان بر مؤمنان، سخت‌گیر بر کافران و منافقان، عدالت‌گستر، ساده‌زیست، پرتلاش، جوان‌دل، زاهدان شب و شیران روز، آهنین اراده و قوی دل.<sup>۱</sup>

### نسل سلمان

وقتی بیایی، نسل سلمان در رکابت! جنگل به جنگل این سواران در رکابت!  
وقتی بیایی، روی بال اسب خورشید توسن‌ترین آتش‌رکابان در رکابت!  
وقتی بیایی، آسمان نوشان خاکی آتش‌نفس، بی‌مرگ مردان در رکابت!  
ما قامت سبز تو را از دور دیدیم! ای هرچه موج و هرچه توفان در رکابت!

---

۱. جواد محدثی.

### مهدی‌باوری، توصیه الهی

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوس‌ها) استقامت کنید و در برابر دشمنان نیز پایدار باشید و خود را آماده و مجهز سازید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید.

امام باقر<sup>علیه السلام</sup> در تفسیر آیه فوق (فرجامین آیه آل عمران) فرمود: «إِصْبِرُوا عَلَى أَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَصَابِرُوا عَدُوَّكُمْ وَرَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُتَنْظِرَ؛<sup>۲</sup> بر آن جام واجبات و عبادات بردبار باشید! در برابر دشمن، شکیبایی از خود نشان دهید! و خود را برای یاری امام منتظر خود آماده و مجهز سازید!»

آن هنگام که سالک با اقامت در مقام معرفت و محبت به مقام بصیرت راه یافت، حد نصاب لازم برای باریابی به مقام نصرت را می‌یابد و با استقامتی الهی به عرصه گسترده و خطیر مهدی‌باوری گام می‌نهد. در عرصه مهدی‌باوری،

۱. آل عمران (۳)، ۲۰۰.

۲. حسینی استرآبادی، سید شرف‌الدین، تأویل الآیات الظاهره، ص ۱۳۳؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۶.

## ۱۰۲ □ سلوک مهدوی

توانمندی‌های شگفت آدمی به نهایت درجه فعلیت و شکوفایی می‌رسد و سالک در این مسیر به جامعیتی بی‌نظیر و شگفت‌آور در تمام عرصه‌های اخلاقی، فرهنگی، سیاسی، جهادی و... دست می‌یابد.

«مهدی‌یاوری» از توصیه‌های تأکید شده الهی در قرآن کریم است که رسیدن به فلاح و رستگاری در دنیا و آخرت وابسته به آن معرفی شده است.

یاران! شتاب کنید! قافله‌ای در راه است؛ قافله عشق در سفر تاریخ... اکنون هنگام آن است که در صف عاشورایی امام عشق در آییم و تا پای جان او را یاری نماییم. به امید آن روز که با شهادت در رکابش به نهایت درجه رضایت الهی و سعادت ابدی نایل گردیم؛ چنانچه سرسلسله مناجاتیان، امام سجاد علیه السلام، چنین آرزو می‌کند: «...خدایا شهادت در رکاب مهدی علیه السلام را روزی‌ام گردان تا تو را در حالی که از من راضی گشته‌ای، ملاقات نمایم»<sup>۱</sup>

### مهدی‌یاوری، آرزوی امامان علیهم السلام

امام حسین و امام صادق علیهم السلام در دو حدیث جداگانه فرموده‌اند: «لَوْ أُذِرْكُنَّةُ لَخَدَّمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»؛<sup>۲</sup> اگر او را درک نمایم، تمام روزهای زندگی‌ام را وقف خدمت‌گزاری به او خواهم کرد.

تمام پیامبران و امامان علیهم السلام، آرزومند ظهور فرخنده مهدی موعود علیه السلام و استقرار دولت کریمه مهدوی در جهان بوده‌اند و همواره از خداوند توفیق‌دینار و خدمت‌گزاری به ساحت آن حضرت را می‌طلبیده‌اند و اینک مروری بر آرزوی مهدی‌یاوری از لسان مقدس اهل بیت علیهم السلام:

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۲۳۴.

۲. همان، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

مهدی‌یاوری، در مقام بصیرت (۱) □ ۱۰۳

۱. امام حسین علیه السلام: «لَوْ أَدْرَكْتُه لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»<sup>۱</sup> اگر او را درک نمایم، تمام روزهای زندگی‌ام را وقف خدمت‌گزاری به او خواهم کرد».
۲. امام سجاد علیه السلام: «وَاجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيهِ وَ...»<sup>۲</sup> خدایا مرا از بهترین، عاشق‌ترین، فرمانبردارترین... یاران و شیعیان حضرتش قرار ده! و شهادت در رکابش را روزی‌ام فرما!»
۳. امام محمدباقر علیه السلام: «إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ لَأَبْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ»<sup>۳</sup> اگر من آن زمان را درک می‌کردم، خویشتن را برای یاری صاحب این امر آماده نگه می‌داشتم»؛
۴. امام صادق علیه السلام: «لَوْ أَدْرَكْتُه لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»<sup>۴</sup> اگر درکش نمایم، تمام روزگاران عمرم، خدمت‌گزارش خواهم بود»؛
۵. امام حسن عسکری علیه السلام: «...وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ»<sup>۵</sup> خدایا مرا از یاوران، کمک‌کنندگان، پیروان و شیعیان او قرار ده».

### عزم به یاری سواری

نه از این کوه صدایی، نه در این دشت غباری  
نه به این روز امید، نه از آن دور سواری  
آن‌قدر لاله وارونه در این کوه نشسته است  
که نمانده‌ست به پیراهنت ای دشت غباری

---

۱. موسوعة کلمات الامام الحسين علیه السلام، ص ۶۶۰.

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۲۳۴.

۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳.

۴. همان، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

۵. محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، صلوات مخصوص امام زمان علیه السلام؛ شیخ طوسی، مصباح‌المتجهد، ص ۴۰۵.



## ۱۰۴ □ سلوک مهدوی

آی خورشیدتباران، همه فانوس بیارید!

تا بگردیم پی آینه‌های، آینه‌داری

برس ای عشق به داد دل ما چشم به راهان

تا کنیم عزم خود جزم، به یاری سواری<sup>۱</sup>

### شعار مهدی‌یاوران

امام صادق علیه السلام: «...شُعَارُهُمْ "يَا لِنَارَاتِ الْحُسَيْنِ"؟<sup>۲</sup> شعارشان "يا لِنَارَاتِ الْحُسَيْنِ"؛

ای خونخواهان حسین علیه السلام "است».

یاران! شتاب کنید! قافله‌ای در راه است؛ قافله عشق در سفر تاریخ... و تو، ای آن که در سال ۶۱ هجری هنوز در ذخایر تقدیر نهفته بودی و اکنون در این دوران جاهلیت ثانی، پای به سیاره زمین نهاده‌ای، نومید مشو! که تو را نیز عاشورایی است و کربلایی که تشنه خون توست و انتظار می‌کشد تا تو زنجیر خاک از پای اراده‌ات بگشایی و از خود هجرت کنی و فراتر از زمان و مکان، خود را به قافله عشق برسانی و در رکاب امام عشق به شهادت رسی!

...اکنون هنگام آن است که در قافله امام، صف اصحاب عاشورایی از فرصت طلبان و بادگرایان جدا شود. اینک اصحاب عاشورایی امام عشق... در کوی دوست منزل گرفته‌اند. این باد نیست که بر آنان می‌وزد، بلکه آنها هستند که بر باد می‌وزند، آنها از اختیار خویش گذشته‌اند تا جز آنچه او می‌فرماید، اراده‌ای نکنند... آه از آن هنگام که عالم خلقت یکسره بر انتقام خون به ناحق ریخته حسین علیه السلام قیام کند و ندا برآورد: کجایند منتقمان خون حسین؟!<sup>۳</sup>

۱. سعید بیابانکی.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۱۴.

۳. ر.ک: آوینی، سید مرتضی، فتح خون، ص ۴۳ و ۴۷ و ۹۳.

### مهدی‌یاوران، خدانشناس و خدامحور

امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «رجالٌ مؤمنونَ عَرَفُوا اللهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمُ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»<sup>۱</sup> مردانی که خدا را آن‌چنان که باید، شناخته‌اند و هم ایشانند یاوران مهدی علیه السلام در آخرالزمان».

جامعه و دولت کریمه مهدوی به شدت خدامحور (تئوئیسم) است، نه انسان محور (اومانئیسم). جامعه مهدوی، برخلاف جامعه مدنی، مملو و لبریز از خداست. جامعه مدنی که از دل لیبرال دموکراسی، سوسیال دموکراسی و سکولاریزم غربی بیرون آمده است، به شدت انسان محور است. در چنین جامعه‌ای، خدا و دین او غایب است و فقط رأی و نظر مردم مقدس شمرده می‌شود، در حالی که در جامعه مهدوی، خواست و رأی انسان، تابعی از خواست و رأی خداست.

بدین‌سان، جامعه مهدوی در تقابلی آشکار با جامعه مدنی قرار می‌گیرد و تمام بنیان‌های آن را در هم می‌ریزد؛<sup>۲</sup> چنانچه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصف دولت کریمه مهدوی چنین فرموده‌اند: «هواپرستی را به خداپرستی بازگرداند، پس از آنکه خداپرستی را به هواپرستی بازگردانده باشند».<sup>۳</sup> از این رو بالاترین ویژگی دولت کریمه مهدوی و یاوران و دولتمردان آن خدانشناسی و خدامحوری است.

امروز شیئه اسبان و هلهله آشنای سواران، نام تو را به چکاد سربلندی و برتری نشانده‌اند. پیش‌قراولان و زمینه‌سازان ظهور، آمدنت را بشارت داده‌اند. ...سبزپوشان سپاه، با قامتی کشیده چونان سرو سبز، بسان کوه شکیبا و صخره

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۲۹؛ صافی گلپایگانی، منتخب‌الأنثر، ص ۴۴.

۲. ر.ک: نرم‌افزار مجموعه سخنرانی‌های دکتر حسن عباسی، عنوان جامعه مهدوی.

۳. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸؛ آمدی، غررالحکم، ص ۹۴، ح ۱۶۵۸؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۰، ح ۲۵.

باصلابت، پا بر جا تو را فریاد می کنند. به راستی که خدای اینان را به نور معرفت خویش هدایت فرموده است.<sup>۱</sup>

### مهدی یاوران، امام سالار و ولایت مدار

امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «هُمْ أَطْوَعُ لَكَ مِنَ الْأَمَّةِ لِسَيِّدِهَا... يَخْفُونَ بِهِ وَيَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْخُرُوبِ وَيَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ؛<sup>۲</sup> اطاعت آنان از امام، از اطاعت کنیز در برابر مولایش بیشتر است... او را در میان گیرند و در جنگ‌ها با جان خویش از او حفاظت کنند و هر چه را اراده کند، از جان و دل آن جام دهند.»

یاوران مهدی علیه السلام، رادمردانی هستند که با فرمانبری از امامشان به پروردگار خود تقرب می جویند. عقابانی تیزچنگ که در مقابل مولایشان نهایت خضوع و خشوع را دارند و فرامین ولایی او را با جان و دل پذیرا می شوند و کوچک‌ترین چون و چرایی را در این امر روا نمی دانند. همانان که با خاکساری تمام به زین مرکب امام و خاک زیر پای او تبرک می جویند و تمام هستی خویش را فدای او می سازند. او را در میان گیرند و جان‌های خویش را در جنگ‌ها محافظ و سپر بلای او سازند و هر چه را که اراده کند، با جان و دل کفایت کنند.

دلیرمردانی پرصلابت که ایمان و تقوا و یقین به خداوند بند بند وجودشان را در برگرفته است؛ همانان که به اوج توحید و معرفت الهی دست یافته‌اند و نهایت درجه ایمان و یقین قلبشان را فرا گرفته است: «رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقًّا مَعْرِفَتِهِ».<sup>۳</sup> جنگاورانی پر توان که «توحید و ولایت» وجودشان را به هیبت و صلابتی بی نظیر رسانده است که چون به کوه‌ها روی آورند، آنها را از جای

۱. حجتی (پیشان).

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲.

۳. همان.

مهدی‌یاوری، در مقام بصیرت (۱) □ ۱۰۷

برکنند و چون به شهر و دیاری روی نهند، پیش از ورود خویش، آن‌جا را به تسلیم درآورند.

### مهدی‌یاوران، انیس و مونس قرآن

پیامبر اکرم ﷺ: «تُخْلِى بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارُهُمْ وَيُرْمَى بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ وَيَغْبِقُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصَّبُوحِ»<sup>۱</sup> چشمانشان با قرآن روشنایی و جلا یافته و تفسیر قرآن در گوش جانیشان جای گرفته است. آنان در صبحگاهان جرعه‌نوش جام حکمت (از چشمه‌سار لبریز قرآن) می‌گردند.

در احادیث نبوی، در وصف یاوران، وزیران و دولتمردان دولت کریمه مهدوی چنین آمده است: «دیدگانیشان را با قرآن، چونان صیقل دادن کمان، صیقل می‌دهند و نورانی می‌کنند. تفسیر قرآن در گوش جانیشان جای می‌گیرد و جام‌های حکمت را هر صبح و شام از چشمه لبریز قرآن سر می‌کشند... آنان وزیران مهدی ﷺ هستند که سنگینی امور کشوری را بر عهده می‌گیرند و او را در مسئولیت خطیری که خداوند بر عهده‌اش نهاده است، یاری می‌کنند»<sup>۲</sup> آری، قدرت معنوی فوق‌العاده دولتمردان امام زمان ﷺ، مرهون انس شبانه‌روزی ایشان با قرآن است. آنان در برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت‌های خرد و کلان، قرآن را محور اساسی تصمیم‌گیری‌های خویش قرار می‌دهند؛ چنانچه در وصف دولت کریمه مهدوی چنین آمده است: «تمام افکار و نظریات را طبق قرآن بازگرداند، پس از آن که مردم قرآن را طبق افکار و نظریات خود بازگردانده باشند»<sup>۳</sup>.

۱. سید رضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۰؛ حنفی قندوزی، بنایع المودة، ج ۳، ص ۲۴۹؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۶۱۵.

۲. کاظمی، بشارة الإسلام فی ظهور صاحب‌الزمان ﷺ، ص ۲۹۷.

۳. سید رضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۸؛ آمدی، غررالحکم، ص ۹۴، ح ۱۶۵۸؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۰، ح ۲۵.

### مهدی یاوران، در اوج اخلاق و پارسایی

امام صادق علیه السلام: «مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْإِخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْإِجْرِ مِثْلُ أُجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ، فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيْتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ؛<sup>۱</sup> کسی که دوست دارد از اصحاب و یاوران قائم باشد، باید که منتظر ظهور باشد و بر اساس ورع (پرهیزگاری و تقوای شدید) و اخلاق نیکو رفتار نماید، در حالی که در مسیر انتظار گام برمی دارد. پس اگر در این حالت مرگ او فرارسد و قائم علیه السلام پس از او قیام نماید، پاداش او همچون پاداش درک کنندگان آن حضرت خواهد بود. پس با جدیت تمام بکوشید و منتظر بمانید! ای گروهی که مورد رحمت خداوند قرار گرفته اید!».

شرط قرار گرفتن در شمار اصحاب و یاران ویژه امام زمان علیه السلام، به فرموده امام صادق علیه السلام، سه چیز است:

۱. انتظاری حقیقی است که اندیشه ساز، جدیت بخش و تکاپو آفرین است؛
۲. عمل بر اساس ورع که بسی بالاتر از تقوا و پرهیزکاری است. تقوا، پرهیز از محرّمات و عمل به واجبات است؛ اما ورع علاوه بر تقوا پرهیز از مکروهات و مشتبهات و عمل به مستحبات را نیز دربرمی گیرد؛
۳. عمل بر اساس محاسن و فضایل اخلاقی که لازمه اش تهذیب و وارستگی نفس از تمام رذایل اخلاقی است.

پس با تمام توان و جدیت باید که جوشید، باید خروشید، باید دوباره از ریشه روید!

منتظران حقیقی ظهور، همواره بر اساس رضایت مولایشان حرکت می کنند و

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰.

مهدی‌یاوری، در مقام بصیرت (۱) □ ۱۰۹

برای ظهور مصلح جهان به ترویج مکارم اخلاقی و ارزش‌های الهی در وجود خویش و جامعه جهانی می‌پردازند. بدین‌سان، انتظار موعود<sup>علیه السلام</sup>، انتظاری سازنده، رشد‌آفرین و ترکیه‌بخش در عرصه فردی و اجتماعی است.

### مهدی‌یاوران، در نهایت صلابت و سختکوشی

امیرالمؤمنین علی<sup>علیه السلام</sup>: «إِنَّ قَلْبَ رَجُلٍ مِنْهُمْ أَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ، لَوْ مَرَّوًا بِالْجِبَالِ الْحَدِيدِ لَنَدَّ كَدَاكَتْ، لَا يَكْفُونَ سَيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ؛ أَمَا نَدَلْ هَر مَرْدِيْ از ایشان (یاوران مهدی<sup>علیه السلام</sup>) از پاره‌های فولاد محکم‌تر و استوارتر است. اگر برکوه‌های آهن هیبت و صلابتشان» کوه‌ها درهم فرو ریزند. «در پیکار با دشمنان دین» دست از شمشیرهای خود بردارند تا آنکه خداوند عزتمند و پرجلال راضی شود».

استواری و صلابت یاوران مهدی<sup>علیه السلام</sup>، رهاورد ایمان و یقین قلبی ایشان است. ایشان به عمق معرفت خداوند بار یافته‌اند و در دل‌هایشان ذره‌ای شک درباره خداوند متعال راه ندارد. از همین روست که قلوب نورانی‌شان از پاره‌ای فولاد نیز محکم‌تر و استوار گشته است. همت، استقامت، هیبت و صلابت بی‌نظیر یاوران مهدی<sup>علیه السلام</sup> نتیجه بندگی و عبودیت حقیقی ایشان است. خداوند متعال به چنین بندگان خالص خویش چنان هیبت و صلابتی عطا می‌کند که نزدیک است کوه‌های برافراشته نیز در پیشگاه همتشان درهم فرو ریزند، و چنان همت و استقامتی بدیشان عطا می‌فرماید که جز به رضایت خداوند آرام و قرار نمی‌یابند و دست از شمشیرهای خود برنمی‌دارند تا آنکه مطمئن شوند خداوند پرعزت و جلال از مجاهدت ایشان و یاری‌رسانی‌شان به امام زمان<sup>علیه السلام</sup> راضی و خوشنود گشته است.

## مهدی یاوران، اسوه صبر و استقامت

امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام: «هاها!! طوبی لَهم علی صبرهم علی دینهم فی حالِ هُدنتهم! و یا شوقاه الی رؤیتهم فی حالِ ظهورِ دولتهم!! و سیجمعنا الله و ایاهم فی جناتِ عدن و من صلح من آبائهم و أزواجهم و ذریاتهم! آه آه! خوشا بر احوالشان که قبل از قیامشان، بر دینداری خویش صبر و شکیبایی ورزیدند! و چه فراوان مشتاق دیدار ایشان در زمان ظهور دولتشان هستیم! و خداوند به زودی ما (اهل بیت) را با ایشان و پدران و همسران و فرزندانشان در بهشت برین گرد خواهد آورد».

برای یاوران و منتظران راستین امام زمان علیه السلام چه شکوه و افتخاری از این بالاتر که مولای موحدان و امیرمؤمنان علیه السلام آرزومند ملاقات ایشان در زمان ظهور امامشان می باشد. آرزو و اشتیاق معصوم علیه السلام، آرزویی خیالی نیست که از واقعیت به دور باشد، بلکه آرزویی واقعی است که به طور قطع و یقین تحقق خواهد یافت. تمنای مولایمان علی علیه السلام مبنی بر دیدار منتظران صبور، به زودی زود با ظهور فرخنده امام زمان علیه السلام و رجعت امیرمؤمنان علیه السلام به وقوع خواهد پیوست.

آنچه بیش از هر چیز مورد تأکید امیرالمؤمنین علیه السلام قرار گرفته است، «صبر و استقامت منتظران بر دینداری» است؛ چراکه دینداری در آخرالزمان همچون نگه داشتن پاره آتش در دست است و آنان که بر حفظ دین خویش توفیق می یابند، به بالاترین درجات، یعنی همجواری با ائمه معصومین علیهم السلام، می رسند. خداوند ما را نیز بر حفظ دین خویش موفق بدارد! آمین!

---

**درس هفتم:**

**مهدی یاوران در مقام بصیرت (۲)**

---

مهدی یاوران، جوان و جوان گرا  
مهدی یاوران، عاشق شهادت در راه خدا  
مهدی یاوران، پارسایان شب و شیران روز  
مهدی یاوران، پیروز در امتحانات الهی  
مهدی یاوران، قاطع و استوار در برابر مشکلات  
مهدی یاوران، آماده برای هرگونه مجاهدت  
مهدی یاوران، در اوج نیروی روحی و بدنی  
مهدی یاوران، قانع و ساده زیست  
مهدی یاوران، آبادگر و عدالت گستر



### شوق شهادت

دامن سبز قبایش به کفم باید و نیست  
پیش پایش گل اشک و شعفم باید و نیست  
هر شب از ذکر دل انگیز و خوشش تا دم صبح  
عشق بازی و سلوک و طربم باید و نیست  
هر شب و روز به سان سحر سبز ظهور!  
مژده وصلتش از هر طرفم باید و نیست  
عاشقان رخ خویش به تمنا رفتند  
جا در این قافله در صدر صفم باید و نیست  
هر دم از شوق شهادت به رکابش شوقی  
چون شهیدان بیابان طفم باید و نیست<sup>۱</sup>

---

۱. زکریا اخلاقی.

### مهدی‌باوران، جوان و جوان‌گرا

امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «أصحابُ المهدیِّ شبابٌ لا کُھولَ فیهم إلا مثلَ کُخلِ العینِ وَ المِلحِ فی الزَّادِ وَ أَقلُّ الزَّادِ المِلحُ؛<sup>۱</sup> اصحاب مهدی علیه السلام، جملگی جوانند و پیری در میانشان نیست، مگر به اندازهٔ سرمه در چشم یا نمک در غذا، و کمترین چیز در غذا، نمک است».

از مهم‌ترین ویژگی‌های اصحاب امام زمان علیه السلام، جوانی و جوان‌گرایی است. آنان هم خود جوانند و هم امورشان را به جوانان می‌سپارند. تنها به همان درصد که در غذا نمک ریخته می‌شود، پیرانی در میانشان یافت می‌شود و مابقی همه جوانند.<sup>۲</sup> جوانانی پرشور و پر نشاط که در همان جوانی ره صد ساله را پیموده‌اند و به نهایت درجهٔ توحید و معرفت خدا رسیده‌اند: «رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقًّا مَعْرِفَتِهِ؛ رادمردانی که خدا را آن‌گونه که باید، شناخته‌اند». جوانانی پر توان و پر انرژی که هر کدامشان از توان و نیروی چهل مرد برخوردار گشته و به اوج

---

۱. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۷۶؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳، ح ۶۳.

۲. همان.

قدرت و صلابت روحی دست یافته‌اند. جوانانی در اوج ایمان و تقوا که خوف و خشیت الهی قلوبشان را لبریز کرده و به نهایت درجه شهود و شهادت نزدیک گردانیده است. از این رو همواره طالب شهادتند و مهم‌ترین آرزویشان این است که در راه خدا و در رکاب امامشان به شهادت نایل شوند: «امامشان را در میان گیرند و جان خویش را در جنگ‌ها سپر و پناه او سازند و هر چه را اشاره کند، با جان و دل آن جام دهند... همانان که آرزومند شهادتند و تمنایشان از خدا (شهادت در راه او) است... خدا به دست آنان، امام حق را یاری فرماید»<sup>۱</sup>.

### مهدی‌یاوران، عاشق شهادت در راه خدا

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام: «...هُم مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ، يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَ يَتَمَنُّونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>۲</sup> (یاوران مهدی علیهم السلام) فقط از خدا می‌هراسند، شهادت را می‌طلبند و همواره آرزو دارند که در راه خدا کشته شوند.

والاثرین و برترین آرزوی مهدی‌یاوران توفیق شهادت در راه خدا پس از بهترین خدمت‌ها و جانفشانی‌ها و ایثارگری‌هاست. یاران امام زمان علیه السلام، در پرتو عبادت خالصانه پروردگار و در سایه وارستگی از هر محبتی غیر از محبت کردگار، عطر و بوی شهادت گرفته‌اند و همواره در انتظار شهادت به سر برند. «روحیه شهادت‌طلبی» در یاران ویژه امام زمان علیه السلام موج می‌زند و همین عامل باعث می‌شود تا به نهایت «شجاعت و شهامت» و «هیبت و صلابت» در راه خدا دست یابند؛ تا جایی که «آوازه هیبت و صلابتشان» و «ترس از قدرت و شوکتشان» یکماه زودتر از خودشان به شهرها و کشورها می‌رسد و زمینه پیروزی را برای ایشان هموار می‌سازد.

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۱۴،

ح ۱۲۵۶۵.

۲. همان.

مهدی‌یاوری، در مقام بصیرت (۲) □ ۱۱۵

پروردگارا! ما بندگان نالایق خویش را نیز به نیم‌نگاهی از رحمت بی‌کرانت بنوازا! و به لطف و کرم خویش ما را نیز در شمار «شهادت‌جویان و شهیدان رکاب امام زمان (عج)» مقدر بفرما! آمین یا رب العالمین!

### آرزوی شهادت

آخرین جمله را به امام و مقتدای خودمان ولی عصر (عج) عرض کنیم: ای سید و مولای ما! پیش خدای متعال گواهی بده که ما در راه خدا تا آخرین نفس ایستاده‌ایم! و بزرگ‌ترین آرزو و افتخار ما این است که در این راه پر فیض و پر بهجت، جان خود را تقدیم کنیم.<sup>۱</sup>

### مهدی‌یاوران، پارسایان شب و شیران روز

امیرالمؤمنین علی (ع): «...فیهم رجالٌ لا ینامونَ اللیلَ، لَهم دَویٌّ فی صَلَاتِهِمْ کَدَویَّ النَّحْلِ، یَبیتونَ قِیاماً علی أطرافِهِمْ وَ یُصْبِحونَ علی خُیولِهِمْ، رُهبانٌ بِاللَّیْلِ لُیوثٌ بِالنَّهَارِ؛<sup>۲</sup> رادمردانی از ایشان (اصحاب و یثزه مهدی (عج))، شب هنگام نخوابند. زمزمه قرآن و نماز و مناجاتشان چونان زمزمه زنبوران عسل فضا را آکنده سازد. از شب تا به صبح در حال قیام و رکوع و سجودند و بامدادان بر مرکب‌هایشان سوارند. آنانند راهبان شب و شیران روز». یکی از بارزترین ویژگی‌های دولتمردان، کارگزاران و یاوران و یثزه حضرت مهدی (عج)، تهجد و شب‌زنده‌داری با قرآن و نماز و مناجات است. آنان همانند صیقل‌دادن کمان به وسیله آهنگر، با قرآن دیدگان‌شان را جلا می‌دهند و جام‌های حکمت و معرفت را از قرآن، هر صبح و شام، سر می‌کشند. معارف قرآن را در

۱. مقام معظم رهبری، ۷۸/۴/۲۰.

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲.

گوش جانشان جای می دهند و از این راه به حقیقت توحید و معرفت خداوند راه می یابند.<sup>۱</sup> آنان شب‌های خویش را با نماز و مناجات و تلاوت قرآن به صبح می آورند. آوای مناجات و نماز و تلاوت قرآنشان تمام فضا را معطر می کند. عبادت بالنده شبانه، ایشان را از مجاهدت توفنده روزانه باز نمی دارد. صبحگاهان، ایشان را پررو حیه و نیرومند، آماده برای هر گونه فداکاری و جان‌فشانی و خدمت‌گزاری در رکاب امامشان می‌نگری.<sup>۲</sup> آنان وزیران امام زمانند که مدیریت امور کشوری را بر عهده می‌گیرند و امامشان را در برپایی دولت کریمه مهدوی و استقرار آن در سرتاسر جهان یاری می‌کنند. تمام وزیران، نمایندگان، کارگزاران و دولتمردانی که آرزویشان «خدمت‌گزاری به آستان مهدوی» است، می‌بایست از چنین ویژگی‌هایی برخوردار باشند تا لیاقت خدمت را بیابند.

#### مهدی‌باوران، پیروز در امتحانات الهی

فرازی از صحف ادريس عليه السلام: «...وَأَنْتَخِبْتُ لِذَلِكَ الْوَقْتِ عِبَادًا لِي إِمْتَحَنْتُ قُلُوبَهُمْ لِلْإِيمَانِ وَحَشَوْتُهُمْ بِالْوَرَعِ وَالْإِخْلَاصِ وَالْيَقِينِ وَالتَّقْوَى وَالْخُشُوعِ وَالصِّدْقِ وَالْحِلْمِ وَالصَّبْرَ وَالْوَقَارَ وَالتَّقَى وَالزُّهْدَ؛<sup>۳</sup>... و برای آن زمان (ظهور) بندگانی را برگزیدم که دل‌هاشان را به ایمان آزمودم و آنان را از ورع، اخلاص، یقین، پارسایی، خشوع، راستی، شکیبایی، وقار، وارستگی و زهد سرشار کردم». قبل از ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، انسان‌های پاک در میدان مجاهدت امتحان می‌شوند. در کوره‌های آزمایش وارد می‌شوند و سربلند بیرون می‌آیند.

۱. یزدی حائری، الزام الناصب، ص ۱۹۲؛ کاظمی، بشارة الاسلام، ص ۲۹۷.

۲. یزدی حائری، الزام الناصب، ص ۱۹۲؛ کاظمی، بشارة الاسلام، ص ۲۹۷.

۳. سیدبن طاووس، سعد السعود، ص ۳۴؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۴، ح ۱۹۴ (سیدبن طاووس به نقل از صحف ادريس).

مهدی‌یاوری، در مقام بصیرت (۲) □ ۱۱۷

امام زمان علیه السلام کسانی را لازم دارد که در مقابل پدیده‌های تلخ و دشوار، مردد و متزلزل نشوند و عقب ننشینند تا بتوانند با این‌ها وارد کار عظیمی بشوند که قرار است دنیا را متحول کند.

...ایشان باید در مقابل همه مشکلات بایستند. بصیرت نافذ و راسخ داشته باشند که هیچ مشکلی آنان را مردد نکند؛ افرادی آگاه، بصیر، خیر، متوکل به خدای متعال، توجه‌کننده به جزئیات و آن‌گاه فداکار، کاردان در اداره جامعه و رزمجو با دشمن.

شما هستید که باید خودتان را بسازید تا ان‌شاءالله آن حد نصاب لازم در اختیار اراده خالص او قرار بگیرد.<sup>۱</sup>

### مهدی‌یاوران، قاطع و استوار در برابر مشکلات

﴿وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ؛ از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌هراسند﴾.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمود: «هُمُ أَصْحَابُ الْقَائِمِ؛ ایشان اصحاب و یاران ویژه قائمند». امیرالمؤمنین علیه السلام: «كُلُّهُمْ لِيُوثَّ قَدْ خَرَجُوا مِنْ عَابَاتِهِمْ لَوْ أَنَّهُمْ هَمُّوا بِإِزَالَةِ الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا عَنْ مَوَاضِعِهَا؛<sup>۳</sup> تمامشان شیرانی‌اند که از بیشه‌هایشان به در آمده‌اند و اگر اراده کنند، کوه‌ها را از جا برمی‌کنند».

تعبیر استعاری فوق که به افتخار سرداران و یاوران مهدی موعود علیه السلام از زبان مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام صادر شده است، کنایه و استعاره‌ای است از صلابت، قاطعیت، همت و شجاعت یاوران و دولتمردان آن حضرت که در اوج اراده، قاطعیت، و همت‌های والایند و دارای قلبی مستحکم همچون پاره‌های فولادند:

۱. فرازی از رهنمودهای رهبری، روزنامه رسالت، ۱۳۶۵/۲/۷.

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، ح ۱۲؛ صافی گلپایگانی، منتخب‌الآثر، ص ۴۷۵.

۳. کامل سلیمان، يوم‌الخلاص، ص ۲۲۴؛ کاظمی، بشارة الإسلام، ص ۲۲۰.

«جَعَلَتْ قُلُوبَهُمْ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ»<sup>۱</sup> رادمردانی که در طریق عبودیت و مجاهدت در راه خدا سخت کوش و پرتلاشند: «مُجِدُّونَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ»<sup>۲</sup> و شمشیرهای خود را بر زمین نمی‌نهند تا آن هنگام که خداوند راضی شود: «لَا يَكْفُونَ سُيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ»<sup>۳</sup> همانانی که در آن جام وظیفه و ادای حقوق امام زمان علیه السلام از خداوند یاری می‌طلبند: «وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ»<sup>۴</sup> و در این راه از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌هراسند؛ چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر آیه ﴿وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾<sup>۵</sup> از ملامت هیچ‌کس نمی‌هراسند می‌فرماید: «هُمُ أَصْحَابُ الْقَائِمِ؛ اِيْشَانِ هِمَانِ يَأُوْرَانِ قَائِمِنْد»<sup>۶</sup>.

هان ای کمانداران شرقی! تیرتان کو؟

شمشیرتان، شمشیرتان، شمشیرتان کو؟

ای ساقی مست از می غم، غمزات کو؟

ای لشکر بغض محمد، حمزهات کو؟<sup>۷</sup>

### مهدی‌یاوران، آماده برای هرگونه مجاهدت

امام صادق علیه السلام: «لَيُعِدَّنَّ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام وَلَوْ سَهْمًا، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، ح ۱۲؛ کامل سلیمان، يوم الخلاص، ص ۲۴.

۲. کاظمی، بشارة الإسلام، ص ۹.

۳. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۷۳، ح ۲۷؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷، ۴۴.

۴. سیدبن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۲۹۹؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۸؛ فرازی از دعای ندبه.

۵. مائده (۵)، ۵۴.

۶. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۱، ص ۵۷۷؛ صافی گلپایگانی، منتخب‌الأنثر، ص ۴۷۵.

۷. حمید یعقوبی سامانی.

مهدی‌یاوری، در مقام بصیرت (۲) □ ۱۱۹

ذَلِكَ مِنْ نَبِيِّهِ رَجَوْتُ لَنْ يُنْسِيَّ فِي عُمْرِهِ حَتَّى يَدْرِكَهُ فَيَكُونُ مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ؛<sup>۱</sup> هر یک از شما باید خود را برای ظهور قائم علیه السلام آماده نماید، اگرچه به فراهم‌سازی یک تیر. هرگاه خداوند متعال کسی را دارای چنین نیتی بداند، امیدوارم عمر او را طولانی گرداند! تا زمان ظهور را دریابد و جز یاران مولایش باشد.

آماده‌سازی خود از هر طریق ممکن برای ظهور و قیام امام زمان علیه السلام، یکی از ضروری‌ترین وظایف منتظران و مهدی‌یاوران است. آمادگی‌های لازم برای ظهور، می‌بایست در سه محور کلی پیگیری شود:

۱. آمادگی‌های روحی، معنوی و اخلاقی برای پیروزی در عرصه جهاد اکبر؛
۲. آمادگی‌های علمی و معرفتی برای پیروزی در عرصه جهاد فرهنگی؛
۳. آمادگی‌های جسمی و رزمی برای پیروزی در عرصه جهاد نظامی. ایجاد این آمادگی‌ها در دو عرصه فردی و اجتماعی ضروری است.

امام صادق علیه السلام برای رادمردانی که با تمام توان خود را برای ظهور مولایشان آماده می‌کنند، آرزوی طول عمر می‌نماید تا توفیق درک حضور و خدمت‌گزاری در رکاب مولایشان را بیابند و این تمنای معصوم علیه السلام در حق ایشان تحقق خواهد یافت: یا از طریق بقای عمر تا عصر ظهور و یا از طریق بازگشت و رجعت به دنیا پس از ظهور. ان شاء الله.

### مهدی‌یاوران، در اوج نیروی روحی و بدنی

﴿لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ﴾<sup>۲</sup> ای کاش مرا قوت و اقتداری (می‌بود تا شر شما را دفع می‌کردم) و یا رکن محکم و استواری برای من می‌بود تا بدان پناه می‌بردم.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق: «تَمَنِّيَ لِقُوَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ وَشِدَّةِ أَصْحَابِهِ. هُمْ

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۰؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶.

۲. هود (۱۱)، ۸۰.



## ۱۲۰ □ سلوک مهدوی

الرُّكْنُ الشَّدِيدُ. فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا؛<sup>۱</sup> (این آیه) آرزویی است بر قدرت قائم ما مهدی و شدت و استواری یارانش که همان ارکان مستحکم می‌باشند. به هر کدام از یاران مهدی علیه السلام قوت و نیروی چهل مرد عطا می‌شود. یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی امام زمان علیه السلام، وجود یاران مخلص، نیرومند و سخت‌کوشی است که آن حضرت را در زمینه‌سازی و برپایی حکومت جهانی اسلام یاری می‌نمایند. آنان همان ارکان محکمی هستند که حضرت لوط علیه السلام، نیرو و قوتشان را در رویارویی با منحرفان قوم خویش آرزو داشت؛ دلیرمردانی که هر کدامشان از نیرویی برابر با نیروی چهل مرد برخوردارند. تعبیر «برخورداری از قوت و نیروی چهل مرد»، نه به معنای محدود نمودن این نیرو، که به معنای تأکید بر فوق‌العاده بودن قدرت‌های بدنی و روحی ایشان است. در سایه همین قدرت والای بدنی و روحيات فوق‌العاده معنوی است که یاران مهدی علیه السلام توانایی می‌یابند تا نابودی تمام فسادها و ظلم‌ها را رقم زنند و دولت کریمه مهدوی را به ثمر رسانند. از این رو تلاش برای حفظ سلامت روح و روان و تکاپو به دست آوردن انرژی و قدرت بالای روحی و بدنی از جمله وظایف منتظران و زمینه‌سازان آن حضرت است.

### مهدی‌باوران، قانع و ساده‌زیست

امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «إِنَّهُ يَأْخُذُ الْبَيْعَةَ عَنْ أَصْحَابِهِ أَنْ... لَا يَكُنُّزُوا ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً وَلَا بُرًّا وَلَا شَعِيرًا وَيَرْضُونَ بِالْقَلِيلِ وَيَلْبَسُونَ الْحَشِينَ مِنَ الثِّيَابِ وَيَتَوَسَّدُونَ التُّرَابَ عَلَى الْخُدُودِ؛<sup>۲</sup> همانا او از اصحاب و یارانش پیمان می‌گیرد که... طلا و نقره

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۷۳؛ ح ۲۷؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷، ح ۴۴؛ قندوزی، منابع الموده، ج ۳، ص ۲۲۱.

۲. صافی گلپایگانی، منتخب‌الأثر، ص ۴۶۹؛ یزدی حائری، إلزام‌الناصب، ج ۲، ص ۲۰۵.

مهدی‌یاوری، در مقام بصیرت (۲) □ ۱۲۱

نیندوزند و گندم و جو برای خود انبار نکنند و به کم راضی باشند و لباس‌های خشن بپوشند و خاک را متکای خویش سازند». مهدی موعود علیه السلام، به هنگام ظهور، از یاوران و سرداران خویش بر دنیاگریزی و قناعت و ساده‌زیستی عهد و پیمان می‌گیرد تا به دنبال ثروت‌اندوزی نباشند و ساده‌ترین لباس‌ها و مسکن‌ها را برای خویش برگزینند، به کم قانع و راضی باشند و خاک را رختخواب و متکای خویش سازند، تا بتوانند آن‌گونه که شایسته‌ی خداوند است، در راهش جهاد کنند: «...وَيُجَاهِدُونَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»<sup>۱</sup>.

باری، یاوران و دولتمردان مهدوی تا از قید تعلق به دنیا و مظاهر آن نرهیده باشند و تا دل در گرو ثروت و جاه و مقام نهاده باشند، هرگز نخواهند توانست در راه خدا حق مجاهدت را به جا آورند یاری‌گر مهدی موعود در برپاسازی دولت عدالت‌مدار جهانی باشند.

### مهدی‌یاوران، آبادگر و عدالت‌گستر

امام صادق علیه السلام: «يُفَرِّقُ الْمَهْدِيُّ أَصْحَابَهُ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ وَيَأْمُرُهُم بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَيَجْعَلُهُمْ حُكَّامًا فِي الْأَقَالِيمِ وَيَأْمُرُهُم بِعِمْرَانِ الْمُدُنِ»<sup>۲</sup> حضرت مهدی یارانش را در همه شهرها پراکنده می‌کند و به آنها دستور می‌دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند و آنها را فرمانروایان کشورهای جهان گرداند و به آنها فرمان می‌دهد که شهرها را آباد سازند». دولتمردان و کارگزاران مهدوی، خود از متن مردم ستم‌دیده و مستضعف برخاسته‌اند: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»<sup>۳</sup> ما می‌خواهیم بر آنان که در

۱. صافی گلپایگانی، منتخب‌الأثر، ص ۴۶۹.

۲. علامه قزوینی، الإمام‌المهدی، ص ۲۷۱.

۳. قصص (۲۸)، ۵.

زمین خوارشان شمرده‌اند، منت نهیم و آنان را پیشوایان (مردم) گردانیم و ایشان را وارث زمین کنیم. ﴿آنان طعم تلخ ظلم و بی‌عدالتی، طعم گزنده فقر و ننداری و ویرانی را با تمام وجودشان چشیده‌اند، از این رو به هنگام فرمانروایی و پیشوایی بر اهل جهان، عدالت گستری، آبادسازی و احسان به مردم را سرلوحه کار خویش قرار می‌دهند و این همان عهد و پیمانی است که مولایشان آنان را به سویش فرامی‌خواند: «به آنها دستور می‌دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند و آنها را فرمانروایان کشورهای جهان می‌گرداند و آنان را فرمان می‌دهد که شهرها را آباد سازند».

### کران تا کران سبز

می‌رسی سپیده به دوش، می‌شود تمام جهان سبز  
پیش رو افق در افق سرخ، پشت سر کران تا کران سبز  
خاک زیر پای تو روشن، باد با نگاه تو آتش  
می‌شود به وقت وضویت، چشمه چشمه آب روان سبز  
ابر می‌رسی که بباری بر فرار گمشده گل  
در نگاهت آینه جاری، می‌نود زمین و زمان سبز  
در هجوم وحشی ناقوس، می‌رسی به دست تو فانوس  
باز هم به گوش درختان می‌رسد صدای اذان سبز  
شعله می‌زنی گل خورشید! از همان کرانه شرقی  
در پی‌ات روانه دریا لشکری چو رخس و جوان سبز<sup>۱</sup>

---

۱. سید محمد ضیاء قاسمی.

---

درس هشتم:

## مهدی ولایی در مقام ولایت

---

مهدی ولایی در قرآن

مهدی ولایی، ولایت الهی

مهدی ولایی، تنها راه سلوک الهی

مهدی ولایی، راه لقاءالله

مهدی علیه السلام، ختم کننده ولایت محمدی

مهدی علیه السلام، ختم کننده اسرار ولایت علوی

مهدی علیه السلام، عهده دار مقام هدایت و تربیت

### دروازه نور

مرا ز وادی ظلمت به شهر نور ببر!      بیا و موسی خود را به کوه طور ببر!  
درین دیار نشانی ز روشنایی نیست      بیا مرا به دیدن دروازه‌های نور ببر!  
دلَم ز تاب عطش چون کویر می‌سوزد      مرا به چشمه روشن‌تر از بلور ببر!  
مرا به بزم خراباتیان که می‌نوشند      می‌طهور به ذکر هوالغفور، ببر!

### پیمان ولایت

اگر آن پیمان زرین و عهد عتیق نبود که دیروز در عالم زر بستیم، کجا امروز  
خبر از جستاری عاشقانه بود؟! گفتند به ربوبیت اقرار کنم و گردن بگذارم طاعت  
تو را؛ آن دم که پذیرا شدم، لؤلؤ شاهوار ولایت را پیشم به ودیعت نهادند.<sup>۲</sup>

---

۱. محمدعلی مجاهدی (پروانه).

۲. سعید مقدس.

### مهدی ولایی در قرآن

﴿...فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تُكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً؛ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛﴾<sup>۱</sup> بشتابید به سوی خیرات! هر کجا که باشید خداوند شما را گرد خواهد آورد. همانا خداوند بر هر چیز قادر و تواناست.  
امام محمد باقر علیه السلام: «الْخَيْرَاتُ الْوَلَايَةُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ...»<sup>۲</sup>؛ خیرات (در آیه مذکور) ولایت ما اهل بیت است.

سالک راه حق، آن گاه که به توفیق الهی و جذبه‌های مهدوی از منزل «مهدی شناسی»، «مهدی محبتی»، «مهدی باوری» و «مهدی یاوری» با موفقیت گذر کرد، می‌تواند به سرمنزل «مهدی ولایی» وارد گردد و در بهشت ولایت و سرپرستی مولایش مهدی روحی فداه مقیم گردد و به چنان مقامی بار یابد که تمام برنامه‌ها و امور زندگانی‌اش زیر نظر شامخ ولایت مهدوی تدبیر و سرپرستی گردد.

---

۱. بقره (۲)، ۱۴۸.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۴.

مقام نهایی در سیر و سلوک مهدوی، مقام ولایت اخصّ است که با عنوان «مهدی ولایی» از آن یاد می‌کنیم. سالک در مسیر سلوک مهدوی خویش از همان ابتدا تحت ولایت و سرپرستی عام مولای هدایت و تربیت قرار می‌گیرد، اما پس از توفیق اقامت در مقام‌های معرفت، محبت، بصیرت و نصرت حد نصاب لازم برای ورود به بارگاه ولایت ویژه مهدوی را می‌یابد و در این مقام است لحظه لحظه سالک در سایه‌سار هدایت‌ها و تربیت‌های ویژه مهدوی مدیریت می‌گردد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿به سوی خیرات سبقت بگیرید!﴾ و امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر خیرات می‌فرماید: «خیرات، ولایت ما اهل بیت است». بدین سان «سبقت‌گیری بر ولایت‌پذیری»، توصیه‌ای الهی است.

امام محمد باقر علیه السلام در ابتدای همین حدیث می‌فرماید: «گویا می‌بینیم که جبریل اولین مخلوق الهی است که در کنار کعبه با آن حضرت بیعت می‌نماید و آن‌گاه ۳۱۳ نفر با او بیعت می‌کنند. پس هر که در مسیر ولایت ما، امتحان خود را پس داده باشد، در آن ساعت به عهد و پیمان ولایت وفا خواهد نمود. آنان کسانی هستند که در شب ظهور به ناگاه از رختخواب خویش ناپدید می‌شوند و ایشان همانانند که امیرمؤمنان علی علیه السلام آنان را «ناپدید شدگان از رختخواب‌هایشان» خوانده است. و همین است مصداق این فرموده الهی: ﴿در خیرات از یکدیگر سبقت بگیرید که هر کجا باشید، خداوند شما را در یکجا گرد می‌آورد﴾ منظور از خیرات (در این آیه)، ولایت ما اهل بیت است.<sup>۱</sup> بدین سان پس از ظهور، تنها کسانی خواهند توانست به مهدی موعود پیوندند و در رکاب او ثابت‌قدم و استوار بمانند که به منزلگاه «مهدی ولایی» وارد گشته و تمام امتحانات الهی در این مسیر را سرفراز و سربلند با موفقیت و پیروزی پشت سر گذاشته باشند. آنان

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۴؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۹، ح ۱۵۶.

## مهدی‌ولایی در مقام ولایت □ ۱۲۷

که توفیق می‌یابند به حریم ویژه ولایت مهدوی راه یابند، امر هدایت، تربیت و تزکیه‌شان به طور ویژه به دست مولایشان رقم می‌خورد و استعدادهای نهفته انسانی‌شان به نهایت درجه شکوفایی و فعلیت می‌رسد. آنانند تربیت‌شدگان به دست مهدی و هدایت‌یافتگان به نور مهدی: «سلام بر آن نور خدایی که هدایت‌یافتگان عالم با نور او هدایت می‌یابند»<sup>۱</sup>.

### ولایت مهدوی، ولایت الهی

قال رسول الله ﷺ: «يَا ابْنَ عَبَّاسٍ، وَلَايَتُهُمْ وَلَايَتِي وَوَلَايَتِي وَلَايَةُ اللَّهِ؛ أَيُّ پسر عباس! ولایت ایشان (اهل بیت علیهم‌السلام)، ولایت من و ولایت من، ولایت خداست». فرازی از زیارت جامعه کبیره: «مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ»<sup>۳</sup> هر کس ولایت شما را بپذیرد، ولایت خدا را پذیرفته است و هر کس شما را دشمن دارد، خدا را دشمن داشته است».

ولایت اصیل و استقلال‌ی از آن خداست و همو می‌تواند مقام ولایت را به هر کس که بخواهد، عطا فرماید و او را مجرای تحقق ولایت خویش قرار دهد. بر اساس آیه ذکر شده، خداوند متعال مقام ولایت را به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بخشیده و آن حضرت را بر جان و مال و تمام امور اهل ایمان، سرپرست و صاحب اختیار قرار داده است.

بدین‌سان، ولایت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، همان ولایت خداست. هر که آن را بپذیرد، ولایت خدا را پذیرفته و هر که از آن روی برتابد، از ولایت خدا روی برتافته

---

۱. سیدبن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۳۷؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۱۵؛ فرازی از زیارت حضرت صاحب‌الامر علیه‌السلام در روز جمعه.

۲. خزّاز قمی، کفایة الأثر، ص ۱۶؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۸۵، ح ۱۰۷.

۳. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۹۷؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۲۹؛ شیخ عباس قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت جامعه کبیره.



است. از سوی دیگر، ولایت اهل بیت علیهم السلام، همان ولایت رسول خداست. نتیجه آن که اساساً هیچ گونه جدایی و گسستگی بین ولایت رسول خدا و اهل بیت او و ولایت خدا وجود ندارد. تفاوت تنها در مراتب است؛ بدین معنا که ولایت خدا، ولایتی ذاتی و استقلالی است و ولایت رسول خدا و اهل بیت او، ولایتی تفویض شده از جانب خداست.

نتیجه آن که، ولایت امام زمان علیه السلام، بخشی از ولایت خدا و رسول خداست: هر کس ولایت مهدی علیه السلام را بپذیرد، ولایت خدا را پذیرفته و هر کس از ولایت مهدی علیه السلام روی برتابد، از ولایت خدا روی برتافته است.<sup>۱</sup>

### مهدی ولایی، تنها راه سلوک

فرازی از زیارت صاحب الامر علیه السلام: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتِي إِلَّا مِنْهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ... أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ وَتُرَكَّى الْأَفْعَالُ وَتُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ وَتُمَحَى السَّيِّئَاتُ فَمَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِكَ وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قَبِلَتْ أَعْمَالُهُ وَصُدِّقَتْ أَقْوَالُهُ وَتُضَاعَفَتْ حَسَنَاتُهُ وَمُحِيَتِ سَيِّئَاتُهُ وَ مَنْ عَدَلَ عَنْ وِلَايَتِكَ وَجَهَلَ مَعْرِفَتَكَ وَاسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ كَبَّهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ وَ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا وَ لَمْ يُقِمِ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا؛<sup>۲</sup> سلام بر تو ای درگاه خدا که جز از طریق آن هیچ کس به خدا نرسد. سلام بر تو ای راه خدا که هر کس در غیر آن ره پوید، هلاک گردد... گواهی می‌دهم که تنها به ولایت شماس است که اعمال پذیرفته می‌شود و افعال پاک می‌گردد و رشد می‌یابد. به ولایت شماس است که

۱. رک: مصباح یزدی، آفتاب ولایت، فصل «منظومه ولایت»؛ آقانهانی، سودای روی دوست، ص ۱۵۲-۱۶۲.

۲. کفعمی، المصباح، ص ۴۹۵؛ البلد الامین، ص ۲۸۴؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۱۶؛ محدث قمی، کلیات مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام در سرداب مقدس (پس از دعای زیارت آل یاسین).

نیکی‌ها فزونی یابد و بدی‌ها محو و نابود گردد. پس هر که به پذیرش ولایت شما و گردن نهادن به امامت شما نایل شود، رفتارش پذیرفته، گفتارش تصدیق شده، نیکی‌هایش فزونی یافته و بدی‌هایش محو و نابود گشته است و هر کس از ولایت شما روی برتابد و در معرفت شما جاهل بماند و غیر از شما راه دیگری را برگزیند، خداوند او را به رو در آتش افکند و هیچ عملی را از او نپذیرد».

میانبرترین، کارآمدترین و مطمئن‌ترین شیوه‌های سلوکی - تربیتی را می‌بایست از ساحت مقدس قطب عالم امکان، جوید و با تمام توان به آن ساحت نورانی ره پوید. تمام عالم امکان حول محور او و تحت نظر و تصرف او در گردش است. او چشمه جوشان زندگانی و ورودگاه بارگاه خداست. نتیجه آن که تنها راه مطمئن و کارآمد در سیر و سلوک الی‌الله، منحصرأ راه ولایت امام زمان ارواحنفاذیه است. به گونه‌ای که فرجام پیمودن هر راه و مسلکی غیر از راه ولایت او هلاکت و شقاوت است: «شهادت می‌دهم که تنها به ولایت شما اعمال پذیرفته می‌شود و تمام افعال به ولایت شما پاک می‌گردد و رشد می‌یابد. به ولایت شماست که نیکی‌ها فزونی می‌یابد و بدی‌ها محو و نابود می‌گردد. پس هر که در روز قیامت با ولایت شما و اعتراف به امامت شما محشور گردد، رفتارش قبول و گفتارش تصدیق و نیکی‌هایش مضاعف و بدی‌هایش محو و نابود می‌گردد. و هر که از قلمرو ولایت تو بیرون رود و تو را نشناسد و به غیر تو راه دیگری را برگزیند، خداوند او را به رو به آتش بیفکند و از او هیچ عملی را نپذیرد».

نمی‌توانم از آستان عشق او نشان دیگری بجویم! هرگز! ... نمی‌توانم از «تنها راه» چشم پوشم و جایگزین دیگری برگزینم! هرگز! ... آن «گل نرگس» به همراه «گل مریم» می‌آید، و او «تنها راه» است. سلام و درود خدا بر «تنها راه» و بر «گل نرگس»!!<sup>۱</sup>

## مهدی ولایی، راه لقاءالله

امام محمد باقر علیه السلام: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ لَا يَكُونَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَى اللَّهِ وَ يَنْظُرَ اللَّهُ إِلَيْهِ... فَلْيَتَوَلَّ آلَ مُحَمَّدٍ وَ يَبْرَأْ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَ يَأْتُمْ بِالْأَمَامِ مِنْهُمْ؛<sup>۱</sup> هر کس دوست دارد میان او و خدا، هیچ حجاب و پرده‌ای نباشد تا خدا را نظاره کند و خدا نیز بر او نظر کند... می‌بایست ولایت آل محمد علیهم السلام را بپذیرد و از دشمنانشان دوری گزیند و به امامی از ایشان (امام عصر و زمان خویش) اقتدا نماید». آن هنگام که سالک خالصانه در مسیر طهارت و نورانیت پای بگذارد و در پیروی از فرامین ولایت و امامت استقامت ورزد، به تدریج با یافتن ظرفیت و لیاقتی ویژه مشمول عنایات خاص امام زمان علیه السلام می‌گردد تا در سایه‌سار نور ولایت، رهپوی صراط هدایت گردد و به قرب حق (لقاءالله) و سعادت هر دو جهان دست یابد.

... آری، پذیرش ولایت محمدی (محمد و آل محمد علیهم السلام) و اقتدای عملی به آستان مهدوی، ارزشمندترین امور برای راهیابی به کمال نهایی و قرب الهی است.

بی‌گمان، راز مهجوری و دوری ما از امام زمان علیه السلام حجاب‌ها و پرده‌هایی است که با اعمال ناشایست خویش، بین خود و خدایمان برکشیده‌ایم. و تنها راه رهیدن از این حجاب‌های ظلمانی، پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام و اقتدای کامل در رفتار و گفتار به امام معصوم علیه السلام است. تنها از این رهگذر می‌توان تمام پرده‌ها را برانداخت و به شهود خداوند تعالی و مشاهده وجه اتم او بار یافت.

پیروی از حضرات معصومین علیهم السلام... به تدریج شخص پیرو را تحت ولایت و تدبیر ایشان قرار می‌دهد و او را از هرگونه لغزش و گناه مصون و محفوظ می‌دارد... برای شیعیان و دلدادگان امام زمان علیه السلام، کم‌شرافتی نیست که بتوانند به

۱. حمیری قمی، قرب الاسناد، ص ۱۵۲؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۵۱، ح ۲.

مقام ولی‌اللهی دست یابند تا امامشان خود ولایت و تدبیر مستقیم امورشان را بر عهده گیرد.<sup>۱</sup>

### مهدی علیه السلام، ختم‌کننده ولایت محمدی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ آمِنًا مُطَهَّرًا لَا يَخْزُهُ الْفَرْعُ الْأَكْبَرُ فَلْيَتَوَلَّكَ وَ لِيَتَوَلَّ بَنِيكَ... ثُمَّ الْمَهْدِي وَ هُوَ خَاتِمُهُمْ»<sup>۲</sup> هر کس دوست می‌دارد که خداوند پر عز و جلال را در کمال امنیت و پاکی و طهارت ملاقات نماید و شاید روز قیامت او را محزون نسازد، می‌بایست ولایت تو (علی علیه السلام) و ولایت فرزندان... و آن‌گاه ولایت مهدی علیه السلام را بر خود بپذیرد و او (مهدی علیه السلام) خاتمه‌بخش ایشان (اولیا و امامان معصوم علیهم السلام) است.»

فرازی از دیدگاه محیی‌الدین بن عربی درباره خاتم‌الاولیاء: «هرچند ختم ولایت در ظاهر [و در میان اولیای غیرختمی] از آن عیسی علیه السلام است، اما ولایت عیسی علیه السلام مختوم به مهر خاتم ولایت محمدی است...»<sup>۳</sup>

«همانا ختم‌کننده ولایت محمدی، مردی از کریم‌ترین و شریف‌ترین مردمان عرب در اصل و نسب است که در زمان ما موجود است و من در سال ۵۹۵ به محضرش شرفیاب شدم و علامت ختم ولایت را در او مشاهده کردم. و این در حالی است که اکثریت مردم او را نمی‌شناسند و مقامات او را منکرند...»<sup>۴</sup> او وارث و خاتم ولایت محمدی است که تمام علوم نبوی را به وراثت از روح رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اخذ می‌نماید... و کامل‌ترین کاملان است در مقام وراثت و جامع‌ترین و

۱. آقا تهرانی، مرتضی، سودای روی دوست (راهکار عملی بیدار با امام عصر علیه السلام)، ص ۵۲.

۲. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۳۶؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۱، ص ۲۹۳؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۸، ح ۷۷.

۳. ابن عربی، فتوحات مکیه، ج ۳، ص ۵۱۴.

۴. همان، ج ۲، ص ۴۹.

گسترده‌ترین ایشان از نظر احاطه به مقامات و علوم و احوال و مشاهدات، «وَهُوَ خَاتِمُ الْوَلَايَةِ الْخَاصَّةِ الْمَحْمَدِيَّةِ فِي مَقَامِ الْخْتَمِيِّ» پس وراثت او از نظر کمال، گستردگی، جامعیت و احاطه به علوم رسول خدا ﷺ و از نظر شباهت احوال و مقامات و اخلاق به آن حضرت، در خواب و بیداری، کامل‌ترین وراثت‌هاست.<sup>۱</sup>

### ختم الاولیاء

أَلَا إِنَّ خَتَمَ الْاَوْلِيَاءِ شَهِيْدٌ وَعَيْنُ اِمَامِ الْعَالَمِيْنَ فَقِيْدٌ

آگاه باشید همانا خاتمه‌بخش اولیا زنده و شاهد و گواه است

و او همان امام جهانیان است که از دیده‌ها نهان است

هُوَ السَّيِّدُ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ اَحْمَد هُوَ الصَّارِمُ الْهِنْدِيُّ حِيْنَ يَبِيْدُ<sup>۲</sup>

او سرور بزرگوار، مهدی آل احمد است

او شمشیر برآن هندی به هنگامه ظهور و قیام است

### مهدی ﷺ، ختم‌کننده اسرار ولایت علوی

امام علی علیه السلام: «يَا كَمِيْلٌ، مَا مِنْ عِلْمٍ اِلَّا وَ اَنَا اَفْتَحُهُ، وَ مَا مِنْ سِرٍّ اِلَّا وَ الْقَائِمُ يَخْتِمُهُ... لَا تَأْخُذْ اِلَّا عَنَّا تَكُنْ مِنَّا»<sup>۳</sup> ای کمیل! هیچ علمی نیست مگر آن که من آن را گشوده‌ام و هیچ رازی نیست مگر آن که قائم آن را به فرجام می‌رساند... ای کمیل! (معارف خود را) از غیر ما مگیر تا از ما باشی!».

فرازی از دیدگاه عارف بزرگوار علامه سید حیدر آملی: «علی علیه السلام، صاحب اسرار نبی و وارث حقایق و دقایق و مطلع غوامض رسول خداست. روح علی و روح نبی

۱. ابن عربی، فصوص الحکم، شرح جندی، ص ۱۲۱.

۲. ابن عربی، فتوحات مکیه، ج ۳، ص ۳۲۸.

۳. حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۱؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۶۸، ح ۱.

## مهدی ولایی در مقام ولایت □ ۱۳۳

یک حقیقت واحد است و مغایرتی بینشان نیست. ... اما خاتمیت ولایت مقیده محمدیه که به ارث معنوی و صوری حاصل شده، ویژه حضرت مهدی علیه السلام است. مهدی علیه السلام وارث تمام علوم نبوی و اسرار علوی است؛ همو که وقتی عیسی علیه السلام در آخرالزمان نزول می کند، به محضر او می رسد و تابع او و جد او در نبوت و ولایت می گردد؛ زیرا مهدی علیه السلام، از جمیع وجوه کامل است و عیسی علیه السلام در تکمیل ولایتش محتاج اوست.<sup>۱</sup>

### مهدی علیه السلام، عهده دار مقام تربیت

فرازی از زیارت جمعه امام زمان علیه السلام: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ»<sup>۲</sup> سلام بر تو ای نور خدا که هدایت یافتگان با آن هدایت می شوند. شیعه معتقد است که تمام مقام های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، به غیر از مقام نبوت و رسالت، برای امام زمان علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام ثابت است؛ چنانچه هشتمین پیشوای شیعیان، چنین باور و معرفتی را پایین ترین حد شناخت امام معصوم معرفی فرموده است:

پایین ترین حد شناخت امام، این است که او را [در تمام مقامات و شؤونات] هم شأن و هم درجه پیامبر و میراث دار او بدانم، به غیر از درجه نبوت.<sup>۳</sup>

برخی از مقام های خطیر پیامبر رحمت که به وراثت به ائمه معصومین علیهم السلام یکی

---

۱. ر.ک: مجموعه مقالات کنگره علامه سید حیدر آملی، ج ۱، استاد علی واعظی، مقاله ولایت مطلقه از دیدگاه ابن عربی و سید حیدر آملی، ص ۶۰-۵۰.

۲. سید بن طاووس، جمال الأسبوع؛ قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان.

۳. امام رضا علیه السلام: «أَدْنَى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عِدْلُ النَّبِيِّ إِلَى دَرَجَةِ النَّبِوَّةِ وَوَارِثُهُ...» شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۱۵۰.

## ۱۳۴ □ سلوک مهدوی

پس از دیگری تا امام زمان علیه السلام منتقل شده است،<sup>۱</sup> بنابر فرموده خداوند رحمان در قرآن، خلاصه وار عبارتند از:

۱. مقام ولایت، خلافت و حاکمیت؛<sup>۲</sup>

۲. مقام قضا و قضاوت؛<sup>۳</sup>

۳. مقام تعلیم کتاب و حکمت؛<sup>۴</sup>

۴. مقام تبیین و تفسیر قرآن؛<sup>۵</sup>

۵. مقام هدایت، تزکیه و تربیت.<sup>۶</sup>

در این میان، از مهم ترین رسالت ها و عظیم ترین مقام های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه

اطهار علیهم السلام، «مقام تزکیه، تعلیم و تربیت» اهل ایمان بوده و هست:

(همانا خداوند بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از میان خودشان

برانگیخت تا آیات الهی را بر آنان تلاوت کند و وجودشان را (از

آلودگی ها و ناپاکی ها) پاک سازد و به آنها قرآن و

حکمت بیاموزاند).<sup>۷</sup>

---

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۴۰۷، ح ۱۶.

۲. البته امام زمان علیه السلام دارای ۱۸۲ مقام است که این عدد از مجموع آیات، روایات، ادعیه و زیارات استفاده می شود. میرهادی، سیدعلی، چشمه سار حقیقت (مجموعه سخنرانی های آیت الله العظمی وحید خراسانی)، ص ۳۱۲.

۳. ر.ک: علامه طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ذیل آیه ۵۵ سوره مائده (۵) و ذیل آیه ۵۹ سوره نساء (۴).

۴. ر.ک: همان، ذیل آیه ۶۵ سوره نساء (۴).

۵. ر.ک: همان، ذیل آیه ۲۱۴ آل عمران (۳).

۶. ر.ک: همان، ذیل آیه ۴۴ سوره نحل (۱۶).

۷. (وَلَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ) آل عمران (۳)، ۱۶۴.

## مهدی‌ولایی در مقامت ولایت □ ۱۳۵

در هر عصر و روزگاری، رسالت «تزکیه و تعلیم و تربیت» آدمیان از جانب خداوند بر عهده برگزیده و جانشین او در روی زمین (نبی، وصی یا امام معصوم زمان) قرار می‌گیرد.

نتیجه این که مقام عظیم «تزکیه و تعلیم و تربیت» در روزگار ما، ویژه امام عصر و زمان ما است که میراث‌دار تمام مقامات پیامبر رحمت، به جز مقام نبوت و رسالت، گشته است.

باری، امام هر عصر و زمان، مربی و پرورش‌دهنده تمام عالم هستی و عهده‌دار مقام تزکیه و تعلیم و تربیت انسان‌ها می‌گردد؛ چنانچه حضرت امام مهدی علیه السلام در اشاره به این شأن و مقام می‌فرماید:

ما تربیت‌یافتگان پروردگاریم و پس از آن، مردم تربیت‌یافتگان ما هستند.<sup>۱</sup>

هرگونه هدایت و تربیت حقیقی در عالم وجود، از نور ولایت امام عصر علیه السلام تابش و درخشش می‌گیرد. سلسله‌جنبان زنجیره تعلیم و تزکیه، و هدایت و تربیت در روزگار ما، امام عصر و زمان ما، مهدی موعود ارواحنافداه است؛ چنانچه ساحت نورانی حضرتش را در روز جمعه با اشاره به این مقام زیارت می‌نماییم:

سلام بر تو ای نور خدا که هدایت‌یافتگان با آن هدایت می‌شوند.<sup>۲</sup>  
امام، قافله‌سالار کاروان انسانیت است. امام، علاوه بر هدایت و راهنمایی ظاهری مردم، وظیفه ولایت و هدایت باطنی ایشان را نیز بر عهده دارد. امام از راه

---

۱. امام زمان علیه السلام: «نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَ الْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعُنَا» شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۸۵، ح ۲۴۵؛ طبرسی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۵۴۶.

۲. فرازی از زیارت روز جمعه امام زمان علیه السلام: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ» سیدبن طاووس، جمال الأسبوع؛ محدث قمی، کلیات مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام در روز جمعه.



## ۱۳۶ □ سلوک مهدوی

باطن به نفوس و ارواح مردم، اشراف و اتصال دارد و از این طریق حیات معنوی مردم را تنظیم می‌کند و حقایق اعمال را به سوی خدا سوق می‌دهد. حضور یا غیبت جسمانی امام در این باب (مقام هدایت و تربیت باطنی مردم) تأثیری ندارد.<sup>۱</sup> امام، چه خانه‌نشین باشد و چه در پس پرده غیبت، هدایت و رهبری ملکوتی انسان‌ها و جوامع بشری را عهده‌دار است و این مقام حقیقتی است که از وجود مقدس او جدا نمی‌شود. از این رو وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام، در دوران غیبت نیز رهبری ملکوتی تمام انسان‌ها و هدایت جوامع بشری و هرچه را که دارای صیروت و تحول است، بر عهده دارد.<sup>۲</sup>

نور امام زمان علیه السلام، نور خداست و اگر خداوند هدایت و تربیت ویژه فردی را در روزگار ما اراده فرماید، قلب او را به طور ویژه تحت اشراق نور ولایت مهدوی که همان نور خداست، قرار می‌دهد:

﴿خداوند با نور خویش هر که را بخواهد، هدایت فرماید﴾.<sup>۳</sup>

بدین سان خداوند متعال هر قلب لایقی را بخواهد هدایت و تربیت فرماید، آن

را با نور ویژه خویش، یعنی با نور ولایت مهدوی، هدایت می‌فرماید.

وَاللَّهُ كُلُّ مَا يَشَاءُ يَهْدِي بِنُورِهِ وَالنُّورُ نُورُ الْمَهْدِيِّ

و خداوند هر که را بخواهد، با نور خویش هدایت فرماید

و آن نور، نور وجود مهدی علیه السلام است.

۱. ر.ک: علامه طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۹۲-۲۳۶.

۲. ر.ک: جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۴، ص ۹۷-۱۲۰.

۳. (یَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ) نور (۲۴)، ۳۵.

۴. شعر از آیت الله غروی اصفهانی (کمپانی).

مهدی‌ولایی در مقامت ولایت □ ۱۳۷

تندیس آستان ولایت

نامت، فرجام داستان عدالت، تندیس آستان ولایت!

و شمایی از شجاعت، و نمادی از شهامت!

نامت، تعمق آبی دریا، حماسه‌ای از قیامت کبر!

از جلال و جبروت، از محشر عظام!

مفهوم جزیل آدمیتی! در شط زلال کرامتی!

طلوع حرمت صبری و خورشید جاودانه امامتی!

پیر من، مراد من، تو معنای خلقتی!

طلوع کن که زخم انتظار را، تنها تو دست مرهم و شفاعتی!



---

## درس نهم: مهدی لقایی در مقام ولایت

---

بهشت، مشتاق دیدار مهدی علیه السلام  
مهدی علیه السلام، شیفته دیدار اهل ایمان  
مهدی لقایی، امکان و معیار آن  
مهدی لقایی، امکان و انواع آن  
مهدی لقایی بدون شناخت  
مهدی لقایی همراه با شناخت  
برتر از ملاقات  
مهدی لقایی در لحظه مرگ  
برتر از ملاقات

### دیدار یار

عشق نگار سرسویدای جان ماست      ما خاکسار کوی دوست تا در توان ماست  
با مدعی بگو که تو جنت‌النعیم      دیدار یار، حاصل سر‌نهان ماست<sup>۱</sup>

### رمز مهجوری

پروفسور هانری کربن، فیلسوف و مستشرق شهیر فرانسوی: «مردم، خود بین امام و خویشتن حجاب می‌گردند و شایستگی خود را برای دیدار امام از دست می‌دهند؛ زیرا وسیله تجلی و مشاهده را، یعنی معرفتی را که از راه قلب حاصل می‌شود، از دست می‌دهند، یا آن را فلج ساخته و از کار می‌اندازند. پس تا وقتی مردم مستعد شناسایی و معرفت امام نگردند، سخن گفتن از دیدار امام غائب هیچ معنا نخواهد داشت»<sup>۲</sup>.

---

۱. امام خمینی.

۲. پروفسور هانری کربن، فیلسوف و مستشرق شهیر فرانسوی.

### بهشت، مشتاق دیدار مهدی علیه السلام

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «إِنَّ الْجَنَّةَ تَشْتاقُ إِلَى أَرْبَعَةٍ مِنْ أَهْلِی قَدْ أَحَبَّهُمُ اللهُ وَ أَمَرْتَنِي بِحَبِّهِمْ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْمَهْدِيُّ، الَّذِي يُصَلِّي خَلْفَهُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ؛<sup>۱</sup> البته بهشت به چهار نفر از اهل من اشتیاق نشان می دهد، که خداوند آنها را دوست می دارد و مرا نیز امر فرموده است که آنها را دوست بدارم. آنها عبارتند از: علی بن ابی طالب، حسن، حسین و مهدی؛ همو که عیسی پسر مریم به امامت او نماز می گزارد».

آن یار که ما راست، به جان خواستی است

جنت به جمال و جهش آراستی است<sup>۲</sup>

آن جا که بهشت مشتاق توست و بهشتیان مشتاق لحظه ای از لقای تو، من چه گویم؟ و چه سرایم؟ و چگونه لقای تو را در سر پرورانم؟ ...می بینم آن لحظه را که روح الله بال در بال فرشتگان فرود می آید و در پی ات به نماز می ایستد... از آن

۱. إربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۲۶؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۰۴، باب ۱۲.

۲. عطارنژاد (سعید).

## ۱۴۲ □ سلوک مهدوی

پس، گلبوسه‌ای از پیشانی نورانی‌ات می‌چیند... و آن‌گاه است که نور تو آسمان‌ها و زمین را می‌آکند و دیگر طلعت رشید تو را حتی دیدگان مجاز بین ما نیز می‌توانند دید.

اینک می‌خواهم دست به دعا بردارم برایت! تو نیز مرا دعا فرما! فدای دعایت!... ای خدای نور عظیم! نور رخسار دوست نمایان کن! ای خدای کرسی رفیع! او را بر کرسی مسعود حضور بنشان و فرمانروایی‌ش را آشکار فرما! ای پروردگار بحر مسجور! جویبار بی‌ب جانمان را با بحر بی‌نتهای چشمانش پیوند زن!<sup>۱</sup>

### مهدی علیه السلام ، شیفته دیدار اهل ایمان

امام زمان علیه السلام خطاب به ابراهیم بن مهزیار رضی الله عنه: «مَرَحَبًا بِكَ! يَا أَبَا إِسْحَاقَ، لَقَدْ كَانَتْ الْإِيَّامُ تَعِدُنِي وَشُكَّ لِقَائِكَ»<sup>۲</sup> ای ابواسحاق! خوش آمدی! روزها پیوسته مرا نوید می‌اد و دیدار تو را نزدیک می‌نمود». اینک بنگرید فرازهایی از دو تشریف را و جلوه‌هایی از اشتیاق مولایمان به دیدار مؤمنان واقعی را:

۱. ابراهیم بن مهزیار اهوازی که از تشریف‌یافتگان به محضر امام زمان علیه السلام است، می‌گوید: «...چون نگاهم به چهره نورانی‌اش افتاد به سویش شتافتم و دست و پایش را بوسیدم. فرمود: «ای ابواسحاق! خوش آمدی! روزگار پیوسته وعده ملاقات تو را نوید می‌داد. محبت قلبی میان من و تو، با وجود بعد منزل و تأخیر دیدار همواره چهره‌ات را در نظرم جلوه می‌داد، به گونه‌ای که چشم بر هم زدن از لذت گفت و گو و خیال ملاقات یکدیگر بی‌بهره نبودیم. حمد و سپاس پروردگارم را به جای می‌آورم که صاحب حمد و سپاس است؛ چرا که ما را به

۱. سعید مقدس، درود و درد، ص ۲۰۳.

۲. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۴۵، ح ۱۹؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲، ح ۲۸.

## مهدی‌لقایی در مقام ولایت □ ۱۴۳

ملاقات یکدیگر توفیق داد و از فراق و انتظار یکدیگر به در آورد.<sup>۱</sup>

۲. علی‌بن‌مهزیار اهوازی که پس از بیست سال تلاش و جست‌وجو به دیدار یار نایل شده است، می‌گوید: «...در همان کلام‌های نخستین به من فرمود: "هر صبح و شام در انتظار دیدنت بودیم. پس چه چیزی تو را از دیدار ما دور ساخت؟!"<sup>۲</sup>».

حال بنگرید که مولایمان تا چه حد مشتاق دیدار اهل ایمان است و چگونه هر صبح و شام برای لیاقت یافتنشان لحظه‌شماری می‌کند؟! جان عالمی به فدای سینه مطهرش که کران تا به کران رأفت است و رحمت!!

### مهدی‌لقایی، امکان و معیار آن

فرازی از دعای حرز امام سجاد علیه السلام: «اللَّهُمَّ... ارزُقْنِي رُؤْيَةَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ؛<sup>۳</sup> پروردگارا! ...دیدار از قائم آل محمد را روزی ام فرما!».

فرازی از زیارت صاحب‌الزمان علیه السلام در سرداب غیبت: «...اللَّهُمَّ ارِنَا وَجْهَ وَبَيْتِكَ الْمِيمُونِ فِي حَيَاتِنَا وَبَعْدَ الْمَمُونِ؛<sup>۴</sup> پروردگارا! چهره فرخنده ولایت را، در زندگی و بعد از مرگمان، به ما بنمایان!».

«دیدار حضرت در زمان غیبت، امکان دارد. دعا برای دیدار حضرت هم مطلوبیت دارد. اما در عین حال، مصالحی وجود دارد که نمی‌توان گفت دیدار با حضرت برای همه مطلوب باشد، بلکه امکان دارد برای بعضی هم ضرر داشته باشد و مفاسدی به وجود آید. دیدار حضرت، از مصادیق قرب به امام است و

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۴۵، ح ۱۹؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲، ح ۲۸..

۲. همان.

۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۲۶۵، ح ۱؛ محدث قمی، کلیات مفاتیح‌الجنان، حرز امام سجاد علیه السلام.

۴. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۵، ح ۱۱۰؛ محدث قمی، کلیات مفاتیح‌الجنان، زیارت صاحب‌الزمان علیه السلام در سرداب غیبت.



قرب به امام مطلوب است. اما در این که از کجا می توان فهمید کسی که ادعای دیدار با حضرت را دارد، راست می گوید؟ این بسته به معاشرت ما با او و سابقه آشنایی دارد. اگر از فردی که ادعای دیدار با حضرت را کرده، اصلاً دروغی نشنیده است و او فرد صادق و موثقی است، در این مورد می توان به او اطمینان کرد. این ادعا اگر همراه با قراینی باشد که صحت آنها را تأیید کند، پذیرفتنی است. مرحوم پدرم نقل می کرد که رفیقی به نام سید کریم کفاش داشت که ادعای رؤیت حضرت را می کرد. پدرم باور نمی کرد، از این رو به نزد استادشان حاج مرتضی زاهد می روند و داستان سید کریم کفاش را نقل کرده، می گویند: «برخی می گویند: او راست می گوید و برخی می گویند: او دروغ می گوید» ایشان جواب داده بود: «آنانی که شک دارند، عقلشان نمی رسد».<sup>۱</sup>

#### آرزوی دیدار

همه هست آرزویم که ببینم از تو رویی  
 چه زیان تو را که من هم برسم به آرزویی  
 به کسی جمال خود را ننموده‌ای و بینم  
 همه جا به هر زبانی بود از تو گفت و گویی  
 چه شود که راه یابد، سوی آب تشنه‌کامی  
 چه شود که کام جوید، ز لب تو کامجویی  
 شود این که از ترحم، دمی ای سحاب رحمت  
 من خشک لب هم آخر، ز تو تر کنم گلویی  
 بشکست اگر دل من، به فدای چشم مستت  
 سر خم می سلامت، شکند اگر سبویی

۱. فصلنامه تخصصی انتظار، ش ۸ و ۹، ص ۵۰، مصاحبه با آیت الله سید محسن خرازی.

همه موسم تفرج به چمن روند و صحرا

تو قدم به چشم من نه، بنشین کنار جویی<sup>۱</sup>

### مهدی‌لقایی، امکان و انواع آن

رسول خدا ﷺ: «طُوبَى لِمَنْ لَقِيَهُ، وَ طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ، وَ طُوبَى لِمَنْ قَالَ بِهِ؛<sup>۲</sup> خوشا به حال کسی که او را ملاقات نماید! خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد! و خوشا به حال کسی که به او معتقد باشد!»

امام حسن عسگری علیه السلام: «...وَ يَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ؛<sup>۳</sup> و ای خوشا به حال کسی که او را درک نماید!».

در دوران غیبت کبرای آن یگانه، دو مسأله اساسی مطرح می‌شود: ۱. نیابت؛ ۲. زیارت. آنچه براساس روایات، به طور کلی نفی می‌شود، داعیه نیابت و سفارت خاص از ناحیه آن حضرت است و آنچه از طرق متعدد قابل اثبات و تأیید می‌باشد، «امکان زیارت آن حضرت» است.

دیدار امام زمان علیه السلام، در دوران غیبت، دو گونه تحقق می‌یابد: ۱. دیدار عام (ملاقات بدون شناخت)؛ ۲. دیدار خاص (ملاقات همراه شناخت). هرگونه از این دیدارها خود دارای مراتب و درجاتی است که به فضیلت و سطح کمال دیدارکننده بستگی دارد.

۱. ملاقات بدون شناخت: ...چه بسیار افرادی که در دوران غیبت آن حضرت به شرف دیدارش نایل می‌شوند، ولی او را نمی‌شناسند. چه بسیار افراد که سلام جان‌فزای آن حضرت را می‌شنوند، اما صاحب سلام را نمی‌شناسند. چه بسیار

---

۱. سعدی.

۲. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۶۸؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹، ح ۴.

۳. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۳۰.

مردمی که امام زمانشان را در طول مراسم حج دیده‌اند، ولی نشناخته‌اند.  
 ۲. ملاقات همراه شناخت: آنچه عموم مردم در دوران غیبت ولی عصر علیه السلام از آن محروم می‌مانند، شناخت آن حضرت است و نه دیدار او. در این میان، مهم آن است که انسان به چنان کمال و لیاقتی دست یابد که به هنگام دیدار، امام خویش را بشناسد و از روی شناخت و معرفت عرض ارادت نماید.<sup>۱</sup>  
 ...بر امکان رؤیت، دلیل قطعی وجود دارد. آن دلیل قطعی، تواتر اجمالی است که از کثرت ادعای اشخاص صالح به دست می‌آید که خود موجب قطع و یقین است؛ چرا که صلاح بسیاری از ایشان، از حیث تقوا و ورع و وثوق و اطمینان کمتر از راویان حدیث نیست. پس ادعای ایشان نیز به منزله حدیث است.<sup>۲</sup>  
 عزیز من! بنای اصلی بر غیبت است، نه رؤیت؛ اما دیدن ممکن است، ولی به شرط اقتضای مصلحت. آن هم امرش به دست امام است، نه به خواسته من و تو! پس بیهوده خود را خسته مکن! و پی این و آن مرو! ...همواره در آن جام وظایف علمی و عملی خود بکوش! و امر دیدار را به مصلحت دید آن حضرت موکول کن!<sup>۳</sup>

### مهدی لقای بدون شناخت

امام صادق علیه السلام: «إِنَّ فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سُنَنًا مِّنَ الْأَنْبِيَاءِ... وَأَمَّا سُنَّتُهُ مِنْ يُوسُفَ فَالَسْتَرُ، جَعَلَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْخَلْقِ حِجَابًا يَرَوْنَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ؛<sup>۴</sup> همانا در صاحب این امر سنت‌هایی از تمام پیامبران وجود دارد: ... اما سنتی که از حضرت یوسف علیه السلام در

۱. ر.ک: آقا تهرانی، مرتضی، سودای روی دوست، ص ۳۱-۳۷.

۲. آیت‌الله محمدجواد خراسانی، مهدی منتظر، ص ۹۴.

۳. همان.

۴. امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۶۲؛ راوندی، قطب‌الدین، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۳۶؛ علامه

مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۳، ح ۱۰.

## مهدی‌لقایی در مقام ولایت □ ۱۴۷

اوست، پوشش و حجاب وی می‌باشد. خداوند بین او و مردم حجابی قرار می‌دهد که او را می‌بینند، اما نمی‌شناسند».

عموم مردمان او را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند. از همین روست که به هنگام ظهور فرخنده‌اش انگشت حیرت بر دهان می‌گزند که ای وای! او را بارها و بارها دیده‌ایم، اما نشناخته‌ایم.

در این میان، تنها عده‌ای معدود به اذن و اجازه آن حضرت، توفیق ملاقات همراه با معرفت می‌یابند.

داستان‌های معتبر و ارزنده فراوانی وجود دارد مبنی بر این که حضرت با برخی دوستان خود دیدار دارد؛ داستان‌هایی درس آموز، تأثیرگذار و احساس برانگیز... در این گونه ادعاها و نقل‌ها باید به شدت هوشیار و مراقب بود و باید دانست که عنقا شکار هرکس نشود... هر ادعایی را از هرکسی نمی‌توان پذیرفت؛ چه: «آن را که خبر شد، خبری باز نیامد»... هزار نکته باریک‌تر از مو این جاست... نکته ضروری این است که از ما عمل به تکلیف را خواسته‌اند و دیدن حضرت تکلیف نیست. دیدار حضرت، گرچه بدون شک، توفیق بزرگی است، اما ما مکلف به آن نشده‌ایم. در تشرفات متعددی حضرت خود به همین نکته اشاره می‌فرماید و تقوا و دین‌مداری را از شیعیان و دوستان خود می‌خواهد، نه جست‌وجوی ملاقات با آن حضرت را. عاشق، زمینه آمدن معشوق را فراهم می‌سازد و خواسته‌هایش را گردن می‌نهد. آن که فقط می‌خواهد امام را ببیند، عاشق نیست، خودخواه است! می‌باید به مسأله ملاقات و دیدار با حضرت، نگاه عمیق‌تری داشت. چشم‌ها را باید شست و جور دیگر باید دید!<sup>۱</sup>

به نور معرفت کن دیده روشن! که تا بتوانی‌اش هر لحظه دیدن!<sup>۲</sup>

۱. ر.ک: پورسیدآقایی، میر مهر، ص ۱۸۵-۱۸۹.

۲. شیخ محمود شبستری.

## مهدی لقای همراه با شناخت

امیرالمؤمنین علیه السلام: «صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ يَتَرَدَّدُ وَيَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَأُ فُرُشَهُمْ وَلَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذِنَ اللَّهُ لَهُ أَنْ يُعْرِفَهُمْ نَفْسَهُ»<sup>۱</sup> صاحب این امر در میان ایشان (شیعیان) رفت و آمد می کند، در بازارهایشان راه می رود، بر فرش هایشان گام می گذارد، در حالی که او را نمی شناسند و این تا زمانی است که خداوند به او اجازه دهد تا خودش را به ایشان بشناساند.

رادمردانی چون سیدبن طاووس، به چنان قرب و منزلتی دست یافته اند که حتی تن صدا و لهجه امام زمان علیه السلام را می شناسند و راه یافتگانی همچون سید بحرالعلوم به هنگام شنیدن لحن قرآن آن حضرت در حرم جدشان امیرالمؤمنین علیه السلام، بدین سرود مترنم می شوند: «چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن»<sup>۲</sup>.

بزرگ مردانی چون حاج محمدعلی فشنندی به چنان درجه ای از صمیمیت دست یافته اند که حتی با نحوه راه رفتن امام و صدای پای آن حضرت آشنایند و می گویند: «آن حضرت را حتی از صدای کفش مبارکش می شناسم»<sup>۳</sup>.

دلباختگانی چون سید عبدالکریم کفاش، چنان غرق عشق روی یار می گردند که امام عصر علیه السلام هر هفته به دیدارشان می آیند و ایشان را می نوازند، چرا که به اعتراف خودشان: «اگر هفته ای بر من بگذرد و روی مولایم را نبینم، به خدا سوگند که جان می دهم»<sup>۴</sup>. عارفانی چون سید علی آقای قاضی رحمته الله علیه، چنان مست شهود و معرفت می گردند که هر روز به دیدار آن طلعت رشید بار می یابند و

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۳؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴، ح ۹.

۲. علی لو، سید بحرالعلوم دریای بی ساحل، ص ۹۹.

۳. گنجی، ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام، ص ۲۲.

۴. به نقل از حجت الاسلام صدیقی.

ناباوران را با این گفتار تأدیب می‌کنند: «کور است چشمی که صبح از خواب بیدار شود و در اولین نظر، نگاهش به امام زمان نیفتد!»<sup>۱</sup>

### مهدی‌لقایی در لحظه مرگ

امام صادق علیه السلام: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ حَضَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَأَهْلُ بَيْتِهِ عليهم السلام أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ وَجَمِيعَ الْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ وَ يَحْضُرُهُ جِبْرَائِيلُ وَمِيكَائِيلُ وَإِسْرَافِيلُ وَعِزْرَائِيلُ... فَيَقُولُ لَهُ مَلِكُ الْمَوْتِ: يَا وَلِيَّ اللَّهِ لَا تَجْزَعْ، فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا لَأَنَا أَبْرُوكَ وَأَشْفَقُ عَلَيْكَ مِنَ الْوَالِدِ رَحِيمٍ، إِفْتَحْ عَيْنَيْكَ فَانظُرْ. وَيُمَثِّلُ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ وَأَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ دُرَيْتِهِمْ...»<sup>۲</sup> هنگامی که لحظه وفات مؤمن فرا می‌رسد، رسول خدا صلى الله عليه وآله و اهل بیتش عليهم السلام امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و تمام امامان در کنارش حاضر می‌شوند... و همچنین جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل نیز بر بالین او حضور می‌یابند... پس ملک‌الموت به محتضر مؤمن می‌گوید: «ای ولی خدا! جزع مکن! به خدایی که محمد را برانگیخت، سوگند که من نسبت به تو از پدری مهربان، مهربان‌تر خواهم بود. چشمانت را بگشا و بنگر!»<sup>۳</sup> و در آن حال، رسول خدا و امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین و تمام امامان از نسل ایشان برای او ممثل می‌شوند.

یکی از افتخارات و اعتقادات قطعی شیعه، حضور یافتن اهل بیت عليهم السلام بر بالین شیعیان در لحظه جان دادن است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «رسول خدا صلى الله عليه وآله و تمام اهل بیت او به همراه ملائک مقرب الهی: جبرائیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل به

۱. علامه حسینی تهرانی، روح مجرد، ص ۵۱۳.

۲. فرات کوفی، تفسیر الفرات، ص ۵۵۳، ح ۷۰۸؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۶۲، ح ۳۱.

۳. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۲۷؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۹۶، ح ۴۹.

هنگام جان دادن مؤمن بر بالین او حضور می‌یابند. در آن هنگام امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به رسول الله صلی الله علیه و آله می‌گوید: «او در شمار کسانی بوده که ما را دوست می‌داشته و ولایت ما را پذیرفته است. پس او را دوست بدارید!» رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز خطاب به جبرائیل همین سخن را می‌گوید و جبرائیل به میکائیل و اسرافیل این سخن را بازگو می‌کند. آن‌گاه همگی این سخن را به ملک‌الموت می‌گویند. ملک‌الموت در پاسخ می‌گوید: «به خدایی که شما را برگزید و کرامت بخشید و محمد صلی الله علیه و آله را به نبوت و رسالت مخصوص گردانید، سوگند که از پدری مهربان و برادری همزبان نسبت به او مهربان‌تر خواهم بود.» آن‌گاه برمی‌خیزد و به مختصر می‌گوید: «ای بنده خدا! آیا عهد و پیمانی که بر عهده‌ات بود، ادا کرده‌ای؟» می‌گوید: «بله» می‌پرسد: «چگونه؟» می‌گوید: «با محبت محمد و آل محمد و پذیرش ولایت علی بن ابی‌طالب و ذریه او.» ملک‌الموت به او می‌گوید: «ای ولی خدا! هیچ ترسی به خود راه مده! و هیچ جزعی مکن! به خدایی که محمد را مبعوث گردانید، سوگند! نسبت به تو نیکوکارتر و مهربان‌تر از پدری رحیم و مهربان خواهم بود. اینک چشمانت را بگشا و نگاه کن!» در آن هنگام رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین و تمام امامان معصوم علیهم السلام در مقابل او تمثّل می‌یابند و او یکایک ایشان را می‌نگرد و در همان حال دری به سوی بهشت به روی او گشوده و به او گفته می‌شود: «این بهشت را خداوند برای تو آماده ساخته است و این بزرگواران «محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله» رفقای تو خواهند بود. اینک دوست می‌داری که به آنان پیوندی یا به دنیا بازگردی؟» او می‌گوید: «هیچ میل و حاجتی به دنیا و بازگشت به آن ندارم» در آن حال منادی از عرش الهی از جانب خداوند رحمان ندا می‌کند: «ای نفس مطمئن شده به محمد و وصی او و امامان بعد از او! به سوی پروردگارت بازگرد! در حال رضایت به ولایت و راضی شده به ثواب. پس همراه محمد و اهل بیت او، در شمار بندگانم

## مهدی‌لقایی در مقام ولایت □ ۱۵۱

وارد شو و بدون هیچ نگرانی و شایبه‌ای به بهشت من وارد شو!!<sup>۱</sup>  
باری، شیرینی لقا آن‌گاه چشیدنی است و سماع سوختن آن زمان دیدنی، که مقصود از در درآید و محب بر بالین محبوب سرنهد:

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم  
بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم  
به وقت صبح قیامت که سر ز خاک برآرم  
به گفتگوی تو خیزم به جست‌وجوی تو باشم<sup>۲</sup>

### برتر از ملاقات

حضرت آیت‌الله العظمی بهجت: «لازم نیست انسان در پی این باشد که به خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام تشریف حاصل کند، بلکه شاید خواندن دو رکعت نماز، سپس توسل به ائمه علیهم السلام برای ما بهتر از تشریف باشد؛ زیرا هر جا که باشیم، آن حضرت می‌بیند و می‌شنود».<sup>۳</sup>

از جمله خطرها و آسیب‌هایی که در عصر غیبت برای منتظران اتفاق می‌افتد، «ملاقات‌گرایی» است؛ بدین معنا که شخص از وظایف واجب خویش غافل شود، مهم‌ترین وظیفه خویش را دیدار امام زمان علیه السلام بپندارد و دیگران را تنها به تلاش برای دیدار، به عنوان برترین وظیفه، فراخواند و ساده‌ترین خواب یا اتفاقی را ملاقات بینگارد. پیامدهای این آسیب، یأس و ناامیدی بر اثر عدم توفیق دیدار، رویکرد به شیادان و مدعیان دروغین ملاقات و دور ماندن از آن‌جام وظایف اصلی منتظران است. مهم‌ترین راه درمان این آسیب، رویکرد به منابع و معارف

۱. فرات کوفی، تفسیر الفرات، ص ۵۵۳؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۶۲، ح ۳۱.

۲. سعدی.

۳. رخشاد، ۶۰۰ نکته در محضر بهجت، ص ۱۸۷، نکته ۲۷۷.



ناب دین و بررسی احوال و سیره تشریف یافتگان راستین می باشد تا بدانیم وظیفه اصلی منتظران بیش از هر چیزی ایمان، تقوا، تزکیه نفس، خودسازی، آنجام تکالیف فردی و اجتماعی، و انتظار حقیقی به همراه ورع و محاسن اخلاق می باشد؛ تا یار که را خواهد و میلش به که باشد.<sup>۱</sup>

### به تمنای آن طلعت آفتابی

محبوب! زنده دار دل های مرده را! ترنم بخش سینه های افسرده را! با نسیم دستان او، با شبم چشمان او! آن صبح بی شام و آن نهار بی غروب را میهمان دیدگانمان دار! معبود! دیدگان ما را آینه دار طلعت آفتابی اش دار و بوسه ما را به سوی گونه های مهتابی اش بفرست!<sup>۲</sup>

خیال سبز تماشاایت به ذهن آینه ها جاری است

و چشم آینه ها انگار بدون چشم تو زنگاری است

تو ای حضور اهورایی! به یک تبسم بارانی

بیا و بغض مرا بشکن که فصل فصل عطش باری است

من و تلاطم تو خالی، تو و زلالی و سرشاری

بیا و جام مرا پر کن کنون که لحظه سرشاری است

چراغ روشن شب پژمرد، ستاره ها همه خوابیدند

به یاد تو دل من اما هنوز در تب بیداری است

درین تلاطم دلتنگی، بیا و از سر یک رنگی

دلی بده به غزل هایم، اگر چه از سر ناچاری است<sup>۳</sup>

---

۱. ر.ک: فصلنامه تخصصی انتظار موعود، ش ۱۵، مقاله اندیشه مهدویت و آسیب ها.

۲. سعید مقدس.

۳. سید مهدی حسینی.

---

## درس دهم:

### راه کارهای علمی سلوک مهدوی (۱)

---

تقوا و پرهیزگاری

دوری از هرچه که مایه نارضایتی اوست

ای صد دله، دل یکدله کن!

عمل براساس پارسایی و ارزش های اخلاقی

تحصیل رضایت پروردگار

تحصیل رضایت امام زمان علیه السلام

وفای به عهد و پیمان امام زمان علیه السلام

انتظار فرج در همه حال

انتظار پویا، تعهدآور و سازنده

تقلید از فقیه جامع شرایط

گوش به فرمان ولی فقیه

مرزبانی از دین و ایمان با جهاد علمی و فرهنگی

دعوت مردم به سوی امام زمان علیه السلام

## تا بارانی نشوید...

باران نبارید، چشمه‌ها نجوشید، ... سال‌ها آمدند و رفتند، اما ابری نیامد و بارانی نبارید... در جست‌وجوی آب، گوش‌ها تیز شده بود... به ناگاه صدایی شنیده شد: «تا بارانی نشوید، باران نمی‌بارد»... برخی گفتند: «از بی‌حوصلگی است»، برخی گفتند: «هذیان تشنگی است»، اما نباریدن باران و تشنگی، نه هذیان‌گویی بود و نه از بی‌حوصلگی... چاره‌ای نبود، باید بارانی می‌شدند تا باران بیارد.<sup>۱</sup>

## انتظار موعود

تمام خاک را گشتم به دنبال صدای تو  
ببین! باقی است روی لحظه‌هایم جای پای تو  
اگر کافر، اگر مؤمن، به دنبال تو می‌گردم  
چرا دست از سر من بر نمی‌دارد هوای تو  
صدایم از تو خواهد بود اگر برگردی ای موعود  
پراز داغ شقایق‌هاست آوازم برای تو  
تو را من با تمام انتظارم جستجو کردم  
کدامین جاده امشب می‌گذارد سر به پای تو؟<sup>۲</sup>  
نشان خانه‌ات را از تمام شهر پرسیدم  
مگر آن سوتر است از این تمدن روستای تو؟

---

۱. شفیعی سروستانی.

۲. یوسفعلی میرشکاک.

### تقوا و پرهیزگاری

﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ﴾<sup>۱</sup> همانا ارجمندترین و پرجرامت‌ترین شما نزد خداوند، باتقواترین شمایند.

امام حسن عسکری علیه السلام خطاب به احمد بن اسحاق قمی: «لَوْ لَا كَرَامَتُكَ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى حُجَّجِهِ مَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ إِيْنِي هَذَا»<sup>۲</sup> اگر نزد خدای تعالی و حجت‌های او، شخصی ارجمند و اهل کرامت نبود، پسرم (مهدی علیه السلام) را به تو نشان نمی‌دادم. با نگاهی گذار به شرح حال کسانی که در طی دوران غیبت کبرای مولایمان امام زمان ارواحنافداه سعادت شرفیابی به محضر مقدسش را یافته و یا از کرامات و عنایات حضرتش بهره‌مند گشته‌اند، می‌توان دریافت که دیدار امام زمان علیه السلام پیش از آن که به شخص، زمان یا مکانی خاص بستگی داشته باشد، به عوامل روحی و معنوی ویژه‌ای وابسته است که مهم‌ترین آنها در وصول این توفیق الهی، توجه قلبی، مواظبت عملی، رعایت تقوا و استمرار بر عبادت خداوند و اطاعت از

۱. حجرات (۴۹)، ۱۳.

۲. اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۳.

اولیانش بوده است. با این همه، نقش زمان‌های خاص چون شب‌های جمعه، نیمه شعبان، نیمه رجب و مکان‌هایی خاص چون مکه مکرمه، مسجد سهله و مسجد جمکران را برای حصول دیدار خاص و ملاقات همراه با شناخت قائم آل محمد و بهره‌مندی از عنایات و الطاف ویژه آن حضرت، نباید نادید گرفت.<sup>۱</sup>

براساس حدیث نامبردار، برای رسیدن به لیاقت دیدار امام زمان علیه السلام، بیش از هر چیز رسیدن به کرامت نزد خداوند و اولیای او لازم است و رسیدن به کرامت والای انسانی نیز جز از طریق تقوا و پرهیز از گناهان امکان‌پذیر نیست: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ؛ پرکرامت‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزکارترین شماست».<sup>۲</sup>

#### دوری از هر چه که مایه نارضایتی اوست

امام زمان علیه السلام در توقیع شریف خود به شیخ مفید: «...فَمَا يَحِسُّنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ»<sup>۳</sup>... و ما را از ایشان چیزی محبوس نکرده است، مگر اعمال ناخوشایند و ناپسندی که از ایشان به ما می‌رسد».

اصلی‌ترین علت محرومیت و مهجوری ما از وجود عنصری و معنوی امامان معصوم علیهم السلام، بی‌لیاقتی و اعمال ناشایست ماست؛ اعمالی که قهر و خشم الهی را برمی‌انگیزد و توفیق بهره‌گیری از برترین نعمت الهی را سلب می‌کند. آری، انحرافات و رفتارهای ستم‌گونه، انسان را از امام خود دور می‌دارد... چنانچه امام زمان علیه السلام در توقیع شریفشان به شیخ مفید چنین نگاشته‌اند: «ما را از ایشان چیزی محبوس نکرده است، مگر گناهان و خطاهایی که از ایشان به ما می‌رسد و ما آن را ناخوش می‌داریم و از ایشان نمی‌پسندیم».<sup>۴</sup>

۱. ر.ک: آقاتهرانی، سودای روی دوست، ص ۳۶ و ۴۷.

۲. همان.

۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۴. همان.

راه‌کارهای علمی سلوک مهدوی (۱) □ ۱۵۷

...هنگامی که علی بن مهزیار با آن جوانی که از مقربان امام عصر علیه السلام بود، برخورد کرد، آن جوان از علی پرسید: «چه می‌خواهی؟» در پاسخ گفت: «امام محجوب از عالم را» آن جوان گفت: «آن جناب از شما محجوب نیست، بلکه بدی کردارتان آن جناب را از شما دور و محجوب کرده است»<sup>۱</sup>.

آری، خیالی بس واهی و بیهوده است که با آلودگی و گناه، آرزوی ارتباط و دیدار با پاک‌ترین وجود هستی را در سر پیورانیم.

استمرار گناهکاری و ارتکاب محرمات الهی، اگر با پشیمانی قلبی و اشک توبه پاک نگردد، به تدریج انسان را از امام زمان دور و دورتر می‌کند، تا جایی که خدای ناکرده او را در مقابل امامش به جنگ و ستیز وامی‌دارد؛ چنانچه در کربلا چنین شد.

آیت‌الله العظمی بهجت: ترک واجبات و ارتکاب محرمات، حجاب و نقاب دیدار ما از آن حضرت است. ...اگر بفرمایید: «چرا به آن حضرت دسترسی نداریم؟» جواب این است: «چرا به آن جام واجبات و ترک محرمات ملتزم نیستید؟» او به همین از ما راضی است.

### ای صد دله، دل یکدله کن!

امام محمدباقر علیه السلام: «إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ نَحَانَا عَنْ جَوَارِهِمْ»<sup>۲</sup>  
هرگاه خداوند تبارک و تعالی بر آفریدگان خود قهر و غضب نماید، ما را از مجاورت ایشان دور کند».

نزدیک‌تر از قلب منی از من مهجور

دوری ز من است و ز تو ما را گله‌ای نیست

۱. علامه بحرانی، تبصرة الولی، رسالة ۴۶.

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۳.

دوری و مهجوری ما از امام زمان علیه السلام، همه به خاطر کوتاهی و ناقابلی ما است؛ و گرنه وجود مقدس او فیض مطلق است و در آن هیچ کوتاهی و بخلی نیست. آن مرد صابون فروش را وعده وصل و دیدار دادند. در میانه راه، چون باران گرفت، ناراحتی و نگرانی نیز او را فرا گرفت که حالا صابون‌هایی که در پشت بام پهن کرده‌ام، از بین می‌رود. ... در آستانه خیمه مولا ندایی شنید که می‌فرمود: «او را واگذارید و باز گرانید!! همانا او مردی صابونی است».

برادرم! خواهرم! اینک به دقت بنگر که تعلق اصلی دلت چیست؟ و آیا در ادعای محبت خویش نسبت به آن حضرت صادقی؟ و آیا شوق دیدارت واقعی است یا آرزویی لحظه‌ای؟! برای نایل شدن به دیدار آن عزیز باید دل را یکدله ساخت و پا بر تمام هواها و خواسته‌های نفسانی گذاشت. اگر از آن حضرت دور و مهجور مانده‌ایم، در شمار «مغضوب علیهم» قرار گرفته‌ایم، باید تلاش کنیم تا از شمار «غضب شدگان» به در آییم و در شمار «انعمت علیهم؛ نعمت یافتگان» در آییم که همان هدایت یافتگان با ولایت علوی و سرپرستی مهدوی‌اند. تنها راه دور شدن از غضب الهی، رهپویی در صراط مستقیم حق و باریابی به ولایت امام زمان علیه السلام است.

#### رها باید شد

از هستی خویشتن رها باید شد      از دیو خودی خود جدا باید شد  
آن کس که به شیطان درون سرگرم است      کی راهی راه انبیا خواهد شد<sup>۱</sup>

#### عمل بر اساس پارسایی و ارزش‌های اخلاقی

امام صادق علیه السلام: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ

۱. امام خمینی.

راه‌کارهای علمی سلوک مهدوی (۱) □ ۱۵۹

مَحَاسِنِ الْاِخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ؛<sup>۱</sup> هر کس دوست می‌دارد از اصحاب و یاوران قائم علیه السلام باشد، باید که در انتظار به سر برد و براساس ورع و محاسن اخلاق عمل نماید، در حالی که منتظر است».

امام صادق علیه السلام در حدیث نامبردار، رمز ورود به جرگه اصحاب امام زمان ارواحفاده را در دو چیز معرفی می‌فرماید: «انتظار» و «عمل براساس ورع و محاسن اخلاق». بنابراین، از مهم‌ترین وظایف شیعیان در عصر غیبت و از بهترین راهکارهای عملی ارتباط و نزدیکی با ساحت قدسی امام زمان علیه السلام، «شدت ورع و پارسایی» و «عمل براساس محاسن و مکارم اخلاقی» است که خود از برجسته‌ترین ویژگی‌های اصحاب مهدی علیه السلام است.

«ورع»، بسی والاتر و بالاتر از تقواست. تقوا، در حقیقت، آن‌جام واجبات و پرهیز از تمام محرّمات است، اما «ورع»، علاوه بر آن‌جام واجبات و ترک محرّمات، آن‌جام مستحبات و پرهیز از مکروهات و شبّهات را نیز دربردارد. اگر در تقوا تمام واجبات آن‌جام می‌شود، در «ورع» نسبت به تمام مستحبات نیز علاقه و نشاط نشان داده می‌شود. اگر در تقوا از محرّمات دوری می‌شود، در «ورع» از هرگونه شبّه و عمل مکروه نیز پرهیز می‌شود. اگر در تقوا از گناه پرهیز می‌شود، در «ورع» از ۱۰۰ کیلومتری گناه نیز فرار می‌شود.

### تحصیل رضایت پروردگار

فرازی از حدیث معراج: «مَنْ عَمِلَ بِرِضَايَ الْزُّمَّةِ ثَلَاثَ خِصَالٍ: أَعْرَفُهُ... مَحَبَّةً لَا يُؤْتِرُ عَلَيَّ مَحَبَّتِي مَخْلُوقِينَ، فَإِذَا أَحَبَّنِي أَحَبَّتُهُ وَأَفْتَحُ عَيْنَ قَلْبِهِ إِلَى جَلَالِي وَلَا أُخْفِي عَلَيْهِ خَاصَّةً خَلْقِي»؛<sup>۲</sup> هر کس براساس رضایت من عمل نماید، سه خصلت را

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۸.



## ۱۶۰ □ سلوک مهدوی

با او همراه می‌کنم: ... محبتی را به او می‌چشانم که محبت آفریدگانم را بر محبت من ترجیح ندهد. پس چون مرا دوست داشت، من نیز او را دوست می‌دارم و چشم قلب او را به عظمت و جلالم می‌گشایم و بنده خاص خود را از او مخفی نمی‌کنم».

بنده‌ای که با ایمان و تقوا و ورع، اراده و خواست خود را در مسیر مشیت و رضایت پروردگار قرار می‌دهد و رضایت و محبت خویش را تابع محبت و رضایت حضرت دوست می‌گرداند، مشمول الطاف و عنایات ویژه الهی قرار می‌گیرد و محرم اسرار و همراه و همنشین اولیای خاص الهی می‌گردد. بی‌شک، برترین بنده خاص الهی در زمان ما، حضرت بقیت‌الله الاعظم ارواحفداه است که توفیق دیدار و ملاقات با ایشان، براساس این حدیث قدسی، در گروهی جلب رضایت خداوند است. آری، اگر انسان قلب خویش را به طور مطلق در مقابل خواست و رضایت خداوند تسلیم نماید، از مشاهده وجه خدا و ملاقات ولی مطلق او که خود در اوج رضایت و محبت الهی است، محروم و مهجور نخواهد ماند؛<sup>۱</sup> چنانچه شیخ رجبعلی خیاط می‌گوید: «کوشش کن قلبت فقط برای خدا باشد. وقتی قلب تو برای خدا شد، خدا آن جاست، ارواح همه انبیا و اولیا آنجا هستند و همه آنچه مخلوق خداست، نزد تو حاضر خواهد بود».<sup>۲</sup>

### تحصیل رضایت امام زمان علیه السلام

امام حسین علیه السلام: «رَضَى اللهُ رِضَانَا أَهْلَ الْبَيْتِ»<sup>۳</sup> رضایت خداوند، در رضایت ما اهل بیت است».

۱. ر.ک: آقانهانی، سودای روی دوست، ص ۵۱.

۲. ری شهری، کیمیای محبت، ص ۱۸۳.

۳. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۳۶۹.

راه کارهای علمی سلوک مهدوی (۱) □ ۱۶۱

امام زمان علیه السلام: «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يُقَرِّبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَيَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا»<sup>۱</sup> هر یک از شما باید کاری را انجام دهد که او را به محبت ما نزدیک کند و از کارهایی که او را به ناراحتی و نارضایتی ما نزدیک می کند، پرهیزد».

تنها راه تحصیل رضایت خداوند، تسلیم محض در مقابل اوامر و نواهی اهل بیت علیهم السلام و کسب رضایت ایشان است. معیار رضایت و خوشنودی خداوند، رضایت و خوشنودی امام زمان ارواحنا فداه است و از همین روست که آن حضرت خطاب به محبان و ارادتمندان خویش می فرماید: «هر یک از شما باید به آنچه مایه نزدیکی او به محبت ما است، عمل نماید و از آنچه مایه نزدیکی او به نارضایتی ما است، دوری و اجتناب نماید».

آری، رضایت امام زمان علیه السلام، همان رضایت خداست و از این رو وظیفه همیشه ما پرهیزگاری و تسلیم محض در مقابل اوامر و نواهی امام زمان علیه السلام بوده و هست؛ چنانچه آن حضرت در پیامی به پیروان خویش چنین می فرماید: «تقوای الهی پیشه سازید و تسلیم امر ما باشید و کار را به ما واگذار کنید!»<sup>۲</sup>.

رهبر همه ما و شما، وجود مبارک بقیت الله است. باید ما و شما طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار را که رضایت خداست، به دست بیاوریم... حضرت مهدی علیه السلام حاکم بر جمیع موجودات است... نامه اعمال ما به امام وقت عرضه می شود. امام زمان علیه السلام، مراقب ما هستند.<sup>۳</sup>

مستم کن و محوم کن و ویرانم کن!  
در من زن و کوه آتش افشانم کن!<sup>۴</sup>

ای دوست پریشان پریشانم کن!  
یک شعله ز جلوه های شورانگیزت

۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۵.

۲. همان، ج ۵۳، ص ۱۷۹.

۳. امام خمینی.

۴. محمدحسین بهجتی (شفق).

### وفای به عهد و پیمان امام زمان علیه السلام

امام زمان علیه السلام: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَكَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا؛<sup>۱</sup> اگر خداوند به شیعیان ما توفیق همدلی در وفای به عهدی که بر ایشان است، عنایت می فرمود، مبارکی دیدار ما برای ایشان به تأخیر نمی افتاد و در سعادت مشاهده ما با معرفتی شایسته و درست شتاب می شد».

چنانچه از این توفیق شریف برمی آید، بی وفایی شیعیان در وفای به عهد و پیمان آن حضرت (پیمان محبت، معرفت، مودت، ولایت و نصرت) موجب طولانی شدن غیبت و حرمان از وصال می شود. این کلام نورانی مولایمان صاحب الزمان علیه السلام بر دو نکته اساسی تأکید می ورزد:

۱. طولانی شدن غیبت، نتیجه عدم اتحاد و همدلی شیعیان در وفای به عهد و پیمان امام زمان علیه السلام است که این عهد و پیمان شامل پیمان معرفت، پیمان مودت، پیمان خدمت، پیمان نصرت و پیمان ولایت با آن حضرت است؛

۲. همدلی شیعیان در وفای به عهد و پیمان آن حضرت، مهم ترین عامل برای تعجیل در ظهور و توفیق ملاقات آن حضرت در کمال معرفت و صداقت می باشد.

آری، همه هم عهد اویم از پگاه ازل: عهد محبت، عهد مودت، عهد معرفت، عهد ایمان و باور، عهد خدمت و نصرت... و در یک کلام «عهد ولایت»... و اینک همت و همدلی ما در وفای به این عهد مقدس، راهگشای ظهور پاینده او و حضور بالنده در محضر اوست... و این است رمز داستان ظهور و رسیدن به آستان حضور.

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

## انتظار فرج در همه حال

رسول خدا ﷺ: «أَفْضَلُ جِهَادٍ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛<sup>۱</sup> بافضیلت‌ترین جهاد امت من، انتظار فرج است.»  
امام صادق علیه السلام: «تَوَقَّعْ أَمْرَ صَاحِبِكَ لَيْلِكَ وَنَهَارِكَ؛<sup>۲</sup> در هر شب و هر روزت، منتظر ظهور صاحبت باش!»

هستی شیعه و هویت جامعه شیعی وابسته به «انتظار موعود» است. چندی پیش دانشمندان یهود از سرتاسر جهان در تلاویو گرد آمدند تا راه‌های فروپاشی نظام جمهوری اسلامی ایران را جست و جو نمایند. مهم‌ترین نتیجه این نشست این بود که ما باید دو نگاه را از جوانان شیعه ایران بگیریم: ۱. نگاه سرخ حسینی که ترویج‌کننده فرهنگ شهادت و شهادت‌طلبی است؛ ۲. نگاه سبز مهدوی که ترویج‌کننده روح امید به آینده و انتظار موعود جهانی است.<sup>۳</sup> آری، دشمنان شیعه از «روح شهادت‌طلبی» و «روح انتظار» می‌ترسند و ما در مقابل، باید این دو فرهنگ را در سرتاسر جامعه شیعی بگسترانیم. «استراتژی انتظار» باید محور و هدف تمام برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و... در سطح کلان مدیریتی کشور قرار گیرد. اگر «فرهنگ مهدویت» و «استراتژی انتظار» در ارکان جامعه توسعه یابد، جامعه، مردم و جوانان ما از فتنه‌های آخرالزمان و تهاجم گسترده فرهنگی دشمن مصون و محفوظ خواهند ماند. ان شاء الله.

...فرج، یعنی گشایش. وقتی می‌گویند: «در همه حال منتظر فرج باشید!» معنایش این است که هر بن‌بستی قابل گشودن است. مسلمان، با «درس انتظار فرج» می‌آموزد که هیچ بن‌بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۴۳.

۲. همان، ج ۹۵، ص ۱۵۷.

۳. ر.ک: مجله موعود، ش ۲۵-۲۶، گفت‌وگو با دکتر حسن بلخاری.

گشود... یعنی ملت‌ها و امت‌ها نباید هیچ‌گاه از فرج و گشایش مأیوس شوند.<sup>۱</sup>

بیا دوباره پاک کن ز جاده‌ها غبار را!      به عاشقان نوید ده رسیدن بهار را!  
 ببین دلم گرفته و بهانه می‌کند تو را!      به من بگو که می‌رسی، ز دل مبر قرار را!  
 ظهور کن نگار من! بیا که از سر شعف      فدای قامتت کنم دو چشم اشکبار را!  
 تمام لحظه‌های من، فدای یک نگاه تو!      بیا و پاک کن ز دل، حدیث انتظار را!<sup>۲</sup>

### انتظار پویا، تعهدآور و سازنده

امام رضا علیه السلام: «مَا أَحْسَنَ الصَّبْرُ وَ إِنْتَظَارُ الْفَرَجِ! ... فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ! فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ بَعْدَ الْيَأْسِ»<sup>۳</sup> چه زیبا و نیکوست صبر کردن و در انتظار فرج به سر بردن! ... پس بر شما باد به صبر! همانا فرج پس از یأس فرا می‌رسد».

«انتظار فرج دو گونه است: انتظاری که سازنده، تحرک‌بخش و تعهدآور است... و انتظاری که ویرانگر، بازدارنده و فلج‌کننده است و نوعی اباحی‌گری محسوب می‌شود. برداشت بعضی مردم از مهدویت و قیام مهدی موعود علیه السلام این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد و فقط و فقط از گسترش و اشاعهٔ ظلم‌ها و تبعیض‌ها و... ناشی می‌شود. بنابراین برداشت، هر اصلاحی محکوم است؛ زیرا هر اصلاح، یک نقطهٔ روشن است... این گروه طبعاً به مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر، با نوعی بغض و عداوت می‌نگرند؛ زیرا آنان را از تأخیراندازان ظهور و قیام مهدی موعود می‌شمارند. این نوع برداشت... از انتظار فرج که منجر به نوعی تعطیل در حدود و مقررات اسلامی می‌شود، به هیچ‌وجه با

۱. مقام معظم رهبری ۸۴/۶/۲۹.

۲. سعید صفایی.

۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۷۹؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۰.

موازین اسلامی و قرآنی وفق نمی دهد»<sup>۱</sup>.

انتظار: مشق مقاومت و پایداری؛ انتظار: پاسداشت شرافت و کرامت انسانی؛  
...انتظار: چشیدن طعم یقین در عصر شکاکیت؛ انتظار: تزریق خون به رگ های  
خشکیده عدالت؛ انتظار: ضمانت نامه پیروزی هایلیان؛ انتظار: تفسیر خون نامه  
نیویان؛ و انتظار: بهانه ای برای تپیدن قلب تاریخ.<sup>۲</sup>

### تقلید از فقیه جامع شرایط

امام حسن عسکری علیه السلام: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا  
عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لَامِرَ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقْلِدُوهُ وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فَقَهَاءِ الشَّيْعَةِ  
لَا جَمِيعُهُمْ»<sup>۳</sup>؛ اما هر فقیهی که نگهدار نفس خویش، محافظ دین خود، مخالف  
هوای نفس خویش و مطیع امر مولای خود باشد، بر عموم مردم لازم است از او  
تقلید کنند. و این گونه نمی باشند مگر برخی از فقهای شیعه، نه همه آنان.

در عصر غیبت، پیروی و تقلید از یک مجتهد جامع شرایط، واجب و الزامی  
است. مؤمن در عصر غیبت، یا باید خود مجتهد باشد و یا در همه اعمال، به  
احتیاط عمل کند و یا باید مقلد باشد و در فروع دین از یک فقیه جامع شرایط  
تقلید نماید. در فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، مجتهد و فقیه جامع شرایط است که مرد،  
بالغ، شیعه دوازده امامی، حلال زاده، زنده، عادل، مسلط بر نفس، نگهبان دین و  
آیین، مخالف هوای نفس و مطیع اوامر خداوند و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام  
باشد. پیروی از مجتهد جامع شرایط، در عصر غیبت، از اهم واجبات است. این  
تکلیف، در رأس همه تکالیف است؛ چراکه جایگاه مؤمن را نسبت به حجت

۱. شهید مطهری، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، ص ۶۱-۶۴.

۲. مهدی علیزاده.

۳. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۸۵؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۸۸.

وقت خویش روشن می‌نماید و امر دین و دنیا و آخرت او را قوام می‌بخشد. اصولاً در عصر غیبت، اطاعت و فرمانبرداری از امام زمان ارواحنفاً تحقق نخواهد یافت، مگر در سایه اطاعت و پیروی از مجتهد جامع شرایط که او را «ولی فقیه» می‌نامیم. در عصر غیبت، پیروی و اطاعت از ولی فقیه‌ای که در رأس فقهای واجد شرایط قرار گرفته و رهبری جامعه را عهده‌دار گشته است، در رأس واجبات است.<sup>۱</sup>

بیا و ختم کن به چشم‌هایت انتظار را!	به بی‌صدا تبسمی، صدا بزن بهار را!
نبودن تو کوه را پراز سکوت کرده است	ودشت‌های خسته از قرون بی‌شمار را
به گوشه از تو، دردها به باد می‌روند	بزن به زخم عشق ما آن نگاه شاهکار را
بیا که مدتی است از میانه نور رسیده‌ها	به گوشه رانده‌اند عاشقان کهنه‌کار را
تمام جمعه‌ها زمین امیدوار می‌شود	که پرکنی از آفتاب، آسمان پر غبار را <sup>۲</sup>

### گوش به فرمان ولی فقیه

امام زمان ارواحنفاً: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»<sup>۳</sup> و اما در رویدادهای زمانه، (برای دانستن حکم الهی) به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ چرا که ایشان حجت من بر شما و من حجت خدا بر ایشانم.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در این حدیث شریف، وظیفه شیعیان را در عصر غیبت به طور صریح معین فرموده‌اند. آن حضرت، شیعیان را در عصر غیبت، برای دریافتن احکام شرعی و تشخیص وظیفه خود نسبت به مسائل سیاسی

۱. ر.ک: رساله‌های توضیح المسائل، احکام تقلید.

۲. حمیدرضا شکارسری.

۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۹.

## راه‌کارهای علمی سلوک مهدوی (۱) □ ۱۶۷

و اجتماعی، به راویان حدیث که همان فقهای ربانی شیعه هستند، ارجاع می‌دهد؛ چراکه آنان در عصر غیبت، قائم مقام امام زمانند و همانانند که می‌توانند حکم الهی را در تمام احکام فردی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و... به مردم معرفی کنند.

منظور از «حوادث واقعه» نیز تمام وقایعی است که شیعیان در عرصه‌های مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی، نظامی و... با آن مواجه می‌شوند.

رجوع به فقهای واجب شرایط در عصر غیبت، نه یک امر مستحب، که یک واجب شرعی است؛ چراکه امام زمان ارواحنا فداه ایشان را از جانب خویش برای پیشوایی امت منصوب فرموده و آنان را حجت خویش بر مردم قرار داده است: «ایشان حجت من بر شما و من حجت خدا بر شمایم». از همین روست که فقهای ربانی واجد شرایط، «نایبان عام امام زمان علیه السلام» نامیده می‌شوند.

نایبان عام امام زمان علیه السلام، از میان خویش صالح‌ترین و شایسته‌ترین و جامع‌ترین فرد را برای تصدی مقام «ولایت فقیه و رهبری جامعه» انتخاب می‌کنند. «ولایت فقیه» که عبارت است از «حکومت فقیه عادل و دین‌شناس» از ارکان مذهب حقّه اثنی عشری است که ریشه در اصل امامت دارد. پیروی از اوامر ولایی ولی فقیه، بر همگان، حتی بر دیگر فقهای عظام، هم واجب است.<sup>۱</sup>

الله! الله! از ولایت فقیه نگریزید که ولایت سفیه جایز نیست... و اگرچه سررشته ولایت در کف با کفایت حجت‌بن‌الحسن است، اما گردش چرخ آن در دست فقیهان ممتحن و نواب مؤتمن است.<sup>۲</sup>

۱. ر.ک: سید علی خامنه‌ای، رساله اجوبه الاستفتائات، ص ۱۱-۱۴.

۲. احمد عزیزی.



## مرزبانان از دین و ایمان با جهاد علمی و فرهنگی

قال المعصوم علیه السلام: «عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ... أَلَا وَ مَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِنْ جَاهِدِ الرُّومِ وَ التُّرْكِ وَ الخَزَرَ أَلْفَ أَلْفٍ مَرَّةً لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنِ أَدْيَانِ مُحِبِّينَا وَ ذَلِكَ عَنِ أَيْدِيهِمْ»<sup>۱</sup> عالمان شیعیان ما، مرزبانان دین و ایمانند... آگاه باشید که هر کس برای چنین امری به پا خیزد، فضیلتش هزار هزار مرتبه از فضیلت کسی که با تمام دشمنان اسلام از روم و ترک و خزر می‌جنگد، افزون‌تر است؛ چرا که عالم، بلا و فتنه را از دین محبان ما دور می‌سازد و مجاهد از بدن‌هایشان».

امروز مجاهدت در عرصه کارزار علمی و فرهنگی، واجب‌ترین وظیفه و تکلیف ما است. جنگ امروز، نه جنگ نظامی که جنگ فرهنگی است. سلاح کارآمد امروز هم، نه سلاح نظامی که سلاح فرهنگی است. همگان باید باور کنیم که در جنگی به مراتب خطرناک‌تر از جنگ هشت ساله وارد گشته‌ایم. هدف در آن جنگ، اشغال چند وجب از خاک ما بود، اما در این جنگ، هدف نابودی دین و ایمان ما است. به اندازه اهمیت ایمان نسبت به خاک، این جنگ فرهنگی، مهم‌تر و خطیرتر از آن جنگ نظامی است. در عرصه دفاع نظامی، ۶۰۰۰۰۰ شهید از جان رسته تقدیم کردیم تا مرزهای جغرافیایی ما محفوظ بماند، اما آیا برای حفظ مرزهای ایمانی در عرصه کارزار فرهنگی که بسی سخت‌تر و خسارت‌بارتر است، به همان تعداد نیروی آماده و لایق شهادت داریم؟! برای نزدیک‌سازی ظهور امام زمان ارواحنا فدا، جبهه حق باید با تمام توان با سلاح علم و معرفت و فرهنگ به مقابله با حزب شیطان بشتابد. هرگز جای آن نیست که در مبارزه با هجوم بی‌امان امواج ضلالت و فساد، به حرکت‌هایی آرام و مورچه‌وار و به کارهایی سطحی و مقطعی دل خوش کنیم.<sup>۲</sup>

۱. نباطی، علی بن یونس، الصراط المستقیم، ج ۳، ص ۵۵.

۲. ر.ک: جامی از زلال کوثر، ص ۱۲۷.

### دعوت مردم به سوی امام زمان علیه السلام

امام هادی علیه السلام: «لَوْ لَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِكُمْ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ الدَّالِّينَ عَلَيْهِ وَ الدَّائِبِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَ الْمُتَقِذِينَ لَصُعَفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شُبَّانِكِ ابْلِيسَ وَ مَرَدَّتِهِ... لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ!»<sup>۱</sup> اگر نبودند علمایی که بعد از غیبت قائم شما مردم را به سوی او دعوت و راهنمایی کنند و با حجت‌ها و برهان‌های الهی از دین او دفاع کنند و بندگان ضعیف خدا را از دام ابلیس و پیروان او نجات دهند، ... احدی باقی نمی‌ماند مگر آنکه از دین خدا خارج می‌شد.

حفظ دین و ایمان مردم، در زمان غیبت امام زمان ارواحنفا، بر عهده فقها و علمای ربانی است. همانان که از دنیا و هواهای نفسانی رسته‌اند و به خدا و اولیای خدا پیوسته‌اند؛ همانان که در عصر غیبت چراغ هدایت و دینداری را پرفروغ نگه می‌دارند و از دین خدا با حجت و برهان دفاع می‌کنند؛ همانان که یاد امام زمان علیه السلام را در جامعه زنده نگه می‌دارند و مردم را به ولایت و امامت و رضایت او فرا می‌خوانند:

«رهبر همه ما و شما، وجود مبارک بقیت‌الله است. باید ما و شما طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار را که رضایت خداست، به دست بیاوریم. همان‌طور که رسول اکرم صلی الله علیه و آله حاکم بر جمیع موجودات است، حضرت مهدی علیه السلام نیز حاکم بر جمیع موجودات است. آن خاتم رسالت است و این خاتم ولایت. نامه اعمال ما به امام وقت عرضه می‌شود. امام زمان علیه السلام مراقب ما هستند»<sup>۲</sup>.

همانان که محبان و شیعیان امام زمان علیه السلام را از دام‌های شیاطین انسی و جنی نجات می‌دهند و دین و ایمان ایشان را با دعوت به سوی امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف حفظ می‌کنند:

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۶؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۵۵.

۲. حضرت امام خمینی، صحیفه نور.

## ۱۷۰ □ سلوک مهدوی

«ما به زمان ظهور امام زمان ارواحناده، این محبوب حقیقی انسان‌ها، نزدیک شده‌ایم. جوانان خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص این را هدف قرار دهند. شما جوانان به کمک خدا و امید او آن روز را خواهید دید و به دست خودتان ان شاء الله آن روز را خواهید ساخت.»<sup>۱</sup>

---

۱. رهبر معظم انقلاب.

---

## درس یازدهم:

### راه کارهای علمی سلوک مهدوی (۲)

---

انس و اتصال با قرآن

تلاوت سوره اسراء در شب‌های جمعه

تلاوت سوره‌های مسبحات پیش از خواب

دعا برای تعجیل فرج

ذکر صلوات و دعای فرج پس از نمازهای واجب

مداومت بر سحرخیزی و نماز شب

مداومت بر دعای عهد (دعای نور)

مداومت بر دعای زمان غیبت (دعای طلب معرفت)

مداومت بر زیارت آل یاسین

مداومت بر زیارت امین‌الله

سلوک حسینی (دعای فرج پس از ذکر مصیبت)

مداومت بر زیارت عاشورا، نافله و زیارت جامعه

مداومت بر زیارت ناحیه مقدسه

### گل سوره یوسف

خوب است ما هم مثل باران حس بگیریم  
هر شب شرابی از غم قائم بنوشیم  
من با دو جرعه آیه گل مست مستم  
عهد سلیمان است، اهریمن نباشیم  
رود الست ربکم در شهر جاری است  
کعبه طوافش می‌کند، واللّه! واللّه!  
بنویس تا مثل شقایق حس بگیریم  
هر شب سراغی از گل نرگس بگیریم  
گل سوره پیراهن یوسف بیوشیم  
من عاشقم، دیوانه‌ام، اینم که هستم  
جز آیه‌های سوره آهن نباشیم  
فصل غریبی، عاشقی، چشم انتظاری است  
بنویس بر دیواره‌اش: «نصر من اللّه»  
هر شب سراغی از گل نرگس بگیریم<sup>۱</sup>

### انس و اتصال با قرآن

﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾<sup>۱</sup> به حقیقت قرآن، جز پاکان و طهارت‌یافتگان دست نمی‌یابند ﴿

فرازی از زیارت آل‌یاسین: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ»<sup>۲</sup> سلام بر تو ای تلاوت‌کننده کتاب خدا و ای تفسیرکننده حقایق آن!!»

اصل و باطن امام معصوم، حقیقت قرآن است. قرآن که حقیقتی مکنون و غیرقابل دسترسی است، فقط از جانب مطهّرون که انسان‌های کامل معصومند، قابل لمس و دسترسی است. از این رو اصل و قلب امام معصوم، قرآن است. پس هرچه در مقام عمل به معارف و اخلاق قرآن نزدیک‌تر شویم، به مقام ولایت امام زمان علیه السلام نزدیک‌تر شده‌ایم و هرچه به مقام ولایت امام زمان علیه السلام نزدیک‌تر شویم، به حقیقت قرآن نزدیک‌تر شده‌ایم.

از این رو برقراری ارتباط قلبی و معنوی با امام زمان علیه السلام که خود شریک قرآن و روح و حقیقت قرآن است، ارتباط و اتصال عملی به معارف قرآن را می‌طلبد.

---

۱. واقعه (۵۶)، ۷۹.

۲. محدث قمی، کلیات مفاتیح‌الجنان، زیارت آل‌یاسین.

نزدیکی به وجود مقدسی که حقیقت قرآن است و خود در نهایت نورانیت و طهارت روحی است، جز از راه تحصیل نورانیت و طهارت روحی امکان پذیر نیست. ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾؛ به حقیقت قرآن، جز پاکان و طهارت یافتگان دست نمی یابند. این در حالی است که بهترین و ریشه‌ای ترین راه تحصیل طهارت و نورانیت باطنی، تمسک به معاف قرآن و پیاده کردن دستورالعمل‌های اخلاقی و عرفانی آن است؛ چراکه قرآن، کلام خدا و تجلی گاه فیض و نورالهی است: ﴿ما به سوی شما نور آشکاری را نازل کردیم﴾.

حال در میان سوره‌ها و آیه‌های نورانی قرآن، برخی از آیه‌ها و سوره‌ها، ارتباطی ویژه و پیوندی پر رمز و راز با ساحت قدسی امام زمان علیه السلام یافته‌اند؛ سوره‌هایی مانند مسبّحات خمس (حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن)، سوره اسراء (بنی اسرائیل)، سوره عصر، سوره قدر و...، که انس با این سوره‌ها و توجه به معارف بلند آن می تواند راهگشای ارتباط و تقرب ما با آستان امام زمان علیه السلام باشد.

قرآن کریم، صورت کتبی انسان کامل (امام زمان علیه السلام) است. پس هر قدر به قرآن تقرّب بجویی، به انسان کامل نزدیک تر شده‌ای. حال بنگر که بهره‌ات از قرآن چقدر است؟ زیرا حقایق آیات قرآن، در حقیقت، درجات وجود تو و مدارج آن، نردبان عروج و تکامل توست.<sup>۱</sup>

هجران جانان تا به چند؟ آن یارکو؟ آن یارکو؟

تا کی بود قرآن نهان؟ دیدارکو؟ دیدارکو؟

ای عاقلان دیوانه‌ام! زنجیر زلف یارکو؟

بر شعله‌های شوق دل، پروانه دلدارکو؟<sup>۲</sup>

۱. آیت‌الله حسن زاده آملی.

۲. فیض کاشانی.

### تلاوت سوره اسراء در شب‌های جمعه

امام صادق علیه السلام: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ الْجُمُعَةِ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمَ فَيَكُونُ مِنْ أَصْحَابِهِ»<sup>۱</sup> هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه قرائت نماید، نمیرد تا آن که قائم علیه السلام را درک نماید و از یاوران آن حضرت باشد... آری، به شهادت این روایت شریف، قرائت همراه با تدبیر سوره اسراء در شب‌های جمعه و تمسک به دستورالعمل‌های ویژه آیات آن، می‌تواند راهگشای سیر و سلوکی عارفانه به سوی حضرت دوست و برترین ولی خاص او گردد... آیات ۷۸ تا ۸۱ این سوره، دربردارنده راهکارهایی عملی برای رسیدن به ولایت و ملاقات امام زمان علیه السلام است؛ به ویژه آیه ۸۰ این سوره که تعداد قابل توجهی از شاگردان شیخ رجبعلی خیاط، از طریق مداومت بر این ذکر، خدمت امام زمان علیه السلام تشریف پیدا کرده‌اند، هر چند برخی از ایشان به هنگام تشریف، امام را نشناخته‌اند... این آیه نورانی، دربردارنده تقاضای ارتباط خاص ولایی با حضرت مولاست تا آن حضرت به اذن و مشیت الهی، خود ولایت و نصرت ما را بر عهده گیرد... دستورالعمل‌های عرفانی دو آیه قبل نیز گویا در حکم مقدمه لازم برای نیل به ولایت خاص مولاست: ۱. دستور به نماز اول وقت؛ ۲. تأکید بر شب‌زنده‌داری و نماز شب.<sup>۲</sup>

توصیه شیخ رجبعلی خیاط: «برای تشریف به محضر امام زمان علیه السلام در حال بیداری، آیه ۸۰ سوره اسراء را شبی ۱۰۰ مرتبه تا چهل شب قرائت نمایید: ﴿قُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا﴾ بگو: پروردگارا! مرا همراه صداقت و راستی (به آستان ولایت) وارد و با

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۳۱۰.

۲. ر.ک: آقانهانی، سودای روی دوست، ص ۵۷-۶۲.



صداقت و راستی (از آن) خارج گردان! و از جانب خود سلطان و حجتی یاری بخش برایم قرار ده! ﴿۱﴾.

به دنبال تو می‌گردم، نمی‌یابم نشانت را

بگو باید کجا جویم مدار کهکشانت را؟

الا ای آخرین طوفان! بییچ از شرق آدینه!

که دریا بوسه بنشانند لب آتشفشانانت را<sup>۲</sup>

### تلاوت سوره‌های مسَبَّحات پیش از خواب

﴿فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾؛ هر آنچه می‌توانید، قرآن بخوانید! ﴿۳﴾

امام صادق علیه السلام: «مَنْ قَرَأَ الْمُسَبِّحَاتَ كُلَّهَا قَبْلَ أَنْ يَنَامَ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمَ وَ إِنْ مَاتَ كَانَ فِي جَوَارِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ<sup>۴</sup>؛ هر کس قبل از آن که بخوابد، سوره‌های مسَبَّحات (حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن) را قرائت کند، نمی‌میرد مگر آن که قائم علیه السلام را درک می‌کند و اگر بمیرد، در همسایگی محمد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خواهد بود».

رسیدن به فضایل و آثار هر سوره به طور کامل، علاوه بر تلاوت، وابسته به عمل کردن معارف آن سوره است... در این پنج سوره نورانی (حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن) که به مسَبَّحات خمس (سوره‌های پنج‌گانه‌ای که با سَبَّحَ لِلَّهِ... آغاز می‌گردد). مشهور است، علاوه بر مسائل توحیدی و اعتقادی، توصیه‌های عملی ویژه‌ای ارائه می‌شود که محقق ساختن آن می‌تواند راهگشای

۱. محمدی ری‌شهری، محمد، کیمیای محبت، ص ۱۹۰.

۲. حسین اسرافیلی.

۳. مزمل (۷۳)، ۲۰.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۲۰؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۲۶.

راه‌کارهای علمی سلوک مهدوی (۲) □ ۱۷۷

سیر و سلوکی عارفانه به سوی حضرت حق و عظیم‌ترین ولی و خلیفه او در روی زمین، حضرت بقیت‌الله الاعظم علیه السلام گردد. این دستورالعمل‌های آسمانی، خلاصه‌وار عبارتند از:

۱. دستور به ایمان و تقوا؛
  ۲. تأکید بر مجاهده در راه خدا با مال و جان؛
  ۳. تشویق به اعطای قرض‌الحسنه؛
  ۴. توصیه به بخشش سخاوتمندانه در راه خدا و دوری از بخل؛
  ۵. مراقبه و محاسبه نفس در پرتو تقوای الهی؛
  ۶. مداومت بر یاد خدا؛
  ۷. بزرگداشت نماز جمعه؛ و ...<sup>۱</sup>
- عارف بزرگ، سید علی آقا قاضی طباطبایی: «بر شما باد به تلاوت قرآن کریم در دل شب با صوت زیبا و محزون؛ چراکه آن، شراب جان مؤمنان است... بنده اگر به جایی رسیده‌ام، در سایه قرآن و توسل به سیدالشهدا علیه السلام رسیده‌ام».

### دعا برای تعجیل فرج

امام زمان علیه السلام: «أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»<sup>۲</sup> برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید؛ چراکه فرج شما نیز در فرج من است».

دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام، فواید و برکات بی‌شمار دیگری را نیز دربردارد که خلاصه‌وار عبارتند از: ۱. جلو افتادن وقت ظهور؛ ۲. ایمنی از دام‌های شیطان و نجات از فتنه‌های آخرالزمان، چنانچه حدیث دوم بر آن دلالت دارد؛ ۳. دعای امام زمان علیه السلام در حق دعاکننده؛ ۴. وسعت روزی و دوری از فقر؛ ۵. دفع

۱. ر.ک: آقانهانی، سودای روی دوست، ص ۵۴-۵۷.

۲. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۵.

بلايا و مصیبت‌ها؛ ۶. محشور شدن در زمره ائمه اطهار علیهم‌السلام؛ ۷. قرار گرفتن در درجه امیر مؤمنان علی علیه‌السلام؛ ۸. تعجیل در امر فرج امام زمان علیه‌السلام؛ ۹. ثواب خونخواهی امام حسین علیه‌السلام؛ ۱۰. رجعت و بازگشت به دنیا در زمان ظهور امام زمان علیه‌السلام؛ ۱۱. اشراق نور امام در قلب دعاکننده؛ ۱۲. تشریف به دیدار آن حضرت در خواب یا بیداری.<sup>۱</sup> آری، دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه‌السلام، علاوه بر فواید و برکات بی‌شماری که جملگی فرج‌بخش و گشایش آوردند، می‌تواند راه ملاقات و وصال را فراروی مشتاقان جمال آن ولی مطلق الهی بگشاید؛ چنانچه سیره بسیاری از تشریف‌یافتگان به محضر آن حضرت، مداومت بر دعا برای تعجیل فرج آن بزرگوار بوده است.<sup>۲</sup>

### دعای فرج، رمز نجات در دوران غیبت

امام حسن عسکری علیه‌السلام: «یا احمد بن اسحاق، ... لَیَغِیْبَنَّ غِیْبَةً لَا یَنْجُو فِیْهَا مِنَ الْهَلَاکَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَقَفَهُ فِیْهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ؛<sup>۳</sup> ای احمد بن اسحاق! ... همانا او غیبتی خواهد داشت که در آن کسی از هلاکت نجات نیابد، مگر آن که خداوند او را بر امامت وی ثابت‌قدم بدارد و او را در دعا برای تعجیل فرجش موفق سازد».

دعا برای تعجیل فرج: دعای تعجیل فرج، دوی دردهای ما است. در روایت است که در آخرالزمان همه هلاک می‌شوند، الا مَنْ دَعَا بِالْفَرَجِ؛ مگر کسانی که برای تعجیل فرج دعا کنند. یعنی اگر برای فرج دعا می‌کنید، علامت آن است که

۱. ر.ک: موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکیال‌المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه‌السلام، ج ۲.

۲. همان.

۳. همان، ج ۲، ص ۳۸۴.

هنوز ایمانتان پابرجاست.<sup>۱</sup>

دعا به همراه پرهیز از گناه: کسانی که در خواب یا بیداری به محضر امام زمان علیه السلام تشریف حاصل نموده‌اند، از آن حضرت شنیده‌اند که فرموده است: «برای تعجیل من زیاد دعا کنید!» دعا را باید با شرایطش به جا آورد. از جمله شرایط دعا، پرهیز و توبه از گناهان است. نه این‌که برای تعجیل دعا کنیم، اما کارهایمان فرج را به تأخیر اندازد. قطعاً اگر کسانی در دعا جدی و راستگو باشند، مبصراتی خواهند داشت و مثل ما چشم بسته نخواهند ماند.<sup>۲</sup>

سیدبن طاووس: «پرهیز! پرهیز! از آن‌که در وادی دوستی و به هنگام دعا، خویشتن یا فرد دیگری را بر آن حضرت مقدم بداری! اینک دل و زبان خویش را به دعا برای مولای عظیم‌الشأن خویش یکی کن! خواسته‌های حضرت او را بر نیازهای خود مقدم مدار! و دعا به آن وجود مقدس را بر دعای به خود مقدم دار!»<sup>۳</sup>

ای خدا خواهم خدایی‌ام کنی!      مهدوی دینی، سمائی‌ام کنی!  
گر مرا با خود بدانی یک زمان!      ارزشش به از زمین و آسمان!<sup>۴</sup>

### ذکر صلوات پس از نمازهای واجب

امام صادق علیه السلام: «مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَبَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ؛<sup>۵</sup> هر کس پس از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

۱. رخشاد، ۶۰۰ نکته در محضر بهجت، نکته ۵۹۱.

۲. همان، ص ۱۱۸، نکته ۱۷۱.

۳. صاحب مقام تشریف، سیدبن طاووس.

۴. حضرت آیت‌الله العظمی بهجت.

۵. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۳۱۰؛ شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۲۰.

نخواهد مرد تا آن که قائم آل محمد را درک نماید». ذکر صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام، دارای آثاری وضعی و تکوینی در وجود آدمی است. این آثار و برکات پرشمار خلاصه‌وار عبارتند از: حسن خلق، طهارت و نورانیت روحی، پاکی از رذایل اخلاقی، آراستگی به فضایل اخلاقی، آموزش گناهان، قبولی اعمال، استجاب دعا، درود و صلوات خداوند و ملائکه الهی.

آری، تقدیم درود و صلوات به ساحت محمد و آل محمد علیهم السلام دستوری الهی است که آثار و برکات فراوانی در پی دارد: ﴿همانا خداوند و ملائکه او بر پیامبر صلوات می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود و سلام و صلوات بفرستید و به طور کامل تسلیم او باشید﴾<sup>۱</sup>.

حال با توجه به حدیث ذکر شده، یکی از والاترین آثار و برکات صلوات به همراه «وَعَجَّلَ فَرَجَهُمْ»، ایجاد لیاقت، طهارت، نورانیت و سعۀ وجودی لازم برای دیدار و یاری امام زمان ارواحنفاذ است و اگر ذکر صلوات به نیت سلامتی و تعجیل فرج آن حضرت گفته شود، فضیلتی هزاران برابر می یابد. به توصیه بزرگان، مناسبت است که هر روز ۱۱۰ مرتبه صلوات به همراه «وَعَجَّلَ فَرَجَهُمْ وَ فَرَجْنَا بِهِمْ» به نیت سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان ارواحنفاذ فرستاده شود.

جوانی از حضرت آیت الله بهجت تقاضا کرده است که این حقیر مشتاق زیارت امام عصر علیه السلام می باشم. از حضرت عالی تقاضا دارم که مرا دعا کنید تا به این سعادت نایل شوم. آن بزرگوار در پاسخ فرموده‌اند: «زیاد صلوات اهدای وجود مقدسش نمایید، مقرون با دعای تعجیل فرجش و زیاد به مسجد جمکران مشرف شوید با ادای نمازهایش»<sup>۲</sup>.

۱. احزاب (۳۳)، ۵۶.

۲. ساعی، به سوی محبوب، ص ۵۸.

بیا که با همه کوله‌بار برخیزیم      به عزم بوسه به دستان یار، برخیزیم  
به پاس حرمت خورشید با گل صلوات      به انتظار طلوع بهار، برخیزیم<sup>۱</sup>

### مداومت بر سحرخیزی و نماز شب

رسول الله ﷺ: «مَا أَعْلَمُ شَيْئًا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْمُتَقَرِّبُونَ إِلَى اللَّهِ أَفْضَلُ مِنْ قِيَامِ الْعَبْدِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ»<sup>۲</sup>؛ برای تقرب جویان به خدا چیزی را با فضیلت‌تر از نماز شب نمی‌شناسم».

امام موسی بن جعفر علیه السلام: «بِأَبِي... أَسْمَرُ اللَّوْنُ يَعْتَادُهُ مَعَ سَمَرْتِهِ صَفْرَةٌ مِنْ سَهْرِ اللَّيْلِ. بِأَبِي مَنْ لَيْلُهُ يُرَعَى النُّجُومَ سَاجِدًا وَرَاكِعًا»<sup>۳</sup> پدرم فدای او که چهره زیبای گندمگونش، بر اثر تهجد و شب‌زنده‌داری، به زردی گراییده است! پدرم فدای کسی که شب‌هایش را با مراقبت از ستارگان (و مواظبت بر وقت نماز و مناجات) در حال رکوع و سجود به صبح می‌آورد».

به فرموده رسول خدا ﷺ در روایت بالا، قیام در دل شب برای نماز و مناجات با پروردگار، برترین و پرفضیلت‌ترین عمل در ایجاد قرب و نزدیکی به خداوند است. از آن جا که مولایمان حضرت ولی عصر ارواحنا فداه وجه تمام‌نمای خداست، رمز نزدیکی به آستان او، در قرب و نزدیکی به بارگاه ربوبی نهفته است. حال، با بهره‌گیری از حدیث رسول خدا ﷺ، می‌توان گفت یکی از بهترین راه‌های تقرب به ساحت قدسی امام زمان علیه السلام شب‌زنده‌داری و نماز شب است. از سوی دیگر، امام زمان ما خود سرسلسله سحرخیزان و طلایه‌دار شب‌زنده‌داران است تا جایی که رنگ چهره آن عزیز، بر اثر کثرت

۱. طباطبایی ندوشن (امید).

۲. سیدبن طاووس، کتاب التهجذ، ص ۲۹۸.

۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۸۱.

شب‌زنده‌داری به زردی گراییده است. از این رو اقتدای ما به امام زمانمان و مداومتان بر سحرخیزی و شب‌زنده‌داری، باعث تشابه و سنخیت روحی ما با آن حضرت می‌گردد و در نتیجه ارتباط قلبی و معنوی ویژه‌ای را بین ما و مولایمان برقرار می‌نماید. ان شاء الله.

### مداومت بر دعای عهد (دعای نور)

امام صادق علیه السلام: «مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا، فَإِنْ مَاتَ قَبْلَهُ أُخْرِجَهُ اللَّهُ مِنْ قَبْرِهِ وَأَعْطَاهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَحَى عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَهُوَ: «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ...»<sup>۱</sup> هر کس چهل صبح، خدا با این عهد بخواند، از انصار قائم ما خواهد بود و اگر قبل از ظهور او بمیرد، خداوند او را از قبرش زنده بیرون خواهد آورد (تا در رکاب مولایش خدمت نماید) و در برابر هر کلمه هزار حسنه بر او بنویسد و هزار گناه از او محو نماید و آن عهد این است:....». آیت الله موسوی اصفهانی در کتاب نورانی مکیال‌المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام که آن را به دستور مستقیم امام زمان علیه السلام و با نامگذاری آن حضرت، نگاشته است، مجموعه ۱۰۲ فایده و نتیجه را ویژه دعاکنندگان در حق امام زمان علیه السلام و طلب‌کنندگان تعجیل فرجش برمی‌شمارد.

در این میان، یکی از بهترین ادعیه‌ای که شایسته است در دوران غیبت، سرود و ترنم صبحگاهی شیعیان گردد، دعای نور یا دعای عهد است که دربردارنده تجدید عهد و پیمان با امام زمان ارواحنا فداه و تقاضای ارتباط و ملاقات با آن حضرت می‌باشد. دعایی بسیار جامع که دربردارنده معارفی بس عظیم است. در عظمت و فضیلت این دعا همین بس که مداومت‌کننده بر آن تا چهل روز، به مقام «یاوران قائم» و در شمار «رجعت‌کنندگان پس از ظهور» قرار می‌گیرد و به ازای هر کلمه

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۵.

## راه کارهای علمی سلوک مهدوی (۲) □ ۱۸۳

هزار حسنه برای او نوشته و هزار سیئه از پرونده اعمالش محو و پاک می گردد. خداوند توفیق انس روزانه با این دعای پر عظمت را به همه ما عنایت فرماید.

الا که راز خدایی! خدا کند که بیایی!	تو نور غیب نمایی! خدا کند که بیایی!
شب فراق تو جانا! خدا کند که سرآید!	سرآید و تو بیایی! خدا کند که بیایی!
به هر دعا که توام، تو را همیشه بخوانم	الا که روح دعایی، خدا کند که بیایی!
دمی که بی تو برآید، خدا کند که نیاید	الا که هستی مایی، خدا کند که بیایی!
تو مشعری عرفاتی، تو زمزمی تو فراتی!	تو رمز آب بقایی، خدا کند که بیایی!
دل مدینه شکسته، حرم به راه نشسته	تو مروه ای تو صفایی، خدا کند که بیایی!
قسم به عصمت زهرا، بیا ز غیبت کبرا!	دگر بس است جدایی، خدا کند که بیایی!

### مداومت بر دعای زمان غیبت (دعای طلب معرفت)

امام صادق علیه السلام: «ای زراره! اگر آن دوران (دوران غیبت امام زمان علیه السلام) را دریافتی، پس این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ظَلَلْتُ عَنْ دِينِي»<sup>۱</sup>.

یکی از مهم ترین دعاها در دوران غیبت، دعای طلب معرفت: (معرفت خدا، معرفت رسول خدا و «معرفت حجت) است. توصیه اهل معرفت آن است که این دعای شریف و نورانی در پی هر نماز واجبی خوانده شود. امام صادق علیه السلام: «برای آن جوان، پیش از آنکه قیام کند، غیبتی است. اوست منتظر. اوست کسی که در ولادتش شک می شود. اوست منتظری که خداوند در دوران انتظار شیعیان او را

۱. سید رضا مؤید.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶.



می‌آزماید. در آن زمان، شک و تردید به سوی اهل باطل روی می‌آورد. ای زراره اگر آن زمان را دریافتی، این دعا را بخوان: «پروردگارا! خود را به من بشناسان! همانا اگر خود را به من شناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. پروردگارا! پیامبرت را به من بشناسان! اگر پیامبرت را به من شناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت. خدایا! حجت خود را به من بشناسان! همانا اگر حجت خود را به من شناسانی، از دین خود گمراه خواهم شد»<sup>۱</sup>.

### مداومت بر زیارت آل یاسین

امام زمان علیه السلام: «...السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ إِلَيْنَا فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ...»<sup>۲</sup> سلام بر ما و بر بندگان صالح خداوند! هر گاه خواستید به وسیله ما به خداوند و به ما اهل بیت علیهم السلام توجه و تقرب پیدا کنید، پس بگویید همان گونه که خداوند متعال فرموده است: سلام بر شما خاندان پیامبر!...».

امام زمان علیه السلام، در توفیق شریف خویش به محمد حمیری، برای توجه و تقرب شیعیان به خداوند و اهل بیت علیهم السلام، زیارت آل یاسین را توصیه فرموده‌اند. بدین سان «زیارت آل یاسین»، دستورالعملی ویژه از ناحیه مولایمان حضرت ولی عصر علیه السلام برای برقراری ارتباط قلبی با آن حضرت است که می‌بایست در دستور کار شیعیان و محبان آن حضرت قرار گیرد: «سلام بر تو ای درگاه خدا و ای محافظ دین خدا! ... سلام ما بر تو آن هنگام که قیام و ظهور فرمایی! سلام ما بر تو آن هنگام که در پرده غیبت نشسته‌ای! سلام ما بر نماز و بر قنوت تو! سلام ما بر رکوع و بر سجود تو! سلام ما بر تهلیل و تکبیر تو! سلام ما بر ستایش و استغفار تو!»<sup>۳</sup>

۱. سیدبن طاووس، فلاح السائل، ص ۳۰۷.

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱.

۳. فراهایی از زیارت آل یاسین، مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام.

### مداومت بر زیارت امین‌الله

امام محمد باقر علیه السلام درباره فضیلت زیارت امین‌الله: «مَا قَالَ أَحَدٌ مِنْ شِيعَتِنَا عِنْدَ قَبْرِ أَحَدٍ مِنَ الْأئِمَّةِ إِلَّا وَقَعَ فِي دُرَجٍ مِنْ نُورٍ وَطُبِعَ عَلَيْهِ بِطَابِعِ مُحَمَّدٍ حَتَّى يُسَلَّمَ إِلَى الْقَائِمِ فَيَلْقَى صَاحِبَهُ بِالْبَشْرَى وَالتَّحِيَّةِ وَالكِرَامَةِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى؛<sup>۱</sup> هیچ‌یک از شیعیان ما این زیارت را نزد قبر یکی از امام نمی‌خواند، مگر اینکه آن زیارت در نامه‌ای از نور قرار می‌گیرد و به مهر و امضای حضرت محمد علیه السلام می‌رسد تا به محضر حضرت قائم علیه السلام تسلیم گردد و صاحبش را با بشارت و تحیت و کرامت ملاقات نماید. به خواست الهی».

در میان زیارت‌های ائمه اطهار علیهم السلام، برترین و پر فضیلت‌ترین زیارت، زیارت امین‌الله است که نزد قبور مطهر همه امامان معصوم علیهم السلام خوانده می‌شود؛ با این تفاوت که در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام با جمله «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» عرض سلام می‌نماییم و در نزد قبور امامان دیگر، با نام مقدس خودشان عرض ارادت می‌کنیم.

یکی از بهترین راهکارهای عملی برای تقرب به ساحت نورانی حضرت بقیةالله روحی‌فداه، زیارت مداوم قبور ائمه اطهار علیهم السلام از طریق زیارت امین‌الله است. حقیقت ملکوتی این زیارت در قالبی از نور بالا می‌رود تا به ساحت عرشی رسول مکرم اسلام می‌رسد و از محضر آن حضرت مهر قبولی دریافت می‌کند و آن‌گاه به عنوان سند افتخاری برای صاحبش به محضر پر نور امام زمان علیه السلام تسلیم می‌گردد و نظر لطف و عنایت و رحمت آن حضرت را به سوی خواننده این زیارت جلب می‌نماید. از سوی دیگر، این عمل باعث تناسب روحی و عملی با وجود مقدس صاحب الامر ارواحن‌فداه می‌گردد؛ یکی از سیره‌های ترک‌ناشدنی آن حضرت، زیارت قبور آباء و اجداد معصومینشان از طریق زیارت امین‌الله و

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۹۶.

دیگر زیارت‌های وارده است.

### سلوک حسینی (دعای فرج پس از ذکر مصیبت)

امام زمان علیه السلام: «إِنِّي لَأَدْعُوا لِمُؤْمِنٍ يَذْكُرُ مُصِيبَةَ جَدِّي الشَّهِيدِ ثُمَّ يَدْعُوا لِي بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ وَالتَّأْيِيدِ؛<sup>۱</sup> همانا من دعاگوی هر مؤمنی هستم که مصیبت جد شهیدم را یادآوری کند و آن‌گاه برای تعجیل فرج و تأیید من دعا نماید».

ذکر مصائب اباعبدالله‌الحسین علیه السلام و گریه بر مظلومیت آن حضرت، از بهترین، مؤثرترین و میانبرترین راه‌های ایجاد ارتباط قلبی با امام زمان روحی فداه است؛ چراکه قلب آن حضرت مالا مال از اندوه مصیبت جد شهیدش و چشمان آن حضرت هر صبح و شام سرشار از اشک بر مظلومیت اوست. گریه کنندگان امام حسین علیه السلام بیش از هر کس به امام عصر علیه السلام شباهت می‌یابند و همین وجه شباهت، رشته اتصال و پیوند بین ایشان و امام زمانشان می‌گردد. آنان که به هنگام یادآوری مصائب امام حسین علیه السلام به یاد منتقم حقیقی می‌افتند و پیش از هر چیزی نصرت و تعجیل در فرج آن حضرت را می‌طلبند، مورد توجه خاص و ادعیه ویژه آن مولای کریم قرار می‌گیرند. یکی از ویژگی‌های مشترک تمام تشریف‌یافتگان به ساحت امام زمان علیه السلام، عرض احترام و ارادت به ساحت امام حسین علیه السلام و گریه بر مصائب آن حضرت بوده است.

### مداومت بر زیارت عاشورا، نافله و زیارت جامعه

امام زمان علیه السلام خطاب به سید احمد موسوی رشتی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه که از قافله‌اش عقب مانده و راه را گم کرده بود، به زبان فارسی فرمود: «عاشورا بخوان تا راه را پیدا کنی!!... شما چرا نافله نمی‌خوانید؟ نافله! نافله! نافله! شما چرا عاشورا نمی‌خوانید؟!»

۱. موسوی اصفهانی، مکیال‌المکارم، ج ۲، ص ۶۵.

عاشورا! عاشورا! عاشورا! شما چرا جامعه نمی‌خوانید؟ جامعه! جامعه! جامعه!».<sup>۱</sup>

در میان راه، به ناگاه هوا تاریک گشت و برفی شدید باریدن گرفت. به خود که آمدم، دیدم تمام همراهانم رفته‌اند و تنهای تنها مانده‌ام... مضطرب و نگران در کنار راه نشستم و ... به ناگاه مرد بزرگواری را در کنار خود یافتم که می‌فرمود: «نافله بخوان تا راه را پیدا کنی!» بلافاصله مشغول خواندن نماز شب شدم. پس از فراغت از نماز شب، باز به سوی من آمد و فرمود: «نرفتی؟» گفتم: «والله! راه را نمی‌دانم» فرمود: «زیارت جامعه را بخوان!» با آن که زیارت جامعه را حفظ نداشتم و ندارم، از جا برخاستم و تمام زیارت جامعه را از حفظ خواندم. پس از اتمام زیارت، آن بزرگوار بار دیگر ظاهر شد و فرمود: «نرفتی؟ هنوز هستی؟» گفتم: «هستم. راه را نمی‌دانم» فرمود: «زیارت عاشورا را بخوان!» زیارت عاشورا را با صد لعن و سلام از حفظ خواندم. بار دیگر ظاهر شد و فرمود: «نرفتی؟» بی‌اختیار گریه‌ام گرفت و گفتم «راه را نمی‌دانم» فرمود: «بیا و همراه من سوار شو!» همینک تو را به قافله‌ات می‌رسانم» عنان اسب خود را گرفتم و بر مرکب او سوار شدم. سپس دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود: «شما چرا عاشورا نمی‌خوانید؟!...» آن‌گاه برگشت و فرمود: «رفقای شما آن‌ها ایند که بر لب نهر آبی فرود آمده‌اند تا برای نماز صبح وضو بگیرند». از مرکب پیاده شدم تا بر اسب خود سوار شوم... سرم را که برگرداندم، هیچ اثری از او نیافتم.

در این داستان، تأکید امام زمان بر نافله شب، زیارت عاشورا و زیارت جامعه کبیره برای نجات از گمراهی و یافتن راه، بسیار درس آموز و قابل تأمل است. ماندن در صف اصحاب عاشورایی امام عشق، تنها با یقین مطلق ممکن است... و نپندار که تنها عاشوراییان را بدان بلا آزموده‌اند و لا غیر... صحرای بلا به وسعت همه تاریخ است... اینک به جای آن که با زبان «زیارت عاشورا» بخوانی، در خیل

اصحاب آخرالزمانی حسین علیه السلام با دل به «زیارت عاشورا» برو!<sup>۱</sup>

در افق می چرخى و امواجى از دریا به دست

آینه در آینه تصویری از فردا به دست

می رسی از مشرق هفتاد و دو دریای سرخ

بیرق پر خاک و خون ظهر عاشورا به دست<sup>۲</sup>

### مداومت بر زیارت ناحیه مقدسه

امام زمان علیه السلام در زیارت ناحیه مقدسه: «السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الْخَدِّ التَّرْبِيِّ، السَّلَامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيِّ، السَّلَامُ عَلَى الثَّغْرِ الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ»<sup>۳</sup> سلام بر آن محاسن به خون رنگین شده! سلام بر آن گونه به خاک ساییده شده! سلام بر آن بدن عریان مانده! سلام بر آن دندان به چوب شکسته شده! سلام بر آن سر بر نی افراشته شده!

عزیز دل، آن هنگام که هم‌نوا با یوسف فاطمه نغمه‌سرای زیارت ناحیه می‌گردی، می‌توانی حضور تمامی انبیا و اوصیا را با تمام وجودت حس کنی و چون با چشم جانت نیک بنگری، می‌توانی فروباری اشک از چشمان بهاری مولایمان را نظاره‌گر شوی، به همراه شانه‌هایی سترگ که از عظمت تألم و مصیبت به شدت تکان می‌خورد و نیز اگر خوب گوش جان بسپاری، چه بسا سلام‌های جانسوز مولا را به ساحت نورانی شهدای نینوا نیز بشنوی که می‌فرماید: «سلام بر گریبان‌های خون‌آلود و چاک خورده! سلام بر لب‌های خشک و پژمرده! سلام بر جان‌های از کالبد رهیده! سلام بر بدن‌های عریان مانده! سلام بر پیکرهای رنگ پریده! سلام بر خون‌های ریخته شده! سلام بر اعضای تکه‌تکه

۱. شهید آوینی.

۲. قنبرعلی تابش.

۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۳۵.

شده! سلام بر سرهای بر نیزه رفته!»

آری، یکی از راه‌های تقرب به خدا و امام زمان علیه السلام، زیارت اباعبدالله  
الحسین علیه السلام از طریق زیارت ناحیه مقدسه است. در این زیارت، گویا امام زمان علیه السلام،  
روضه‌خوان گشته و حادثه کربلا را به طور کامل گزارش فرموده است.<sup>۱</sup>

---

۱. زراعتی و حیدری، زیارت اباعبدالله و زیارت شهدای کربلا منسوب به ناحیه مقدسه، ص ۲۳.



---

## درس دوازدهم: سلوک مهدوی در سیمای تشریف یافتگان

---

۱. علی بن مهزیار اهوازی
۲. شیخ مفید
۳. علامه سید مهدی بحر العلوم
۴. شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی
۵. علامه سید علی آقا قاضی طباطبایی
۶. علامه سید محمدحسین طباطبایی
۷. میرزا جواد آقا ملکی تبریزی
۸. میرزا مهدی اصفهانی
۹. شیخ مجتبی قزوینی
۱۰. آیت الله العظمی مرعشی نجفی
۱۱. شیخ رجبعلی خیاط (نکوگویان)
۱۲. شیخ مرتضی زاهد
۱۳. سید کریم پاره دوز
۱۴. شیخ عبدالزهره کعبی



به خدا منتظر ماست!

به مهتاب قسم!

به فریاد قسم!

به غم غربت آن یار قسم!

که نه دل ماند و نه دلدار

... ندانم که چه شد در پس دیوار

به بر عشق دگر بار

صد تار تنیدیم ز اغیار!!

بیا تا به خود آییم!

... چه کردیم؟

چه خواندیم؟

به سوی که راندیم؟

این چنین مات،

به تماشای چه ماندیم؟

بیا تا به خود آییم!

به بر عشق در آییم!

... به سوی خیمه دلدار شتابیم و

چنین نغمه سراپیم:

او در به در ماست!

به خدا منتظر ماست!

### ۱. علی بن مهزیار اهوازی

علی بن مهزیار اهوازی، همواره در انتظار فرا رسیدن موسم حج بود. هر سال، فصل حج که نزدیک می شد، به حساب تمام کارهایش رسیدگی می کرد و به همراه کاروانی به سوی مکه و مدینه رهسپار می گردید. او با همتی والا و خستگی ناپذیر، در طول بیست سال، بیست بار به سفر حج مشرف شده بود، در حالی که تمام مقصود و آرزویش در همه آن سفرها این بود که به ملاقات مولایش توفیق یابد؛ اما در هیچ سفری از مولایش نه خبری شنیده و نه اثری یافته بود:

تا کی به تمنای وصال تو یگانه  
اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه  
مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو  
مقصود تویی، کعبه و بتخانه بهانه<sup>۱</sup>  
در آن سال، شاید رخنه‌هایی از تردید و ناامیدی در همت و جدیت علی بن مهزیار

---

۱. شعر از محمدحسین غروی اصفهانی رحمته.

در حال پیدایش بود که رؤیایی بشارت‌انگیز خواب را از چشمان او ربود و روح منتظر و بی‌تاب او را غرق امید و خوشحالی نمود: «ای علی بن مهزیار! خداوند به تو رخصت و اجازه داده است تا به حج بروی.<sup>۱</sup> پس به حج برو تا به دیدار صاحب زمانت مشرف شوی!»<sup>۲</sup>

در حالی که نور امید و شوق وصال سرتاسر وجودش را فرا گرفته بود، از بستر برخاست و از سحر تا سپیده صبح به نماز و راز و نیاز پرداخت. به همراه تابش اولین اشعه‌های خورشید از خانه بیرون زد و به جست‌وجوی کاروان‌های حج پرداخت. سر آن‌جا هم‌راهانی پیدا کرد و با اولین کاروان به سوی کوفه حرکت کرد و از آن‌جا با اولین کاروان به سوی مدینه رهسپار گردید. در بدو ورود به شهر مدینه، اسباب و اثاثیه‌اش را به همراهان خویش سپرد و به جست‌وجو پرداخت، اما از گمشده‌اش هیچ اثر و نشانه‌ای نیافت. پیوسته در حالتی از امید و انتظار به سر می‌برد تا آن که کاروان به سوی مکه عزیمت نمود و او نیز به همراه همسفران خود راهی مکه شد.<sup>۳</sup>

...موسم حج نیز به پایان رسید، اما علی بن مهزیار همچنان در آتش هجران می‌سوخت. او با آن که تمام مناسک حج را به جا آورده بود، اما بدون دیدار مولایش، حج خویش را کامل و تمام شده نمی‌دانست؛ از این رو تصمیم گرفت تا یک هفته دیگر در مکه بماند و به آن‌جا عمره پردازد تا شاید طلیعه وصل سر رسد و حج نیمه تمام او را به اوج رشد و کمال برساند. او در تمام آن ایام، در کنار خانه خدا به طواف و اعتکاف و توسل و راز و نیاز

۱. «یا علی بن ابراهیم، قد اذن الله لك في الحج» علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۰.

۲. «حج! فَإِنَّكَ تَلَقَى صَاحِبَ زَمَانِكَ» شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۶۶.

۳. ر.ک: شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۶۲؛ شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۶۶؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار،

ج ۵۲، ص ۱۰.

مشغول بود و پیوسته در هاله ای از امید و ناامیدی خود را به پستی و نالایقی سرزنش می‌کرد.

و اینک بشنوید بقیه ماجرا را از زبان علی بن مهزیار اهوازی:  
بعد از اتمام حج، هفته‌ای دیگر در مکه ماندم و به آن‌جا عمره پرداختم و در تمام احوال و اعمالم همواره به فکر آن حضرت بودم. روزی در کنار کعبه نشسته و به شدت به فکر فرو رفته بودم. به ناگاه دیدم که در کعبه باز شد و جوانی خوش قد و قامت، چون سروی کشیده و رعنا، از آن خارج شد. آن جوان، بردی به کمر بسته و برد دیگر را بر دوش افکنده و گوشه بردش را از روی شانهاش به پشت انداخته بود.

دلم از دیدار او شاد گشت و بی‌اختیار به سویش پرکشیدم. بی‌درنگ به سوی او شتافتم. نظری به سوی من افکند و گفت: «از کجا هستی ای مرد؟!». گفتم: «از عراق». گفت: «از کدامین بخش عراق؟». گفتم: «از اهواز». گفت: «آیا ابن‌خضیب را می‌شناسی؟». گفتم: «آری». گفت: «خداوند رحمتش کند! در شب‌ها چه بیداری‌های طولانی و چه اشک‌های ریزانی داشت!!». آن‌گاه فرمود: «ابن مهزیار را می‌شناسی؟». گفتم: «خودم هستم». گفت: «خداوند تو را زنده نگه دارد! خوش آمدی ای ابوالحسن!!» و آن‌گاه در حالی که با من مصافحه می‌نمود، فرمود: «ای ابوالحسن! نشانه‌ای را که بین تو و امام حسن عسگری علیه السلام وجود داشت، چه کرده‌ای؟». گفتم: «با خود آورده‌ام». دستم را به جیم بردم و انگشتری را در آوردم که بر روی آن نوشته بود: «محمد و علی». وقتی آن انگشتری را دید، نوشته رویش را خواند و آن‌قدر گریست که پارچه روی دستش خیس شد. و آن‌گاه گفت: «ای امام عسگری! ای ابو محمد! خداوند تو را رحمت کند که زیور امت بودی! خداوند تو را به امامت گرامی داشت و تاج علم و معرفت را بر سرت نهاد. ما در پیشگاه تو صابر و پایدار خواهیم بود». سپس بار دیگر با من مصافحه کرد و گفت: «ای ابوالحسن چه می‌خواهی؟». گفتم: «امام پنهان از عالم را». فرمود:

«او از شما پوشیده و پنهان نیست، بلکه بدی کردار شما او را پوشیده و پنهان داشته است.<sup>۱</sup> حرکت کن و به سوی کاروانت برو و منتظر باش! هنگامی که خورشید غروب کند و ستارگان آشکار شوند، در بین رکن و صفا منتظر تو خواهیم بود».

با این وعده، روح آرامش گرفت. خوشحال و خوشنود شدم و یقین کردم که خداوند مرا به این فضیلت گرامی داشته است. منتظر ماندم تا وعده دیدار فرا رسید. بر پشت شترم سوار شدم و خود را به میعادگاه رساندم. آن جوان را دیدم که مرا صدا می زد. نزد او رفتم. به من سلام داد و گفت: «ای برادر! به دنبال من بیا!» و آن گاه به راه افتاد: از محله‌ای به محله دیگر، از دره‌ای به دره دیگر و از کوهی به کوه دیگر تا آن که از کوهی بالا رفتیم و بر دشت طایف مشرف گشتیم. در آن هنگام، خطاب به من گفت: «ای ابوالحسن! از شتر پیاده شو تا نماز شب بخوانیم!» نماز شب را که خواندیم، دستور داد تا نماز وتر را نیز بخوانم و بعد از آن فرمود تا سر بر سجده بگذارم و پیشانی‌ام را بر خاک بسایم. بعد از آن، نماز صبح را خواندیم و حرکت کردیم: از دشتی به دشت دیگر و از تپه‌ای به تپه دیگر، تا آن که به بالای تپه‌ای بلند رسیدیم. به دور دست که نظر افکندم، خیمه‌ای را دیدم که از درون آن نور به سوی آسمان می رفت. گفت: «چشم‌هایت را خوب باز کن! آیا چیزی می بینی؟» گفتم: «خیمه گاهی از نور می بینم». فرمود: «امید و آرزوی تو در آن جاست.» از آن تپه بلند پایین آمدیم تا به وسط دشت<sup>۲</sup> رسیدیم.

۱. «قَالَ: مَا الَّذِي تَرِيدُ يَا أَبَا الْحَسَنِ؟ قُلْتُ: الْإِمَامَ الْمَحْجُوبَ عَنِ الْعَالَمِ. قَالَ: مَا هُوَ مَحْجُوبٌ مِنْكُمْ وَلَكِنْ حُجِبَهُ سُوءُ أَعْمَالِكُمْ» طبری، محمدبن جریر، دلائل الإمامه، ص ۲۹۶؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۱؛ علامه بحرانی، سید هاشم، تبصرة الولی فیمن رأى القائم المهدی علیه السلام، رساله ۴۶.

۲. طبق نقل شیخ صدوق علیه السلام، این دشت، بسیار سرسبز و خرم و بسیار دلگشا و با طراوت بوده است؛ در حالی که چنین دشتی در آن زمان در اطراف مکه هرگز وجود نداشته است. پس تنها می توان گفت که آن بیابان بی آب و علف به یمن حضور قطب عالم امکان، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، سرسبز و خرم گشته بوده است.

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۱۹۷

آن هنگام گفت: «پایین بیا که در این جا هر سرسختی نرم و خاشع و هر گردن‌کشی فروتن و خاضع می‌گردد.»<sup>۱</sup> آن‌گاه به من خطاب کرد و فرمود: «زمام شترت را رها کن!» عرضه داشتم: «آن را به چه کسی بسپارم؟!» فرمود: «حرم حضرت قائم علیه السلام، حریمی است که کسی جز مؤمن بدان وارد و از آن خارج نمی‌شود.»<sup>۲</sup> افسار شتر را رها کردم و به دنبال او راه افتادم تا این‌که به نزدیکی خیمه رسید و به من گفت: «در همین جا بایست تا بازگردم!» آن‌گاه خود به داخل خیمه رفت و پس از دقایقی از خیمه بیرون آمد و گفت: «وارد شو که سلامت و آرامش در این جاست! بشارت باد بر تو که اجازه ورود برایت صادر شد!» وارد خیمه شدم و دیدم که از داخل خیمه نوری به سوی آسمان ساطع است. به محض ورود، بر آن حضرت، به عنوان امامت، سلام کردم. پس از جواب سلام فرمود: «ای ابوالحسن! ما شب و روز در انتظار آمدنت بودیم. چه چیز آمدنت به نزد ما را به تأخیر انداخت؟!»<sup>۳</sup> عرض کردم: «آقای من! تاکنون کسی را نیافته بودم تا دلیل و رهنمای من به سوی شما گردد.» فرمود: «کسی را نیافتی که تو را رهنمایی کند؟!» آن‌گاه با انگشت مبارکش خطی بر روی زمین کشید و فرمود:

نه، این‌گونه نیست؛ اشکال شما در این است که اموالتان را فرونی بخشیده‌اید، بر بینوایان مؤمنین سخت گرفته‌اید و بر ایشان تکبر کرده، و آنان را به حیرت و سرگردانی دچار ساخته‌اید، و رابطه خویشاوندی را در بین خود بریده‌اید (و انجام صله رحم را ترک گفته‌اید). پس اینک برای شما چه عذری مانده است؟!<sup>۴</sup>

۱. فَقَالَ: «أَنْزِلْ! فَهَذَا هُنَا يَدِلُّ كُلُّ صَعْبٍ وَ يَخْضَعُ كُلُّ جَبَّارٍ» علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱.

۲. قَالَ: حَرَمَ الْقَائِمُ علیه السلام لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يَخْرُجُ مِنْهُ إِلَّا مُؤْمِنٌ هَمَان.

۳. «يَا أَبَا الْحَسَنِ، قَدْ كُنَّا نَتَوَقَّعُكَ كَيْلًا وَ نَهَارًا. فَمَا الَّذِي أَبْطَأَ بِكَ عَلَيْنَا؟» طبری، محمدبن جریر، دلائل الإمامه،

ص ۲۹۷؛ بحرانی، سیدهاشم، تبصرة الولی، رساله ۴۶.

۴. ثُمَّ نَكَثَ بِإِصْبَعِهِ فِي الْأَرْضِ، ثُمَّ قَالَ: «لَا، وَ لَكِنَّكُمْ كَثَرْتُمْ الْأَمْوَالَ وَ تَجَبَّرْتُمْ عَلَيَّ ضَعْفَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَطَعْتُمْ الرَّحِمَ الَّذِي بَيْنَكُمْ، فَأَيُّ عَذْرٍ لَكُمْ الْآنَ؟!» هَمَان.

عرضه داشتم: «توبه، توبه!! بخشش، بخشش!!»<sup>۱</sup> آن گاه فرمود: «ای پسر مهزیار! اگر استغفار بعضی از شما برای برخی دیگر نمی بود، تمام ساکنان روی زمین، به جز شیعیان خاصی که گفتارشان با کردارشان همانند است، هلاک می شدند.<sup>۲</sup>

از پرتو هدایت مهدی به افتخار  
 اهواز را ضریح منیرش چو آفتاب  
 گر قدر این مقام بدانند جن و انس  
 هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق  
 با پای دل شتافته در جست و جوی اوست  
 ره یافته به خلوت خاص ولی عصر  
 خورشید فضل گشته علی بن مهزیار  
 روشن کند ز پرتو خود، در شبان تار  
 چون کعبه رو نهند بدین در زهر دیار  
 چون او ندیده زنده دلی چشم روزگار  
 روی ادب نهاده به درگاه قرب یار  
 کرده طواف مهر رخ دوست، ذره وار<sup>۳</sup>

## ۲. شیخ مفید

محمد بن محمد بن نعمان (۳۳۸-۴۱۳ ه. ق)، ملقب به شیخ مفید بزرگمردی لاغر اندام، میان قامت و گندمگون که به دلیل فضایل، کرامات و برکاتی که وجود پر خیر و برکت او در میان امت مسلمان، داشته، به شیخ مفید ملقب و معروف گشته است.<sup>۴</sup>

۱. قُلْتُ: «التَّوْبَةُ، التَّوْبَةُ! الْإِقَالَةُ، الْإِقَالَةُ!» طبری، دلائل الإمامه، ص ۲۹۷.

۲. ثُمَّ قَالَ: «يَابْنَ مَهْزِيَارَ! لَوْلَا اسْتِغْفَارُ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ، لَهْلَكْتَ مِنْ عَلَيْهَا إِلَّا خَوَاصُّ الشَّيْعَةِ الَّذِينَ تَشَبَّهُ أَقْوَالَهُمْ أَفْعَالَهُمْ» همان.

۳. گزیده‌ای از ابیات حکک شده بر ضریح مطهر علی بن مهزیار که سه بیت نخست آن از شاعری قدیمی به نام شکیب است و سه بیت دیگر آن از شاعر معاصر محمد علی مجاهدی (پروانه) ر. ک: مجاهدی، محمد علی، سیمای مهدی موعود در آینه شعر فارسی، ص ۳۲۲-۳۲۵.

۴. ابن شهر آشوب مازندرانی درباره لقب شیخ مفید چنین می نویسد: «...لَقَّبَهُ بِالشَّيْخِ الْمُفِيدِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ وَ قَدْ ذَكَرْتُ سَبَبَ ذَلِكَ فِي مَنَاقِبِ آلِ أَبِي طَالِبٍ؛ لقب او را به شیخ مفید حضرت صاحب الزمان سلام الله علیه داده است و من علت این لقب را در کتاب مناقب آل ابی طالب آورده‌ام» ابن شهر آشوب، معالم العلماء (تممه کتاب الفهرست شیخ طوسی)، ص ۱۱۳.

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۱۹۹

ستاره‌ای درخشان و افتخارآفرین در آسمان تشیع که در اوج فقاہت و درایت قله‌های رفیع پارسایی و پرهیزگاری را چنان درنوردید که درباره فضایل کم‌نظیرش چنین گفته‌اند: «اگر مقام عصمت برای غیر پیامبران و جانشینان آنان روا بود، شیخ مفید پس از آنان نخستین معصوم بود».<sup>۱</sup>

علامه سیدمهدی بحرالعلوم رحمۃ اللہ علیہ که خود دریایی از فضیلت، جامعیت و تشرفات پرشمار به محضرامام زمان علیہ السلام بوده، درباره شخصیت شیخ مفید رحمۃ اللہ علیہ چنین نگاشته است:

استاد استادان بزرگ و رئیس رؤسای امت اسلام، دانشمندی که تمام ابعاد فضیلت و دانش در وی فراهم آمده و ریاست علمی و دینی شیعیان به او منتهی شده است. تمامی اندیشمندان بر مقام والای او در علم و فضل و فقه و عدالت و وثاقت و جلال قدر اتفاق نظر دارند. او دارای خوبی‌ها و فضایل فراوان، تیزبین، باهوش، حاضر جواب، موثق‌ترین دانشمند عصر خود و آشناترین آنها به علم فقه و کلام بوده و هر کس پس از ایشان آمده از او استفاده کرده است.<sup>۲</sup>

ابن حجر عسقلانی که از علمای بزرگ اهل سنت است، قلم به دست گرفته و زبان به تعریف و تمجید از مقام والای شیخ مفید رحمۃ اللہ علیہ گشوده است:

مفید مردی بود که در راه انجام اعمال مستحبی تلاش فراوانی داشت. بسیار متواضع و فروتن بود. خود را به خاک پای علم و دانش افکنده بود. در بیان و گسترش عقاید و کلام شیعه چنان توفیق یافته است که گفته‌اند او را بر هر شیعه‌ای حق نعمت است.<sup>۳</sup>

---

۱ لقمانی، احمد، شیخ مفید (معلم امت)، ص ۳۷. به نقل از علامه سید شرف‌الدین عاملی، مقالات فارسی

کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، مقاله ۶۱، ص ۵۹.

۲ همان، ص ۳۸. به نقل از علامه سید بحرالعلوم، رجال، ص ۵۱۴.

۳ همان، ص ۴۹. به نقل از مجله حوزه، ش ۵۴ (یادمان هزاره شیخ مفید)، ص ۳۲۷-۳۲۸.



### زعامت شیعیان در سایه‌سار ولایت

شیخ مفید، در دورانی پرتلاطم و آشوب زده، در طول مدت ۳۵ سال،<sup>۱</sup> ریاست و زعامت شیعیان را در عرصه‌های دینی و سیاسی بر عهده داشت.<sup>۲</sup> در آن دوران پر اضطراب، شیخ مفید، مرجعی قدرتمند و رهبری اندیشمند برای مسلمانان و شیعیان فرهیخته به حساب می‌آمد. دوست و دشمن به وی احترام می‌گذاشتند و برای استفاده از محضرش با او رفت‌وآمد داشتند. او فقهی ژرف‌اندیش بود که به نیازهای فقهی و دینی جامعه پاسخ می‌گفت و عقیده‌شناسی زبردست که شبهات فکری و عقیدتی افراد را به قوی‌ترین دلایل برآورده می‌ساخت.

مسجد معروف برائا<sup>۳</sup> پایگاه تدریس شیخ مفید بود و منزل آن عالم توانا در

---

۱. از آن‌جا که منابع معتبری همچون فهرست ابن‌ندیم و فهرست شیخ طوسی، آغاز زعامت و ریاست شیخ مفید را در حدود چهل سالگی دانسته‌اند و با توجه به این‌که وفات غم‌انگیز آن‌جناب در نخستین روزهای ماه رمضان ۴۱۳ هـ. ق در حدود ۷۵ سالگی، بوده است، می‌توان دوره زعامت و پیشوایی شیخ مفید را در حدود ۳۵ سال تخمین زد.

۲. شیخ طوسی در این‌باره می‌نویسد: «در زمان وی، ریاست شیعه به او منتهی شد. در علم و فقه و کلام بر همگان مقدم بود و نزدیک به ۲۰۰ جلد کتاب بزرگ و کوچک از وی بر جای ماند». شیخ طوسی، رجال، ص ۵۱۴.

۳. مسجد برائا، در جنوب بغداد و در نزدیکی کاظمین واقع شده است. این مسجد را برائا نامیده‌اند، چون اولین کسی که در آن ساکن شده و به عبادت پرداخته عابدی زاهد به نام ابوشعیب برائی بوده است. این مسجد مقدس و بلند مرتبه، دارای فضایل فراوانی است که از جمله آنها این امور است: ۱. چشمه‌ای که برای حضرت مریم علیها السلام ظاهر شده، در آن مکان بوده است؛ ۲. سنگ سفید متبرکی که حضرت مریم علیها السلام حضرت عیسی علیه السلام را بر آن گذاشته، در آن مکان بوده است؛ ۳. خانه حضرت مریم علیها السلام در زمین همین مسجد بوده است؛ ۴. قبر پیامبری در آن‌جاست که به احتمال فراوان آن پیامبر، وصی حضرت موسی علیه السلام، یعنی حضرت یوشع بن‌نون، باشد؛ ۵. این مسجد، نمازگاه و عبادتگاه پیامبران الهی از جمله ابراهیم خلیل‌الرحمان علیه السلام بوده است؛ ۶. امیرمؤمنان به همراه امام حسن و امام حسین علیهم السلام در این مسجد اقامتی چهار روزه داشته و در آن ص

محلّه کرخ بغداد بود.

رهاورد فراست و کیاست شیخ مفید، صبح سپیدی از طلوع علم و اندیشه بود که در آسمان عقاید و باورهای قلبی شیعیان دمیده شد. شیعیان از گوشه و کنار سر بر آوردند و با تشکیل جمعیت‌ها و تأسیس حوزه‌های علمی، به نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام پرداختند و چهره نورانی شیعه را ظاهر ساختند و غبار غربت را از صورت این مذهب همیشه مظلوم تاریخ زدودند.<sup>۱</sup>

هدایت و رهبری جهان شیعه در آن مدت طولانی و در آن شرایط بحرانی، کاری بس سخت و طاقت‌فرسا بود که شیخ مفید در سایه ولایت و عنایات ویژه امام زمان علیه‌السلام، با تدبیری عالمانه و درایتی بصیرانه به خوبی از عهده آن برآمد.

#### شیخ مفید و دریافت سی نامه از ناحیه امام زمان علیه‌السلام

برخی معتقدند که در طول سی سال، سی توفیق و نامه شریف از ناحیه مقدس امام عصر ارواح‌ناله‌الفداء برای شیخ مفید صادر شده است<sup>۲</sup> که در عنوان بسیاری از آن نامه‌ها جملاتی افتخار‌آفرین همچون جملات زیر به چشم می‌خورد:

لِلأَخِ الْأَعَزِّ السَّيِّدِ وَالْوَلِيِّ الرَّشِيدِ، الشَّيْخِ الْمُفِيدِ؛<sup>۳</sup> نامه‌ای به برادر استوار و

---

۷. کرامت بازگشتن آفتاب برای امیرمؤمنان علیه‌السلام در همین مسجد اتفاق افتاده است؛  
۸. امیرمؤمنان علی علیه‌السلام، چشمه حضرت مریم علیها‌السلام و آن سنگ سفید متبرک را به کرامت خویش ظاهر ساخته و آن سنگ را در جهت قبله نصب نموده است. آن چشمه و این سنگ، هم اکنون در مسجد برائا موجود است. هر یک از این فضایل به تنهایی کافی است تا سالک جوایب معنویت و نورانیت را به سوی خود جلب نماید و این درحالی است که این مسجد نورانی با تمام فضیلت و شرافتش هنوز در میان شیعیان غریب و ناشناخته مانده است. ر.ک: قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح‌الجنان، ص ۸۹۳، تاریخ و فضیلت مسجد برائا.  
۱. ر.ک: لقمانی، احمد، شیخ مفید (معلم امت)، ص ۲۶-۲۷.

۲. همان، ص ۳۶.

۳. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵؛ نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۱۷.

## ۲۰۲ □ سلوک مهدوی

ثابت قدم و دوست رشید و نیرومند، شیخ مفید.

سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَوْلَى وَالْمُخْلِصُ فِي الدِّينِ، الْمَخْصُوصُ فِينَا بِالْيَقِينِ؛<sup>۱</sup> سلام خداوند بر تو ای ولایت مدار! و ای دوست مخلص ما در دین! ای کسی که در یقین به ما دارای امتیازی مخصوص گشته‌ای!

حال با توجه به عبارات فوق و با عنایت به زندگی پرافتخار شیخ مفید می‌توان گفت که آن جناب از مصادیق بارز ولایت‌مدارانی است که امام زمان علیه السلام ولایت و سرپرستی امور او را بر عهده گرفته و او نیز به نیابت و اجازه آن حضرت ولایت و سرپرستی امور شیعیان را عهده‌دار گشته است.

آری، شیخ مفید، بحق در شمار اولیایی است که امام حسین علیه السلام در شأنشان چنین فرموده است:

...وَلَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا غَيْرِهِ إِلَّا الْمَوْلَى الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ؛<sup>۲</sup> و هیچ کس از دوست و دشمن (در دوران غیبت کبرا) از جایگاه آن حضرت (صاحب‌الأمر علیه السلام) آگاه نمی‌شود، مگر آن ولی کاملی که آن حضرت ولایت و سرپرستی امور او را عهده‌دار گشته و او نیز مقام ولایت امر را به نیابت از آن حضرت عهده‌دار گشته است.

بهترین شاهد بر این که شیخ مفید در زمرة اولیایی بوده که از جایگاه امام زمان علیه السلام مطلع و آگاه بوده است، قسمتی از نامه آن حضرت به شیخ مفید است که در آن چنین می‌فرماید:

دعا و مناجات تو را از جایگاهی که برای ما بر بلندای کوهی ناشناخته برپا

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵؛ نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۱۷.

۲. «...وَبَعْدُ فَقَدْ كُنَّا نَنْظُرُنا مُنَاجَاتِكَ... وَ شَفَعْنَا ذَلِكُمْ مِنْ مُسْتَقَرِّ لَنَا يُنْصَبُ فِي شِمْرَاخٍ مِنْ بَهْمَاءَ، صَبْرًا إِلَيْهِ مِنْ غَمَالِيلَ الْجَأِّ إِلَيْهِ السَّبَارِيَتِ مِنَ الْإِيمَانِ، وَ يُوشِكُ أَنْ يَكُونَ هُبُوطُنَا مِنْهُ إِلَى صَحْصَحٍ مِنْ غَيْرِ بَعْدِ مِنَ الدَّهْرِ وَ لَا تَطَاوُلٍ مِنْ زَمَانٍ» علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

### سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۰۳

شده است، شاهد بودیم... و (برآورده شدن) آن را همینک شفاعت نمودیم. به تازگی از منطقه‌ای سرسبز و پر درخت، به خاطر روی آوردن افرادی بی‌ایمان به سوی آن، بدین جا نقل مکان کرده‌ایم. به زودی از این مکان نیز می‌رویم و بر دشت همواری فرود می‌آییم که از آبادانی دور نیست و دست تطاول و دگرگونی‌های زمان بدان نمی‌رسد.<sup>۱</sup>

از ما و تغییر (مکان و) احوال ما به تو خبر خواهد رسید تا از این طریق مطمئن شوی که با اعمال (صالح و نیک) خود به ما نزدیک و مقرب گشته‌ای و خداست که با رحمت ویژه خود تو را بدین امر موفق گردانیده است.<sup>۲</sup>

#### شیخ مفید و حفاظت ویژه مهدوی

پیکی از روستاهای اطراف بغداد برای پرسشی فقهی خدمت شیخ رسید. آن مرد غریب، با اضطراب و شتاب بسیاری پرسش خود را مطرح کرد: «ای شیخ در روستای ما زنی حامله فوت کرده است، در حالی که بچه او در شکم زنده است. آیا شکم او را پاره کرده و طفل را خارج کنیم یا این که هر دو را با هم دفن نماییم؟» شیخ فرمود: «مادر و فرزند را با هم دفن کنید؛ چرا که حفظ حرمت مرده واجب است». تشکر کرد و با شتاب راهی دیار خود شد. در میانه راه، به ناگاه سواری خود را به او رساند و فرمود: «ای مرد، فتوای درست این است که شکم آن زنده را پاره کنید، طفل را بیرون آورید، آن گاه وی را دفن نمایید». وقتی به محل خود رسید، دستور شیخ را ابلاغ کرد و بازماندگان طبق آن عمل کردند. سال‌ها از این ماجرا گذشت. روزی آن مرد به همراه طفل چندساله و پدر او خدمت شیخ رسیدند و از لطف شیخ و پیغام مجدد او سپاس‌گزاری کردند. شیخ

۱. «وَ يَأْتِيكَ نَبَأٌ مِّنَّا يَتَجَلَّدُ لَنَا مِنْ حَالٍ فَتَعْرِفُ بِذَلِكَ مَا تَعْتَمِدُهُ مِنَ الزُّلْفَةِ إِلَيْنَا بِالْأَعْمَالِ، وَاللَّهُ مُوَفِّقُكَ لِذَلِكَ بِرَحْمَتِهِ» همان.

## ۲۰۴ □ سلوک مهدوی

با تعجب بسیار فرمود: «اما من کسی را نفرستادم، نه... نه... هیچ به خاطر ندارم». سیمای شیخ پس از تأمل فراوان و پرسش از ویژگی‌های سوار، به گل نشست و شبنم شور و اشتیاق بر رخسارش نمایان شد و ادامه داد: «آن شخص حتماً حضرت ولی عصر<sup>علیه السلام</sup> بوده است. آری، حضرت مانع خطا و لغزش من در فتوا شده‌اند... اکنون که در احکام شرعی و بیان احکام الهی خطا می‌کنم، همان بهتر که دیگر فتوا ندهم و از رهبری شیعیان کناره‌گیری کنم». شیخ به خانه خود رفت، در را بست و دیگر بیرون نیامد. در همان ایام از طرف حضرت ولی عصر<sup>علیه السلام</sup> نامه‌ای بدین مضمون به دست شیخ رسید: «بر شماست که فتوا بدهید و بر ماست که شما را استوار کرده و نگذاریم در خطا بیفتید». از آن هنگام، بار دیگر آن فرزانه دانشمند به امر امام زمان<sup>علیه السلام</sup> بر مسند فتوا و زعامت امت نشست.<sup>۱</sup>

## ۳. علامه سید مهدی بحر العلوم

در شب جمعه ماه شوال ۱۱۵۵ ه. ق در کربلای معلّا، در خانواده‌ای روحانی و پرهیزگار پا به عرصه هستی نهاد. وی پس از گذراندن علوم مقدماتی و دوره سطح حوزه (فقه و اصول)، در آغاز بلوغ به درس خارج راه یافت و پس از ۵ سال درس و بحث فشرده به مقام بلند اجتهاد، در سن بیست سالگی، بار یافت؛ تا جایی که اساتید بزرگ او، وی را مجتهدی جامع شرایط می‌دانستند و مردم را در مسایل و فتوای احتیاطی خود به سوی سید محمد مهدی راهنمایی می‌کردند.

### دریای بی‌کران دانش

سید بزرگوار، در حدود ۳۱ سالگی، به قصد زیارت علی بن موسی الرضا علیه آله التحیه و الثنا راهی مشهد مقدس می‌گردد و در اقامتی ۶-۷ ساله علاوه بر

---

۱. میرزا محمد تنکابنی، قصص العلماء، ص ۳۹۹؛ لقمانی، احمد، شیخ مفید (معلم امت)، ص ۴۴-۴۵.

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۰۵

دیدارها و مباحثات علمی با مردم و علما، در درس فلسفه، حکمت، عقاید و کلام میرزا مهدی اصفهانی خراسانی شرکت می‌جوید و اندوخته‌های علمی خود را به کمال می‌رساند. استاد بزرگ خراسان که از هوش و استعداد سرشار سید محمد مهدی شگفت‌زده گردیده بود، روزی در حین درس خطاب به وی می‌گوید: «یا أخت أنت بحر العلوم؛ ای برادر! تو دریای علم و دانشی!»، و از آن لحظه بود که سید به لقب بحر العلوم معروف شد.

### در آغوش امام زمان علیه السلام

میرزای قمی، نویسنده کتاب قوانین، می‌گوید: «من با علامه بحر العلوم در درس آقا وحید بهبهانی هم مباحثه بودم. اغلب من برای او بحث را تقریر می‌کردم تا اینکه به ایران آمدم و کم‌کم شهرت علمی سید بحر العلوم به همه جا رسید و من تعجب می‌کردم. تا زمانی که خدا توفیق عنایت فرمود که برای زیارت عتبات موفق بشوم. وقتی به نجف اشرف وارد شدم، سید را ملاقات کردم.

مسأله‌ای عنوان شد، دیدم سید بحر العلوم دریای موج و عمیقی از دانش‌هاست. پرسیدم: «آقا ما که با یکدیگر هم‌بحث بودیم، شما این مرتبه را نداشتید و از من استفاده می‌کردید. حال شما را مانند دریا می‌بینم.» سید فرمود: «میرزا! این از اسرار است که فقط به تو می‌گویم. تا من زنده‌ام، این راز را به کسی نگو! و آن را کتمان بدار!» من قبول کردم. آن‌گاه فرمود: «چگونه این‌گونه نباشم و حال آن‌که آقا (حجت‌بن‌الحسن علیه السلام) مرا شبی در مسجد کوفه به سینه مبارک خود چسبانند»<sup>۱</sup>.

---

۱. جمعی از پژوهشگران حوزه علمی قم، گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۹۹. به نقل از شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، ج ۸، ص ۳۷۱.

سید بحر العلوم، در حدود ۳۸ سالگی، راهی حجاز گردید و استقبال گسترده مردم و شخصیت‌های علمی از او موجب شد تا به مدت دو سال در کنار خانه خدا اقامت ورزد و به درس و بحث و تبلیغ معارف اسلامی پردازد.

تسلط او بر فقه اهل سنت و حسن معاشرت و سخاوتش او را چنان در میان ساکنان آن دیار، به خصوص اهل علم، معروف و محبوب ساخت و که هر روزه شمار فراوانی از مردم و دانشمندان به دیدنش می‌رفتند و از وی کسب فیض می‌نمودند. شگفت آنکه پیروان هر کدام از مذاهب سید را پایبند به مذهب خود می‌پنداشتند. او تمام این مدت را به تقیه گذرانید و جلسات درس او در علم کلام طبق مذاهب چهارگانه اهل سنت دایر بود. وی در اواخر اقامت خود در مکه، مذهب خود را اعلان فرمود. وقتی خبر شیعه بودن بحر العلوم به گوش پیروان دیگر مذاهب رسید، از اطراف و اکناف به خانه او آمدند و با وی به مناقشه پرداختند و او با دانش انبوه خود بر تمامی آنها برتری پیدا کرد و همه آنها را با دلیل‌های مستحکم و منطقی به سوی حقیقت اسلام که همان ولایت و امامت است، مجذوب ساخت.<sup>۱</sup>

یکی از آثار معنوی حضور این مرد بزرگ در حجاز، شیعه شدن امام جمعه مکه در سن هشتاد سالگی بوده است.<sup>۲</sup>

آنچه در پی می‌آید، ماجرای یکی از تشرفات جناب سید مهدی بحر العلوم رضوان الله تعالی علیه می‌باشد که در زمان اقامت آن بزرگوار در مکه مکرمه اتفاق افتاده و خود شاهی بر مقام بالای ولایی و عرفانی آن بزرگوار است: آخوند ملا زین العابدین سلماسی که از شاگردان و یاران نزدیک سید بوده

۱. ر.ک: جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، ج ۲، ص ۲۹۴-۳۰۰.

۲. همان.

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۰۷

است، می‌گوید: «ایامی که در جوار خانه خدا نزد سید به خدمت مشغول بودم، روزی اتفاق افتاد که در خانه هیچ چیزی نیافتم. مطلب را خدمت سید عرض کردم، چیزی نفرمود. برنامه روزانه جناب بحرالعلوم این بود که صبح اول وقت طوافی دور کعبه می‌کرد و آن‌گاه به خانه می‌آمد و به اتاقی که مخصوص خودش بود، می‌رفت. ما قلیان و تنباکویی برای او می‌بردیم، آن را می‌کشید و آن‌گاه در محل تدریس خویش حاضر می‌شد و برای هر صنفی بر طریق مذهبش درس می‌گفت و به طور مرتب، مبالغ قابل توجهی را به شاگردان و دیگر مراجعه‌کنندگان هدیه می‌داد. در آن روزی که از تنگدستی شکایت کردم، چون از طواف برگشت، به حسب عادت قلیان را حاضر کردم که ناگهان در خانه به صدا درآمد.

سید بحرالعلوم به شدت مضطرب شد و به من گفت: «قلیان را بگیر و از اینجا بیرون برو!!» آن‌گاه خود با شتاب به طرف در رفت و آن را باز کرد. شخص بزرگواری در لباس عربی داخل شد و به اتاق سید رفت و نشست. سید در نهایت فروتنی و ادب دم در نشست. ساعتی نشستند و با یکدیگر سخن گفتند. پس از مدتی سید از جای خویش برخاست و در خانه را با احترام باز کرد. آن‌گاه در نهایت تواضع دست آن مهمان بزرگوار را بوسید و او را بر ناقه‌ای که دم در خانه خوابانده بود، سوار کرد. وقتی مهمان رفت، جناب سید با رنگ دگرگون بازگشت و حواله‌ای به دست من داد و گفت: «این حواله برای مرد صراف است که در بازار صفا مغازه دارد. نزد او برو و هر چه به او حواله شده است، بگیر!» آن حواله را گرفتم و به نزد همان مردی که سید سفارش کرده بود، بردم. مرد صراف چون حواله را گرفت، به آن نظر نمود و آن را بوسید و گفت: «برو چند باربر و کارگر بیاور!» پس رفتم و چهار باربر آوردم. به قدری که آن چهار نفر قدرت حمل داشتند، پول آن زمان را از مغازه مرد صراف برداشتند و به منزل آوردند.



پس از رسیدن به منزل، من فوراً به سوی مغازه صراف‌ی برگشتم تا از حال او و نویسنده حواله جويا شوم که او چه کسی بود. وقتی رفتم، نه صراف‌ی را دیدم و نه مغازه‌ای را. از مغازه صراف پرس‌وجو کردم، گفتند ما اصلاً در اینجا دکان صراف‌ی ندیده‌ایم.<sup>۱</sup>

#### ۴. شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی

##### ولادت در پرتو ولایت

پدر با خود عهد کرده بود به عتبات عالیات مشرف گردد و به حضرات معصومین علیهم‌السلام متوسل شود تا خداوند پسری به او کرامت فرماید. ارمغان این سفر، پسری بود به نام حسنعلی؛ پسری که تحت ولایت و سرپرستی ویژه امام عصر ارواحنا فداه به اعلی درجات کمال انسانی دست یافت و نامش هر چند در میان اهل زمین ناشناخته ماند، اما در میان اهل آسمان به اوج بلندآوازی رسید: «پدر و مادرم به فدای آن گروه کم‌شمار که ناشناختگان زمینند و سرشناسان آسمان»؛ بزرگمردی که به اذن و اجازه امام زمان علیه‌السلام به مقام «تصرف تکوینی» در عالم وجود دست یافته و این مقام والای خویش را وقف خدمت به مردم و گره‌گشایی از کار ایشان کرده بود و می‌فرمود: «می‌توانم کاری کنم که مشکلات مردم با کوبیدن در خانه‌ام حل شود، بدون اینکه آن مشکل را به من بگویند، ولی این کار را آن‌جام نمی‌دهم؛ چرا که ممکن است موجب سست شدن اعتقاد مردم به حضرت رضا علیه‌السلام شود»؛ رادمردی الهی که در طول عمر پربرکتش، با کرامات عجیب و بی‌نظیر خویش، جان صدها نفر را از مرگ حتمی نجات داد و مشکلات

۱. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۹۸-۲۹۹، به نقل از: قمی، شیخ عباس، منتهی الامال، ج ۲، ص ۵۴۷؛ فوائد الرضویه، ص ۶۸۰.

و حوایج هزاران نیازمند را با قدرت والای روحی خویش برآورده ساخت.

### جامعیت علمی و عملی

از همان اوان کودکی، تحت تربیت پدر و از سن هفت سالگی تحت پرورش یکی از اولیاء الله و مردان خدا قرار گرفت و از همان دوران به تزکیه نفس، تصفیه باطن و ریاضت‌های شرعی مشغول گردید. وی از آغاز نوجوانی به تحصیل علوم و معارف اهل بیت علیهم‌السلام روی آورد و با بهره‌گیری از محضر علما، عرفا و اساتید الهی در اصفهان، نجف اشرف و مشهد مقدس، در عرصه‌های مختلف علمی از جمله ادبیات عرب، تفسیر، فقه، اصول، منطق، فلسفه، حکمت، عرفان، هیأت، ریاضیات، طب، شیمی و علوم غریبه صاحب نظر گردید و در مقام استادی به تدریس فقه، تفسیر، هیأت و ریاضیات پرداخت. جناب شیخ با آنکه در فلسفه و حکمت و عرفان از تبحر کافی برخوردار بود، به تدریس آنها نمی‌پرداخت؛ چراکه معتقد بود: «طالب فلسفه، حکمت و عرفان، باید اخبار و احادیث ائمه معصومین علیهم‌السلام را کاملاً مطالعه کرده باشد و علم طب را نیز بداند و در حین تحصیل باید به ریاضت و تزکیه نفس پردازد. از آن جا که بخشی از معضلات فلسفه و حکمت و عرفان، غیر از طریق مکاشفه حل‌شدنی نیست، اگر این شرایط در متعلم نباشد، تحصیل این علم بر وی حرام و نارواست؛ چون ممکن است او را از جاده شریعت به انحراف بکشاند». آن جناب درباره علم اصول می‌فرمود: «قسمتی از این علم واجب و بسیاری از آن اتلاف عمر است».

### سیره سلوکی و تربیتی

در آن‌جام نمازهای واجب در اول وقت و به جای آوردن نمازهای نافله در طول شبانه روز مداومت و مراقبت می‌ورزید. شب‌ها را تا به صبح نمی‌آرمید و از نیمه‌های شب تا طلوع آفتاب به نماز و تهجد و ذکر و تلاوت قرآن می‌پرداخت.

## ۲۱۰ □ سلوک مهدوی

در تمام سال، به تفاوت ایام و اختلاف احوال، پس از طلوع آفتاب یا ساعتی بعد از ظهر استراحتی کوتاه می‌فرمود. هر ساله، سه ماه رجب، شعبان و رمضان را به روزه‌داری و ترک تمام شهوات حیوانی همت می‌گماشت. در هر سال، چندین اربعین به ریاضت و خلوت و تزکیه نفس می‌پرداخت.

در کلیه ساعات روز و شب برای خدمت به خلق خدا و رفع حوائج حاجتمندان و درماندگان، آماده بود و در این باره می‌فرمود: «أَيُّسَ عِنْدَ رَبِّنَا صَبَاحٌ وَ لَا مَسَاءٌ. آن کس که برای رضای خدا به خلق خدمت می‌کند، نباید که وقتی معین کند». آن جناب در سال‌های پایانی عمر مبارک خویش می‌فرمود: «مقصد و مطلوب من از حیات در این دنیا جز خدمت به خلق خدا نیست».

در ارادت و خدمت نسبت به سادات و ذریه حضرت زهرا علیها السلام فوق‌العاده بود و اخلاص و احترام به سادات را روح تمام عبادات و توفیقات خویش می‌دانست و می‌فرمود: «بدان که در راه حق و سلوک این طریق، اگر به جایی رسیده‌ام، به برکت بیداری شب‌ها و مراقبت در آن‌جام مستحبات و ترک مکروهات بوده، ولی اصل و روح تمام این اعمال، خدمت به ذراری (فرزندان) ارجمند رسول اکرم صلی الله علیه و آله است».

آن رادمرد الهی، استمداد از ارواح مطهره ائمه هدی علیهم السلام و نیز استمداد از ارواح اولیا را از مهم‌ترین شرایط سلوک الی‌الله می‌دانست. از این رو به اعتکاف و زیارت مشاهد ائمه اطهار علیهم السلام و قبور مقدس اولیا اهمیت فراوان می‌داد و بر زیارت قبور مطهر ایشان، به ویژه در شب‌ها و روزهای جمعه، تأکید می‌ورزید.

سرتاسر وجود او، از عشق خالصانه به ساحت اهل‌بیت علیهم السلام، به ویژه ساحت امیرمؤمنان علیه السلام، لبریز گشته بود. در آخرین شب جمعه عمرش، در اوج بیماری و بیهوشی، به ناگاه سراز بالین برداشت و دیده برگشود و با عتاب گفت: «ای شیطان! بر من که سراپا از محبت علی علیه السلام پر شده‌ام، هرگز دست نخواهی یافت». در دل

شب‌ها گهگاه لبانش به این دو بیت مترنم می‌گشت:

زمانه بر سر جنگ است یا علی مددی! مدد ز غیر تو ننگ است یا علی مددی!  
گشود کار دو عالم به یک اشارت توست به کارما چه درنگ است؟ یا علی مددی!

#### دریافت سرمایه حلال از دست امام زمان علیه السلام

مرحوم حاج شیخ می‌فرمودند: «وقتی مقدمات کارم تمام شد و بایستی از آن به بعد به وسیله دعا به رفع حوائج مردم می‌پرداختم، دانستم که شرط اول تأثیر دعا، خوردن غذای کاملاً حلال است و تهیه چنین غذایی که صددرصد مورد اطمینان باشد، محال است و تنها یک راه دارد و آن این است که از دست مبارک ولی وقت (امام زمان علیه السلام) سرمایه‌ای گرفته شود؛ زیرا آن حضرت به تملیک الهی مالک واقعی همه چیز است. از این رو یک سال تمام به عبادت و ریاضت پرداختم و درخواست من این بود که شرفیاب حضور آن حضرت شوم و سرمایه‌ای از آن حضرت بگیرم.

پس از یک سال، شبی به من الهام شد که فردا در بازار خربزه‌فروشان اصفهان اجازه ملاقات داده شد. در اصفهان بازارچه‌ای بود که تمام دکان‌های اطراف آن خربزه‌فروشی بود و بعضی هم که دکان نداشتند، خربزه را قطعه قطعه می‌کردند و در طبقی می‌گذاشتند و خرده‌فروشی می‌کردند.

فردای آن شب، پس از غسل کردن و لباس تمیز پوشیدن، با حالت ادب روانه بازار شدم. وقتی داخل بازار شدم از یک طرف حرکت می‌کردم و اشخاص را زیر نظر می‌گرفتم. ناگاه دیدم آن درّ یگانه عالم امکان در کنار یکی از این کسبه فقیر که طبق خربزه‌فروشی دارد، نزول اجلال فرموده است. مؤدب جلو رفتم و سلام عرض کردم، جواب فرمودند و با نگاه چشم فرمودند: «منظور چیست؟» عرض کردم: «استدعای سرمایه‌ای دارم». آن حضرت خواستند چندک (پول خرد آن زمان) به من عنایت کنند. من عرض کردم: «برای سرمایه می‌خواهم!» از

## ۲۱۲ □ سلوک مهدوی

پرداخت آن خودداری فرمودند و مرا مرخص کردند. وقتی به حال طبیعی آمدم، فهمیدم تصرف خود آن حضرت بود که من چنین سخنی بگویم و معلوم می‌شود هنوز قابل نیستم. دوباره یک سال دیگر به عبادت و ریاضت مشغول شدم. پس از آن روز، گاهی به دیدن آن مرد عامی خریزه‌فروشی می‌رفتم و گاهی به او کمک می‌کردم. روزی از او پرسیدم: “آن آقا که فلان روز این جا نشسته بودند، که هستند؟”

گفت: “او را نمی‌شناسم، مرد بسیار خوبی است. گاه گاهی این جا می‌آید و کنار من می‌نشیند و با من دوست شده و بعضی از اوقات که وضع مالی من خوب نیست، به من کمک می‌کند.” سال دوم تمام شد، باز به من اجازه ملاقات در همان محل عنایت فرمودند. این دفعه آدرس را می‌دانستم. وقتی به کنار طبق آن خریزه‌فروش رفتم، حضرتش روی کرسی کوچکی نزول اجلال فرموده بودند. سلام عرض کردم، جواب مرحمت فرمودند و باز همان چندک را مرحمت فرمودند و من گرفتم، سپاسگزاری کردم و مرخص شدم.

با آن چندک مقداری پایه مهر خریدم و در کیسه‌ای ریختم و چون فن مهر کنی را بلد بودم، هر وقت به غذای حلال مطمئن دست نمی‌یافتم، کنار بازار می‌نشستم و چند عدد مهر برای مشتری‌ها می‌کندم، البته با حفظ قناعت و به اندازه کفایت.

همواره به موقع نیاز، از آن کیسه که در جیبم بود، پایه مهر برمی‌داشتم، بدون آن که به شماره آنها توجه کنم. سال‌های سال، موقع اضطرار، کار من استفاده از آن پایه مهرها بود و تمام نمی‌شد و در حقیقت بر سر سفره احسان آن بزرگوار مهمان بودم.<sup>۱</sup>

۱. ر.ک: قاضی زاهدی، شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۶۳-۱۶۶؛ پورسیدآقایی، میر مهر (جلوه‌های

محبت امام زمان علیه السلام)، ص ۴۵۲-۴۵۴.

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۱۳

### آرزوی خدمت به امام زمان علیه السلام در پایان عمر

آرزوی جناب شیخ حسنعلی نخودکی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه، با آن همه فضیلت و عظمت فوق‌العاده روحی و معنوی، در اواخر عمر پر برکتشان این بوده است که ای کاش تمام ورد و ذکر و تمام ریاضت‌ها و تلاش‌های شبانه‌روزی من، فقط و فقط با نیت تقرب به ساحت امام زمان علیه السلام و خدمت‌گزاری به آستان شریف ایشان صورت می‌گرفت.

حضرت شیخ، تمام اذکار و ختوماتی را که از ابتدای سیر و سلوک تا پایان عمر خویش داشته‌اند، در کتابی مستقل به رشته تحریر درآورده و در انتهای این کتاب چنین نگاهشته‌اند: «ای کاش این اذکار و این اوراد و این ختومات و این زحمات را فقط در راه نزدیک شدن و تقرب به امام زمان علیه السلام آن‌جام می‌دادم».<sup>۱</sup>

### توصیه شیخ برای توفیق در سلوک مهدوی

۱. پرهیز شدید از گناه: «اگر در این راه، تقوا (پرهیز از گناه) نباشد، ریاضات و مجاهدات را هرگز اثری نیست و جز خسران و دوری از درگاه حق تعالی ثمری نخواهد داشت»؛

۲. نماز اول وقت: «سفارش می‌کنم که نمازهای یومیۀ خویش را در اول وقت آنها به جای آوری. اگر آدمی، یک اربعین به ریاضت پردازد، اما یک نماز صبح از او قضا شود، نتیجه آن اربعین، هباءً منثوراً (گرد و غبار هوا) خواهد گردید»؛

۳. خدمت به خلق خدا: «در آن‌جام حوایج مردم، هر قدر که می‌توانی، بکوش و هرگز میندیش که فلان کار بزرگ از من ساخته نیست؛ زیرا اگر بنده خدا در راه حق گامی بردارد، خداوند نیز او را یاری خواهد کرد. بیهوده تصور مکن که خدمت به خلق، تو را از ریاضیت و عبادت و تحصیل علم بازمی‌دارد! تنها تکلیف و ریاضت تو، خدمت به خلق خداست»؛

۱. ترجمه حدیثی از امیرمؤمنان علیه السلام درباره یاران ناشناخته امام زمان علیه السلام.

## ۲۱۴ □ سلوک مهدوی

۴. احترام و خدمت به سادات: «سادات را بسیار گرامی و محترم شمار! و هر چه داری، در راه ایشان صرف و خرج کن! از فقر و درویشی در این راه پروا منما! که اگر تهیدست گشتی، دیگر تو را وظیفه‌ای نیست»؛

۵. تحصیل علم و معرفت: «به آن مقدار تحصیل کن که از قید تقلید وارهی!»<sup>۱</sup>

### ۵. علامه سید علی آقا قاضی طباطبایی

توحید ناب را فقط در ولایت و سرپرستی امام عصر علیه السلام جست‌وجو می‌کرد و لحظات بی‌چون و چرای عاشقی را با یاد مولا در دل و نام مولا بر زبان و آرزوی دیدار در سویدای جان سپری می‌ساخت:

عشق نگار، سر سویدای جان ماست دیدار یار، حاصل سر نهان ماست<sup>۲</sup>  
پروانه‌ای بود که همواره گرد مولایش می‌چرخید و زندگی‌اش را از عشق به او وام می‌گرفت. عارف واصلی بود که همواره در قیام و قعود و در تغییر از حالتی به حالت دیگر، کلمه «یا صاحب‌الزمان» را بر زبان جاری می‌ساخت.

یک چشم زدن غافل از آن ماه نباشیم شاید که نگاهی کند آگاه نباشیم  
چه شب‌ها که یاد آن حضرت خوابش را ربوده و در آرزوی دیدارش با زمزمه  
«اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ» گریسته بود.

### مقام تشرف و حضور

سال‌ها برای رسیدن به محضر آن یگانه دوران زحمت کشیده تا حس لطیف حضور در محضر آن زلال‌ترین را یافته و به لحظات وصل رسیده و به مقام تشرف بار یافته بود. تا جایی که مولای او برایش ظهور و غیبت نداشت که او همیشه در محضر مولا حاضر بود و وقتی شاگردانش از او می‌پرسیدند: «آیا شما خدمت

۱. مجتهدی، سید مرتضی، صحیفه مهدیه، ترجمه محمدحسین رحیمیان، ص ۶۱-۶۲.

۲. امام خمینی، دیوان، ص ۵۱.

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۱۵

حضرت ولی عصر علیه السلام شرفیاب شده‌اید؟!» می‌فرمود: «کور است چشمی که صبح از خواب بیدار شود و در اولین نظر نگاهش به امام زمان علیه السلام نیفتد!»<sup>۱</sup> و ما از آن همه انس و قرابت وی با حضرت ولی عصر علیه السلام چه می‌دانیم! همو که وقتی شاگردانش از وی درخواست تشریف می‌کردند، اذکاری تعلیمشان می‌داد و موعده دیدار را هم خود معین می‌فرمود. و اما آن که دریا را ندیده و جرعه‌ای از آن نچشیده، چگونه تواند که از دریادلان بگوید و به دل دریا رهنمون شود؟

... ز تو ما را گله‌ای نیست!

حضرت آیت‌الله شیخ محمدتقی آملی چنین نقل می‌کند: «روزی به حجره آقای قاضی رفتم و منتظر شدم تا ایشان بیایند. وقتی آمدند، از علت حضورم در آنجا سؤال کردند. من گفتم: «یک استخاره می‌خواهم». ایشان فرمودند: «طلبه چندین سال در نجف در حال تحصیل باشد و نتواند برای خود یک استخاره بکند!» با خجالت عرض کردم: «می‌خواهم یک اجازه مخصوص از حضرت ولی عصر علیه السلام داشته باشم». فرمود: «اجازه خاص نمی‌خواهد، همان اجازه عام که به همه داده‌اند، برای شما کافی است». اما من از این حرف منظور دیگری داشتم و آن دیدن حضرت ولی عصر علیه السلام بود. آقای قاضی اذکار و برنامه‌هایی را تعلیم دادند و من به مسجد سهله رفتم و شب‌ها برای آن‌جام آن بیدار می‌شدم، تا این که یک شب وقتی شروع به آن‌جام اذکار کردم، به ناگاه احساس کردم کسی دستش را روی شانهم گذاشت و گفت: «برای تشریف آماده باش!» با شنیدن این جمله ترس و لرز تمام وجودم را فرا گرفت و شروع کردم به التماس و تضرع که مرا از این کار معاف کنید! من آمادگی لازم را ندارم. ایشان هم قبول کردند و رفتند. فردا که به نجف آمدم، فوراً خدمت آقای قاضی رسیدم. ایشان پیش از آن که از من

۱. مؤسسه فرهنگی شمس‌الشموس، عطش (ناگفته‌هایی از سیر توحیدی آیت‌الله سید علی قاضی طباطبایی).



چیزی بپرسند، فرمودند: «وقتی هنوز مهیا نیستی، چرا آن قدر اصرار می کنی؟!»<sup>۱</sup>

### راز وصال

آری! او با راه ورود به محضر مولا آشناست. نه این که خود راحت به این مقام رسیده باشد، نه! که سالیان سال در آتش هجر و دوری او گداخته و صاف و پاک گردیده و برای همین می داند هر کسی را ره به محضر آن شه والانشین نیست. از این رو وقتی یکی از بزرگان طلب تشریف می کند و از آقای قاضی می خواهد که برای او هم اجازه ورود بگیرد، آیت الله قاضی در پاسخ به تندی او با خانواده اش اشاره می کنند و چنین پیغام می فرستند: «با آن اخلاق تند و رسیدن به این مرتبه و مقام؟! هیئات!»<sup>۲</sup> آری! رمز راه یافتن او به آن مقام در همین جاست. ولایت، تنها در محبت خلاصه نمی شود، بلکه انسان ولایت مدار از خلق و خو و رفتار و کردار معشوق رنگ می گیرد و پا جای پای آنان می گذارد؛ مبادا که قدمی برخلاف رضایت آنان بردارد و از آنان دور افتد.

### ... برد به خورشید مرا

... و قاضی سال هاست که در این مسیر قدم برمی دارد. آری، او بارها از عطر مولا مست و از خود بیخود شده است، بارها لبخند رضایت حضرت به او آرامش بخشیده و بارها در حریم حرم حضرتش با اوبه نجوا نشسته و رازها و رمزها آموخته تا توانسته از دریای بیکران معارف و توحید را در سینه خود جای دهد و دم برنیورد! آن قدر نزدیک است که به اندرونی راه پیدا کرده، می گوید: «من آن عبارتی را که حضرت هنگام ظهورشان می فرمایند و اصحاب پراکنده می شوند، می دانم.»<sup>۳</sup>

۱. مؤسسه فرهنگی شمس الشموس، عطش (ناگفته‌هایی از سیر توحیدی آیت الله سید علی قاضی طباطبایی).

۲. ر.ک: مؤسسه تحقیقاتی اهل بیت (ع)، فریادگر توحید، ص ۱۴۲.

۳. مؤسسه تحقیقاتی اهل بیت (ع)، فریادگر توحید، ص ۱۴۰-۱۴۱؛ علامه تهرانی، سید محمدحسین، مهر تابان،

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۱۷

حضرت علامه طباطبایی اعلی‌الله‌مقامه نقل می‌کردند که استادمان علامه قاضی طباطبایی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه روزی چنین فرمودند: «در روایت است که چون حضرت قائم علیه‌السلام ظهور می‌کنند، اول دعوت خود را از مکه آغاز می‌کنند. بدین طریق که بین رکن و مقام پشت به کعبه نموده و اعلان می‌فرمایند و ۳۱۳ نفر از خواص آن حضرت در حضورش مجتمع می‌گردند. در آن حال حضرت به آنها مطلبی می‌گویند که همه آنها در پهنه عالم متفرق و منتشر می‌گردند. و چون همه آنها دارای طی الارض هستند، تمام عالم را تفحص می‌کنند و می‌فهمند که غیر از آن حضرت کسی دارای مقام ولایت مطلق الهی و مأمور به ظهور و قیام و حاوی گنجینه اسرار الهی و صاحب‌الاسرار نیست. در این حال همه به مکه مراجعت نموده، تسلیم آن حضرت شده، با او بیعت می‌نمایند». مرحوم قاضی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه می‌فرمود: «این سخن بسیار بلندی است که من آن کلمه را می‌دانم»، چون من در روایت دیده‌ام که امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «من آن کلمه را می‌دانم». آری، چقدر نزدیک بودی با مولای ما؟! ... و تا کجا رفته بودی؟! ما نمی‌دانیم که مولایت در گوش جانانت چه نجوا کرده که این چنین محرم اسرار گشته‌ای. ما نمی‌دانیم که مولایت چند بار دست بر سینه‌ات گذاشته که این چنین لبریز از محبت و معرفت گشته‌ای! و نیز نمی‌دانیم در آن احوالی که از عطر حضور مولا سرمست و مدهوش می‌شدی، چه‌ها می‌دید و چه‌ها می‌شنیدی!

### با تندى اخلاق، تشرف هیئات!

آیت‌الله حسن‌زاده‌آملی می‌فرمود: «من به آقای سید محمدحسن الهی، برادر بزرگ‌تر مرحوم علامه طباطبایی که در عرفان و سیر و سلوک از شاگردان مرحوم سید علی قاضی بود، مکرر عرض می‌کردم: "وقتی خدمت آقا و علامه قاضی می‌رسید، از جانب من از ایشان خواهش کنید که مرا هم در تشرف به خدمت بقیت‌الله عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف شریک خود نمایند و برای من نیز

اجازه ملاقات بگیرند "چرا که می دانستم آن دو بزرگوار به این سعادت عظمی می رسند. روزی در شهر آمل، بعد از ظهر خواستم استراحت کنم، بچه ها داد و فریاد کردند و مانع استراحتم شدند. من عصبانی شدم و با آنها تندی نمودم؛ ولی بعد، از عکس العمل خودم پشیمان شدم و از این که بچه ها را ناراحت کرده ام، وجدانم ناراحت بود. عصر به بازار رفتم و مقداری شیرینی و میوه خریدم و به منزل آوردم که شاید بدین وسیله دل بچه ها را به دست آورم. با این حال وجدانم آرام نمی گرفت و آشفته خاطر بودم. بالاخره تصمیم گرفتم به تبریز بروم و با مرحوم سید محمدحسن الهی ملاقات کنم. وقتی به خدمت ایشان در تبریز رسیدم، پیش از این که علت مسافرتم را بگویم، عرض کردم: "آیا عرض مرا خدمت استاد (سید علی قاضی) رساندید؟" فرمود: "من راجع به این موضوع نامه ای به شما نوشتم و چون آدرس شما را نداشتم؛ خدمت اخوی (علامه سید محمدحسین طباطبایی) فرستادم که به شما برسانند در آن نامه یادآور شدم که وقتی پیام شما را به آقا عرض کردم، آقا تأملی کردند و سپس با ناراحتی فرمودند: ایشان چگونه می خواهند این راه را طی نمایند با آن اخلاقی که نسبت به عایله و کودکان آن جام داده و با آنها دعوا کرده اند. با آن اخلاق و تندی چگونه می شود به این رتبه و مقام رسید".<sup>۱</sup>

آری در این راه، ناهمواری ها، دست اندازها، پیچ و خم ها و خطرهای فراوانی هست که سالک باید هوشیارانه مواظب و مراقب خود باشد و تمام اعضا و جوارح خود را همواره کنترل نماید.

۱. مؤسسه تحقیقاتی اهل بیت علیهم السلام، فریادگر توحید، ص ۱۴۱-۱۴۲؛ حسینی، سید نعمت الله، مردان علم در

میدان عمل، ج ۵، ص ۳۷۷-۳۷۹.

### ۱. انس شبانه‌روزی با قرآن

آن‌جناب، رمز تمام توفیقات خویش را انس با قرآن و تمسک به معارف آن معرفی می‌فرمود. آن بزرگوار در تفسیر قرآن کریم و فهم معانی آن، ید طولایی داشته‌اند. علامه طباطبایی، صاحب تفسیر عظیم‌الشان المیزان می‌فرمودند: «شیوه تفسیر قرآن با قرآن و آیه با آیه را مرحوم قاضی به ما تعلیم داده‌اند. ما در تفسیر، از مسیر و سبک ایشان پیروی می‌کنیم. ما طریقه فهم احادیث معصومین علیهم‌السلام را نیز که به آن «فقه الحدیث» می‌گویند، از ایشان آموخته‌ایم».<sup>۱</sup> آن عارف واصل ضمن دستورالعمل‌های عرفانی خویش، بر تلاوت مداوم قرآن، به ویژه در دل شب، تأکید فرموده است: «بر شما باد به تلاوت قرآن کریم در دل شب، با صوت نیکوی محزون؛ چرا که آن شراب جان مؤمنان است».<sup>۲</sup>

### ۲. توسل به ساحت حضرت اباعبدالله علیه‌السلام

آن بزرگوار که به مقام تشریف و حضور دایمی توفیق یافته، رمز و راز وصول خویش را در دو چیز: (تمسک به معارف قرآن) و «توسل به حضرت اباعبدالله علیه‌السلام» معرفی فرموده است: «اگر به جایی رسیده‌ام، در سایه قرآن و توسل به حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام رسیده‌ام».<sup>۳</sup>

سیره عملی او بر زیارت مداوم حضرت اباعبدالله علیه‌السلام از نزدیک و دور استوار بود.

شب‌های جمعه را تا به صبح معتکف حائر حسینی بود؛ از نیمه شب تا به صبح،

۱. مؤسسه تحقیقاتی اهل بیت علیهم‌السلام، فریادگر توحید، ص ۱۱۰.

۲. هاشمیان، هادی، دریای عرفان (زندگی‌نامه و شرح احوال آیت‌الله سید علی قاضی)، ص ۱۲۸.

۳. مصباح یزدی، محمدتقی، جامی از زلال کوثر، ص ۵۱.

تمام قامت در مقابل ضریح می ایستاد و فقط نظاره می کرد و اشک می ریخت.<sup>۱</sup>

### ۳. توسل به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام

علامه قاضی طباطبایی، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را «تجلی رحمت واسعه الهی» و حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام را «کلیددار بارگاه امام حسین علیه السلام» می دانست و بدین سان وجود پر عظمت قمر منیر بنی هاشم علیه السلام را «کلیددار و دربان رحمت واسعه الهی» معرفی می فرمود: «هنگام مکاشفه برای من آشکار و روشن شد که «مظهر رحمت کلیه الهیه» در عالم هستی، «وجود مقدس حضرت سیدالشهدا علیه السلام» است و «پیشکار و باب و دربان آن حضرت»، سرحلقه ارباب وفا، باب الحوائج الی الله، «حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام» است.<sup>۲</sup>

آن عارف واصل، طواف بین الحرمین حضرت عباس علیه السلام و حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را توصیه می فرمود و فضیلت طواف بین الحرمین را از فضیلت سعی بین صفا و مروه بسی فزون تر و رفیع تر می دانست.<sup>۳</sup>

صفا و مروه دیده ام، دور حرم دویده ام      هیچ کجا برای من کرب و بلا نمی شود

### ۴. نماز اول وقت

مراقبت و مداومت بر نماز اول وقت را سرلوحه کار سالکان کوی دوست می دانست و آن را رمز رسیدن به مقامات والای اخلاقی و عرفانی معرفی می فرمود: «اگر کسی نماز واجبش را اول وقت بخواند و به مقامات عالیه نرسد، مرا لعن کند».<sup>۴</sup> کنایه از این که قطعاً و یقیناً نماز اول وقت انسان را به مقامات والای روحی می رساند.

۱. مؤسسه مطالعاتی شمس الشموس، عطش.

۲. محمدی اشتهاردی، امام حسین علیه السلام (آفتاب تابان ولایت)، ص ۳۰۷.

۳. مؤسسه مطالعاتی شمس الشموس، عطش.

۴. مؤسسه تحقیقاتی اهل بیت علیهم السلام، فریادگر توحید، ص ۱۲۱؛ غرویان، در محضر بزرگان، ص ۹۹.

### ۵. نماز شب

«نماز شب» را «رمز وصول به سعادت دنیا و آخرت» می‌دانست و چنین توصیه می‌فرمود: «ای فرزندان! دنیا می‌خواهی، نماز شب بخوان! آخرت می‌خواهی، نماز شب بخوان!»<sup>۱</sup> آن عارف واصل، درباره ضرورت نماز شب برای اهل ایمان، چنین می‌فرمود: «برای اهل ایمان، هیچ چاره‌ای جز تمسک به نماز شب نیست. و عجب از کسی است که خواهان مرتبه‌ای از کمال باشد، اما نماز شب را به پا ندارد. و ما هرگز نشنیده‌ایم که احدی به مرتبه‌ای از کمال، جز به قیام شب، نایل آید».

### ۶. مراقبت و مداومت بر یاد خدا

همیشه غرق در توحید و ذکر خدا بود؛ همچون کوهی عظیم، سرشار از اسرار و معارف توحیدی بود و به تربیت شاگردانی والا مقام در توحید همت می‌گماشت. برخی از فرزندان علامه قاضی، بر اثر مریضی و فقر، می‌مردند و او با آرامش کامل به آنان نگاه می‌کرد و لبخند می‌زد. شخصی از او پرسید: «مگر نمی‌بینی فرزندان دارد جان می‌دهد، چرا لبخند می‌زنی؟!» و قاضی جواب داد: «قباله را دیده‌ای؟ صاحب قباله هر تصرفی که بخواهد در آن می‌کند؛ چرا که قباله مال او و در تصرف اوست. ما نیز در تصرف خدا ایم. او مالک است و هر چه بخواهد، می‌کند».<sup>۲</sup>

اساس سیر و سلوک را، محاسبه و مراقبه دایم می‌دانست و شاگردان را با این

دو بیت به مراقبه دایمی توصیه می‌فرمود:

سررشته دولت ای برادر به کف آر      وین عمر گرامی به خسارت مسپار!  
یعنی همه‌جا با همه کس در همه حال      می‌دار نظر یکسره تو جانب یار!<sup>۳</sup>

۱. هاشمیان، هادی، دریای عرفان، ص ۱۲۸.

۲. مؤسسه تحقیقاتی اهل بیت علیهم‌السلام، فریادگر توحید، ص ۱۱۱.

۳. این دو بیت شعر را جناب استاد دکتر مرتضی آقانه‌رانی از استادشان حضرت آیت‌الله سید حسن صافی اعلی‌الله‌مقامه و ایشان از استادشان علامه قاضی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه نقل فرموده‌اند.

## ۶. علامه سید محمدحسین طباطبایی

سحرگاه بود. سید کتابی را که چند لحظه قبل برداشته بود، به زمین گذاشت و بعد دست به پیشانی اش برد و مشغول فکر شد. فکر نبود. آشوب بود. سید در خودش بود که ناگهان در خانه اش را محکم کوبیدند، رشته افکار سید پاره شد و آشفته حال خودش را به در حیاط رساند. تا در را باز کرد، چشمش به مرد غریبه ای افتاد که در عمرش ندیده بود. ریش آن مرد حنایی رنگ و قدش بلند بود. عمامه سفیدش فرم خاصی داشت. لباسش هم به لباس مردمان آن روز شباهتی نداشت. نگاهش نافذ بود. تا نگاهشان در هم آمیخت، اول شیخ سلام داد و بلافاصله گفت: «من شاه حسین ولی هستم. خداوند تعالی می فرماید:» در این ۱۸ سال چه وقت تو را گرسنه گذاشته ام که تو حالا مطالعات را رها کرده ای و به فکر افتاده ای که روابط ایران و عراق تا کی تیره می ماند و کی برای ما پول می رسد!... خداحافظ شما!» سید بدون اینکه چیزی بگوید و یا پرسد جواب داد: «خداحافظ!»

افتخار سربازی امام زمان علیه السلام

سید طبق معمول هر روز، بین الطلوعین به وادی السلام نجف رفت و باز قدم زنان به سر قبرها رفت و مثل همیشه بر ایشان فاتحه خواند. در همان موقع ناگهان قبری را دید که وضع ظاهری اش با دیگر قبور فرق داشت و معلوم بود که قبر محترمی است. با کنجکاوی نوشته سنگ قبر را خواند و انگشت حیرت به دهان گرفت؛ بعد از احترامات فراوان نوشته بودند: «قبر مرحوم شاه حسین ولی»، که تاریخ فوتش به ۳۰۰ سال قبل بازمی گشت. حال این سؤال برای علامه مطرح بود: «مبدأ آن ۱۸ سالی که شاه حسین ولی گفته بود، به کجا برمی گردد؟... حدود ۹ سال بیشتر نیست که در نجف هستم و حدود ۲۵ سال است که درس می خوانم. پس مبدأ این تاریخ کجاست؟» سید مدتی در این باره فکر کرد تا اینکه بالاخره

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۲۳

مبدأ آن تاریخ را یافت. مبدأ تاریخ، معمّم شدن سید بود. سید ۱۸ سال قبل، لباس سربازی حضرت ولی عصر علیه السلام را به تن کرده بود و از آن هنگام مورد عنایات ویژه الهی قرار گرفته بود.<sup>۱</sup>

رشته‌ای برگردنم افکنده دوست می‌کشد هر جا که خاطرخواه اوست  
رشته‌گردن نه از بی‌مهری است رشته‌عشق است و برگردن نکوست

### مقام ادب و حضور

نسبت به امام زمان روحی فداه، شیفتگی و ارادت ویژه‌ای داشتند و مقام ایشان را ملکوتی و فوق تصور می‌دانستند. هرگاه نام حضرت ولی عصر علیه السلام برده می‌شد، آثار فروتنی، خاکساری و ادب در سیمای ایشان آشکار می‌گشت؛ فروتنی و ادبی در حد عشق:

همی گویم و گفته‌ام بارها بود کیش من مهر دلدارها  
پرستش، به مستی است در کیش مهر برونند زین جرگه هوشیارها<sup>۲</sup>  
عشق و ارادت او نسبت به امام زمان علیه السلام، از معرفتی ژرف و شناختی وسیع  
سرچشمه می‌گرفت؛ تا جایی که سرمنشأ تمام توفیقات و سرچشمه تمام محبت‌ها  
و معرفت‌ها را عنایات حضرت ولی عصر روحی فداه و اهل بیت عصمت و  
طهارت علیهم السلام می‌دانست:

تو مپندار که مجنون سر خود مجنون گشت از سمک تا به سهایش کنش لیلا برد  
من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد<sup>۳</sup>

۱. محبوبی، مجید، روح اخلاص (داستان‌هایی از زندگی علامه طباطبایی)، ص ۳۰-۳۲.

۲. علامه طباطبایی، فرازی از غزل «کیش مهر».

۳. علامه طباطبایی، فرازی از غزل «مهر خوبان».



## ۲۲۴ □ سلوک مهدوی

عشق و ارادت او نسبت به امام زمان علیه السلام و تضرعش به ساحت آن حضرت فوق العاده بود. در سلوک علمی و عملی و برای گره‌گشایی از معضلات تفسیری و عرفانی، از معنویت و نورانیت حضرت ولی عصر و ارواح مطهر معصومین علیهم السلام استمداد می‌جست و سخن همیشگی‌اش این بود: «ما هر چه داریم، از اهل بیت پیامبر داریم. ما همه آبروی خود را از محمد و آل او کسب کرده‌ایم».<sup>۱</sup>

در تمام نشست و برخاست‌ها و در همه رفت و برگشت‌ها، همواره در حالت «ادب و حضور» و در اوج «خضوع و خشوع» بود؛ گویا گوشه چشمی از مولایش او را برگزیده و غیبت را برای او به حضوری دایمی بدل ساخته بود:

همه یاران سر راه تو بودیم ولی خم ابروت مرا دید و ز من یغما برد  
همه دل‌باخته بودیم و هراسان که غمت همه را پشت سر انداخت مرا تنها برد<sup>۲</sup>

خویش را همواره در محضر امام زمان و ولی امرش حاضر و آن حضرت را بر سراسر وجودش شاهد و ناظر می‌دانست؛ از این روی در محضر مولایش هیچ نام و نشانی و هیچ خودیتی برای خویش نمی‌شناخت:

خم ابروی تو بود و کف مینوی تو بود که به یک جلوه ز من نام و نشان یکجا برد  
خودت آموختی ام مهر و خودت سوختی ام با برافروخته‌رویی که قرار از ما برد<sup>۳</sup>

## رمز و راز وصال علامه طباطبایی

### ۱. بر کران قرآن

قلبش را با حقیقت قرآن نورانی ساخته بود و با تمام وجود در خدمت قرآن و معارف بی‌پایان آن قرار گرفته بود. سخن و قلمش چنان به نور قرآن مزین گشته

۱. مجله نور علم، دوره سوم، ش ۹، ص ۶۹.

۲. علامه طباطبایی، غزل «مهر خوبان».

۳. علامه طباطبایی، غزل «مهر خوبان».

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۲۵

بود که دل‌ها را زنده می‌کرد، افکار را بیدار می‌ساخت و اندیشه‌ها را به اوج می‌رسانید. عقیده داشت که: «دانش حدیث و تمام علوم دیگر، باید این زمینه را فراهم کند که ما با آمادگی بیشتری به خدمت قرآن برویم و از آن اقیانوس بی‌کران بهره گیریم».

در سحرگاهان، صبحگاهان، پیش از غروب و پیش از خواب به تلاوت و تدبیر در قرآن می‌پرداخت. اگر موقعیتی پیش می‌آمد، قرائت قرآن را در مسیرها و حتی در اتومبیل آن‌جا می‌داد.<sup>۱</sup>

مترجم المیزان، استاد محمدباقر موسوی همدانی می‌گوید: «در تفسیر قرآن، وقتی به آیات رحمت و یا غضب و توبه برمی‌خوردیم، ایشان دگرگون می‌شد و در مواقعی بقدری متأثر شد که نمی‌توانست به گریستن بی‌صدا اکتفا کند و با صدای بلند شروع می‌کرد به اشک ریختن. مرحوم علامه به هنگام غروب آفتاب به تلاوت قرآن مجید مشغول می‌شد. عرض کردم: چرا در این موقع که هوا رو به تاریکی است قرآن می‌خوانید؟ فرمود: «قرائت قرآن بر نور چشم می‌افزاید، همان‌گونه که بصیرت دل را فزونی می‌دهد».<sup>۲</sup>

### ۲. عشق و ارادت به ساحت ولایت

شهید مطهری اعلی‌الله‌مقامه، در شأن استاد بزرگوار خویش، علامه طباطبایی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه، می‌فرمود: «من حکیم و عارف بسیار دیده‌ام. احترام من به ایشان به خاطر علم او نیست، بلکه از این جهت است که او عاشق و دل‌باخته اهل بیت علیهم‌السلام است. علامه طباطبایی در ماه رمضان، روزه خود را با بوسه بر ضریح مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام افطار می‌کرد. یعنی، هنگام غروب پیاده به حرم مطهر

۱. تاج‌دینی، یادها و یادگارها، ص ۹۸.

۲. مجله حوزه، ش ۳۰.

مشرف می‌شد و پس از بوسیدن ضریح به خانه می‌رفت و افطار می‌کرد. این ویژگی اوست که مرا شیفته ایشان نموده است.<sup>۱</sup>

آری، کسی که حکیم الهی باشد، نمی‌شود که در آستانه اهل بیت علیهم‌السلام سر فرود نیاورد و شیفته ولایت نبوده باشد؛ چون واسطه تمام فیوضات و توفیقات ولایت است.

### ۳. توسل به ساحت حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام

وقتی علامه در عتبات بودند، به توسل و بکاء بر امام حسین علیه‌السلام و شرکت در مجالس عزاداری مراقبت داشتند. ایشان می‌فرمود: «دستگاه امام حسین علیه‌السلام باید توسعه یابد» و در دستورات اخلاقی خود بر این نکته تأکید می‌ورزید که: «هیچ کس به هیچ مرتبه‌ای از معنویت نرسید و گشایش و فتح بابی نکرد، مگر در حرم مطهر حضرت امام حسین علیه‌السلام و یا در توسل به آن حضرت». <sup>۲</sup> با اینکه حضور ایشان به مجالس سوگواری عظمت می‌داد، در این گونه محافل همچون افراد عادی و ناشناخته شرکت می‌کرد و می‌فرمود: «این کتیبه‌های سیاه که بر در و دیوار حسینیه و محل عزاداری برای سالار شهیدان نصب کرده‌اند، ما را شفاعت می‌کند».

در مجالس سوگواری برای اهل بیت: چنان می‌گریست که دانه‌های درشت اشک از چشمانش سرازیر می‌شد. بی‌گمان بسیاری از موفقیت‌های او مولود همین خصلت بود و این گونه رفتار و شیفتگی نسبت به خاندان پیامبر تا حدی بود که در مواردی که مجالس مصیبت منعقد می‌گشت، کتاب و علم و تحقیق را به کنار می‌نهاد. <sup>۳</sup>

۱. آینه عرفان، ص ۸.

۲. همان، ص ۵۸.

۳. مختاری، رضا، سیمای فرزندان، ص ۶۷-۶۸.

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۲۷

### ۴. مداومت بر زیارت عاشورا و زیارت جامعه کبیره

شهید آیت‌الله قدوسی (داماد علامه طباطبایی) می‌فرمود: «ایشان به زیارت جامعه کبیره و عاشورا مقید بود و در ایام محرم و صفر زیارت عاشورایش ترک نمی‌شد و به زیارت جامعه کبیره اهتمام خاصی داشت و معتقد بود. باید از معتبرترین نسخه استفاده کرد و می‌فرمود: «مقدم در زیارت عاشورا از نسخه مرحوم آیت‌الله سید علی قاضی طباطبایی استفاده کنم».

### ۵. زیارت امام رضا علیه السلام و توسل به ساحت رضوی

در تابستان‌ها رسم ایشان بر این بود که به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام مشرف می‌گردید و ارض طوس را بر سایر جاها ترجیح می‌داد و در این مکان مبارک هر شب به حرم مطهر آمده و در پیشگاه امام از خود حالت التماس و تضرع نشان می‌داد و هرچه از ایشان می‌خواستند که به نواحی خوش آب و هواتری در حوالی مشهد بروند و گهگاهی برای زیارت بیایند، قبول نمی‌کرد و می‌فرمود: «ما از پناه امام هشتم به جای دیگری نمی‌رویم<sup>۱</sup> جز حرم امام رضا علیه السلام؛ کجا هست که آدم بتواند دردهایش را بگوید و درمانش را بگیرد».<sup>۲</sup>

در سفر مشهد یکی از حاضران، پرسیده بود: «آیا شما هم مثل عامه مردم بر ضریح بوسه می‌زنید؟» علامه پاسخ داده بود: «نه تنها ضریح، بلکه خاک و تخته در حرم و هرچه را که متعلق به امام رضا علیه السلام است، می‌بوسم». فرد دیگر گفته بود: «شلوغ است، نمی‌شود به حرم رفت!» فرموده بود: «ما هم جزو این شلوغی!»<sup>۳</sup>

۱. مهر تابان، ص ۵۶.

۲. مکتب اسلام، سال ۲۱، شماره ۱۰، ص ۳۵-۳۶.

۳. همان.

۶. اقامهٔ عزا در ایام فاطمیه

علامه مقید بود همه‌ساله (ایام فاطمیه) به مدت ده روز در خانه‌اش به مناسبت فرارسیدن سالگرد شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اقامهٔ عزا شود و همهٔ بستگان و اعضای خانواده و حتی دخترانش که در شهرهای دیگر سکونت داشتند نیز مقید بودند در این مجلس شرکت کنند.

از سنت‌های ایشان این بود که در محافل و مجالس، گاهی مداحی را صدا می‌کرد تا چند جمله ذکر مصیبت اهل‌بیت را بگوید و او با شنیدن مرثیه، با عشق و علاقهٔ خاصی به شدت می‌گریست.

۷. آیت‌الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

در آن زمان هنوز حوزهٔ علمیه قم شهرت و رونقی نگرفته بود، اما مدرسهٔ فیضیه شاهد یکی از نورانگیزترین جلسات اخلاق و عرفان، و مسجد بالاسرکریمهٔ اهل‌بیت علیهم السلام شاهد یکی از عارفانه‌ترین نماز جماعت‌ها بود؛ نمازی پرشکوه که امام خمینی و آیت‌الله بهاء‌الدینی از دایمی‌ترین و نورانی‌ترین اقتداکنندگان آن بودند. تابناکی سال‌های حضور این شخصیت علمی - عرفانی، زمینه‌ساز هجرت بسیاری از علما و بزرگان به سوی این خطه و مقدمه‌ساز بنیان‌گذاری حوزهٔ علمیهٔ قم در یک دههٔ بعد گردید. حوزهٔ درسی حاج میرزا جواد آقا، سرچشمهٔ نور و معرفتی بود که شخصیتی چون «حضرت روح‌الله» را پرورید و «چلچراغ هدایت و رستگاری» را در شبستان حوزه آویخت.

ز جام باده گلگون

آنان که با حالات عرفانی و ملکوتی آن عارف فرزانه آشنا بوده‌اند، او را از بکائین (بسیار گریه‌کنندگان) عالم شمرده‌اند. بندهٔ صالحی که سه ماه رجب و

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۲۹

شعبان و رمضان را پی در پی روزه می‌گرفت.<sup>۱</sup> و در قنوت نمازهای نافله با سوز و گدازی عجیب بیتی از خواجه شیراز را زمزمه می‌کرد:

ما را زجام باده گلگون خراب کن      زان بیشتر که عالم فانی شود خراب<sup>۲</sup>  
آری، هنوز مسجد بالاسر حضرت معصومه علیها السلام، یادآور حضور سبز آن عارف  
واصل و نمازهای عارفانه اوست؛ نمازی که به حضور بزرگانی چون حضرت امام  
و آیت‌الله بهاء‌الدینی زینت می‌یافت. هنوز بیان قدسی و توصیه‌های اخلاقی آن  
رادمرد الهی در مدرسه فیضیه طنین افکن است. مجتهدی بصیر، عالم اخلاقی  
کامل و عارف اصلی که ارتباط وی با حضرت بقیت‌الله ارواحنا فدا فرآوان و  
ملازمت او با تقوا و ورع بسیار بود. او دایم الحضور بود و لحظه‌ای از یاد خدا  
بیرون نمی‌رفت.

بزرگمردی که سرآن جام در حین تکبیر الاحرام نماز، به سوی عالم قدس  
پرواز کرد و به سوی یار و محبوب همیشگی اش پر کشید و قبر مطهر او در  
قبرستان شیخان قم تا قیام قیامت، نورانیت بخش قلوب مؤمنان و مددبخش روح  
سالکان گردید. حضرت امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه به طور مرتب و مکرر بر  
مزار مطهر استاد فرزانه خویش حضور می‌یافت و خاک مزار او را با گوشه  
عبایش پاک می‌کرد و می‌بوسید و بر چشم می‌گذاشت و می‌فرمود: «قربان خاک  
قبرت شوم که از آن نیز نور برمی‌خیزد».

### میرزا جواد آقا و اقتدا به امام زمان علیه السلام

حضرت آیت‌الله حاج سید جعفر شاهرودی اعلی الله مقامه می‌گوید: «شبی در  
شاهرود در خواب دیدم که در صحرائی حضرت صاحب‌الامر علیه السلام با جماعتی

۱. جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، ج ۲، ص ۵۳-۵۱۹.

۲. ر.ک: ریحان یزدی، سید علیرضا، آئینه دانشوران، ص ۱۴۳.

## ۲۳۰ □ سلوک مهدوی

تشریف دارند و گویا به نماز جماعت ایستاده‌اند. جلو رفتم که جمالش را زیارت و دستش را بوسه زدم. چون نزدیک شدم شیخ بزرگواری را دیدم که متصل به آن حضرت ایستاده و آثار جمال و وقار بزرگواری از سیمایش پیداست. چون بیدار شدم، در اطراف آن شیخ فکر کردم که کیست که تا این حد نزدیک به مولای ما امام زمان علیه السلام است. از پی یافتن او به مشهد رفتم، نیافتم. به تهران آمدم، ندیدم. به قم مشرف شدم، او را در حجرات مدرسه فیضیه که مشغول به تدریس بود، دیدم. پرسیدم کیست؟ گفتند: «عالم ربانی آقای حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی است». خدمتش مشرف شدم. تفقد بسیاری کردند و فرمودند: «کی آمدی؟» گویا مرا دیده و شناخته و از قضیه آگاهند. پس ملازمتش را اختیار نمودم و او را چنان یافتم که دیده بودم و می‌خواستم.<sup>۱</sup>

### توصیه‌های میرزا جواد آقا برای توفیق در سلوک مهدوی

آن عارف واصل، برای ارتباط و دیدار با امام زمان علیه السلام، بیش از هر چیز بر چهار امر تأکید می‌ورزید:

۱. هدیه کردن سه سوره توحید (قل هو الله احد) پس از هر نماز واجب به

ساحت امام زمان علیه السلام؛

۲. خواندن دعای (اللهم عرفنی نفسک...) پس از هر نماز واجب: «اللهم عرفنی نفسک فأنک إن لم تُعرفنی نفسک لم أعرف رسولک، اللهم عرفنی رسولک فأنک إن لم تُعرفنی رسولک لم أعرف حجَّتک، اللهم عرفنی حجَّتک فأنک إن لم تُعرفنی حجَّتک ضللت عن دینی»<sup>۲</sup> پروردگارا! خودت را به من شناسان که اگر خودت را به من شناسانی، رسولت را نخواهم شناخت. پروردگارا! رسولت را

۱ حسن زاده آملی، در آسمان معرفت، ص ۱۲۳.

۲ قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح‌الجنان، فرازهای آغازین از دعای غیبت امام زمان علیه السلام.

### سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۳۱

به من بشناسان که اگر رسولت را به من شناسانی، حجتت را نخواهم شناخت. خدایا! حجتت را به من بشناسان که اگر حجتت را به من شناسانی، از دین خود گمراه خواهم شد».

۳. خواندن دعای عهد در هر صبحگاه پس از نماز صبح و خواندن آن (دعای عهد) در ماه رمضان پیش از افطار؛<sup>۱</sup>

توسل مداوم به ساحت اهل‌بیت علیهم‌السلام به ویژه امام زمان علیه‌السلام و استمداد و استعانت از آن حضرت. آن جناب در کتاب المراقبات چنین توصیه فرموده است: «اهل‌بیت علیهم‌السلام، همگی وسیله برآوردن حوایج بندگان خدا هستند، اما توسل به هر کدام از آن بزرگواران آثار و برکاتی ویژه را در پی خواهد داشت: ۱. توسل به رسول خدا و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام برای طلب توفیق در طاعت و عبادت و کسب رضای حق؛ ۲. توسل به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام برای ایمن ماندن از شر ستمگران و انتقام از دشمنان؛ ۳. توسل به امام سجاد علیه‌السلام برای ایمن ماندن از وسوسه شیاطین و ایمنی از شر سلاطین؛ ۴. توسل به امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام برای توفیق در امور اخروی و معنوی و علمی؛ ۵. توسل به امام کاظم علیه‌السلام برای سلامتی و عافیت و شفای دردها و بیماری‌ها؛ ۶. توسل به امام رضا علیه‌السلام برای سلامت ماندن در مسافرت (و سیر و سلوک معنوی)؛ ۷. توسل به امام جواد علیه‌السلام برای توسعه روزی و بی‌نیازی از آنچه در دست مردم است؛ ۸. توسل به امام هادی علیه‌السلام برای توفیق یافتن بر نوافل (مستحبات) و نیکی کردن به مردم و اطاعت از خداوند؛ ۹. توسل به امام حسن عسکری علیه‌السلام برای توفیق در امور اخروی؛ ۱۰. توسل به حضرت ولی عصر ارواحنافداه برای برآورده شدن هر گونه نیاز و حاجتی (چه دنیوی و چه اخروی، چه مادی و چه معنوی).<sup>۲</sup>

۱. ر.ک: ملکی تبریزی، المراقبات.

۲. ر.ک: ملکی تبریزی، المراقبات.



## ۸. میرزا مهدی اصفهانی

## بنیان‌گذار انقلاب و تحول عظیم علمی

بزرگمردی که پس از نایل شدن به مقامات والای علمی در عرصه فلسفه، حکمت و عرفان نظری، به مقام ولایت امام زمان ارواحناده متوسل می‌گردد و پس از تشرف به محضر آن حضرت در مسجد سهله، تنها راه صحیح و صراط مستقیم را در «رجوع به معارف قرآن و تعالیم اهل بیت (علیهم‌السلام)» و «روی گردانی از مهر مکتب و مرام دیگر فلسفی و عرفانی» می‌یابد؛ چنانچه حضرت مولی‌الموحدین، خطاب به کمیل، می‌فرماید: «یا کمیل، لا تأخذ إلا عنّا تَکُنْ مِنّا! ای کمیل! جز از ما اهل بیت میاموز تا از ما باشی».<sup>۱</sup>

حضرت علامه، میرزا مهدی اصفهانی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه، با عنایت ویژه حضرت ولی عصر ارواحناده، از تمام افکار و ارادتی فلسفی و عرفانی به دامن قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) بازمی‌گردد و با بنیان‌گذاری یک «انقلاب علمی» و یک «جریان تأسیسی و ابتکاری» از پایه‌گذاران «مکتب تفکیک: تفکیک و جدایی میان تعالیم قرآن کریم و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) از سویی و مفاهیم فلسفی و عرفانی وارداتی از سوی دیگر» در حوزه پربرکت مشهد مقدس می‌گردد.

## بارقه تشرف

باری، میرزای اصفهانی، پس از مجاهداتی طاقت‌فرسا و توسل‌های سعادت فرجام، سرآن‌جام تنها راه سعادت را در کلام مقدس مولایمان حضرت صاحب‌العصر و الزمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌جوید که در مسجد سهله به ایشان می‌فرماید: «جست‌وجوی معارف و حقایق، از غیر راه ما اهل بیت، مساوی با انکار ما است». این عالم ربانی و حقایق‌گستر قرآنی، بر اثر این توفیق رحمانی و آن

۱. شیخ حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۰.

## سلوک مهدوی در سیمای تشرف یافتگان □ ۲۳۳

تشرف آسمانی، بنای استقلال معارف قرآنی و تعالیم اوصیایی را تجدید می‌نماید و مؤسس و مبتکر و بنیادگذار «مکتب رجوع به قرآن و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام)» می‌گردد و با مجاهدتی علمی و عملی، علما و دانشمندانی کم‌نظیر را تربیت می‌نماید که هر کدام به نوبه خود در عرصه عرفان ناب و تزکیه و تهذیب نفس و نایل شدن به «نور ربانی و عقل رحمانی» از بلندمرتبه‌گان روزگار بوده‌اند؛ علمایی ربانی که عده پرشماری از ایشان به فیض تشرف به محضر امام زمان (علیه‌السلام) نایل گشته‌اند.

### جامعیت کم‌نظیر

مرحوم میرزا، فراتر از همه مقامات و کمالات و علوم، یک دانشمند بزرگ و صاحب مکتب و مؤسس و دارای مبنا، و یک مجتهد اصولی بسیار برجسته بود. میرزای نائینی برای ایشان اجازه اجتهادی، آن هم در سن ۳۵ سالگی، مرقوم فرموده است که می‌توان گفت چنین اجازه‌ای را برای احدی از اعلام و اکابر مرقوم نداشته است. اینک فزاینده‌ای از این اجازه‌نامه را از نظر می‌گذرانیم که خود برای رساندن عظمت علمی آن جناب کافی است: «...و از کسانی که خداوند متعال آنان را برای طلب علم تأیید فرموده و برای عمل به علم برگزیده است، جناب عالم عامل، پرهیزگار دانشمند، سرور بسیاردان، پاک‌نفس و الامقام، دارنده ذوق استوار، و سلیقه بی‌انحراف، و صاحب نظر بی‌خطا، و دارای فکر موشکاف، عمده‌العلماء و برگزیده فقها، پارسای باتقوا، صددرصد عادل مزکی، جناب آقا میرزا مهدی اصفهانی است که خداوند تأییدش را نسبت به ایشان دوام بخشد! و او را به خواسته‌های خود برساند!

...به تحقیق ایشان از کوشش در این راه دریغ نکرده و عمرش را در طلب علم سپری نموده و همه روزگار خود را به تحصیل علم مشغول داشته، ...تا آن که به پایه اجتهاد رسیده و دارای قدرت استنباط گردیده است. و جایز شد برای ایشان که عمل کنند به آنچه خود استنباط می‌کنند از احکام، طبق معمول بین بزرگان.

...و بر ایشان است که خدای را شکر کند بر نعمت‌هایی که به او ارزانی داشت، و ایشان را فکر و ذهن و نظری نیکو داد. و همچنین باید خداوند را سپاس گزارد که پیمودن راه علم را برای او آسان ساخت، زیرا طالبان بسیارند، و اصلان اندک»<sup>۱</sup>.

در حاشیه همین اجازه اجتهاد، مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری، مرقوم داشته‌اند: «آنچه را که ایشان (مرحوم آقا نائینی دامت برکاته) درباره مقام جناب عالم فاضل، محقق موفق زنده علمای ممتاز، و پیشرو فقها و مجتهدان، آقا میرزا مهدی اصفهانی دامت تأییده مرقوم فرموده‌اند، حق است، و تردید در آن نیست. خداوند امثال ایشان را در میان عالمان دین زیاد فرماید!»<sup>۲</sup>

و در عظمت وجودی و جامعیت علمی علامه میرزا مهدی اصفهانی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه، شهادت و گواهی این دو شخصیت مهم علمی و این دو اسطوره فضل و کمال که بیشتر مراجع تقلید معاصر افتخار شاگردی این بزرگوار را داشته‌اند، یعنی استاد مسلم علوم اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی حاج میرزا محمدحسن نائینی و نیز مؤسس حوزه علمیه قم، حضرت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری رضوان‌الله‌تعالی‌علیهما، وافی و کافی است؛ آن هم با تعابیر فخیمی همچون: «العالم العامل، التقی الفاضل، العلم العلام، المهذب الهمام، ذوالقریحة القویمة و السلیقة المستقیمة، و النظر الصائب و الفكر الثاقب، عماد العلماء و صفوة الفقهاء، الورع التقی و العدل الزکی، محقق و مدقق، زبده العلماء الراشدین و قدوة الفقهاء و المجتهدین»<sup>۳</sup>.

۱. ر.ک: رحیمیان فردوسی، محمدعلی، متأله قرآنی (شیخ مجتبی قزوینی)، ص ۴۱۲، ۴۱۸.

۲. همان.

۳. همان.

### تشریف عظیم در مسجد سهله

مرحوم آیت الله، حاج شیخ مجتبی قزوینی رضوان الله تعالی علیه، تشرف معروف استادشان، مرحوم آیت الله آقا میرزا مهدی اصفهانی را به نقل از ایشان چنین نقل می فرمودند:

در ایام تحصیل که در نجف اشرف بودم، در علم اخلاق و تزکیه نفس و سیر و سلوک از محضر آقا سید احمد کربلایی که یکی از علمای بلند پایه اهل عرفان بود، استفاده می کردم، تا آنکه در رشد و کمالات معنوی و تزکیه نفس از نظر ایشان به حد کمال، و به اصطلاح به مقام قطیبت و فنای فی الله، رسیدم. ایشان به من درجه و سمت دستگیری از دیگران را داد، در حالی که مرا استاد در فلسفه اشراق می شمرد و عارف کامل و قطب و فانی فی الله می دانست. من که می دیدم از این راه به معارف حقه خالصه قرآنی دست نیافته ام، دلم آرام نگرفته بود و خود را در کمالات ناقص می دانستم، تا آنکه به فکرم رسید که شب های چهارشنبه به مسجد سهله بروم و متوسل به حضرت بقیت الله ارواحنا فداه بشوم. شاید آن آقای که خدای تعالی او را برای ما غوث و پناهگاه خلق قرار داده است، توجهی به من بفرماید و صراط مستقیم را به من نشان بدهد. از این روی مرتب به مسجد سهله می رفتم و از جمیع علوم می که درباره اش گفته اند: «علم رسمی سر به سر قیل است و قال، نه از آن کیفیتی حاصل نه حال» و از افکار عرفانی متصوفه، و از بافته های فلاسفه خود را خالی کردم و صد در صد با کمال اخلاص و توجه به مقام امام زمان علیه السلام، خود را در اختیار آن حضرت گذاشتم. پس از مدتی توسل، در شبی جمال پر نور حضرت بقیت الله ارواحنا فداه ظاهر شد و به من اظهار لطف بسیاری فرمود و برای آنکه میزانی در دست داشته باشم و همیشه با آن میزان حرکت کنم، این جمله را به من فرمود:

طَلَبُ الْمَعَارِفِ مِنْ غَيْرِ طَرِيقِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مُسَاوِقٌ لَانْكَارِنَا؛ جستجوی معارف و

شناخت حقایق، از غیر راه ما اهل بیت، مساوی است با انکار ما.<sup>۱</sup> وقتی مرحوم میرزای اصفهانی این جمله را از آن حضرت می شنود، متوجه می گردد که باید «معارف حقه» را تنها و تنها از مضامین آیات قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت استفاده کند. از این روی در این راه می کوشد و سرآن جام به مشهد مقدس مشرف می گردد و راه کسب معارف قرآن و اهل بیت را به اهل علم می آموزد، و پس از یک عمر مجاهده علمی و عملی، شاگردانی را تربیت می نماید که همه اهل معنا و تزکیه نفس بوده و در صراط مستقیم معارف حقه به درجاتی والا رسیده اند؛ شاگردانی کم نظیر که برخی از ایشان همچون علامه شیخ مجتبی قزوینی اهل تشرف به محضر امام زمان ارواحنا فداه نیز بوده اند.<sup>۲</sup>

این تشرف، جزء مسلمات زندگی علامه میرزا مهدی اصفهانی اعلی الله مقامه بوده است که عالمان و دانشمندان موثق و متعددی آن را نقل کرده اند.

#### تدارک تشرفی شفا بخش در حرم رضوی

استاد محمدرضا حکیمی و عده ای از علمای اهل وثوق، به نقل از استادشان علامه آیت الله شیخ مجتبی قزوینی اعلی الله مقامه، یکی از کرامات میرزای اصفهانی را چنین نقل فرموده اند: جناب آقای سید محمدباقر دامغانی که در مشهد ساکن بود و از علما و شاگردان مرحوم آیت الله میرزا مهدی اصفهانی به شمار می آمد، مدتی متمادی به مرض سل مبتلا و بسیار ضعیف و نحیف شده بود. آن روزها این مرض غیر قابل علاج بود، دکترها او را جواب کرده و همه از درمان او مأیوس شده بودند. یک روز دیدیم که او بسیار سرحال و سالم و بانشاط و بدون

۱. ر.ک: رحیمیان فردوسی، محمدعلی، متأله قرآنی (شیخ مجتبی قزوینی)، ص ۲۳۷-۲۳۹.

۲. همان.

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۳۷

هیچ کسالتی نزد ما آمد. همه تعجب کردیم و از او علت شفا یافتنش را پرسیدیم!! گفت: «دکترها مرا مایوس کرده بودند. یک روز که خون فراوانی از حلقم آمده بود، خدمت استاد علامه میرزا مهدی اصفهانی رفتم و به ایشان شرح حالم را گفتم. معظم‌له دو زانو نشست و با قاطعیت عجیبی به من گفت: «تو مگر سید نیستی؟! چرا از اجدادت رفع کسالت را نمی‌خواهی؟! چرا به محضر حضرت بقیت‌الله الاعظم علیه السلام نمی‌روی و از آن حضرت طلب حاجت نمی‌کنی؟ مگر نمی‌دانی آنها اسمای حسنا پروردگارند؟ مگر در دعای کمیل نخوانده‌ای که فرمود: «یا من اسمہ دواء و ذکرہ شفاء؛ ای خدایی که اسمش دوا و ذکرش شفا است»؟! تو اگر مسلمان باشی، اگر سید باشی، اگر شیعه باشی، باید شفایت را همین امروز از حضرت بقیت‌الله ارواحنا فداه بگیری!» و خلاصه آن قدر سخنان محرک و تهییج‌کننده به من گفت که گریه‌ام گرفت. به ناگاه از جا بلند شدم و مثل آن که می‌خواهم به محضر حضرت بقیت‌الله بروم، در حالی که بی‌اختیار اشک می‌ریختم و می‌گفتم: «یا حجت‌بن‌الحسن ادر کنی!»، به طرف صحن مقدس حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه السلام به راه افتادم. وقتی به در صحن عقیق رسیدم، آن‌جا را طور دیگری دیدم. صحن بسیار خلوت بود و تنها جمعیتی که در صحن دیده می‌شد، چند نفری بودند که با هم می‌رفتند. در پیشاپیش آنها سید بزرگواری بود که من فهمیدم آن سید، حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است. با خودم گفتم که چون ممکن است بروند و به آنها نرسم، خوب است صدا بزنم و از ایشان شفای مرض خود را بگیرم. همین که آن‌ها در دلم گذشت، دیدم آن حضرت برگشتند و نگاهی با گوشه چشم به من کردند. عرق سردی بر بدنم نشست، ناگهان صحن مقدس را به حال عادی دیدم و دیگر از آن چند نفر خبری نبود. مردم به طور عادی در صحن رفت و آمد می‌کردند. من بهت‌زده شدم. در این بین متوجه شدم که از آثار کسالت سل خبری نیست. به خانه برگشتم و پرهیز

را شکستم. اینک آن چنان حالم خوب و سالم شده است که حتی هر چه تلاش می‌کنم سرفه نکنم، نمی‌توانم».<sup>۱</sup>

مرحوم شیخ مجتبی قزوینی اعلی‌الله‌مقامه در این جا به گریه افتادند و فرمودند: «بله، این ماجرای تشریف آقای سید محمدباقر دامغانی بود، و من بعد از سال‌ها که او را می‌دیدم، حالش بسیار خوب بود و حتی چاق‌تر و سرحال‌تر از قبل شده بود».<sup>۲</sup>

### توصیه علامه میرزا مهدی اصفهانی درباره سلوک مهدوی

تنها راه انحصاری برای تقرب به ساحت ربوبی و نزدیکی به سات مهدوی را «پناه بردن به معارف قرآن کریم و تعالیم اهل بیت (علیهم‌السلام)» و «پشت پا زدن به تمام مکتب‌ها و مرام‌های دیگر» می‌دانست. اعتقاد قلبی‌اش این بود که: «چه در مقام علم و چه در مقام عمل، جز به معارف قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) سر نسیارید تا در شمار اهل بیت (علیهم‌السلام) در آیید!».

سراسر زندگی نورانی او، «توسل و توجه خاص به حضرت ولی عصر روحی فداه» بود. حضرتش می‌فرمود: «کمتر ریگی در مسجد سهله هست که اشک من بر آن نریخته باشد».<sup>۳</sup> آن جناب، برای باز شدن راه ارتباط با امام زمان (علیه‌السلام)، بیش از هر چیز بر «عمل به دستورات صاحبان ولایت و تعبد رفتاری به آنها» و «تداوم توسل و توجه به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در هر شب و روز» تأکید می‌ورزید. بدین سان، راه وصول به سعادت دنیا و آخرت را در سه امر خلاصه می‌دانست و به شاگردان خویش توصیه می‌فرمود:

۱. تمسک به قرآن و عترت: راه انحصاری وصول به سعادت را تمسک

۱. رحیمیان فردوسی، محمدعلی، متأله قرآنی (شیخ مجتبی قزوینی)، ص ۲۳۹-۲۴۰.

۲. همان،

۳. همان، ص ۶۴.

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۳۹

همه‌جانبه به معارف قرآن و عترت می‌دانست. بر انس شبانه‌روزی با قرآن تأکید می‌ورزید و تنها راه نجات را چنگ زدن به دامان ولایت می‌دانست.

۲. عمل به دستورات قرآن و صاحبان ولایت: بر تعبد محض نسبت به دستورالعمل‌های قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام و رفتار بر طبق آنها تأکید می‌ورزید.

۳. توسل و توجه خاص به ساحت حضرت ولی عصر علیه‌السلام: باور قلبی‌اش بر این بود که واسطه همه فیوضات کلی و جزئی و کلید همه برکت‌ها و نعمت‌ها و فیض‌ها و عنایت‌ها و توفیق‌ها و وصول‌ها، ولی عصر و زمان است. برای سالک الی‌الله، ضروری می‌دانست که تمام توجهش به سوی «وجه‌اللّهی» باشد که «إلیه یتوجّه الاولیاء» و هر صبح و شب و در تمام لحظات به یاد او باشد که هموست: السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ»<sup>۱</sup>.

## ۹. شیخ مجتبی قزوینی

### دارای مقام تشرف

رحمت خدا بر او باد! چه اصرار و رز عجیبی بود در دفاع از مکتب قرآن و اهل‌بیت! آن جناب در تقوا و زهد و ریاضت شرعی و عمل به معارف قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام، از کم‌مانندان روزگار بود. او همواره دارای سه اشتغال و ریاضت شرعی بود: ۱. از نظر بدنی و تصفیه جسم، دائم‌الجوع (به طور مداوم در حال گرسنگی) بود؛ ۲. از نظر قلبی، دائم‌الذکر (به طور مداوم در حال حضور و ذکر قلبی) بود؛ ۳. از نظر روحی، دائم‌التعقل (به طور مداوم در حال تفکر) بود.<sup>۲</sup> و چنین صفاتی بود که آن رادمرد الهی را به مقامات عالی و کرامات والای روحی، مشاهدات عظیم و «مقام تشرف و حضور» رسانده بود، و هر کس در عصر غیبت

۱. ر.ک: رحیمیان فردوسی، محمدعلی، مقاله قرآنی (شیخ مجتبی قزوینی)، ص ۲۶۸.

۲. همان، ص ۵۹.



به این پایه از علم و معرفت و تهذیب نفس برسد، به یقین در شمار «اصحاب ائمه» و رستگاران به مقام «منا اهل البیت» خواهد بود؛ همان کسانی که «غیبت» برای آنان به منزله «حضور» است و خود را در همه جا و همه حال در محضر مولایشان می‌یابند. او به «مقام صدیقین» رسیده بود و گاه می‌فرمود: «این از مقام صدیقین است که کسی از این سر شهر تا آن سر شهر برود و همه را به صورت باطنی ببیند و دم برنیاورد و هیچ تغییر حالتی نسبت به کسی ندهد».<sup>۱</sup>

### سیره علمی و تربیتی

شیخ استاد، در بیان معارف مستقل قرآنی و تعالیم خالص و به دور از التقاط اوصیایی و نشان دادن گوشه‌هایی از عظمت قرآن کریم و اهل‌بیت علیهم‌السلام، شوری عجیب و شوقی غریب داشت. رهاورد این شور و شوق، سامان دادن یک دوره تفسیر موضوعی در پنج جلد به نام «بیان الفرقان» بوده است: ۱. جلد اول در بیان توحید ناب قرآنی و هشت فرق اساسی آن با توحید فلسفی و عرفانی؛ ۲. جلد دوم در بیان وحی و نبوت از منظر قرآن و جهات کمالی قرآن؛ ۳. جلد سوم در بیان معاد قرآنی و فرق آن با معاد فلسفی و عرفانی؛ ۴. جلد چهارم در بیان عصمت و امامت؛ ۵. جلد پنجم در بیان، غیبت، رجعت و شفاعت.

آن جناب، در تدریس فلسفه، حکمت و عرفان در اوج مهارت، تبحر و امانت‌داری بود؛ به گونه‌ای که مطالب فلسفی و عرفانی را با وسواس دقیق علمی تقریر می‌فرمود و آن‌گاه با کمال قدرت علمی به سنجش و نقد آن از منظر آیات و روایات می‌پرداخت. شیخ استاد، معتقد بود که باید فلسفه و عرفان به وسیله واجدان شرایط برای واجدان شرایط تدریس شود، اما به صورت اجتهادی نه

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۴۱

تقلیدی و بر پایه «نقد فلسفی و عرفانی» بر مبنای نظام مستقل معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام.<sup>۱</sup>

او مربی کامل و مکملی بود که در پرتو عنایات خاص ثامن الحجج و حضرت ولی عصر علیه‌السلام توفیق یافت تا در طول چهل سال تدریس و تعلیم و تربیت، ده‌ها تن عالم و فاضل و مدرس و محقق و مؤلف و وعاظ را در سایه مهر آیین خویش پروراند. شماری از شاگردان معروف شیخ استاد عبارتند از: آیت‌الله العظمی حاج سید علی سیستانی (بزرگ مرجع جهان تشیع)، استاد محمدرضا حکیمی، آیت‌الله شیخ ابوالقاسم خزعلی، پروفیسور عبدالجواد فلاطوری، آیت‌الله شهید سید محمدرضا سعیدی، شهید حجت‌الاسلام حاج سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی کجوری (معروف به نقاد فلسفه).<sup>۲</sup>

نسبت به طلاب، در اوج تواضع و فروتنی و افتادگی رفتار می‌کرد و به صورتی پدروار به حال و احوال ایشان رسیدگی می‌کرد. او گاه از نیازهای خویش چشم می‌پوشید تا طلبه‌های تنگدست را مدد رساند. به سادات احترامی ویژه می‌گذاشت. در طول چهل سال، تمام دروس فقه و اصول را در دوره‌های سطح و خارج به علاوه متون مهم فلسفه و حکمت را به شیوه فلسفه انتقادی و اجتهادی و نیز معارف ناب قرآنی را تدریس می‌کرد. روش تدریس ایشان بسیار آموزنده و پرورنده استعداد نشان‌دهنده راه تفکر اجتهادی در مقام تعقل بود. او «نقد فلسفی» را به اوج رسانید و میان معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام از سویی و مطالب فلسفه و عرفان از سویی دیگر، طبق شیوه‌ای علمی و عقلی، تفکیک نمود.<sup>۳</sup>

---

۱. همان، ص ۵۵-۵۸.

۲. همان، ص ۹۹-۱۰۲.

۳. همان، ص ۹۹-۱۰۲.

## تشریف در حرم رضوی

در یکی از موارد فقر شدید می گوید که حاج شیخ بدان مبتلا می شوند، شبی با دست خالی و ناراحتی به منزل می روند. مادرشان این ناراحتی شدید را در چهره ایشان می بیند، سفره را می آورد و می گوید: «اینقدر ناراحت نباشید، مقداری نان خشک داریم». در همین هنگام کسی در می زند، مادر می رود و در را باز می کند؛ کسی که در زده بود، در را می گیرد. و می گذارد کاملاً در باز شود. کیسه پولی می دهد و می گوید: «به آقا مجتبی بگویید: «شما مورد نظر و توجه ما هستید، و از نظر ما دور نیستند»». مادر پول را می گیرد و می آورد. و جملاتی را که آن آقا گفته بودند، به حاج شیخ می گوید. حاج شیخ متوجه جریان می شوند و بسیار متأثر می گردند که چرا خودشان نرفتند در را باز کنند.

پس از این جریان، همواره به توسل و توجه و انابه می پردازند. و مدتی چنین می گذرد، تابشی خواب می بیند که در عالم رؤیا کسی کاغذی به ایشان می دهد، که در اطراف آن کاغذ آیاتی نوشته شده است: «وسط آن نوشته است: «بسم الله الرحمن الرحیم»، و در آخر کاغذ نوشته شده است: «الاربعین» حاج شیخ، فردای آن شب، خدمت استادشان، آیت الله آقا میرزا مهدی اصفهانی می روند و خوابشان را می گویند. مرحوم میرزا متأثر می شود و می گیرد و خواب را چنین تعبیر می کند: «آیات قرآن و بسم الله حقایقی از بطون قرآن است که به شما خواهد رسید، اما «الاربعین» آخر کاغذ، اشاره به آن هنگامی دارد که شما خدمت حضرت می رسید.

حاج شیخ می گفتند: «بعد از این تعبیر من همواره انتظار آن هنگام را می کشیدم تا موعد معهود فرا رسید؛ در آن هنگام من بی اختیار از خانه بیرون آمدم و به طرف حرم مطهر امام رضا علیه السلام رفتم، وارد صحن شدم که یکباره دیدم آقا امام زمان علیه السلام آن جا تشریف دارند. من در همان نگاه اول آن وجود مبارک را

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۴۳

شناختم و چون به ایشان نزدیک شدم، آغوش باز کردند و مرا در آغوش گرفتند و...»<sup>۱</sup>.

### توصیه‌های توفیق‌بخش در سلوک مهدوی

از آن بزرگوار پرسیدند: «آیا راهی برای دیدار امام زمان علیه السلام وجود دارد یا نه؟» فرمود: «بله. بستگی دارد به خود آدم و تقوای آدم». جناب شیخ در رابطه با راهکار ارتباط و دیدار با حضرت ولی عصر علیه السلام می‌فرمود: «دو چیز را باید رعایت کنید: ۱. هر چه برای حضرت می‌گویید، راست بگویید؛ ۲. از حریم حضرت دفاع کنید!» و در تبیین معنای راست گفتن می‌فرمود: «راجع به امام زمان علیه السلام هر چه می‌گویید، راست باشد؛ یعنی حاضر باشید جان و مال خود را در راه امام زمان علیه السلام در طبق اخلاص بگذارید؛ چون این راه امتحان دارد. آماده باشید که در این راه امتحان سختی خواهید شد!»

می‌فرمود: «وظیفه ما این است که نام حضرت را زنده کنیم. در زمان خانه نشینی حضرت امیر علیه السلام، شیعیان برای احیای نام حضرت، موقع بلند شدن «یا علی» می‌گفتند. الان زمان خانه‌نشینی حضرت مهدی علیه السلام است و باید برای احیای نام حضرت تلاش کرد. در همه حال بگویید: «یا ولی عصر!» خودشان هم هر گاه از جا بلند می‌شدند، می‌گفتند: «یا ولی عصر!». توصیه همیشگی آن ولی و یاور امام زمان علیه السلام این بود: «کاری کنید که مورد توجه و عنایت خاص حضرت ولی عصر علیه السلام قرار گیرید!»<sup>۲</sup>.

### ۱۰. آیت الله العظمی مرعشی نجفی

فقیه و مرجع عالی قدر، بزرگ فرهنگبان میراث اسلامی، حضرت آیت الله العظمی

۱. ر.ک: رحیمیان فردوسی، محمدعلی، متأله قرآنی (شیخ مجتبی قزوینی خراسانی)، ص ۲۹۶-۲۹۷.

۲. همان، ص ۲۹۴.

مرعشی نجفی، از دانشمندان شهیر جهان اسلام که در بیش تر علوم اسلامی متبحر و صاحب نظر بود. تدریس بیش از شصت و هشت سال در حوزه علمیه قم و نیز قبل از آن در نجف اشرف و تربیت هزاران شاگرد که هر یک خود در شمار بزرگان اسلام بوده و می باشند، بخشی از خدمات آن عالم فرزانه به حساب می آید.

بنیاد صدها مدرسه علمی و هزارن مسجد، حسینیه، کتابخانه و مراکز فرهنگی، رفاهی و درمانی در قم و شهرستان های داخل و خارج کشور، و نیز احیا و اشاعه آثار دانشمندان متقدم اسلامی، همچنین تألیف و تصنیف بیش از صد اثر در علوم مختلف اسلامی به ویژه فقه، اصول، کلام، تفسیر، رجال، درایه، انساب و ادبیات، از دیگر برکات عمر شریف به شمار می آید.

دریافت بیش از چهارصد اجازه روایتی از علمای بزرگ شیعه و اهل سنت و زیدیه، خود گواه بر جامعیت آن بزرگمرد در علوم اسلامی است که در یکی دو سده اخیر چنین جامعیتی را در دیگران کمتر یافته ایم.

علاقه وصف ناپذیر آن مرحوم به مطالعه و جمع آوری آثار گذشتگان به منظور حفظ و حراست و جلوگیری از تاراج آنها، ایشان را بر آن داشت تا بنیاد کتابخانه بی نظیری را پی ریزی نماید.

از روزگاری که در نجف اشرف به تحصیل و تدریس اشتغال داشته اند، پیوسته در جمع آوری کتاب های نفیس خطی از هر فرصتی استفاده نموده و با انجام روزه و نماز استیجاری، کار شبانه در کارگاه برنج کوبی و حذف یک وعده غذا در بیست و چهار ساعت، وجوه به دست آمده را صرف خرید کتاب می کرد و همه آنها هم اکنون در گنجینه کتابخانه بزرگ ایشان در قم مورد استفاده محققان می باشد.

در نتیجه یک عمر تلاش مستمر ایشان، اکنون شاهد کتابخانه عظیمی هستیم که دربرگیرنده صدها هزار مجلد کتاب چاپی، عکسی، میکروفیلم و بیش از ۳۵۰۰۰ مجلد کتاب خطی نفیس منحصر به فرد که بیش از هفتاد هزار عنوان

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۴۵

می‌باشد و غالباً به خطوط مبارک دانشمندان بزرگ و مشهور اسلامی و از ذخایر فرهنگی مذهبی کشور ما به شمار می‌آید و در حال حاضر از لحاظ شمول نسخه‌های خطی نفیس، نخستین کتابخانه کشور، سومین کتابخانه جهان اسلام و یکی از بزرگ‌ترین و مشهورترین کتابخانه‌ها در جهان به شمار می‌آید.

از آن جناب، سه تشریف‌اعجاز‌آمیز به محضر امام زمان علیه السلام ثبت شده است:

۱. تشریفی نجات‌بخش در سرداب مقدس سامرا؛

۲. تشریفی اعجاز‌آمیز در میانه راه سامرا به زیارتگاه سید محمد؛

۳. تشریفی تحول‌آفرین در مسجد سهله که اینک مروری گذرا بر آن

خواهیم داشت:

در سهله و جمکران تو را می‌جویم!

داستان تشریف آیت‌الله العظمی مرعشی‌نجفی در مسجد سهله<sup>۱</sup>

در سهله و جمکران تو را می‌جویم!

عَجَل لَوْلِيكَ الْفَرَجَ مِي گُويم!

فصل عطشناکی روح

بعد از ظهر یک روز سه‌شنبه سرد زمستانی بود و من وسایل مربوط به ترتیب دادن چای و قهوه و قلیان را در بقچه‌ای گذاشته و آماده رفتن بودم؛ رفتن به مسجد سهله به شوق دیدار مولایم آقا امام زمان علیه السلام. عهد کرده بودم تا چهل شب

---

۱. لازم به تذکر است که حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی‌نجفی اعلی‌الله مقامه این داستان‌ها را در زمان حیاتشان به فارسی نوشته و در اختیار برخی از خواص، از جمله صاحب کتاب منتخبات و نیز صاحب کتاب منتقم حقیقی، قرار داده و تصریح فرموده بودند که این حکایات را به نام من نقل نکنید، مگر بعد از مرگم. این حکایات بدون ذکر نام ایشان، در زمان حیاتشان به چاپ رسید و بعد از وفاتشان معلوم شد که این تشریفات پربرکت مربوط به ایشان بوده است. ر.ک: قاضی زاهدی، احمد، شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱،

چهارشنبه پیاپی به مسجد سهله بروم و به عبادت و راز و نیاز پردازم تا توفیق ملاقات آقا را پیدا کنم. آخر ممکن نیست که چهل شب چهارشنبه بگذرد و امام زمان علیه السلام به مسجد سهله نیاید.

تا آن زمان، حدود سی و پنج هفته پشت سر هم به مسجد سهله رفته و شب را تا به صبح در آن جا مانده بودم. دیگر چیزی نمانده بود که چهل شب تکمیل شود. اما مگر آسمان می گذاشت؟! اخم هایش را در هم کرده بود و مرتب می نالید و اشک می ریخت. ابرهای سیاهی که آن روز میهمان آسمان نجف و کوفه بودند، همه جا را تاریک و خیس کرده بودند و قصد رفتن هم نداشتند. من هم بقچه در بغل، کنار پنجره حجره ایستاده و چشم به آسمان دوخته بودم که کی باران بند می آید. دلم مثل سیر و سرکه می جوشید. می ترسیدم نتوانم اول اذان مغرب، خودم را به مسجد سهله برسانم. از طرفی به صلاح نبود که هنگام تاریکی شب در بیابان باشم؛ آن هم تک و تنها! آخر داستان های بسیاری درباره راهزن هایی که در تاریکی شب به رهگذران تنها در آن مسیر حمله کرده بودند، شنیده بودم.

در همین افکار بودم که برقی از آسمان جهید و با صدای سهمگین رعدی که چند ثانیه پس از آن غرید، به خودم آمدم که دیگر خیلی دارد دیر می شود. هر طوری شده، باید بروم.

این حرف ها را به خود گفتم و به راه افتادم. ابرها هم که دیدند نمی توانند جلوی رفتن مرا بگیرند، از رو رفتند و بساط گریه و زاری شان را جمع کردند. هوای تمیز و لطیفی بود، اما راه رفتن بر روی آن زمین های پر از گل و شل، آسان نبود؛ به خصوص با آن نعلین های پر از وصله و پینه! به نزدیکی های مسجد سهله که رسیدم، هوا دیگر کاملاً تاریک شده بود. هزار جور فکر و خیال به سوی ذهنم هجوم آورد. وقتی به یاد راهزن ها افتادم، حسابی هول برم داشت. به خندقی

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۴۷

که در نزدیکی مسجد سهله بود، رسیدم. آب فراوانی در آن جمع شده بود. دامن عبا و قبایم را جمع کردم و بسم‌الله گویان پا درون خندق گذاشتم. اما در یک آن، سر جایم می‌خکوب شدم. گوش‌هایم را تیز کردم. صدای پای کسی را که در درون گل‌ها قدم برمی‌داشت، از پشت سر شنیدم. عرق سردی بر پشتم نشست و ضربان قلبم شدت گرفت؛ به گونه‌ای که صدای تاپ و توپ آن را در آن سکوت وحشت‌زا به خوبی می‌شنیدم. با هزار ترس و لرز برگشتم و به پشت سر نگاه کردم. شیخ سید عربی را دیدم که داشت به من نزدیک می‌شد. نمی‌دانم در آن تاریکی، از کجا فهمیدم که سید است؟!

راحت جان

پیش از آن که من چیزی بگویم، او با صدای رسا و زبان عربی فصیح گفت: «سلام علیکم!» خیالم راحت شد. نفس عمیقی کشیدم و جواب سلامش را دادم. اضطراب و نگرانی، سرزمین وجودم را تخلیه کرد و جای خود را به آرامش و سکون داد. به من که رسید، پرسید: «به کجا می‌روی؟» گفتم: «به مسجد سهله» فرمود: «به مسجد سهله؟! آن هم در این شب سرد و بارانی و تاریک؟! نمی‌شد آمدنت را برای وقتی دیگر می‌گذاشتی؟»

عرضه داشتم: «نه، نمی‌شد. یعنی برنامه‌ام به هم می‌خورد. حیف می‌شد. آخر عهد کرده‌ام چهل شب چهارشنبه پیاپی در مسجد سهله بیتوته کنم تا ان‌شاءالله آقا امام زمان علیه السلام را ملاقات نمایم. تا امروز، سی و پنج چهارشنبه موفق شده‌ام به مسجد سهله بروم. حالا که تا این‌جا رسانیده‌ام، حیف می‌شد به خاطر باران یا تاریکی هوا، برنامه‌ام را ناتمام بگذارم...».

به همراه دلدار

دیگر به مسجد زیدبن‌صوحان رسیده بودیم. به همراه یک‌دیگر وارد مسجد شدیم و هر کدام دو رکعت نماز تحیت مسجد خواندیم. بعد از نماز، سید عرب



خواندن دعایی مخصوص را شروع کرد. به ناگاه متوجه شدم در و دیوار مسجد با او هم آوا شده‌اند و دعاهایی را که او می‌خواند، زمزمه می‌کنند. با این که فقط ما دو نفر داخل مسجد بودیم، ولی می‌پنداشتی که هزار نفر دارند با هم دعا می‌خوانند؛ دعایی از سر سوز! عجیب تحت تأثیر آن دعا و فضا قرار گرفته بودم. هرگز چنین چیزی ندیده و از هیچ مجلس دعایی چنان لذتی نبرده بودم.

دعا که تمام شد، احساس کردم خیلی گرسنه‌ام. هنوز کلمه‌ای به زبان نیاورده بودم که سید عرب سفره‌ای از زیر عبایش بیرون آورد و در حالی که آن را پیش رویمان می‌گستراند، گفت: «سید! تو گرسنه‌ای. خوب است شام بخوریم و بعد از آن عازم مسجد سهله بشویم.»

سه قرص نان و چند خیار بسیار سبز و تازه در سفره بود. پوست خیارها برق می‌زد و بوی آن انسان را به هوس می‌انداخت. عجیب است که اصلاً به ذهنم خطور نکرد که این سید عرب این خیارهای سبز و تازه را در این چله زمستان از کجا آورده است؟!

شام ساده، اما بی نظیری بود. سید عرب، سفره را که جمع کرد، گفت: «پاشو به مسجد سهله برویم! نماز مغرب و عشا را در آنجا خواهیم خواند.»

وقتی وارد مسجد سهله شدیم، ابتدا دو رکعت نماز تحیت مسجد خواندیم. در آن روزها، دچار حالتی شده بودم که در عدالت هر کسی، حتی کسانی که سال‌ها آنها را می‌شناختم و هیچ خلاف شرع و عرفی از آنها ندیده بودم، شک می‌کردم و نمی‌توانستم در نماز جماعت به آنها اقتدا کنم، اما همین که سید عرب به نماز مغرب و عشا بی اختیار قامت بستم و با طیب خاطر به او اقتدا کردم. هر کاری که سید انجام می‌داد، من هم انجام می‌دادم. نافله مغرب و عشا و دعای مخصوص را سید خواند، همچنین نمازهای دو رکعتی وارده در مقامات مختلف را خواند: مقام امام زین‌العابدین علیه السلام، مقام امام صادق علیه السلام و مقام حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام. وقتی او

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۴۹

نماز می‌خواند، به وضوح حس می‌کردم که همه اجزا و ارکان مسجد نیز هماهنگ با او نماز می‌خوانند و ذکر می‌گویند. این دومین بار بود که من در یک شب، چنین چیزی را تجربه می‌کردم.

اتصال به سرچشمه دانش

سید عرب، بعد از اتمام اعمال مسجد سهله، از من پرسید: «سید! برنامه‌ات چیست؟ آیا بعد از اعمال مسجد سهله به مسجد کوفه می‌روی یا همین جا می‌مانی؟» من هم جواب دادم: «همین جا می‌مانم. می‌ترسم همان وقتی که به مسجد کوفه می‌روم، آقا تشریف بیاورند و بعد از این همه زحمت، از فوز دیدار روی مبارکش محروم بمانم.»

وقتی در وسط مسجد، در مقام امام صادق علیه السلام نشستیم، پرسیدم: «آیا جای یا قهوه یا قلیان میل دارید تا برایتان آماده کنم؟»

پاسخی داد که تا اعماق وجودم نفوذ کرد و تنم را لرزاند. الآن هم که ده‌ها سال از آن زمان می‌گذرد، هر وقت می‌خواهم یک استکان چای بنوشم، به یاد آن جمله می‌افتم و تمام بدنم می‌لرزد. پاسخ آن بزرگوار چنین بود: «اینها از امور غیر ضروری زندگی است و ما از آن اجتناب می‌کنیم.»

نسیم ملایم و روح‌فزایی وزیدن گرفت. انگار نه انگار که زمستان بود! صحبت‌هایمان گُل انداخت و حدود دو ساعت به طول انجامید. صحبت از استخاره به میان آمد. پرسید: «سید! چگونه با تسبیح استخاره می‌کنی؟» در پاسخ گفتم: «حُب معلوم است. ابتدا سه تا صلوات می‌فرستم. بعد سه مرتبه می‌گوییم: «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةً فِي عَافِيهِ»<sup>۱</sup> پس از آن مقداری از دانه‌های تسبیح را می‌گیرم و دو تا - دو تا می‌شمارم. اگر دست آخر دو تا ماند، استخاره بد است و اگر یکی ماند، خوب است.»

۱. یعنی از خدا به سبب رحمتش طلب خیر می‌کنم؛ خیری در کمال سلامت و عافیت.

## ۲۵۰ □ سلوک مهدوی

سید عرب، نگاهش را از سر محبت در نگاه من گره زد و گفت: «این نوع استخاره، باقیمانده‌ای دارد که به شما نرسیده است و آن این است که اگر دست آخر، تنها یک مهره از تسبیح باقی ماند، فوراً حکم به خوبی استخاره نکنید، بلکه توقف کنید و دوباره بر ترک عمل مورد نظر نیز استخاره نمایید. اگر در پایان شمارش، دو تا مهره باقی ماند، معلوم می‌شود که آن استخاره خوب بوده است و چنانچه یک مهره باقی ماند، معلوم می‌شود که آن استخاره میانه بوده است.»

بر اساس قواعد علمی، باید برای این روش استخاره، از او دلیل می‌خواستیم، اما به مجرد شنیدن حرف‌هایش، در بست تسلیم شدم و همه‌اش را پذیرفتم. نه تنها در استخاره، بلکه در سایر سخنانش نیز چنین بود.

### دستورالعمل‌های ویژه مهدوی

آن‌گاه دستورالعمل‌هایی ویژه ارائه فرمودند که خلاصه‌وار عبارت بودند از:

۱. بعد از نمازهای واجب پنجگانه شبانه‌روزی، این سوره‌ها را بخوان: بعد از نماز صبح، سوره یس؛ بعد از نماز ظهر، سوره نبأ؛ بعد از نماز عصر، سوره نوح؛ بعد از نماز مغرب، سوره واقعه؛ و بعد از نماز عشا، سوره ملک؛
۲. بین نمازهای مغرب و عشا دو رکعت نماز بخوان: در رکعت اول بعد از حمد هر سوره‌ای که دوست‌داشتی و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره واقعه را بخوان؛

۳. بعد از نمازهای پنجگانه این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ سَرِّحْنِي عَنِ الْهُمُومِ وَالْغُمُومِ وَوَحْشَةِ الصُّدْرِ وَوَسْوَاسَةِ الشَّيْطَانِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»<sup>۱</sup>؛
۴. بعد از ذکر رکوع در نمازهای پنجگانه، به خصوص در رکعت آخر، بگو:

---

۱. یعنی پروردگارا! مرا از هم و غم و از وحشت سینه (ترس و کینه) و از وسوسه‌های شیطانی دور فرما! به حق رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان!

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۵۱

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَيَّ عَجْزَنَا وَاغْنِنَا بِحَقِّهِمْ»<sup>۳</sup>؛  
۵. شرایع الإسلام مرحوم محقق حلی کتاب بسیار خوبی است و به جز اندکی از مطالب آن، الباقی مطابق با واقع می‌باشد؛  
۶. سعی کن فراوان قرآن بخوانی و ثواب آن را به شیعیانی که از دنیا رفته‌اند و وارثی ندارند یا وارث دارند، ولی یادی از آنها نمی‌کنند، هدیه کنی؛  
۷. وقتی نماز می‌خوانی، تحت‌الحنک عمامهات را از زیر چانه‌ات رد کن و سر آن را در عمامهات قرار بده؛

۸. زیارت حضرت سیدالشهدا<sup>علیه السلام</sup> را فراموش مکن!  
بعد هم در حق من دعا کرد و فرمود: «خداوند تو را خدمتگزاران شرع مقدس اسلام قرار دهد!»

نمی‌دانم چگونه به من الهام شده بود که این مرد از همه چیز، حتی از عالم ارواح و آینده اشخاص، نیز مطلع است. این بود که با نگرانی و اضطراب، نسبت به آینده دینم، پرسیدم: «نمی‌دانم عاقبت کارم خیر است یا نه؟ نمی‌دانم نزد صاحب شرع مقدس روسفیدم یا خدای نکرده روسیاه؟» جوابی که به من داد آسودگی خیال را برایم به ارمغان آورد: «عاقبت تو خیر و سعیت مشکور است و بحمدالله نزد خداوند متعال روسفیدی».

آخرین نگرانی‌ام را نیز با او در میان گذاشتم: «نمی‌دانم آیا پدر و مادر و دیگر کسانی که حق بر گردن من دارند، از من راضی‌اند یا نه؟» و جواب آن بزرگوار این بود: «همه آنها از تو راضی‌اند و درباره‌ات دعا می‌کنند».  
از او خواستم که اگر ممکن است شما هم لطف کنید و برایم دعا کنید که در راه تألیف و تصنیف علوم دینی، موفق باشم. آن جناب نیز برایم دعا فرمودند.

---

۳. یعنی پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود فرست و بر ناتوانی ما رحم فرما! و به حق آنها به فریاد ما برس!

## در حسرت آن طلعت آفتابی

هنگامی که برایم دعا کرد، اجازه گرفتم تا برای تجدید وضو از مسجد خارج شوم. نزدیک حوض که رسیدم، مجموعه‌ای از سؤالات به ذهنم هجوم آورد: «امشب چه شبی است؟! این سید عرب کیست که این همه فضل دارد؟! اصلاً در آن تاریکی خندق از کجا رنگِ عمامه مرا تشخیص داد و متوجه سیادت من شد؟! در این چله زمستان، آن خیارهای به آن سبزی را از کجا آورده بود؟! ... نکند این آقا همان مقصود و معشوق من باشد که حدود سی و شش شب چهارشنبه به شوق دیدارش به این جا آمده و بیتوته کرده‌ام؟! نکند او امام زمان من باشد و من ساعت‌ها با او بوده و او را نشناخته‌ام؟!...»

تا این افکار به ذهنم خطور کرد، با اضطراب برگشتم و به جایگاهی که روی آن نشسته بودیم، نگاهی انداختم؛ اما از او هیچ خبر و اثری نبود. در داخل مسجد شروع کردم به این طرف و آن طرف دویدن و اشک ریختن. و عجیب آن که حتی یک نفر هم در مسجد نبود! در آن هنگام، این شعر به ذهنم آمد که می‌گوید:

آب در کوزه و ما تشنه‌لبان می‌گردیم یار در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم  
از مسجد خارج شدم و شروع کردم به این طرف و آن طرف دویدن: گاه  
داخل مسجد می‌شدم و گاه بیرون. با خود شعر می‌خواندم و دیوانه وار بر سر  
می‌زدم و می‌گریستم. بالأخره سپیده صبح دمید، ولی خورشید جمال معشوقم  
دوباره طلوع نکرد. من ماندم و اندوهی بزرگ که بر دلم سنگینی می‌کرد...<sup>۱</sup>

۱. صبوری، حسین، تشرفات مرعشیه، ص ۲۱-۳۲. و نیز ر.ک: قاضی زاهدی، احمد، شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۳۰-۱۳۵؛ فرازهایی از وصیتنامه الهی - اخلاقی آیت‌الله مرعشی نجفی به ضمیمه تشرفات معظم‌له به محضر حضرت ولی عصر علیه السلام، ص ۴۵-۴۹.

## ۱۱. شیخ رجبعلی خیاط (نکوگویان)

### سراسر انتظار

جناب شیخ رجبعلی خیاط، از جمله مجذوبان سالکی است که در طول عمر پربرکت و سراسر نورانی خویش، در پرتو عشق شدید به اهل بیت عصمت و طهارت و در سایه‌سار ولایت مولانا صاحب‌الزمان علیه السلام، به مقامات والای عرفانی و توحیدی دست یافت.

سرتاسر وجود آن عارف واصل را انتظار فرج حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پر کرده بود؛ به گونه‌ای که همواره به شاگردان و آشنایان خویش تذکر می‌داد که چیزی جز فرج امام زمان علیه السلام از خداوند تقاضا نکنید و خود آن جناب نیز هیچ خواسته مهمی جز فرج حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در دل نداشت. حالت انتظار تا حدی در جناب شیخ قوت داشت که هرگاه از فرج حضرت ولی عصر علیه السلام صحبت می‌کرد، به شدت منقلب می‌شد و می‌گریست. جناب شیخ همیشه اصرار داشت که: «با همه وجودت در انتظار مولایت باش و حالت انتظار را با مشیت حق همراه کن!»

### عنایت امام زمان علیه السلام به منتظران حقیقی

آن بزرگوار درباره عنایت ویژه امام زمان علیه السلام به منتظران حقیقی خویش می‌فرمود: «پینه‌دوزی ترک زبان به نام امامعلی در شهر ری زندگی می‌کرد که هیچ اهل و عیالی نداشت و مسکن او هم همان دکانش بود. حالات فوق‌العاده‌ای داشت و خواسته‌ای جز فرج آقا در وجودش نبود. او وصیت کرد که پس از وفاتش او را در پای کوه بی‌بی شهربانو، در حوالی شهر ری، دفن کنند. هر وقت به قبر ایشان توجه کردم، دیدم امام زمان علیه السلام در آن جا است». این فرموده شیخ،

## ۲۵۴ □ سلوک مهدوی

خود گواه و شاهدی بر تشرفات و دیدارهای متعدد آن جناب با قلب عالم امکان، امام زمان ارواحناده می باشد.

نکته مهمی که جناب شیخ بر آن تأکید می ورزید، این بود که: «شخص منتظر باید آمادگی و آراستگی لازم برای ظهور و درک حضور امام زمان علیه السلام را در خود ایجاد نماید، اگرچه عمر او برای درک ظهور و حضور آن بزرگوار کافی نباشد». روزی جناب شیخ، به هنگام دفن جوانی، فرمود: «دیدم که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام آغوش خویش را برای این جوان گشود. پرسیدم: «آخرین حرف این جوان به هنگام مرگ چه بود؟» گفتند: «در آخرین نفس این شعر را زمزمه می کرد:

منتظران را به لب آمد نفس      ای شه خوبان تو به فریاد رس!»

جناب شیخ معتقد بود که منتظران واقعی امام زمان علیه السلام پس از مرگشان، به هنگام ظهور مولایشان، رجعت می کنند تا به خدمت گزاری در رکاب آن حضرت توفیق یابند. از جمله کسانی که جناب شیخ آنها را در زمره اهل رجعت نام می برد، «علی بن جعفر علیه السلام» مدفون در گلزار شهدای قم و «میرزای قمی» مدفون در قبرستان شیخان قم بود.

### توصیه های جناب شیخ برای توفیق در سلوک مهدوی

جناب شیخ برای رسیدن به توفیق در سیر و سلوک مهدوی بر سه امر تأکید می ورزید:

#### ۱. اختصاص قلب به خدا

توصیه همیشگی شیخ این بود: «کوشش کن که قلب تو فقط برای خدا باشد. وقتی قلب تو برای خدا شد، خدا در آن جا است. وقتی خدا در قلب تو باشد، همه چیز در آن جا حاضر و ظاهر خواهد شد. و چون خدا آن جا است، ارواح تمام انبیا و

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۵۵

اولیا آن‌جا است (؛ امام زمان علیه السلام آن‌جا است)؛ اراده کنی مکه و مدینه و... همه نزد تو هستند. ...پس کوشش کن قلبت فقط برای خدا باشد!»

### ۲. دعا برای تعجیل فرج و کار برای امام زمان علیه السلام

جناب شیخ می‌فرمود: «اغلب مردم اظهار می‌کنند که امام زمان علیه السلام را از خویشتن نیز بیشتر دوست دارند، حال آنکه این‌گونه نیست؛ زیرا اگر او را از خود بیشتر دوست داشته باشیم، باید برای او کار کنیم، نه برای خود. همه دعا کنید که خداوند موانع ظهور آن حضرت را برطرف کند و دل شما را با آن وجود مبارک یکی کند!» جناب شیخ خود همیشه متوجه آن حضرت بود و ذکر صلوات را هیچگاه بدون «وَعَجَّلِ فَرَجَهُمْ» نمی‌گفت و جلسات ایشان بدون یاد و تجلیل از وجود مقدس امام عصر علیه السلام و دعا برای تعجیل فرج آن حضرت برگزار نمی‌شد.

### ۳. انس با قرآن

جناب شیخ بر تلاوت قرآن، به ویژه تلاوت سوره صافات در صبحگاهان و تلاوت سوره حشر در شبانگاهان، تأکید می‌ورزید و تلاوت این دو سوره را در صبح و شام برای دست یافتن به صفای باطن مفید می‌دانست.

آن بزرگوار، برای تشریف به محضر حضرت ولی عصر علیه السلام، قرائت کریمه «رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا»<sup>۱</sup> را تا چهل شب، شبی صد مرتبه، توصیه می‌فرمود.

یکی از شاگردان شیخ به نزد شیخ می‌آید و عرض می‌نماید: «این دستورالعمل را آن‌جام دادم، ولی موفق نشدم!» جناب شیخ توجهی می‌کند و می‌فرماید: «هنگامی که در مسجد نماز می‌خواندید، سیدی به شما فرمود: «انگشتر به دست

---

۱. اسراء (۱۷)، ۸۰.



چپ کردن کراحت دارد” و شما گفتید: “کُلُّ مَكْرُوهِ جَائِزٌ”، هم ایشان امام زمان علیه السلام بودند.

دو نفر مغازه دار عهده دار زندگی خانواده سیدی می شوند. یکی از آن دو، برای تشریف به محضر امام زمان علیه السلام، ذکر سفارش شده شیخ را شروع می کند. پیش از شب چهارم، یکی از فرزندان سید نزد او می آید و یک قالب صابون می خواهد. مغازه دار می گوید: «مادرت هم فقط ما را شناخته است. فلانی هم هست. می توانید از او بگیرید». این شخص می گوید: «شب که خوابیدم، ناگهان متوجه شدم از بیرون حیاط مرا صدا می زنند... در منزل را که گشودم، دیدم سیدی روی خود را پوشانده است و می گوید: «ما خود می توانیم بچه هایمان را اداره کنیم، ولی می خواهیم شما به جایی برسید!»

#### شوق وصال در آخرین لحظه

...و اما بشنوید آخرین لحظات عمر پربرکت جناب شیخ را از زبان فرزند گرامی اش: «...وضو گرفت و وارد اتاق شد و رو به قلبه نشست. به ناگاه از جا برخاست و بالبی خندان گفت: “آقا جان! خوش آمدید!” دست داد و دراز کشید و در حالی که آن خنده را بر لب داشت، جان به جان آفرین تسلیم کرد».<sup>۱</sup>

#### ۱۲. شیخ مرتضی زاهد

چند سالی درس حوزوی و طلبگی خواند، اما هنوز به درجه اجتهاد و یا مدرّس بودن نرسیده بود که تصمیم گرفت به خودسازی پردازد. در نتیجه، از رسیدن به مدارج علمی بازماند؛ گرچه بعدها می گفت: «بهتر بود که درس و بحث را تا رسیدن به درجه اجتهاد ادامه می دادم؟» زیرا این دو مسیر قابل جمع است و می توان به هر دو نایل شد و لازم نیست یکی فدای دیگری شود. البته اگر بنا باشد

۱. ر.ک: محمدی ری شهری، کیمیای محبت، ص ۶۱-۶۴ و ۲۰۹-۲۱۰ و ۲۶۳.

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۵۷

از یکی دست برداریم، حتماً انتخاب صحیح و حکیمانه این است که مهذب شدن را ترجیح دهیم.

او بر اثر تزکیه نفس، نفس مؤثری پیدا کرده بود که عالم و عامی را تحت تأثیر قرار می‌داد و با این که با تواضعی عجیب، مثل یک شاگرد، از برخی علما و فقها مسایل شرعی مورد ابتلای خود و دیگران را سؤال می‌کرد، اما عالمانی بزرگ از اینکه شاگرد و تلمیذ و مرید او باشند، خرسند بودند و از او بهره‌ها می‌بردند. او مسئولیت خود را ارشاد‌بندگان خدا می‌دانست و در آن‌جام این وظیفه تمام توان خود را به کار می‌گرفت. روش او در تبلیغ این نبود که از مطالب عرفانی اصطلاحی استفاده کند بلکه فقط و فقط آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام را با زبانی ساده و همه کس فهم برای مردم بازگو می‌کرد و نیز آنان را با مسایل شرعی و فقهی لازم آشنا می‌نمود؛ اما این امتیاز را داشت که مخاطبان او، ایمان، باور و خدایی بودن را در چهره و کلمات او لمس می‌کردند؛ گویا او با منبرهایش، حقیقت ایمان را به مردم نشان می‌داد و تلقین می‌کرد. او معتقد بود که تنها عامل رسیدن به کمالات معنوی و عروج روحانی، پس از استمداد از حضرت حق جل جلاله و توسل به اولیای خدا، آن‌جام واجبات و ترک محرمات است. خود او ورع و ترک مشتهات را دستور زندگی خود قرار داده بود. او گاهی احتیاط را به جایی می‌رساند که موجب شگفتی خواص هم می‌شد تا جایی که می‌گفتند: «این قبیل احتیاط‌ها هیچ لزومی ندارد و ترک آن حتی به تقوا هم آسیبی نمی‌رساند»، اما همه می‌فهمیدند که اعتقادی راسخ به معاد و حساب و کتاب، او را به این کارها وا می‌دارد.<sup>۱</sup>

---

۱. ر.ک: سیف‌اللہی، محمدحسن، آقا شیخ مرتضای زاهد، ص ۱۱-۱۳، مقدمه حضرت آیت‌الله استادی.

## سیر و سلوک حسینی

تا زمان حیات آقا سید کریم پینه‌دوز، هر هفته در شب‌های پنج‌شنبه، جلسه‌ی روضه در خانه‌ی او برقرار می‌شد. خانه‌ی آقا سید کریم در انتهای خیابان زیبا بود و آقا شیخ مرتضی هر هفته در تاریکی شب و در تابستان و زمستان و سرما و گرما، پیاده به راه می‌افتاد و به خانه‌ی آقا سید کریم می‌رفت و مسایل شرعی و اخلاقی را بیان می‌کرد و روضه می‌خواند و برمی‌گشت و همه هفته آقا شیخ مرتضی برای برپایی این جلسات، مقداری پول هم خودش به آقا سید کریم می‌داد.<sup>۱</sup>

او دوست می‌داشت تا در روزهای جانسوز شهادت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام از کلمات و الفاظی برای سینه‌زنی استفاده کند که تأیید و رضایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را در بر داشته باشد. به همین خاطر متوسل به ائمه اطهار علیهم السلام می‌شود و شبی در عالم خواب، خود را در کربلای امام حسین علیه السلام مشاهده می‌کند. در میان خیمه‌های مصیبت‌زده امام حسین علیه السلام این کلمات را به او القا می‌کنند و او نیز شروع به گفتن این کلمات می‌کند: «هذا عزاک یا حسین روحی فداک یا حسین؛ این بزم عزای توست یا حسین! روحم فدای تو یا حسین!» همراه با القای این کلمات، یک سوز عجیبی نیز به آقا شیخ مرتضی داده می‌شود و از آن سال به بعد، به محض اینکه در روزهای تاسوعا و عاشورا با همان لحن و صدای معمولی، می‌گفته است: «هذا عزاک یا حسین، روحی فداک یا حسین»، یک سوز و گداز غیرعادی و بسیار شدیدی به جان مردم می‌افتاده است و هر شنونده‌ای با هر معرفت و مرامی، به شدت منقلب و گریان می‌شده است.<sup>۲</sup>

۱. همان، ص ۱۷۳-۱۷۴.

۲. ر.ک: سیف‌اللهی، محمدحسن، آقا شیخ مرتضای زاهد، ص ۱۸۸-۱۸۹، مقدمه حضرت آیت‌الله استادی.

### مقام تشریف و ارتباط با امام زمان علیه السلام

شیخ مرتضی از طریق زهد و پشت پا زدن به دنیا و توسل و تمسک به اهل بیت علیهم السلام به مقام تشریف ارتباط با امام زمان علیه السلام، دست یافته بود. از یکی از بزرگان اهل علم پرسیدند: «این آقا شیخ مرتضی چه کرده است که توانسته به این خوبی هوای نفسش را از میان بردارد و به مقام تشریف دست یابد». پاسخ داد: «او آنچه از اخبار و احادیث معتبر از کلمات معصومین علیهم السلام را در کتاب‌ها دیده و خوانده، باور کرده است و این باور و یقین به معارف اهل بیت علیهم السلام او را به نورانیت و مقام تشریف رسانده است».<sup>۱</sup>

### منزل شیخ مرتضی، قدمگاه امام زمان علیه السلام

سال‌ها پیش، یک روز برای پرسیدن مسأله‌ای به خانه مرحوم آقا شیخ مرتضی زاهد رفته بودم. زمانی که وارد خانه شدم احساس کردم به غیر از من، آقایی در آن جا حضور دارند؛ ولی وقتی داشتم وارد اتاق می‌شدم، آن آقا از کنار من رد شد و بیرون رفت. لحظاتی بعد آقا شیخ مرتضی به کنارم آمد و با یک شور و حالی به من فرمود: «خوشا به حالت آقا سید مصطفی! خوشا به حالت!» من با دستپاچگی و تعجب عرض کردم: «مگر چه شده است آقا جان؟!» و آقا شیخ مرتضی فرمود: «خوشا به حالت آقا سید مصطفی! آیا می‌دانی همین الان چه بزرگواری از کنارت رد شدند و رفتند؟! آقا سید مصطفی! این امام زمانت حضرت بقیت‌الله الاعظم علیه السلام بود که در همین چند لحظه پیش از کنارت رد شد و عبای شریفش به عبای تو مالیده شد و...». من آن روز به اندازه‌ای خوشحال و ذوق‌زده شده بودم که می‌خواستم هر چه زودتر از خانه ایشان بیرون بیایم و این خبر را برای دیگران بازگو کنم؛ ولی نمی‌دانم چه حسابی در کار بود که از همان

۱. سیف‌اللهی، آقا شیخ مرتضی زاهد، ص ۲۱۵.

لحظه‌ای که پایم را از خانه آقا شیخ مرتضی بیرون گذاشتم، هیچ‌گاه نتوانستم آن خبر را برای کسی بیان کنم و قدرت و نیرویی جلوی بیان و افشای آن خبر را می‌گرفت تا اینکه بعد از شش سال، پس از آن که آقا شیخ مرتضی از دنیا رفت، من این اختیار را پیدا کردم تا آن را نقل کنم.<sup>۱</sup>

#### در سایه‌سار سرپرستی امام زمان علیه السلام

مقداری پول به عنوان سهم سادات به آقا شیخ مرتضی زاهد داده می‌شود تا او آن را به اهلش برساند. او آن اسکناس‌ها را در لای کتابی می‌گذارد و بعد از مدتی، آن پول‌ها از یادش می‌رود.

یک روز صدای در خانه آقا شیخ مرتضی بلند می‌شود. او خودش در را باز می‌کند. مردی با قیافه سادات در جلوی در ایستاده بود. آن آقای سید به آقا شیخ مرتضی می‌گوید: «آقا شیخ مرتضی! حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام به شما سلام رساندند و فرمودند به شما بگویم، شما مبلغی را که مدتی پیش به عنوان سهم سادات گرفته‌اید آن را در لای فلان صفحه در فلان کتاب گذاشته‌اید و یادتان رفته است تا آن را به مستحقش برسانید». و آقا شیخ مرتضی هم بلافاصله می‌رود و آن پول را درست از همان صفحه و از لای همان کتاب برمی‌دارد و به مصرف اهلش می‌رساند!<sup>۲</sup>

بارها گفته‌ام و بار دگر می‌گویم که من دلشده این ره نه به خود می‌پویم

#### عنایت ویژه امام زمان علیه السلام به شیخ مرتضی زاهد

سید کریم پینه‌دوز که از تربیت‌شدگان محضر شیخ مرتضی زاهد بوده است، در یکی از شب‌های جمعه، در صحن حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام به خدمت حضرت ولی عصر، حجت‌ابن‌الحسن‌العسکری علیه السلام مشرف می‌شود. در آن

۱. سیف‌اللهی، آقا شیخ مرتضای زاهد، ص ۲۹.

۲. همان، ص ۱۴۹-۱۵۰.

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۶۱

تشریف حضرت بقیت‌الله الاعظم علیه السلام به آقا سید کریم پینه‌دوز می‌فرمایند: «سید کریم! بیا به زیارت جدم حضرت رضا علیه السلام برویم!»

در آن شب آقا سید کریم فقط بعد از چند قدم راه رفتن، خودش را با امام زمانش در صحن مقدس حرم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌بیند. آقا سید کریم همراه با حضرت، به حرم حضرت امام رضا علیه السلام مشرف می‌شود و بعد از زیارت، با همان کیفیت به تهران باز گردانده می‌شود.

در این هنگام باز حضرت بقیت‌الله الاعظم امام زمان علیه السلام به آقا سید کریم پینه‌دوز می‌فرمایند: «آقا سید کریم! بیا به سر قبر حاج سید علی آقا مفسر برویم!» آقا سید کریم به دنبال حضرت حجت‌ابن‌الحسن العسکری علیه السلام به سوی قبر مرحوم آقا سید علی مفسر، مدفون در امامزاده عبدالله شهر ری، به راه می‌افتد.

در نزدیکی قبر، آقا سید کریم مشاهده می‌کند روح مرحوم آقا سید علی مفسر از قبر و از جایگاهش بیرون آمد و باعجله و شتاب و با اظهار خلوص و ادب و ارادت به ساحت مقدس آخرین امام و خلیفه الهی به استقبال آن حضرت آمد... در آخرین لحظه‌های این ملاقات، مرحوم آیت‌الله حاج سید علی آقای مفسر، رو به آقا سید کریم پینه‌دوز می‌کند و به او می‌گوید: «آقا سید کریم! به آقا شیخ مرتضی زاهد سلام مرا برسان و به او بگو چرا حق رفاقت و دوستی را فراموش کرده‌ای و بر سر قبر من و به دیدنم نمی‌آیی؟» در این هنگام، امام زمان علیه السلام جمله بسیار پرمحبتی را بر زبان می‌آورند؛ جمله‌ای که هر شیعه‌ای را گریان و نالان می‌نماید؛ جمله‌ای که گفتن و عمل کردنش را فقط از این خاندان می‌توان انتظار داشت. حضرت بقیت‌الله امام زمان علیه السلام به مرحوم حاج سید علی مفسر می‌فرمایند: «آقا سید علی! آقا شیخ مرتضی گرفتار و از آمدن معذور است؛ من به جای او به دیدن تو خواهم آمد!»<sup>۱</sup>

۱. سیف‌اللهی، آقا شیخ مرتضای زاهد، ص ۵۲-۵۳؛ به نقل از شریف رازی، گنجینه دانشمندان.

## ۱۳. سید کریم پاره‌دوز

نام و شهرتش «آقا سید کریم محمودی» بود، اما از آن جا که در گوشه‌ای از بازار تهران به پینه‌دوزی و پاره‌دوزی مشغول بود، به «آقا سید کریم پینه‌دوز» مشهور گشته بود. آقا سید کریم، در پرتو ارتباط خاص ولایی با ساحت مقدس امام زمان ارواحناده به مقامات والای عرفانی و توحیدی دست یافته بود؛ تا جایی که بیشتر علمای اهل معنای تهران<sup>۱</sup> معتقد بوده‌اند که حضرت بقیت‌الله‌الاعظم علیه السلام به مغازه کوچک آن جناب تشریف می‌برده و با او هم صحبت می‌شده‌اند. در دوران حیات آقا سید کریم، تنها برخی از اولیای خدا و معدودی از دوستان صمیمی آن جناب از مقامات، حالات و تشرفات او باخبر بوده‌اند. همین عده اندک نیز تنها به برخی از تشرفات آقا سید کریم، آن هم بعد از وفات او، اشاره کرده‌اند؛ به عنوان مثال بسیاری از حکایات و تشرفات آقا سید کریم، بعد از وفاتش، از طریق مرحوم حاج شیخ مرتضای زاهد که حق استادی بر سید کریم داشته، فاش شده است.

## راز تشرفات سید کریم

آقا سید کریم پینه‌دوز، همچون آقا و مولایش حضرت بقیت‌الله‌الاعظم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، به صورت دایم در هر صبح و شام، دقایقی را به یاد سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه السلام گریان می‌گشته است و بدون

---

۱. برخی از محققان بزرگوار، نام تنی چند از علمای ربانی را که از مقامات و حالات آقا سید کریم باخبر بوده و به آن جناب اعتقاد داشته‌اند، چنین برشمرده‌اند: ۱. آیت‌الله حاج آقا سید یحیی سجادی؛ ۲. آیت‌الله حاج سید علی آقا مفسر تهرانی؛ ۳. آیت‌الله آقا شیخ مرتضی زاهد؛ ۴. حاج شیخ محمود یاسری؛ ۵. آقا شیخ محمد حسین زاهد؛ ۶. آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی نوری. هر یک از این بزرگواران، از علمای معروف روزگار در عرصه زهد و تقوا و معرفت بوده‌اند. ر.ک: سیف‌اللهی، محمدحسن، آقا شیخ مرتضای زاهد، ص ۵۱؛ رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، ج ۶، ص ۴۷.

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۶۳

استثنا در طول سال، در هر صبح و شام قطره‌های اشکی جانسوز از دیدگانش سرازیر می‌شده است.<sup>۱</sup>

جناب شیخ عبدالکریم حامد نقل می‌کند که از جناب سید کریم پینه‌دوز که هر هفته به ملاقات مولا توفیق می‌یافت، پرسیده شد: «چه کرده‌ای که به چنین توفیقی دست یافته‌ای؟» او در جواب گفت: «شب‌ی جدم پیامبر ختمی مرتبت ﷺ را در عالم رؤیا دیدم. از ایشان تقاضای ملاقات با امام عصر سلام‌الله‌علیه را نمودم. آن حضرت فرمودند: «در طول شبانه‌روز دو مرتبه برای فرزندم سیدالشهدا ﷺ گریه کن!» از خواب بیدار شدم و این برنامه را به مدت یک سال اجرا نمودم تا به تشریف خدمت آن حضرت نایل آمدم.»<sup>۲</sup>

### رحلت سید کریم

حضرت آیت‌الله حاج سید محسن خرازی می‌فرمود: «مرحوم پدرم برای ما نقل کرد و گفت: یک روز آقا سید کریم پینه‌دوز برای خداحافظی به مغازه ما آمد. او قرار بود به عتبات عالیات و کربلای امام حسین ﷺ مشرف شود. آقا سید کریم در حالی که با ما خداحافظی می‌کرد، گفت: «من به کربلا مشرف می‌شوم، ولی از این سفر باز نخواهم گشت و در همان کربلا از دنیا خواهم رفت و همان‌جا مدفون می‌شوم!» ما این سخن را در حالی که دوست نداشتیم آن را باور کنیم، از آقا سید کریم شنیدیم و او به کربلا مشرف شد. بعد از مدتی خبر رسید که آقا سید کریم پینه‌دوز در کربلا از دنیا رفته است و او را در صحن مطهر امام حسین ﷺ به خاک سپرده‌اند!»<sup>۳</sup>

۱. آقا سید کریم پینه‌دوز، یکی از شاگردان و تربیت شده‌های آقا شیخ مرتضی زاهد بوده است.

۲. سیف‌اللهی، محمدحسن، آقا شیخ مرتضای زاهد، ص ۱۱۹.

۳. به نقل از استاد بزرگوار حجت‌الاسلام حاج شیخ کاظم صدیقی دامت‌افاضاته.



## جلوه‌ای از تشرفات سید کریم

در یکی از تشرفات سید کریم، امام زمان علیه السلام به او می‌فرمایند: «سید کریم! اگر هفته‌ای بر تو بگذرد و ما را نبینی چه می‌کنی؟» سید در پاسخ می‌گوید: «آقا جان! به خدا می‌میرم!» و امام زمان علیه السلام می‌فرمایند: «اگر این گونه نبود، هفته‌ای یکبار ما را نمی‌دید!» در یکی دیگر از تشرفات، امام زمان علیه السلام خطاب به سید کریم می‌فرمایند: «آیا کفش ما را نیز می‌دوزی؟» و سید بلافاصله می‌گوید: «بله آقا جان! اما سه نفر جلوتر از شما کفششان را آورده‌اند». امام زمان علیه السلام روحی‌فداه، دقایقی بعد، بار دیگر می‌فرمایند: «سید! کفش ما را نمی‌دوزی؟» و سید می‌گوید: «چرا آقا جان! بعد از این سه کفش می‌دوزم.» دقایقی می‌گذرد و امام زمان علیه السلام برای بار سوم می‌پرسند: «سید! آیا کفش ما را نمی‌دوزی؟» در این هنگام، سید طاقت از کف می‌دهد و برمی‌خیزد و امام زمانش را در آغوش می‌گیرد و می‌گوید: «سید و آقای من! این همه مرا امتحان نفرمایید! اگر یک مرتبه دیگر بفرمایید، فریاد می‌زنم و همه را خبردار می‌سازم که یوسف فاطمه در آغوش من است».<sup>۱</sup>

دریافت حواله منزل به عنایت امام زمان علیه السلام

مرحوم آقای حاج محمود کاشانی،<sup>۲</sup> شبی در خواب، حضرت ولی عصر علیه السلام عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف را زیارت می‌کند. آن حضرت علیه السلام به او امر می‌کند تا فردا صبح، فلان منزل را در فلان آدرس برای آقا سید کریم پینه‌دوز خریداری کند و در فلان ساعت در حالی که آقا سید کریم با وسایل خانه‌اش در کوچه

---

۱. همان.

۲. مرحوم آقای حاج محمود کاشانی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه، از تجار و بازرگانان بزرگ تهران، یکی از اغنیای بسیار پاک و باتقوایی بوده که در خدمت به دین خدا، بسیار خوش‌فهم و کوشا و فعال بوده است. یکی از توفیقات آن مرحوم و پدر بزرگوارشان، مرحوم آقای حاج محمد حسین کاشانی، ترمیم و بازسازی صحن حرم حضرت سیدالشهدا علیه السلام بوده است.

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۶۵

نشسته است، به آن‌جا برود و کلید منزل را به او تحویل بدهد. آقای کاشانی این خواب و رؤیا را از خواب‌های صادقانه به شمار می‌آورد و صبح همان شب، به آدرس و نشانه‌ای که حضرت حجت علیه السلام به او فرموده بودند، می‌رود و آن خانه و صاحبش را پیدا می‌کند و درمی‌یابد که آدرس و نشانه‌هایی که در خواب به او فرموده‌اند، بسیار دقیق و واقعی است. وقتی با صاحبخانه درباره خرید خانه‌اش صحبت می‌کند، او با خوشحالی از این موضوع استقبال می‌کند و برای آقای کاشانی فاش می‌سازد که به علت داشتن بدهکاری، در شب گذشته به امام زمان علیه السلام متوسل شده است تا این خانه به سرعت به فروش برسد قرضش را ادا کند! آقای حاج محمود کاشانی آن خانه را خریداری می‌کند و کلیدش را از صاحبخانه می‌گیرد و درست در همان ساعتی که حضرت ولی عصر علیه السلام امر کرده بودند، به سوی خانه آقا سید کریم می‌رود و می‌بیند که او، با اسباب و اثاثیه‌اش در کوچه نشسته است!

از ده روز پیش، مدت اجاره‌نامه آقا سید کریم تمام شده و صاحبخانه ده روز مهلت داده بود تا خانه دیگری بیابد. سید کریم وقتی خانه مناسبی نیافته بود، درست پس از پایان مهلت مقرر، بدون هیچ دلخوری و اعتراضی و بدون این که صاحبخانه‌اش را در جریان بگذارد، تمام اسباب و اثاثیه‌اش را از آن خانه بیرون آورده و در گوشه‌ای از کوچه نهاده بود. در همان زمان، حضرت بقیت‌الله‌الاعظم علیه السلام به کنار این عاشق حقیقی و دلسوخته‌اش آمده و به آقا سید کریم فرموده بودند: «ناراحت مباش! اجدادمان نیز مصیبت‌های بسیاری کشیده‌اند»، و آقا سید کریم با حالتی از مزاح عرض کرده بود: «درست است آقا جان، ولی هیچ کدام از اجدادمان به اجاره‌نشینی مبتلا نشده بودند.»

در این هنگام لب‌های مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام به تبسم باز شده و فرموده بودند: «ترتیب کارها را داده‌ایم، پس از چند دقیقه دیگر، مشکل حل می‌شود.» و

دقایقی بعد از رفتن آن وجود مقدس، آقای حاج محمود کاشانی به آنجا رسیده بود...<sup>۱</sup>

#### دریافت حلوائی بهشتی از دست امام زمان علیه السلام

یکی از روزهای سرد زمستان بود. چندین سانتیمتر برف روی زمین نشسته بود و کار و کاسبی به شدت کساد شده بود. آن روز از صبح تا غروب خبری از مشتری نبود؛ اما آقا سید کریم پینه‌دوز به امید روزی حلال تا پاسی از شب در مغازه بسیار کوچکش به انتظار نشسته بود. کم کم ساعت از دوازده نیمه شب هم گذشت. او دیگر دلش نمی‌آمد دست خالی به خانه‌اش برود. همهٔ بچه‌ها تا آن ساعت از شب با شکم‌های گرسنه خوابشان برده بود و خدا را خوش نمی‌آمد تا آن‌ها صدای در را بشنوند و با خوشحالی بیدار شوند، ولی دست‌های آقا سید کریم را خالی بینند. آقا سید کریم پینه‌دوز، مؤمنی بسیار ساده و بی‌آلایش بود؛ اما به اندازهٔ همهٔ ظرفیتش، خودش را به خدای سبحان تسلیم کرده بود؛ و بی‌هیچ کم و کاستی به وظایفش عمل می‌کرد؛ دلش مملو از رضایت و سرشار از اخلاص و صفا بود؛ او یاد گرفته بود که باید در هر شرایطی با خدا یکرنگ و یکدل باشد؛ به راستی که اگر به یکباره صاحب میلیاردها تومان می‌شد، باز هم همان حالی را داشت که آن شب داشت؛ این یکرنگی و یکدلی با خدا در او تثبیت شده بود؛ هر لحظه خود را در محضر حق می‌دید و لحظه به لحظه مراقب بود تا طبق معارف و آموزه‌های اهل بیت عصمت و طهارت عمل کند و در هر شرایطی آن‌گونه باشد که خدا می‌خواهد.

...گویا آقایی او را صدا می‌زد: «آقا سید کریم! آقا سید کریم» رویش را به طرف صاحب صدا برگرداند. آقایی جلیل‌القدر در مقابلش ایستاده بود و چندین

۱. سیف‌اللہی، محمدحسن، آقا شیخ مرتضای زاهد، ص ۱۱۶-۱۱۸.

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۶۷

نان تازه و داغ را با دو دستش جلوی آقا سید کریم گرفته بود: «بگیر آقا سید کریم!» نان‌ها را گرفت؛ داغی نان‌ها را در آن سرما و برف و یخبندان به خوبی احساس می‌کرد؛ ولی سرش را که بالا آورد، دیگر آن آقای بزرگوار را در مقابلش ندید و هیچ اثری از او نبود! با خوشحالی به سوی خانه رفت. حالا دیگر ارزشش را داشت که با این نان‌های داغ، بچه سیدهای گرسنه را از خواب بیدار کند. سفره را انداختند و با خوشحالی به دورش جمع شدند. لای نان‌ها را که باز کردند، بیشتر خوشحال شدند. لای نان‌ها مقداری حلوای داغ و تازه بود. شروع به خوردن کردند. عجب نان و حلوای خوشمزه و لذیذی بود؛ عجب عطر و بوی روح‌افزا و جان‌بخشی داشت. بی‌علت نبود که خانم سید کریم تندتند به بچه‌ها می‌گفت: «همه را نخورید! مقداری هم نگه‌داریم، فردا صبح بخوریم». نان و حلوای باقیمانده را در سفره گذاشتند. صبح شد و خانم سید به سوی سفره رفت، اما با صحنه بسیار شگفت و عجیبی روبه‌رو شد. برای او باورکردنی نبود. بسیار خوشحال و مسرور شد و باعجله آقا سید کریم را در جریان گذاشت. خیلی عجیب بود. درست به همان اندازه نان و حلوایی که دیشب خورده بودند، در سفره بود؛ انگار نه انگار که دیشب از آن نان و حلوا خورده باشند! بچه‌های آقا سید دوباره مشغول خوردن نان و حلوا شدند. آنان به مقتضای سن و سالشان متوجه نبودند چه اتفاقی افتاده است، اما آقا سید کریم همه چیز را می‌دانست. او به طور مرتب به خانمش گوشزد می‌کرد که مواظب باش کسی از این ماجرا بویی نبرد؛ چرا که دوام این نعمت به این است که هیچ کس از آن باخبر نشود!

...پس از یک هفته، یکی از خانم‌های همسایه به عطر و بویی که گاه و بی‌گاه در فضای خانه آقا سید کریم می‌پیچید، مشکوک شد. او هر طوری که بود، می‌خواست خانم آقا سید کریم را به حرف بگیرد و عاقبت هم موفق شد و به گوشه‌ای از راز عطر و بوی نان و حلوای تازه پی برد، اما باز هم دست‌بردار نبود.

او کمی از آن نان و حلوا را برای شفای مریض می‌خواست. هر دو خانم به سراغ سفره رفتند و سفره را باز کردند، اما هر دو حاج و واج ماندند. خانم همسایه زیرچشمی نگاهی معنادار و زننده داشت و خانم آقا سید کریم نیز نگاهی حاکی از شرمندگی و خجالت‌زدگی و سپس حسرت و پشیمانی؛ زیرا دیگر هیچ اثری از آن نان و حلوای تازه باقی نمانده بود!

آقا سید کریم پینه‌دوز خودش به مرحوم آقای حاج سید محمد کسایی<sup>۱</sup> تأکید کرده بود که آن نان و حلوای داغ و تازه به دست حضرت بقیت‌الله‌الاعظم به من مرحمت شد و اگر خانواده ما می‌توانست جلوی زبانش را بگیرد و رازداری کند، آن نان و حلوای تازه تا آخر عمر برای ما باقی می‌ماند!<sup>۲</sup>

#### سید کریم و تشرف در صحن عبدالعظیم

سید کریم پینه‌دوز، در یک شب جمعه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم به محضر امام عصر<sup>علیه السلام</sup> مشرف می‌شوند. آن بزرگوار به سید کریم می‌فرماید: «سید! بیا تا به زیارت جدم حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> برویم». سید کریم می‌گوید: «در خدمت آن حضرت، از صحن بیرون آمدیم، هنوز چند قدم با او برنداشته بودم که خود را در صحن حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> دیدم. وارد حرم مطهر شدیم و زیارت و نماز گزاردیم و آن‌گاه با همان حال به تهران آمدیم. در تهران فرمود: «بیا تا سر قبر حاج سید علی مفسر برویم». قبر آن مرحوم در صحن امامزاده عبدالله بود، هنگامی که نزدیک شدیم، دیدم که او از قبر برخاست و به استقبال آمد و به امام عصر<sup>علیه السلام</sup> اظهار ادب و اخلاص کرد و رو به من گفت:

۱. این داستان را مرحوم حاج سید محمد کسایی، بدون واسطه از مرحوم آقا سید کریم شنیده و نقل کرده است.

۲. سیف‌اللهی، محمد حسن، آقا شیخ مرتضای زاهد، ص ۱۲۳-۱۲۶.

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۶۹

«آسید کریم! سلام مرا به حاج شیخ مرتضی زاهد، برسان و بگو حق دوستی و رفاقت را، گویی از یاد برده‌ای که به دیدن ما نمی‌آیی».

حضرت در پاسخ او فرمود: «آسید علی! حاج شیخ مرتضی گرفتار و از آمدن معذور است، من به جای او خواهم آمد».<sup>۱</sup>

### ۱۴. شیخ عبدالزهره کعبی

#### غلام حضرت زهرا علیها السلام

در روز ولادت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام متولد شد و از این رو عبدالزهره نامیده شد و در شب شهادت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام، سال ۱۳۹۴ هـ. ق، از دنیا رفت و در روز شهادت آن حضرت تشییع و به خاک سپرده شد.

در استفاده از وقت خویش بسیار دقیق بود. کم‌خواب و کم‌خوراک بود و عمرش را در راه تحصیل علم و تبلیغ معارف اهل‌بیت علیهم السلام صرف کرده بود. با آن‌که از مشهورترین خطبای عراق، کشورهای خلیج و دیگر کشورهای اسلامی بود، بسیار ساده و زاهدانه می‌زیست و اموالی را که به خاطر منبرهایش به او هدیه می‌دادند، در میان فقیران و یتیمان تقسیم می‌نمود. به سوی عمل خیر سبقت می‌گرفت و در تشکیل مؤسسات اسلامی و خیریه تکاپویی فوق‌العاده داشت.

خطبا را فراوان احترام می‌کرد و در راه «تربیت خطیب» بسیار می‌کوشید. خود را غلام و خادم سادات و فرزندان حضرت زهرا علیها السلام می‌دانست.<sup>۲</sup>

#### سلوک حسینی، رمز و راز وصال

آن بزرگمرد الهی، در محبت امام حسین و اهل‌بیت علیهم السلام فانی و از خودبی‌خود

---

۱. قاضی زاهدی، احمد، شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ به نقل از شریف‌رازی، کرامات صالحین.

۲. الشریفی، محمود، مقتل الامام الحسین علیه السلام للمرحوم الخطیب الشیخ عبدالزهره الکعبی، ص ۹-۱۰.

## ۲۷۰ □ سلوک مهدوی

گشته بود. تمام عمر شریف خویش را در راه احیای مجالس امام حسین علیه السلام و دفاع از حریم حسینی وقف کرده بود.

روزهای عاشورا در کاروان عزاداری طویریج مشارکت می نمود و با سوز و گدازی عجیب به روضه خوانی می پرداخت. هر سال، عصر روز عاشورا بر تل زینیه می نشستند و با نغمه ای دلربا و حزین مقتل امام حسین علیه السلام را از حفظ می خواندند.<sup>۱</sup>

او نخستین فردی بود که مقتل خوانی امام حسین علیه السلام را با شیوه ای جدید و به صورتی مستند به همراه صوتی جذاب و لحنی حزین ابداع کرد؛ به گونه ای که مقتل خوانی او، دل هر شنونده ای را می لرزاند و قلوب را غرق سوز و گداز و چشم ها را لبریز از اشک و آه می ساخت.<sup>۱</sup>

آری، آن رادمرد الهی از رهگذر صفا و اخلاص خویش در عرصه عشق و محبت حسینی، بارها و بارها به هنگام روضه خوانی و مرثیه سرایی امام حسین علیه السلام به محضر حضرت ولی عصر روحی فداه مشرف گشته بود. گاه می شد که پس از پایان روضه، بلافاصله از منبر پایین می آمد و بی اعتنا به جمعیت، خود را به مکانی خاص می رساند و آن مکان را غرق بوسه می ساخت و گاه باشتاب سیل جمعیت

را می شکافت و مسیری خاص را می پیمود؛ گویا به دنبال مولای خویش روان گشته تا او را بدرقه و مشایعت نماید.

### تشریف در صحن و سرای حسینی

اینک بنگرید یکی از تشرفات پرشور او را به هنگام روضه خوانی اباعبدالله علیه السلام در صحن و سرای کربلا از زبان گیرا و تأثیرگذار خودش:

---

۱. الشریفی، محمود، مقتل الامام الحسين علیه السلام للمرحوم الخطيب الشيخ عبدالزهراء الكعبي، ص ۹-۱۰.

۱. همان.

## سلوک مهدوی در سیمای تشریف‌یافتگان □ ۲۷۱

یک روز بعد از ظهر وارد صحن مطهر امام حسین علیه السلام شدم؛ شخصی در مقابل یکی از حجره‌های صحن شریف کتاب‌های مذهبی می‌فروخت و من با وی سابقه‌آشنایی داشتم.

چون مرا دید گفت: «کتابی دارم که شاید برای شما نافع باشد و در آن اشعاری وجود دارد که زینده شما می‌باشد و قیمت آن این است که یک‌بار آن را برایم بخوانی!» آن اشعار گمشده من بود و مدتی در جستجوی آن بودم. آن را گرفتم و در هنگامی که به خواندن آن مشغول بودم، ناگهان دیدم سیدی از بزرگان عرب در برابرم ایستاده و به اشعار گوش می‌دهد و گریه می‌کند. چون به این بیت رسیدم: «أَيُقْتَلُ ظَمَانًا حُسَيْنٍ بِكَرْبَلَاءٍ وَ فِي كُلِّ عَضْوٍ مِنْ أُنَامِلِهِ بَحْرٌ؛ أَيَا حُسَيْنٍ علیه السلام در کربلا تشنه لب کشته می‌شود، در حالی که در هر بندی از انگشتان او دریایی از فضیلت موج می‌زند!»، گریه آن بزرگوار شدید شد و رو به ضریح امام حسین علیه السلام نموده، این بیت را تکرار می‌فرمود و همچون مادر جوان مرده می‌گریست. همین که اشعار را به پایان رساندم، دیگر آن بزرگوار را ندیدم. برای دیدن ایشان از صحن خارج شدم تا شاید آن جناب را بیایم، ولی ایشان را ندیدم. به هر کجا رو نمودم اثری نیافتم. در آن هنگام، به یقین دانستم او حضرت حجت و امام منتظر علیه السلام بوده است.<sup>۱</sup>

### عنایت ویژه امام زمان علیه السلام به قصیده ابن‌عرندس

ابن‌عرندس یکی از علمای شیعه و بزرگان مذهب ما است که علاوه بر مراتب علم و کمال دارای طبعی رسا و پرجاذبه بوده و اشعاری که سروده است گواه بر محبت عجیب او به خاندان وحی، و برائت از دشمنان آن بزرگواران می‌باشد.

---

۱. قاضی‌زاهدی، احمد، شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۷۲؛ لک‌علی‌آبادی، محمد، عزیز آل یاسین،



همان‌گونه که در زمان حیاتش مورد توجه همگان بود، پس از وفاتش نیز مردم به او ارادت می‌ورزیدند؛ به حدی که پس از گذشت ده‌ها سال، هنوز مرقد وی در حله زیارتگاه عموم است. او در اثبات ولایت اهل بیت علیهم‌السلام اشعار مهمی سرود و به این وسیله بذر ولایت و محبت آنان را در قلب‌ها بارور ساخت.

مهم‌ترین شعر او قصیده‌ای است که فضایل خاندان رسالت بالاخص امام عصر ارواحنافداه را در آن ذکر کرده و شهادت امام حسین علیه‌السلام را به صورتی بسیار غم‌انگیز بیان نموده است. تأثیر کلام او در این قصیده آن‌چنان زیاد است که علامه امینی در کتاب ارزشمند الغدیر فرموده است: «در میان اصحاب ما چنین معروف است که در هر مکانی این قصیده خوانده شود، موجب تشریف‌فرمایی سرور عالم امکان حضرت بقیت‌الله‌الاعظم ارواحنافداه به آن مکان می‌شود».<sup>۱</sup>

قصیده ابن‌عزندس،<sup>۲</sup> بر اثر این‌گونه جریانات، مورد توجه دوستان اهل بیت علیهم‌السلام قرار گرفته و با خواندن قصیده او، عنایات حضرت بقیت‌الله ارواحنافداه را به سوی خود جلب می‌کنند.

۱. علامه امینی، الغدیر، ج ۷، ص ۱۴.

۲. این قصیده را مرحوم علامه امینی در کتاب الغدیر، ج ۷، ص ۱۴ و مرحوم شیخ طریحی در المنتخب و علامه سماوی در الطلیعة و خطیب دانشمند یعقوبی در البابلیات و برخی دیگر از بزرگان در کتاب‌های خود آورده‌اند.

### ای بهار! کی ظهور می‌کنی؟

ای نسیم سرخوشی که از کرانه‌ها عبور می‌کنی!  
ای چکاوکی که کوچ تا به جلگه‌ای دور می‌کنی!  
آی ابر غم‌گرفته مه‌اجری که خاک تیره را!  
آشنای تند بارش شبانه بلور می‌کنی!  
ای ترنمی که پا به پای رودها و آبشارها!  
خلوت سواحل خموش را فضای شور می‌کنی!  
آی راهیان! گر از دیار یار ما عبور می‌کنید!  
پرسشی کنید از او که ای بهار! کی ظهور می‌کنی؟<sup>۱</sup>



### فهرست منابع (کتابنامه)

۱. آشتی با امام زمان علیه السلام، محمد شجاعی.
۲. آفتاب تابان ولایت، محمدی اشتهاردی.
۳. آفتاب ولایت، محمدتقی مصباح یزدی.
۴. آقا شیخ مرتضای زاهد، محمدحسن سیف‌اللهی.
۵. آئینه دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی.
۶. آئینه زیبایی‌ها، سید محمود بحر العلوم میردامادی.
۷. الارشاد، شیخ مفید.
۸. اثبات الهداة، شیخ حر عاملی.
۹. الاحتجاج، طبرسی.
۱۰. إحقاق الحق، شوشتری.
۱۱. اساطیر هند، ورونیکا ایونس.
۱۲. إقبال الاعمال، سیدبن طاووس.
۱۳. إلزام الناصب، یزدی حائری.
۱۴. امام المهدي، قزوینی.

## ۲۷۶ □ سلوک مهدوی

۱۵. أعيان الشيعة، سيد محسن امين عاملى.
۱۶. ارتباط معنوى با حضرت مهدى عليه السلام، حسين گنجى.
۱۷. بحار الانوار، علامه محمدتقى مجلسى.
۱۸. بشارة المصطفى لشيعه المرتضى، طبرى.
۱۹. بشارة الاسلام فى ظهور صاحب الزمان، كاظمى.
۲۰. به سوى محبوب، ساعدى.
۲۱. تبصرة الولى فى من رأى القائم المهدى، علامه سيد هاشم بحراني.
۲۲. التفسير، عياشى.
۲۳. التفسير، فرات كوفى.
۲۴. تحف العقول، حرانى.
۲۵. التهجد، سيدبن طاووس.
۲۶. التاج، ناصف.
۲۷. التفسير، القرطبي.
۲۸. حديقة الشيعة، محقق اردبيلي.
۲۹. حكومت جهانى حضرت مهدى عليه السلام، آيت الله مكارم شيرازى.
۳۰. جنة المأوى، ميرزا حسين نورى.
۳۱. جامى از زلال كوثر، محمدتقى مصباح يزدى، تحقيق محمدباقر حيدرى كاشانى.
۳۲. خورشيد مغرب، محمدرضا حكيمى.
۳۳. دلائل الامامه، محمدبن جرير طبرى.
۳۴. الدر المنثور، سيوطى.
۳۵. ديوان، امام خمينى.
۳۶. در محضر بزرگان، غرويان.

۳۷. دریای عرفان، هادی هاشمیان.
۳۸. در آسمان معرفت، حسن حسن‌زاده آملی.
۳۹. درود و درد، سعید مقدس.
۴۰. روح اخلاص، مجید محبوبی.
۴۱. راه وصال امام زمان علیه السلام، عبدالمهدی.
۴۲. رند عالم‌سوز، مجید هوشنگی.
۴۳. روح مجرد، محمدحسین حسینی تهرانی.
۴۴. روزنامه رسالت.
۴۵. روزنامه جمهوری.
۴۶. رساله‌های توضیح‌المسائل، مراجع معظم تقلید.
۴۷. رساله اجوبة الاستفتائات، سید علی خامنه‌ای.
۴۸. زیارت اباعبدالله و زیارت شهدای کربلا منسوب به ناحیه مقدسه، زراعتی و حیدری.
۴۹. سیمای مهدی موعود در آینه شعر فارسی، محمدعلی مجاهد.
۵۰. سودای روی دوست، مرتضی آقاههرانی.
۵۱. سید بحرالعلوم دریای بی ساحل، علی‌لو.
۵۲. سیمای فرزندگان، رضا مختاری.
۵۳. سیری در آفاق، حسین حیدری کاشانی.
۵۴. ششصد نکته در محضر بهجت، محمدحسین رخشاد.
۵۵. شیفتگان حضرت مهدی، احمد قاضی زاهدی.
۵۶. شمس ولایت، سالنامه تخصصی امام زمان علیه السلام.
۵۷. صحیفه نور، امام خمینی.
۵۸. صحیفه المبارکة المهدویة، مجتهدی.

## ۲۷۸ □ سلوک مهدوی

۵۹. صحیفه مهديه، سيد مرتضى مجتهدى.
۶۰. صحيح مسلم، ابوالحسين مسلم بن حجاج نيشابورى.
۶۱. صحيح بخارى، محمد بن اسماعيل بخارى.
۶۲. الصواعق المحرقة، عسقلانى.
۶۳. الطبقات الكبرى، كاتب الواقدى.
۶۴. ظهور حضرت مهدى عليه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، هاشمی شهیدی.
۶۵. عطش (سیری در زندگانی سيد على آقا قاضی طباطبایى)، مؤسسه فرهنگى شمس الشموس.
۶۶. عقد الدرر، يوسف بن يحيى بن على المقدسى المسلمى الشافعى.
۶۷. عشق برتر، جواد محدثى.
۶۸. الغدير، علامه امينى.
۶۹. الغيبه، نعمانى.
۷۰. فتوحات مكيه، ابن عربى.
۷۱. فتح خون، سيد مرتضى آوينى.
۷۲. فصوص الحكم، محى الدين بن عربى.
۷۳. فريادگر توحيد مؤسسه تحقيقاتى اهل بيت عليهم السلام .
۷۴. فوائد الرضويه.
۷۵. فلاح السائل، سيد بن طاووس.
۷۶. فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه السلام ، پژوهشكده باقرالعلوم.
۷۷. فصلنامه تخصصى انتظار موعود، شهيد مرتضى مطهرى.
۷۸. قيام و انقلاب مهدى عليه السلام شهيد مرتضى مطهرى.
۷۹. الكافى، شيخ كلينى.

۸۰. کشف الغمّه فی معرفة الأئمة، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح الاربلی.
۸۱. کتاب مقدس، عهد قدیم، کتاب اشعیای نبی.
۸۲. کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متی.
۸۳. کمال‌الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق.
۸۴. کیمیای محبت، محمد محمدی ری‌شهری.
۸۵. کلیات مفاتیح‌الجنان، شیخ عباس قمی.
۸۶. گنجینه‌ای از تلمود، دکتر راب.
۸۷. گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران.
۸۸. گنجینه دانشمندان، شریف رازی.
۸۹. مکتب اسلام (سالنامه) جمعی از نویسندگان.
۹۰. المراقبات، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی.
۹۱. متأله قرآنی، محمدعلی رحیمیان فردوسی.
۹۲. مقتل الامام الحسین علیه السلام للمرحوم الخطیب الشیخ عبدالزهر الکعبی، محمود شریفی.
۹۳. مهدی موعود، آیت‌الله شهید دستغیب.
۹۴. منتهی‌الامال، شیخ عباس قمی.
۹۵. مهر تابان، علامه سید محمدحسین تهرانی.
۹۶. میر مهر (جلوه‌های محبت امام زمان علیه السلام)، مسعود پورسیدآقایی.
۹۷. موعود امم، شیخ رئیس کرمانی.
۹۸. من لا یحضر الفقیه، شیخ صدوق.
۹۹. میثاق و سیده، سعید مقدس.



۲۸۰ □ سلوک مهدوی

۱۰۰. معانی الاخبار، شیخ صدوق.
۱۰۱. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری.
۱۰۲. منهاج السند، ابن تیمیه.
۱۰۳. موسوعة الكلمات الامام الحسين عليه السلام.
۱۰۴. الملاحم و الفتن، سیدین طاووس.
۱۰۵. منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی.
۱۰۶. المناقب، ابن شهر آشوب.
۱۰۷. مهدی منتظر، محمد جواد خراسانی.
۱۰۹. مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم عليه السلام، محمد تقی موسوی اصفهانی.
۱۱۰. مردان علم در میدان عمل، سید نعمت الله حسینی.
۱۱۱. نور الابصار، شبلینجی.
۱۱۲. نجم الثاقب، میرزا حسین نوری.
۱۱۳. ناگفته های عارفان، محمد جواد نورمحمدی.
۱۱۴. نرم افزار مجموعه سخنرانی های آیت الله صمدی آملی.
۱۱۵. نرم افزار مجموعه سخنرانی های دکتر حسن عباسی.
۱۱۶. نرم افزار قرار دل.
۱۱۷. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی.
۱۱۸. یادها و یادگارها، تاجدینی.
۱۱۹. یوم الخلاص، کامل سلیمان.
۱۲۰. ینابیع المودّة، قندوزی.